

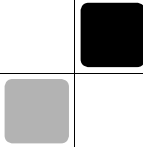
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نیریز

سال دهم □ شماره سی و هشتم □ پاییز ۱۳۹۰

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول	سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری
سر دبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید - دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر حسین علایی - دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر محمود یزدان فام - پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
مدیر اجرایی	حسن دری
صفحه آرایی	سیدهادی خاوشی
ویراستار	هانیه مرشدی
ناظر چاپ	محمد بهروزی
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	۲۲۹۰۹۵۲۲
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، مجتمع ناشران فخررازی
انتشارات	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
تلفن	۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۱۵۰۰ تومان

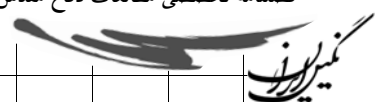


مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی دانشگاه امام حسین^(ع)
- دکتر رحیم صفوی دانشگاه امام حسین^(ع)
- امیر دریابان علی شمعخانی مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر علی اکبر کجباف (دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.



مقالات، گفتگو، گزارش

✍ دکتر حسین اردستانی

۵

تصمیم تاریخی امام خمینی

✍ علیرضا لطف...زادگان

۹

عملیات مسلم بن عقیل در محور سومار

✍ حجتا... کریمی

۲۳

بررسی روند روابط ایران و عراق از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کناره‌گیری حسن البکر (بهمن ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۸)

✍ دکتر حسین اردستانی

۴۷

دیدگاه‌های امام خمینی در مقطع عملیات خیبر (آبان - بهمن ۱۳۶۲)

✍ چمران بویه
الهام بهنام‌زاده

۵۷

استراتژی ژئوپلیتیکی حملات شیمیایی و موازنه‌ی قوا در جنگ ایران و عراق

✍ لیلا نعمتی

۷۱

حق دفاع مشروع؛ ماهیت و جایگاه آن در هشت سال دفاع مقدس

✍ عبدالکریم سلیمانی

۸۷

مصاحبه با سرتیپ ستاد رعد حمدانی

✍ راشین مختاری

همایش

همایش

۹۵

انتظارات مقام معظم رهبری از پژوهش‌های دفاع مقدس

۱۰۵

مروری بر همایش "مقاومت سوسنگرد در دشت آزادگان"

۱۰۹

واکاوی نقش لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات محرم

✍ حسن دری

اسناد

اسناد

۱۲۱

اسناد بهداری در عملیات محرم

✍ چمران بویه

معرفی کتاب

معرفی کتاب

۱۳۹

راویان صحنه جنگ؛ شهید ملکی

۱۴۰

فرماندهان دفاع مقدس؛ شهید احمد کاظمی

۱۴۱

جنگ صدام؛ گفتگو با آخرین فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق

۱۴۴

کردستان در جنگ؛ ضد شورش‌گری و دفاع مقدس

نقد کتاب

۱۴۵

نقد و بررسی کتاب تحلیل عملیات طریق‌القدس

✍ امیر رزاق‌زاده



تصمیم تاریخی امام خمینی

دکتر حسین اردستانی*

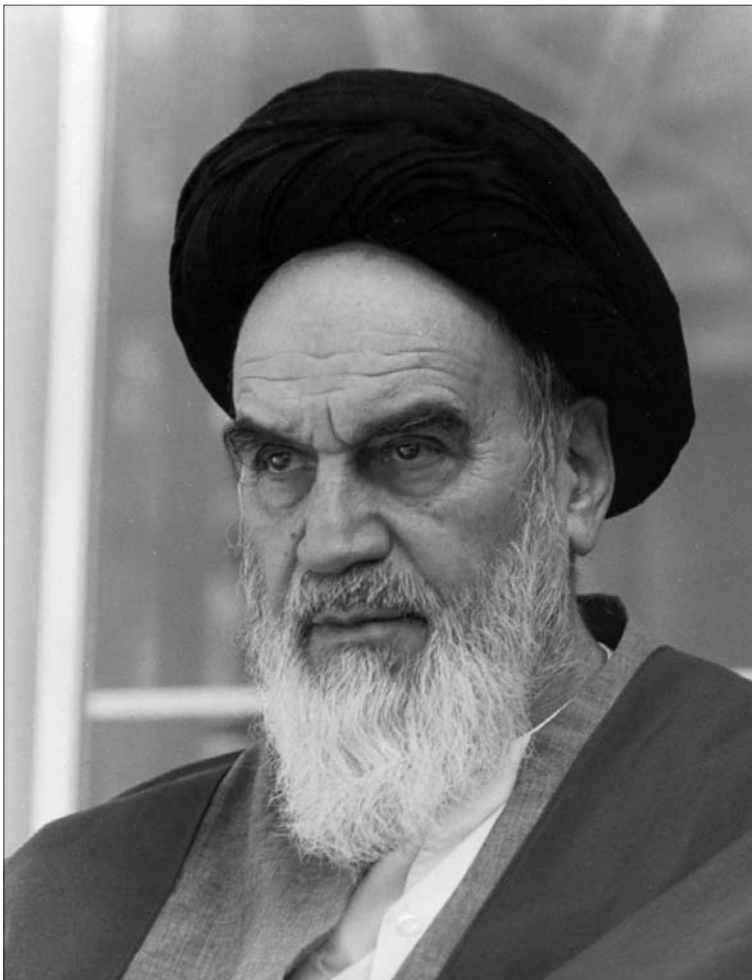
مقدمه

نظریه‌ی "جنگ ادامه‌ی سیاست است با ابزار دیگر" کلاوزویتز به وقوع می‌پیوست و صدام حسین این گونه می‌توانست به ۵۰ تا ۱۰۰ درصد از اهداف خود از جمله: سقوط نظام جمهوری اسلامی؛ تجزیه‌ی خوزستان یا به دست آوردن حاکمیت ساحل شرقی اروندرود، دست یابد و عهدنامه‌ی جدیدی همچون گلستان یا ترکمن‌چای را به ایران تحمیل کند. برای رسیدن به این اهداف همه‌ی شرایط برای عراق مهیا بود: ارتش این کشور از نظر آمادگی در وضعیت خوبی به سر می‌برد، صحنه نبرد در وضعیت مناسبی برای عراق بود؛ اوضاع داخلی ایران به هم ریخته بود؛ دولت ایران انسجام لازم را نداشت و اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ی به نفع عراق بود. تنها

در پاییز ۱۳۵۹، سرنوشت تاریخ ایران، انقلاب اسلامی و آینده‌ی جمهوری اسلامی رقم خورد و ملت و دولت ایران، خطرترین دوره‌ی تاریخی را پشت سر گذاشتند و شکست مطلق را به پیروزی تبدیل کردند.

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، حکومت عراق به رهبری صدام حسین با هدف ساقط کردن دولت جدید ایران و سیطره بر منطقه، به خاک ایران تجاوز کرد و در طول یک هفته بیش از ۲۰ هزار کیلومتر از سرزمین ایران را در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان به اشغال خود در آورد و در پایان هفته‌ی اول خواستار آتش‌بس و مذاکره شد. درخواست آتش‌بس ظاهرسازی بیش نبود و با تحقق آن،

* مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و راوی مرکز در قرارگاه خاتم‌الانبیا در دوران دفاع مقدس.



نقطه‌ی قوت ایران، رهبری انقلاب اسلامی بود که چارچوب ذهنی و رفتاری وی با مدل‌های رفتاری و دیده‌گاه‌های کلاسیک و عرفی سیاست، هم‌خوانی نداشت. امام خمینی با قاطعیت آتش‌بس و مذاکره را رد کرد و تحقق آن را منوط به خروج ارتش متجاوز عراق از خاک ایران دانست.

تصمیم رد مذاکره چندان ساده نبود و با تأمل در وضع سیاسی کشور و وقوع جنگ تحمیلی امری غیر ممکن به نظر می‌رسید، اما برای ایشان راه دیگری وجود نداشت. شکست یا پیروزی نتیجه‌ی محتوم تصمیم‌گیری در این مقطع بود و اتخاذ هر یک، سرنوشت تاریخی

ایران را تغییر می‌داد. بنابراین، با وجود مشکلات بسیاری که کشور از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی داشت، ایشان حاضر به مذاکره نشدند و کشور را وارد مرحله‌ی جدیدی از دفاع کردند و از مردم خواستند که از اسلام، جمهوری اسلامی و هویت ملی خود دفاع کنند. رد مذاکره و اتخاذ راهبرد دفاع در مقابل تجاوز ابزارهای لازم را نداشت و توصیه‌ی برخی سیاست‌مداران موجه به مذاکره نیز نشان می‌داد آنان به خوبی این موضوع را درک کرده‌اند. جمهوری اسلامی برای مقابله با تجاوز عراق با مشکلات عدیده و بحران‌های داخلی مواجه

بود؛ دولت انسجام لازم را نداشت و در میان دولت مردان دوگانگی به چشم می‌خورد و این تفاوت و تعارض دیدگاه‌ها در زمستان ۱۳۵۹ به بحران داخلی و در خرداد ۱۳۶۰ به جنگ داخلی منتهی شد. نداشتن انسجام و شکاف عمیق به جنگ دیگری در داخل انجامید که طرف مقابل نه ارتش صدام، بلکه ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بودند.

در عرصه‌ی نظامی، ارتش ایران که حدود ۶۰ سال در دامان نظام شاهنشاهی پرورش یافته بود، با ظهور انقلاب، وارد دوره‌ی جدیدی شده بود، اما

بین‌المللی، چنین موضع و رفتاری داشتند. براین‌اساس اوضاع داخلی، شرایط منطقه‌یی و بین‌المللی و وضعیتی که عراق با ورودش به بخش‌های وسیعی از خاک ایران به وجود آورده بود و نیز وضعیت نیروهای مسلح، همه و همه در تعارض با راهبرد دفاع و نفی مذاکره قرار داشتند و امام خمینی با نگاه به گذشته، حال و آینده و نیز ماهیت حرکت انقلاب اسلامی که به سرنگونی شاه در ایران و تغییر ساخت قدرت از سلسله‌ی شاهنشاهی با پیشینه‌ی ۲۵۰۰ ساله به جمهوری اسلامی و نقش مردم در سیاست انجامیده بود، راه‌گزینی جز اعتماد به توانایی انقلاب و مردم و مقابله با تجاوز به جای پذیرش آتش‌بس نداشت.

ایران در گذشته نیز به شکل‌های گوناگون در چنین دوراهی‌هایی قرار گرفته و هزینه‌های سنگینی متحمل شده بود. برای مثال، در تاریخ معاصر ایران، از جمله در جنگ‌های ایران و روس (دوران قاجار)، شهریور ۱۳۲۰ (زمان رضاشاه پهلوی) و در جریان ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق، دولت‌مردان ایران نتوانستند مردم را بسیج و با متجاوزان مقابله کنند و در نهایت به بحران در کشور خاتمه دهند. دولت مصدق با وجود این‌که توانسته بود شاه را از ایران بیرون کند و در حالی که خیل عظیم مردم را پشت سر خود داشت، نتوانست به بسیج آن‌ها اقدام کند و با اندیشیدن تمهیدات لازم، در مقابل دولت انگلستان در جریان تحریم نفت و در مقابل انگلستان و آمریکا در جریان کودتا بايستد و موفق عمل کند و در نهایت، فرصت گرانبها و تاریخی ایران را از دست داد. در جریان جنگ دوم جهانی و شهریور ۱۳۲۰ نیز ماهیت استبدادی و غیر مردمی دولت، مانع از آن بود که بتواند در مقابل تجاوز خارجی و اشغال خاک ایران مقاومت کند و ناچار شاه ایران تخت سلطنت را به فرزند سپرد و سرافکنده از ایران بیرون رفت. در جریان

آمادگی ذهنی، فرهنگی، سازمانی و ابزاری لازم را برای ورود به یک جنگ نابرابر نداشت. اصولاً توان نظامی ارتش ایران در چارچوب سیاست خارجی ائتلاف و اتحاد کاربرد داشت و تأمین می‌شد، درحالی که انقلاب اسلامی ادعا می‌کرد نه تنها در سطح ملی و منطقه‌ی، بلکه در سطح بین‌المللی بازیگر مستقلی است و راه تازه‌یی را پیش گرفته است و راهبرد "نه شرقی، نه غربی" مؤید چنین نگاهی به جهان از جانب رهبر انقلاب بود. در چنین وضعیتی سپاه پاسداران نیز که مراحل آغازین شکل‌گیری و رشد خود را می‌گذراند، فاقد سازمان، آموزش، توانایی فرماندهی نظامی و سایر نیازمندی‌ها برای مقابله با تجاوز بود. علاوه بر این اساس سپاه پاسداران برای برقراری امنیت داخلی تشکیل شده بود؛ بنابراین، برای مواجهه با تجاوز گسترده‌ی نظامی آمادگی نداشت.

در عرصه‌ی بین‌المللی، دولت انقلابی ایران وضعیت خوبی نداشت و به رغم استقبال ملت‌ها، گروه‌های انقلابی و آزادی‌خواهان جهان از تحول قدرت در ایران، دولت‌های منطقه و قدرت‌های بزرگ و مهم‌تر از همه، آمریکا و شوروی، دو رأس هرم بلوک‌های شرق و غرب، به رغم تفاوت‌های بسیار در مواضع، مخالف جدی جمهوری اسلامی بودند، به خصوص دولت آمریکا که سیاست خارجی مخاصمه و مقابله را در خاورمیانه، خلیج فارس و در روابط با ایران، در پیش گرفته بود. این جهت‌گیری پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان مسلمان خط امام، عمق و دامنه‌ی بیش‌تری یافت و حتی تا مرز اقدام نظامی در اردیبهشت ۱۳۵۹ در صحرای طبس و نیز کودتای نوژه با هدف سرنگونی دولت ایران در تیرماه همین سال پیش رفت و موافقت با تجاوز عراق به ایران نیز در همین چارچوب انجام شد. دولت‌های اروپایی نیز که متحدان آمریکا در بلوک غرب بودند، در عرصه‌ی

اسارت ملت را در پی داشته باشد و سبب خواری آنان شود. بنابراین، تصمیم به دفاع و مقاومت با الگوی حضرت سیدالشهدا و وارد کردن مردم به جای اتکا صرف به سازمان‌های نظامی، راه چاره‌ی امام برای برون‌رفت از بن‌بست تاریخی دیگری بود که افق‌های تیره و تاریک را در مقابل جامعه ایران پدیدار کرده بود.

به نظر نگارنده به عنوان معلم تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دانشگاه، امام خمینی با رد مذاکره، مهم‌ترین تصمیم خود را در هشت سال دفاع مقدس گرفت؛ بطوریکه هیچ تصمیم دیگری در حیات سیاسی ایشان به این اندازه مهم نبوده است. در حقیقت، امام خمینی با این تصمیم از یک سو مانع از فروپاشی جمهوری اسلامی شد و از سوی دیگر تاریخ ایران را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد و سنت استقامت رهبری را در فراز و نشیب‌های آینده، پایه‌گذاری نمود.

جنگ‌های ایران و روس وضع به مراتب بدتر از این شد و شکست حکومت فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا (ولیعهد) در مقابل ارتش روسیه، سبب شد بخش وسیعی از سرزمین‌های ایران به خاک دشمن ضمیمه شود و ایران در بدترین وضعیت تاریخی خود قرار بگیرد.

وضعیتی که کشور در پاییز ۱۳۵۹ با آن رو به رو بود تصمیم‌گیری را برای مسئولان بسیار سخت‌تر از سایر دوره‌های تاریخ گذشته کرده بود. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، دولت ایران در آن مقطع در بدترین وضع ممکن قرار داشت و اراده و توان بین‌المللی نیز بر حمایت از متجاوز متمرکز شده بود. انرژی و توان برآمده از انقلاب؛ آزادی ملت از استبداد و سلطه؛ توانایی ذهنی و قدرت تصمیم‌گیری امام خمینی؛ توانایی ایشان در اتصال مردم به ارزش‌های دینی و مذهبی و تبدیل تجاوز به فرصت در دوره‌ی جدید ایران، برگ برنده‌ی رهبر ایران بود و امام خمینی به بهترین وجه ممکن توانست با اتکا به آن، از شکست و سقوط نظام تازه تأسیس برآمده از انقلاب جلوگیری کند.

پذیرش مذاکره از جانب امام و ورود به دالان تنگ و پر پیچ و خم دیپلماسی قطعاً به سقوط جمهوری اسلامی یا تغییر ماهیت آن می‌انجامید و عهدنامه‌های ترکمن‌چای و گلستان بار دیگر امضا می‌شد، اما این بار این رهبر انقلابی و دینی بود که آن را می‌پذیرفت و امضا می‌کرد؛ نه پادشاهان. به طور قطع، امام آگاه بود که پذیرش مذاکره و آتش‌بس و واگذاری بخش‌های وسیعی از خاک ایران به حکومت بعثی عراق، آثار مخرب و بنیان برافکن در پی خواهد داشت، زیرا این بار نه محمدرضا شاه که امام خمینی که داعیه‌دار آزادی و استقلال ملت و شارح نظریه‌ی حکومت اسلامی بود، ایران را از دست می‌داد و ملت را در پسرفت تاریخی دیگر گرفتار می‌کرد. امام خمینی آگاه بود که انقلاب نباید



علیرضا لطف‌ا... زادگان*

[illegible]

منطقه‌ی عملیاتی مسلم بن عقیل - که شهر سومار عقبه‌ی آن محسوب می‌شد- با یک جاده‌ی آسفالت از ایلام به سومار و پاسگاه میان تنگ و پس از ارتفاعات مرزی به شهر مندلی عراق ختم می‌شود. در شمال این منطقه نفت شهر و در جنوب آن ارتفاعات میمک قرار دارد.

* راوی و پژوهش گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

کشور، اجرای عملیات نیمه گسترده و محدود در دستور کار قرار گرفت.

این امر علاوه بر حفظ آمادگی و برتری نظامی نیروهای خودی موجب فرسایش سازمان رزم دشمن و جلوگیری از ترمیم و بازسازی آن، ایجاد اختلال در افکار و تصمیم‌گیری‌های مسئولان نظامی عراق، تحمیل تلفات به نیروهای دشمن و تجزیه‌ی قوای عراقی و ... می‌شد.^(۴)

سازمان رزم

عملیات مسلم بن عقیل با طراحی و فرماندهی مشترک ارتش و سپاه اجرا شد، نیروهای عمل کننده‌ی مأمور در این عملیات عبارت بودند از:

- سپاه پاسداران: تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص) با ۱۰ گردان رزمی، یک گردان توپخانه و یک گردان تخریب؛ تیپ ۳۱ عاشورا با ۸ گردان رزمی و یک گروهان تخریب؛ تیپ ۲۱ امام رضا (ع) با ۵ گردان رزمی و یک گروهان تانک؛ تیپ ۱۸ الغدیر با ۴ گردان رزمی.

- ارتش: تیپ ۴ از لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه با ۳ گردان رزمی و یک گردان زرهی؛ تیپ مستقل ۵۵ هوابرد شیراز با ۴ گردان رزمی و یک گردان توپخانه.^(۵)

نیروهای عراقی حاضر در منطقه نیز متشکل از ۵ تیپ و ۵ گردان بودند که همگی تحت امر سپاه دوم ارتش عراق قرار داشتند.^(۶)

شرح عملیات

عملیات قرار بود از اولین دقایق بامداد ۹ مهر ۱۳۶۱ شروع شود، اما به دلیل مشکلاتی - از جمله گم شدن و دیر رسیدن برخی نیروها - در ساعت ۴۵ دقیقه بامداد آغاز شد.^(۷)

در منطقه‌ی شمالی (جناح راست)، تیپ ۳۱ عاشورا و تیپ ۴ لشکر ۸۱ زرهی باختران که در

این مناطق - که برخی از آن‌ها فاقد ارزش نظامی بودند - عقب‌نشینی کرد و در برخی مناطق نیز نیروهایش را تنها از دشت‌ها و زمین‌های هموار خارج کرد و ارتفاعات مسلط و سرکوب را همچنان در اختیار خود نگاه داشت. ارتفاعات مرزی منطقه‌ی سومار یکی از این ارتفاعات بود که نیروهای عراق با استقرار در ارتفاعات مرزی، کاملاً بر سومار، قصر شیرین و نفت شهر تسلط داشتند و در نتیجه ارتباط شمال به جنوب نیروهای خودی از این منطقه با مشکلاتی توأم بود.^(۲)

ملاحظات تاکتیکی

برای اجرای عملیات مسلم بن عقیل، ملاحظات تاکتیکی‌ی بدین شرح مد نظر فرماندهی عملیات قرار داشت:

۱. گشودن جبهه‌ی جدید در منطقه‌ی میانی.
۲. از بین بردن تمرکز نیروهای دشمن در جنوب.
۳. از بین بردن تسلط دید و تیر دشمن بر منطقه‌ی سومار
۴. تسلط دید و تیر نیروهای

خودی بر شهر مندلی و تهدید شهر بغداد.^(۳) در حقیقت مسئولان تصمیم‌گیر در جنگ پس از بررسی دلایل ناکامی عملیات رمضان به این نتیجه رسیدند که با توجه به تصمیم عراق مبنی بر اتخاذ استراتژی دفاع مطلق، ادامه‌ی جنگ مستلزم فراهم شدن همه‌ی مقدمات لازم برای اجرای عملیات، افزایش توان مهندسی و گسترش سازمان رزم و در مجموع ایجاد وضعیت جدیدی است. بنابراین برای فراهم کردن وضعیت دلخواه در عرصه‌ی نبرد و با توجه به تأکید امام خمینی بر ضرورت حضور نیرو در جبهه‌ها و ادامه‌ی جنگ به عنوان مسئله‌ی اصلی

پس از توقف عملیات رمضان
نیروهای خودی برای تحت
فشار قرار دادن حاکمان عراق
و آزادسازی بخش‌هایی از
سرزمین‌های اشغالی، عملیاتی را
با عنوان مسلم بن عقیل طرح‌ریزی
کردند

فعالیت گسترده‌ی توپ‌خانه‌ی دشمن که از نخستین دقایق عملیات آغاز و تا پایان روز ادامه داشت به دلیل ناهماهنگی کار ساز نبود، حتی در برخی مناطق نیروهای عراقی و محل استقرار آنان هدف گلوله‌های توپ‌های ارتش عراق قرار گرفت و تلفات و خسارت‌هایی را به آنان وارد کرد.^(۱۳)

در مرحله‌ی اول عملیات، در مجموع حدود ۱۳۰ کیلومتر مربع از اراضی کشورمان، که بیش از ۲ سال در اشغال نیروهای عراقی بود، آزاد شد و شهر مندلی در تیررس توپ‌خانه‌های خودی قرار گرفت. همچنین ده‌ها تانک و نفر بر عراقی منهدم و

تعدادی تانک و نفر بر و انواع سلاح‌ها و مهمات به غنیمت نیروی‌های خودی در آمد. در این مرحله از عملیات ۶۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته یا زخمی و ۴۰ تن نیز اسیر شدند.^(۱۴)

با توجه به اهمیت نظامی و سیاسی این عملیات، صدام حسین با حضور در یکی از قرارگاه‌های عملیاتی ارتش عراق در این منطقه خطاب به فرماندهان عملیاتی گفت:

«آبرو و حیث عراق به خطر افتاده است، شما به هر نحوی که است باید ارتفاعات و مواضع از دست رفته را به دست آورید.»

وی افزود: «اگر لازم باشد تمام ارتش را به پشتیبانی شما می‌آورم و حتی اگر تمام آن‌ها کشته

محور وارد عمل شده بودند، توانستند در مدت یک ساعت و نیم ارتفاع سلمان کشته و تپه‌ی ۳۲۰ واقع در سان‌واپا را تصرف کنند.^(۸)

در محور میانی، که به دلیل استحکامات فراوان دشمن* در این منطقه، برای تیپ ۲۷ حضرت رسول^(ص) و تیپ مستقل ۵۵ هوارد شیراز نبرد سنگین و دشواری پیش‌بینی می‌شد، نیروهای خودی توانستند ارتفاع گیسکه را آزاد کنند، پس از آن مواضع دیگر دشمن در قلعه مین، قلعه جوق، منطقه‌ی سلمان کشته، اروالین و تنگه‌ی میان تنگ - که جاده‌ی سومار به مندلی و بغداد از میان آن می‌گذرد- نیز به تصرف این نیروها در آمد. البته در میان تنگ برخی مواضع دشمن، از جمله یک پاسگاه در دوله شریف و پاسگاه ایرانی کومه سنگ به دلیل آماده باش نیروهای دشمن از ساعت‌ها قبل، در دست نیروهای عراقی باقی ماند.^(۹)

در جنوب منطقه (جناح چپ) نیز، نیروهای تیپ ۲۱ امام رضا^(ع) با تحمل کم‌ترین تلفاتی توانستند محورهای سیدک و دروازه را به تصرف خود درآورند.^(۱۰)

با روشن شدن هوا، دشمن که تا حدودی توان خود را باز یافته بود، در شمالی‌ترین بخش منطقه‌ی عملیات، ارتفاع مهم سلمان کشته را بار دیگر اشغال کرد.^(۱۱)

در ادامه‌ی فعالیت نیروهای خودی در طول روز، نیروهای لشکر ۳۱ عاشر در محور شمالی عملیات با احداث خاکریز توانستند از فشار بیش‌تر دشمن جلوگیری کنند. در این حال ابری بودن هوا، فعالیت هوایی و دیدبانی توپ‌خانه‌های دشمن را به حداقل رسانده بود و این امر به تثبیت موقعیت نیروهای خودی کمک فراوانی می‌کرد.^(۱۲)

* دشمن در این منطقه ۵۰ ردیف مین کاشته بود و همچنین چندین ردیف سیم خاردار به طور سراسری در طول خط کشیده بود و در معابر گالن‌های مواد منفجره حاوی نیتروگلیسرین، تی‌ان‌تی، نفت و روغن که از راه دور منفجر می‌شد کار گذاشته بود و در انتهای همه‌ی معابر تیربار مستقر کرده بود. منبع: سند شماره ۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش راوی قرارگاه ظفر، عملیات مسلم بن عقیل، راوی: امیر رزاق‌زاده، ۱۳۶۱/۸/۲۱، صص ۴۸ و ۴۹؛ و- سند شماره ۷۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش راوی تیپ ۲۷ حضرت رسول^(ص)، عملیات مسلم بن عقیل، راویان: ایزدی، الماس‌خاله و شهرابی، ۱۳۶۱/۸/۲۴، صص ۱۳؛ و- سند شماره ۳۲۰۸۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات مسلم بن عقیل، از شنود قرارگاه کربلا (سپاه) به اطلاعات عملیات قرارگاه کربلا (سپاه)، ۱۳۶۱/۷/۱۴، صص ۲ و ۱.

مندلی - سومار تسلط دید و تیر داشت، تصرف کنند. بدین ترتیب راه تدارکاتی نیروهای خودی از عمق به جبهه‌ی مقدم در این منطقه باز شد. البته قرار بود عملیات دیگری هم برای تصرف پاسگاه عراقی کومه شریف در شمال دوله شریف، اجرا شود، اما به دلیل تأخیر در آماده شدن نیروهای عمل‌کننده و روشن شدن هوا، اجرای عملیات متفی شد.^(۱۸)

صدام حسین از یک روز قبل از عملیات با حضور در منطقه، شخصاً بر عملیات نظارت داشت. مسئولان عراقی بر خلاف گذشته - که حضور صدام حسین در مناطق عملیاتی را آشکار نمی‌کردند - این بار علناً از حضور وی در منطقه‌ی مندلی خبر دادند. این اقدام از یک سو موجب تحریک افکار عمومی عراق به ویژه نظامیان برای حفظ منطقه شد و از سوی دیگر پیام غیر مستقیمی به مردم منطقه‌ی مندلی بود مبنی بر پشتیبانی دولت و شخص رئیس‌جمهور از آن‌ها و پی‌گیری عملیات برای حفظ این منطقه. به گزارش خبرگزاری فرانسه، صدام حسین هنگام عبور از خیابان‌های مندلی مورد استقبال مردم قرار گرفته* و چندین بار برای اطلاع از اوضاع ساکنان این شهر، توقف کرده است.^(۱۹)

در روز سوم عملیات (۱۱ مهر ۱۳۶۱)، ۲ گردان از نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا با دستور فرماندهی عملیات بار دیگر مأمور اجرای عملیات روی ارتفاع سلمان‌کشته شدند. با وجود پیروزی‌های نسبی‌بی که به سختی و پس از حدود ۱۰ ساعت نبرد سنگین - و در برخی نقاط با درگیری تن به تن حاصل شد، نیروهای خودی نتوانستند همه‌ی اهداف مورد نظر را تصرف کنند و حتی بخش‌هایی را که تصرف کرده بودند به ناچار رها کردند و به عقب آمدند. امیر رزاق زاده و تقی رضوانی راویان قرارگاه فرماندهی و لشکر ۳۱ عاشورا، دلایل ناکامی در دستیابی به اهداف این عملیات را چنین بر شمرده‌اند:

شوند باید مندلی را حفظ کنید و مواضع از دست رفته را باز پس بگیرید.»^(۲۰)

روز دوم (۱۰ مهر ۱۳۶۱)، عملیات به منظور تکمیل و تثبیت اهداف به دست آمده در بخش شمالی منطقه‌ی عملیاتی ادامه یافت.

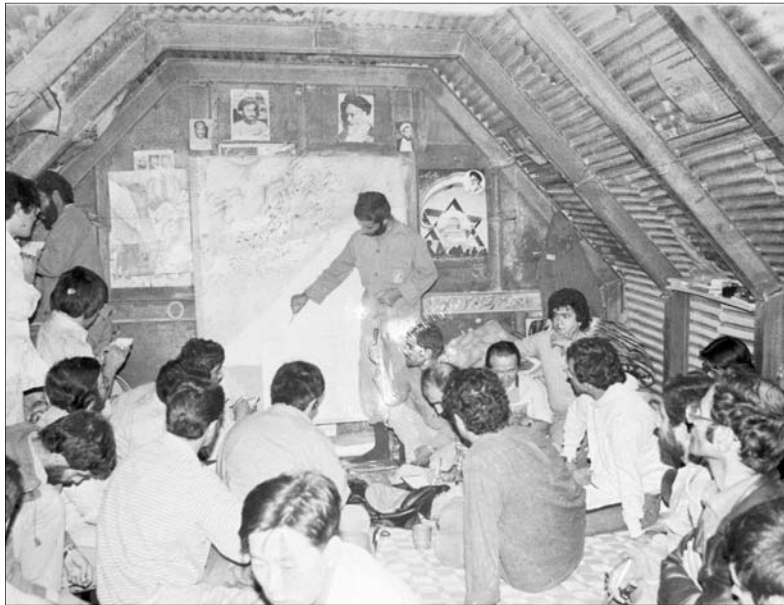
استقرار نیروهای دشمن در ارتفاعات بین سان‌واپا و سلمان‌کشته (کرم ژله) موجب تسلط دید و تیر آن‌ها بر نیروهای خودی شده بود، در نتیجه فرماندهی عملیات برای حل این مشکل تیپ ۳۱ عاشورا را مأمور اجرای عملیاتی برای تصرف ارتفاع کرم‌ژله کرد. نیروهای این تیپ متشکل از ۴۰ تکاور و ۱۰ آرپی‌جی‌زن، در اولین ساعات روز، عملیات خود را آغاز کردند و پس از یک درگیری ۶ ساعته موفق به تصرف این ارتفاع شدند.

در این عملیات چندین تانک و نفربر و مقداری از مهمات عراقی‌ها منهدم یا به غنیمت گرفته شد.^(۲۱) همچنین ۷۱ تن از نیروهای دشمن کشته یا زخمی شدند. نیروهای خودی در عملیات دیگری توانستند ارتفاع سلمان‌کشته را که روز گذشته تصرف و سپس از دست داده بودند، دوباره تصرف کنند، اما با توجه به

موقعیت حساس و مهم این ارتفاع، نیروهای عراقی با بهره‌گیری از ۴ گردان و با وجود تحمل تلفات بسیار - از جمله انهدام ۷۰٪ یک گردان (گردان ۴۱۸ از لشکر ۷) - ارتفاع سلمان‌کشته را باز پس گرفتند.^(۲۲) در منطقه‌ی میانی نیز واحدهایی از تیپ ۲۷ حضرت رسول^(ص) توانستند پاسگاه مرزی و دوله‌شریف در خاک عراق را که بر جاده‌ی آسفالته‌ی

فعالیت گسترده‌ی توپ‌خانه‌ی دشمن به دلیل ناهماهنگی کارساز نبود، حتی در برخی مناطق نیروهای عراقی و محل استقرار آنان هدف گلوله توپ‌های ارتش عراق قرار گرفت

* با وجود حفاظت بسیاری که از صدام حسین می‌شد، حضور وی در این منطقه که در تیررس نیروهای ایرانی قرار داشت، بیانگر این است که مسئولان نظامی عراق و حتی شخص صدام حسین، اطمینان داشتند که ایران شهر مندلی را هدف گلوله‌های توپ قرار نمی‌دهد



شهید حاج محمدابراهیم همت در حال تشریح عملیات مسلم ابن عقیل^(ع) به خبرنگاران - مهرماه ۱۳۶۱

دیر رسیدن گردان‌های عمل‌کننده به منطقه‌ی مورد نظر و در نتیجه به روز کشیده شدن عملیات؛ ضعف عناصر؛ اطلاعاتی؛ کمبود مهمات؛ نبود هماهنگی‌های لازم؛ موقعیت برتر دشمن؛ تمرکز آتش دشمن و پشتیبانی نکردن توپخانه و...^(۲۰) در این روز همچنین نیروهای دشمن در محور میانی برای باز پس‌گیری سان‌واپا تا قلعه‌جوق پاتک سنگینی را انجام دادند و حتی

و درگیری میان دو طرف با پرتاب نارنجک ادامه داشت، اما سرانجام، مقاومت نیروهای تیپ ۳۱ عاشورا و نیروهای تیپ ۴ لشکر ۸۱ زرهی، دشمن را ناچار به عقب‌نشینی کرد.^(۲۲) در این محور نیز تلفات سنگینی به نیروهای دشمن وارد شد.

نیروی هوایی عراق نیز در این روز فعالیت گسترده‌ی داشت و بارها مناطق خودی را بمباران کرد که بر اثر آن ۲۳ تن از افراد خودی شهید و بیش از ۳۲ تن نیز زخمی شدند.^(۲۳)

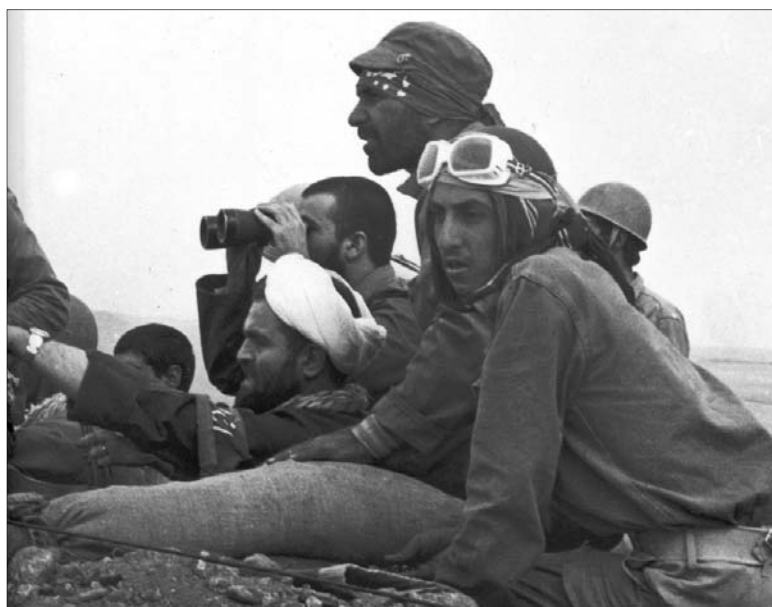
در روز ششم عملیات (۱۴ مهر ۱۳۶۱)، نیروهای تیپ ۲۷ حضرت رسول^(ص) با اجرای عملیاتی در محور میانی برای تکمیل مواضع به دست آمده، توانستند پاسگاه استراتژیک میان‌تنگ در محور سان‌واپا را به تصرف خود در آورند. در پی این پیروزی ارتش عراق به فرماندهی صدام حسین اقدام به اجرای پاتک‌های متعدد و سنگینی کرد که با وجود بهره‌گیری از تعداد فراوانی نیرو و پشتیبانی آتش توپ‌ها و نیروی هوایی، به دلیل هوشیاری و

تانک‌هایشان را تا نزدیکی سنگر خودی پیش آوردند، اما مقاومت دلیرانه و سرسختانه‌ی گردان میثم (از لشکر ۲۷ حضرت رسول^(ص)) نیروهای عراقی را وادار به عقب‌نشینی کرد.^(۲۱)

در روز چهارم عملیات (۱۲ مهر ۱۳۶۰)، نیروهای عراقی با حضور صدام حسین در قرارگاه فرماندهی به منظور باز پس‌گیری بخش میانی سلسه ارتفاعات مشرف بر مندلی و جاده‌ی آسفالت و توسعه‌ی آن بر جناحین، روی ارتفاعات کهنه‌ریگ و امتداد جنوبی آن (سمت چپ و راست میان تنگ) به مواضع نیروهای خودی هجوم آوردند.

در محور راست میان‌تنگ نیروهای خودی در برابر فشارهای سنگین دشمن مقاومت کردند، حتی در برخی معابر توانستند عراقی‌ها را دور بزنند و عده‌ی از آنان را اسیر کنند. در این درگیری‌ها ده‌ها تن از افراد دشمن کشته یا زخمی شدند.

در سمت چپ نیز، نیروهای عراقی در برخی مناطق تا داخل مواضع خودی نفوذ کرده بودند



—رزمندگان در ارتفاعات سارات، منطقه عملیاتی مسلم ابن عقیل (ع) - ۱۰ مهر ۱۳۶۱

مقاومت نیروهای خودی به شکست انجامید و در نتیجه دشمن با تحمل تلفات فراوان مجبور به ترک منطقه‌ی عملیات شد.^(۲۴)

پس از پیروزی رزمندگان اسلام در این عملیات و در تماس با ستاد فرماندهی کل عراق در اطلاعیه‌یی با معکوس جلوه دادن واقعیت، مدعی شد که نیروهای عراقی مانع پیش‌روی نیروهای ایرانی که قصد تصرف شهر مندلی را داشتند، شده‌اند.^(۲۵)

پس‌گیری ارتفاع ۴۰۲ و سان‌واپا و میان‌تنگ حملاتی را ترتیب دادند که همگی به شکست انجامید و در نتیجه آن‌ها با دادن تلفات بسیار، مجبور به عقب نشینی شدند.^(۲۸)

نتایج کلی عملیات

در عملیات مسلم بن عقیل علاوه بر آزادسازی ۱۵۰ کیلومتر مربع از مناطق مرزی و سرکوب که از اوایل جنگ در اشغال نیروهای عراقی بود،^(۲۹) حدود ۳۰ کیلومتر مربع از خاک عراق نیز در محور میانی (کومه‌شریف و دوله‌شریف) به تصرف نیروهای خودی در آمد. همچنین دشت سومار تأمین شد و نیروهای خودی بر شهر مندلی، تسلط دید و تیر پیدا کردند. از نیروهای عراقی نیز حدود ۱۰۰۰ نفر کشته یا زخمی و ۳۴ تن اسیر شدند. در این عملیات همچنین ۲۵ تانک و نفربر، ۳ قبضه توپ، ۳ خودرو مهندسی و ۲۰ خودرو نظامی دشمن منهدم و ۶ تانک و نفربر، ۱۵ قبضه توپ و ۳ خودرو نظامی نیز به غنیمت گرفته شد.^(۳۰)

صدام حسین پس از ۳ روز حضور در منطقه‌ی عملیاتی، با درک واقعیت‌های صحنه‌ی نبرد و ناامیدی از توان نیروهای عراقی در باز پس‌گیری مناطق از دست داده، به بغداد بازگشت.^(۲۶)

در هفتمین روز عملیات (۱۵ مهر ۱۳۶۱)، ابراهیم همت فرمانده قرارگاه ظفر، در تشریح و تحلیل وضعیت فعلی عملیات اعلام کرد که دشمن از باز پس‌گیری تنگه‌ی سان‌واپا، میان‌تنگ، قلعه‌جوق، قلعه‌مین و واروالین کاملاً ناامید شده است، اما امکان دارد تصرف مجدد ارتفاع گسیکه (در جنوب غربی میان‌تنگ) را همچنان در دستور کار داشته باشد.^(۳۱) در ادامه‌ی عملیات نیروهای خودی از روزهای ۱۶ و ۱۷ مهر، در چندین نقطه به نیروهای عراقی که به طور پراکنده در دامنه‌ی ارتفاعات گسیکه، کهنه‌ریگ، میان‌تنگ و سان‌واپا حضور داشتند، حمله و تلفات سنگینی را بر آنان وارد کردند. رزمندگان اسلام همچنین توانستند با پیش‌روی در محور سان‌واپا این منطقه را به طور کامل تصرف کنند.^(۳۲) نیروهای عراقی نیز در ۱۹ و ۲۰ مهر، برای باز

هوشیاری و غافل گیری دشمن

وضعیت عمومی منطقه‌ی عملیاتی و استقرار نیروهای عراقی در ارتفاع سرکوب و حضور دیدبان‌ها در ارتفاعات متعدد، امکان مشاهده‌ی فعالیت‌های خودی را برای عراقی‌ها فراهم کرده بود. علاوه بر این، پناهنده شدن یکی از عشایر محلی به عراق که با نیروهای اطلاعات و شناسایی هم‌کاری می‌کرد،^(۳۱) موجب شده بود عراق از محل تک نیروهای خودی آگاهی یابد.

امیر رزاق‌زاده راوی قرارگاه ظفر، یک روز قبل از شروع عملیات درباره‌ی اقدامات هوشیارانه‌ی دشمن نوشته است:

حساسیت دشمن نسبت به منطقه افزایش یافته، بازدید نیروهای عراقی از میداین مین زیاد شده و دشمن پست‌های نگهبانی بیش‌تری احداث کرده، به طور مداوم به ثبت تیر (توپ‌خانه) می‌پردازد، میزان دیدبانی در سطح منطقه را بالا برده و گروه‌های گشتی خود را نیز در سطح منطقه افزایش داده است.^(۳۲)

بنابراین واضح بود که دشمن از نظر "مکان" اجرای عملیات هیچ‌گونه غافل‌گیری نداشت، اما قرائنی که بعد از عملیات به دست آمد، مشخص کرد که نیروهای عراقی از نظر "زمان" اجرای عملیات غافل‌گیر شده بودند. مهم‌ترین دلیل این غافل‌گیری، وضعیت جوی نامساعد هنگام آماده شدن رزمندگان و اجرای عملیات بود، در واقع دشمن احتمال نمی‌داد که نیروهای خودی در چنین وضعیت آب و هوایی اقدام به اجرای تک کنند. راوی قرارگاه ظفر درباره‌ی وضعیت جوی که موجب غافل‌گیری دشمن و همچنین تسهیل فعالیت نیروهای خودی در ساعات قبل از شروع حمله شد، نوشته است:

بعد از ظهر [روز قبل از عملیات] با توجه به وجود ابری که از روز قبل در آسمان بود، هوا طوفانی شد و باد تندی شروع به وزیدن کرد، وزش باد باعث شد تا گرد و غبار غلیظی سطح منطقه را [پوشاند] و همچون پرده‌ی مانع از دید دشمن در

سراسر منطقه [شود]. بعد از پایان باد و طوفان هوا کم‌کم تاریک شد. تا این لحظه و در هنگام وقوع باد و طوفان شدید، نیروها تردد و رفت و آمد خودشان را به پایان رسانده و در محل‌های مورد نظر مستقر شدند. با تاریکی، به تدریج هوا صاف شد.

در این زمان نیروها می‌بایست خود را به نقاط رهایی اولیه برسانند. فاصله‌ی بین محل جایگزینی و نقطه‌ی رهایی اولیه، در اکثر محورها، از کوه‌ها و شیارهای پرپیچ و خم تشکیل شده بود و احتمال گم کردن راه می‌رفت که مه و غبار غلیظ بر طرف شد و نیروها با استفاده از نور ماه (روز سیزدهم بود و

ماه تقریباً در حالت بدر قرار داشت) به ادامه‌ی عبور از شیارها پرداختند. پس از این که نیروها به دشت صاف رسیدند و دشمن امکان دید داشت، بار دیگر قطرات باران شروع به باریدن کرد که هم از خستگی و تشنگی و به خواب رفتگی نیروها جلوگیری می‌کرد و هم باعث شد تا دیدبان‌های دشمن اجباراً به سنگرها پناه ببرند. علاوه بر آن بار دیگر ابر ضخیمی ماه را پوشش داد و

نیروهای خودی با استفاده از تاریکی هوا باقی مانده‌ی راه تا مواضع دشمن را در دشت با آسودگی طی کردند و به مواضع دشمن یورش بردند.^(۳۳)

اقدامات سیاسی و تبلیغاتی عراق پس از شکست در عملیات

چند ساعت پس از اجرای عملیات مسلم بن عقیل، عراق در یک حرکت شتاب‌زده، اقدامات سیاسی و تبلیغاتی خود را آغاز کرد. در نخستین روز عملیات، سعدون حمادی وزیر

صدام حسین با حضور در یکی از قرارگاه‌های منطقه‌ی عملیاتی ارتش عراق در این منطقه خطاب به فرماندهان عملیاتی گفت: «آبرو و حیثیت عراق به خطر افتاده است، شما به هر نحوی که است باید ارتفاعات و مواضع از دست رفته را به دست آورید.»

عراق خواسته است که از آخرین رخداد‌های جنگ ایران و عراق، برای اطلاع نمایندگان دائم و ادواری شورای امنیت گزارش تهیه کند.^(۳۶)

سه روز پس از این درخواست، شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل جلسه داد. در این جلسه محمد بوستا وزیر امور خارجه‌ی مغرب، به نمایندگی از کشورهای عربی سخن رانی کرد. وی با جانب‌داری از عراق و صلح طلب خواندن این کشور، خواستار ادامه‌ی فعالیت هیئت‌های صلح و همکاری ایران با آنها شد.^(۳۷) سعدون حمادی وزیر خارجه‌ی عراق نیز، که شخصاً به جای نماینده‌ی دائمی عراق در سازمان ملل متحد در این نشست شرکت کرده بود، از شورای امنیت خواست که تصمیمات مؤثرتری درباره‌ی ایران اتخاذ کند. شورا پس از استماع صحبت‌های سخن‌رانان، وارد رأی‌گیری شد و قطع‌نامه ۵۲۲ را - که متن آن را نماینده‌ی اردن به عنوان رئیس ادواری شورای امنیت، تهیه کرده بود - تصویب کرد.

قطع‌نامه ۵۲۲ در ۷ بند و بدون توجه به شناسایی کشور متجاوز و جبران خسارت‌های وارد شده به کشور مورد تجاوز تنظیم شده بود. شورای امنیت در این قطع‌نامه ضمن استقبال از موضع عراق در پذیرش قطع‌نامه‌ی قبلی این شورا (قطع‌نامه ۵۱۴ در تیر ۱۳۶۱)، خواستار از سرگیری فعالیت میانجی‌گران بین‌المللی شده بود.^(۳۸)

بلافاصله وزارت امور خارجه‌ی ایران با انتشار بیانیه‌ی بی‌تصویب این قطع‌نامه اعتراض کرد. در این بیانیه با اشاره به حمایت علنی و همراهی همه جانبه‌ی کشور اردن با عراق در طول جنگ، رئیس شورای امنیت (نماینده‌ی اردن که مسئول تنظیم قطع‌نامه بود) فاقد صلاحیت لازم برای بررسی این موضوع اعلام شده بود و در ادامه‌ی آن درخواست ایران برای شناسایی و محکومیت متجاوز و جبران خسارت‌های وارد شده به ایران مورد تأکید قرار

خارجه‌ی عراق با رؤسای هیئت نمایندگی کشورهای عضو دائم شورای امنیت (امریکا، انگلیس، چین، شوروری و فرانسه) به طور جداگانه دیدار کرد. به گزارش رادیو صوت الجماهیر، وزیر خارجه‌ی عراق در این دیدارها ضمن بحث درباره‌ی خطرهای ادامه‌ی عملیات ایران، خواستار تشکیل جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی شورای امنیت و موضع‌گیری این شورا برای رسیدگی به موضوع حمله‌ی ایران به عراق شده است.^(۳۹)

بی‌بی‌سی این گونه اقدامات عراق را بهره‌برداری سیاسی این کشور از وضع موجود دانست و اعلام کرد: به نظر می‌رسد درخواست عراق از سازمان ملل چندان برای کمک در روز گرفتاری نبوده است، بلکه کوشش‌هایی است که عراق به منظور بهره‌برداری سیاسی از حمله‌ی ایران انجام می‌دهد. صدام حسین به خوبی احساس می‌کند که از قطع‌نامه‌ی کنفرانس فاس می‌توان نتیجه‌ی مثبت گرفت. وی اخیراً گفته بود که در کنفرانس فاس به او اطمینان زیادی داده شده است که اگر نیروهای ایرانی از مرزهای

عراق عبور کنند کشورهای عربی از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی هم‌دوش عراق خواهند ایستاد.^(۴۰) نماینده‌ی دائم عراق در سازمان ملل متحد نیز در خواست کشورش مبنی بر تشکیل اجلاس فوق‌العاده‌ی شورای امنیت برای بررسی جنگ ایران و عراق را، تقدیم رئیس دوره‌ی شورای امنیت سازمان ملل کرد و چند ساعت پس از آن، خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که رئیس دوره‌ی شورای امنیت - که سفیر دائم اردن در سازمان ملل متحد است - با درخواست هیئت نمایندگی عراق موافقت کرده و از نماینده‌ی

یاسودا خبرنگار خبرگزاری کیودو: «من توانستم به خوبی شهر مندلی را مشاهده کنم. من درگیری شدیدی را بین نیروهای ایرانی و عراقی مشاهده کردم، ولی شلیکی از جانب توپخانه‌های ایران به روی شهر مندلی مشاهده نکردم.»

گرفته بود.^(۳۹) رجایی خراسانی نماینده‌ی دائمی ایران در سازمان ملل متحد، نیز در بیانیه‌ی اعلام کرد که شرط ایران برای شرکت در جلسات شورای امنیت و همکاری با این نهاد، محکوم کردن متجاوز، پرداخت خسارت به ایران و بازگرداندن افراد تبعید شده از ایران به عراق است. وی همچنین در مصاحبه‌ی ضمنی برشمردن اغماض‌های متعدد شورای امنیت در برابر تجاوزات عراق به ایران و با اشاره به این که عملیات نظامی ایران برای بیرون راندن اشغال‌گران بوده است، به تصویب این قطع‌نامه اعتراض و اعلام کرد که شورای امنیت نتوانسته است از عهده‌ی اجرای وظایفی که منشور سازمان ملل متحد به آن شورا واگذار کرده است، برآید. وی اضافه کرد:

با وجود استقرار نیروهای ایرانی در ارتفاعات مرزی و تسلط دید و تیر آن‌ها بر شهر مندلی و امکان گلوله‌باران این شهر، سیاست کلی نظامی ایران مبنی بر عدم حمله به مناطق شهری، سبب شد تا

هنگامی که عراق با تجاوز
سراسری به ایران ۲۰ شهر
و ۱۲۰۰ روستای ایران را به
اشغال خود در آورد و نظامیان
عراقی اماکن مسکونی، مدارس،
بیمارستان‌ها، مساجد و ... را زیر
آتش گلوله‌های خود قرار دادند
و ۲ میلیون نفر از ایرانی‌ها را
آواره کردند، شورای امنیت هیچ
گاه اقدامی علیه کشور متجاوز
انجام نداد و سکوت کرد.^(۴۰)

مجمع عمومی سازمان
ملل متحد نیز به درخواست
عراق تشکیل جلسه داد و با
پیشنهاد ۱۳ کشور عربی از
جمله عربستان، اردن، بحرین،
کویت، امارات متحده‌ی
عربی و... با ۱۱۹ رأی مثبت
و ۱۵ رأی ممتنع و یک رأی
مخالف قطع‌نامه‌یی را تصویب
کرد که در آن بدون اشاره به



مراکش گردهم آمده بودند. یکی از برنامه‌های اصلی این اجلاس - که صدام حسین نیز در آن حضور داشت - تحکیم روابط کشورهای عضو با عراق و اعلام حمایت اعراب از حکومت این کشور بود. در بندهای ۱ و ۲ بیانیه‌ی پایانی این نشست نیز، سران اعراب ضمن قدردانی از عراق به دلیل هم‌کاری با سازمان‌های بین‌المللی برای خاتمه دادن به جنگ، ایران را به استفاده از ماده ۶ منشور اتحادیه‌ی عرب تهدید کردند؛ براساس این ماده در صورتی که به یک کشور عربی حمله شود، این حمله علیه همه‌ی کشورهای عربی تلقی می‌شود و کشورهای عضو اتحادیه ملزم به حمایت از آن کشور هستند.*

پس از اجرای عملیات مسلم بن عقیل، حدود ۳۰ کیلومتر مربع از خاک عراق در جبهه‌ی میانی (دوله شریف و کومه شریف) به تصرف ایران در آمد، اما کشورهای عربی به رغم بیانیه‌های تند و تحرکات دیپلماتیک و موضع‌گیری‌های سریع و صریح، اقدام عملی چشمگیری در حمایت عراق - فراتر از اقدامات گذشته‌شان - انجام ندادند. مسئولان سودان هم که با اعلام اعزام نیرو به عراق، هیاهوی تبلیغاتی فراوانی را به راه انداخته بودند به دلیل مشکلات فراوان داخلی به بهانه‌ی کمک به فعالیت‌های دبیر کل سازمان ملل و میانجی‌گران صلح، از این اقدام سر باز زدند.

در ادامه بخش‌هایی از مطالب منتشر شده در خصوص اعلام حمایت سران عرب از عراق آمده است:

۱۳۶۱/۷/۹: در اولین روز عملیات "حسین" شاه اردن، "فهد" شاه عربستان و "علی عبدالله صالح" رئیس جمهور یمن شمالی، تلفنی با صدام حسین گفت و گو و حمایت خود را از آن کشور اعلام کردند.^(۴۵)

۱۳۶۱/۷/۱۱: دولت اردن برای بررسی اوضاع

توپ‌خانه‌های خودی از هدف قرار دادن مندلی، که عقبه‌ی اصلی نیروهای دشمن در این عملیات به حساب می‌آمد، خودداری کنند. بخش‌هایی از گزارش‌های خبرنگاران خارجی درباره‌ی امتناع ایران از حمله‌ی توپ‌خانه‌یی به شهر مندلی چنین است: تانیوگ خبرگزاری رسمی یوگسلاوی، اعلام کرد: «در شهر مرزی مندلی نشانی از جنگ نیست و اثری از برخورد گلوله‌های توپ به چشم نمی‌خورد، اکثر مغازه‌ها باز است، سربازان بسیاری در خیابان‌ها و مغازه‌ها در رفت و آمد هستند.»^(۴۲)

یا سودا خبرنگار خبرگزاری کیودو گفت: «من توانستم به خوبی شهر مندلی را مشاهده کنم. من درگیری شدیدی را بین نیروهای ایرانی و عراقی مشاهده کردم، ولی شلیکی از جانب توپ‌خانه‌های ایران به روی شهر مندلی - که در چند کیلومتری [آن‌ها] قرار داشت - مشاهده نکردم.»^(۴۳) خبرنگار خبرگزاری ژاپنی ان.اچ.ک گزارش داد: «من

از روی ارتفاعات، شهر مندلی را دیدم، سربازان ایرانی در شرایط سختی می‌جنگیدند، ولی ندیدم که ایرانی‌ها مندلی را هدف قرار دهند.»

خبرنگار خبرگزاری چین هم اعلام کرد: «شهر مندلی در چند کیلومتری ما بود در حالی که ندیدم ایرانی‌ها گلوله‌یی به آن شهر پرتاب کنند.»^(۴۴)

عملیات مسلم بن عقیل و واکنش کشورهای عربی

رزمندگان اسلام زمانی عملیات مسلم بن عقیل را اجرا کردند که حدود سه هفته قبل (۱۵ شهریور ۱۳۶۱)، سران کشورهای عضو اتحادیه‌ی عرب در شهر فاس

صدام حسین پس از ۳ روز حضور در منطقه‌ی عملیاتی، با درک واقعیت‌های صحنه‌ی نبرد و ناامیدی از توان نیروهای عراقی در باز پس‌گیری مناطق از دست داده، به بغداد بازگشت

* منشور ۶ اساس‌نامه‌ی اتحادیه‌ی عرب هیچ‌گاه در جنگ ایران و عراق مورد استفاده قرار نگرفت، حتی زمانی که نیروهای ایرانی در عملیات والفجر ۸ با عبور از رودخانه اروند، شهر فاو را تصرف کردند یا در عملیات والفجر ۱۰ شهر و منطقه‌ی حلبچه به دست نیروهای ایرانی افتاد.

فهرست منابع

۱. سند شماره ۱۳۹/۱ رد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه ظفر در عملیات مسلم بن عقیل (امیر رزاق زاده)، ۱۳۶۱/۷/۵، صص. ۱۳۶-۱۳۹.
۲. سند شماره ۶۷ رگ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش راوی قرارگاه ظفر در عملیات مسلم بن عقیل، (امیر رزاق زاده)، ۱۳۶۱/۸/۲۴، صص. ۴-۹؛ و- سند شماره ۳۶۵۲۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش عملیات مسلم بن عقیل، سند تک برگی.
۳. مأخذ ۱.
۴. درودیان، محمد، خرمشهر تا وفا، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ ششم، ۱۳۷۸، صص. ۳۸-۳۴.
۵. سند شماره ۶۷، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش راوی قرارگاه ظفر، عملیات مسلم بن عقیل، راوی: امیر رزاق زاده، ۱۳۶۱/۸/۲۴، صص. ۲۵-۲۲.
۶. سند شماره ۱۷۱۳۵، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش عملیات، اطلاعات عملیات، تیپ عاشورا، ۱۳۶۱/۷/۹، صص. ۲-۱؛ و- مأخذ ۵، صص. ۵۸-۵۷ و ۶۵-۶۳.
۷. مأخذ ۵، صص. ۴۳؛ و- سند شماره ۷۱ رگ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش راوی تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص) در عملیات مسلم بن عقیل، (ایزدی، الماس خاله و شهرابی)، ۱۳۶۱/۸/۲۴، صص. ۱۷.
۸. مأخذ ۵، صص. ۴۸-۴۷؛ و- سند شماره ۷۰ رگ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش راوی تیپ ۳۱ عاشورا در عملیات مسلم بن عقیل، (شهید تقی رضوانی)، ۱۳۶۱/۸/۲۴، صص. ۲؛ و- سند شماره ۰۳۲۰۸۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش عملیات مسلم بن عقیل، از شنود قرارگاه کربلا (سپاه)، ۱۳۶۱/۷/۱۴، صص. ۲-۱.
۹. مأخذ ۵، صص. ۴۹-۴۷؛ و مأخذ ۷، بخش دوم، صص. ۱۳-؛ و مأخذ ۸ بخش سوم.
۱۰. مأخذ ۵، صص. ۴۹؛ و مأخذ ۸، بخش سوم.
۱۱. مأخذ ۷، بخش دوم، صص. ۱۸-۱۷؛ و- سند شماره ۱۳۹/۲ رد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفترچه راوی قرارگاه ظفر در عملیات مسلم بن عقیل، (امیر رزاق زاده)، ۱۳۶۱/۷/۲۹، صص. ۲۴۰؛ و- مأخذ ۵، صص. ۵۰.

جنگ ایران و عراق و اعلام موضع خود، جلسه فوق العاده تشکیل داد. حسین شاه اردن، در این جلسه گفت: دفاع از خاک عراق در حکم دفاع از خاک اردن است و کشور اردن و همه کشورهای عرب در بوتهی آزمایش قرار گرفته اند تا در اجرای قطع نامه های کنفرانس فاس صداقت خود را در حمایت از عراق ثابت کنند.^(۴۶)

۱۳۶۱/۷/۱۱: خبرگزاری رسمی سودان اعلام کرد:

جعفر نمیری رئیس جمهور و وزیر دفاع سودان، با فرماندهان عالی نظامی جلسه اضطراری تشکیل داد تا دربارهی چگونگی اعزام سرباز و ارسال اسلحه به عراق به بحث بپردازند.^(۴۷)

۱۳۶۱/۷/۱۱: دفتر پادشاهی عربستان سعودی

در بیانیه یی ایران را به پذیرش پیشنهادهای عراق فراخواند و خواستار توقف جنگ شد.^(۴۸)

۱۳۶۱/۷/۱۱: رادیو ریاض که در واقع سخن گوی

رسمی حاکمان عربستان سعودی است، ضمن فرا خواندن کشورهای عربی به حمایت از عراق، ایران را به رویارو شدن با کشورهای عربی تهدید کرد.^(۴۹)

۱۳۶۱/۷/۱۲: ملک حسین پادشاه اردن و فرمانده

نیروهای مسلح این کشور، در یک اقدام غیر منتظره برای دیدار با صدام حسین و مسئولان نظامی عراق وارد بغداد شد. بی بی سی پیش بینی کرد که ملک حسین قصد دارد سربازان اردنی را برای نبرد با ایرانی ها به عراق اعزام کند.^(۵۰)

* در حال حاضر عربستان سعودی درآمد حاصل از فروش روزانه ۱۳۰ هزار بشکه نفت را در اختیار عراق قرار می دهد.

۱۲. مأخذ، ص ۴۲-۴۹ و ۴۹.
۱۳. مأخذ ۵، ص ۵۶.
۱۴. سند شماره ۰۱۷۱۲۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ای اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا (سپاه)، شماره ۱۱۴، ۱۳۶۱/۷/۹، ص ۴؛ و- روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۰، ص ۳؛ باختران؛ و- ارتباطات روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران، خبرنامه، نشریه شماره ۳۵۵، ۱۳۶۱/۷/۱۲، ص ۴-۳.
۱۵. مأخذ، ص ۵۶-۵۵.
۱۶. مأخذ، ص ۵۱-۵۰؛ و مأخذ، بخش دوم، ص ۳.
۱۷. مأخذ، ص ۵۸-۵۷ و ۵۰؛ و- سند شماره ۰۱۷۲۲۱ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: بولتن اطلاعات هفتگی، شماره ۳۹، ستاد مرکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، طرح و برنامه عملیات-اطلاعات عملیات، ۱۳۶۱/۷/۱۹، ص ۳؛ و- روزنامه اطلاعات، ۱۱-۷-۱۳۶۱، ص ۱۵، قرارگاه نجف، خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ و- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش لحظه به لحظه‌ی عملیات مسلم بن عقیل و بازتاب جهانی آن"، نشریه شماره ۲، ۱۳۶۱/۷/۱۱، ص ۱، قرارگاه نجف، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۰ و ص ۳۰، اسلام آباد، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۰.
۱۸. مأخذ، ص ۵۰؛ و- مأخذ، بخش دوم، ص ۲۴۵؛ و- مأخذ، بخش چهارم؛ و- مأخذ، بخش دوم.
۱۹. مأخذ ۱۷، بخش چهارم، ص ۳۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری فرانسه از منامه، ۱۳۶۱/۷/۱۰، به نقل از خبرگزاری عراق.
۲۰. سند شماره ۹۶۶۰۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش عملیات سلمان کشته، راوی: صمدزاده (مسئول اطلاعات عملیات)، ۱۳۶۱/۷/۱۲؛ و- مأخذ، بخش دوم، ص ۷-۴؛ و- مأخذ، ۵۳-۵۱.
۲۱. مأخذ ۷، بخش دوم، ص ۱۹-۱۸؛ و- سند شماره ۰۹۶۳۲۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ای شماره ۱۱، واحد اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۲.
۲۲. مأخذ ۱۱، بخش دوم، ص ۲۶۴-۲۵۸؛ و- سند شماره
- ۰۵۴۲۷۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: از فرماندهی منطقه ۷ به فرماندهی کل سپاه، ۱۳۶۱/۷/۱۲، سند تک برگ؛ و- روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۳۶، ص ۲، باختران، خبرنگار کیهان از سومار به نقل از منابع آگاه در ستاد عملیات غرب؛ و- سند شماره ۹۶۳۲۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ای عملیات شماره ۱۱، قرارگاه عملیاتی ظفر- رکن ۳، ۱۳۶۱/۷/۱۲، ص ۳-۱.
۲۳. سند شماره ۰۳۲۰۷۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش لحظه به لحظه عملیات مسلم بن عقیل، ۱۳۶۱/۷/۱۲، ص ۶-۵؛ و- مأخذ ۲۲، بخش چهارم.
۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش لحظه به لحظه عملیات مسلم بن عقیل و بازتاب جهانی آن"، نشریه شماره ۶، ۱۳۶۱/۷/۱۵، ص ۶، قرارگاه نجف، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۴؛ و- روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۵، ص، باختران، خبرنگار کیهان؛ و- سند شماره ۰۷۳۳۸۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: از قرارگاه عملیات ظفر- رکن ۳ به فرماندهی قرارگاه نجف - رکن ۳، ۱۳۶۱/۷/۱۳، سند تک برگ.
۲۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۲۰۱، ۱۳۶۱/۷/۱۵، ص ۲-۱، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از بخش عربی رادیو صوت الجماهیر، ۱۳۶۱/۷/۱۴، به نقل از اطلاعیه‌های نظامی شماره ۸۶۳ و ۸۶۴ ستاد فرماندهی کل ارتش عراق.
۲۶. همان، صص ۱۴-۱۲، رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۷/۱۴، به نقل از نیویورک تایمز به نقل از مفسر امور نظامی و منابع اطلاعاتی.
۲۶. سند شماره ۱۳۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر راوی قرارگاه ظفر، عملیات مسلم بن عقیل، ۱۳۶۱/۷/۲۹، ص ۲۸۰-۲۷۹.
۲۷. روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۷، ص ۱۰ مکرر، به نقل از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی؛ و- سند شماره ۳۳۲۹۹۲ مرکز اسناد دفاع مقدس: گزارش اطلاعات و عملیات مسلم بن عقیل، (لشکر ظفر-۱)، ۱۳۶۱/۷/۱۷، ص ۲؛ و- روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۷، ص ۱۵، به نقل از خبرنگار سرویس نظامی اطلاعات.

۲۸. سند شماره ۰۱۷۳۰۱ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: از ستاد مرکزی سپاه- طرح و برنامه عملیات به دفتر سیاسی، بولتن شماره ۴، ۱۳۶۱/۷/۲۶؛ و- ص ۲؛ و- سند شماره ۱۱۳۱۲۸ مرکز فرماندهی سپاه به فرمانده کل، ۱۳۶۱/۷/۲۶؛ و- مأخذ ۱۷، بخش دوم؛ و- سند شماره ۳۳۲۹۵۴۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: قرارگاه عملیاتی ظفر، رکن ۲، ۱۳۶۱/۷/۲۰، ص ۲.
۲۹. مأخذ، ص ۶۱-۵۹.
۳۰. حسن دری، کرمانشاه در جنگ، اطلس راهنما - ۷، تهران: مرکز اسناد و مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷.
۳۱. مأخذ ۱۱، بخش دوم، ۳۲۱.
۳۲. مأخذ ۵، ص ۳۱-۳۰.
۳۳. مأخذ ۵، ص ۴۶-۴۴.
۳۴. مأخذ ۱۷، بخش دوم، ص ۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۰، به نقل از رادیو صوت الجماهير، ۱۳۶۱/۷/۹؛ و- U.N. Year Book, ۱۹۸۲, ۳۵۸p.
۳۵. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی، بولتن رادیوهای بیگانه، ۱۳۶۱/۷/۱۲، صص ۱۷/۱۵، رادیو بی بی سی، لندن، ۱۳۶۱/۷/۱۲، به نقل از مفسر بی بی سی.
۳۶. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۰، ص ۳، سازمان ملل متحد، خبرگزاری فرانسه.
۳۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش لحظه به لحظه عملیات مسلم بن عقیل و بازتاب جهانی آن"، نشریه شماره ۵، ۱۳۶۱/۷/۱۴، ص ۷-۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری فرانسه از نیویورک، ۱۳۶۱/۷/۱۳، به نقل از وزیر امور خارجه پادشاهی مراکش؛ و- U.N. Year Book, ۱۹۸۲, ۳۵۸p.
۳۸. هادی نخعی، محمد حسین، حسین یکتا و یحیی فوزی، سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه - معاونت تحقیق و پژوهش، ۱۳۷۴، صص ۹۳-۹۲؛ و- U.N. Year Book, ۱۹۸۲, ۸۵p.
۳۹. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۳، ص ۳، به نقل از اطلاعیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی.
۴۰. مأخذ ۲۴، بخش دوم، ص ۹.
۴۱. محمد حسین جمشیدی و حسین یکتا و هادی نخعی و یحیی فوزی، سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه - معاونت تحقیق و پژوهش، ۱۳۷۴، صص ۱۰۸-۱۰۷؛ و- نشرین مصفا و دیگران؛ تجاوز عراق به ایران و موضع گیری سازمان ملل متحد، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، چاپ اول، تیرماه ۱۳۶۶، ص ۱۲۶.
۴۲. دفتر سیاسی سپاه، رویدادها و تحلیل، نشریه شماره ۴۶، ۱۳۶۱/۸/۱۱، ص ۲۳، به نقل از خبرنگار خبرگزاری یوگسلاوی.
۴۳. رونامه‌ی اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۵، ص ۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی خارجه از منطقه عملیات.
۴۴. همان.
۴۵. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی، بولتن رادیوهای بیگانه، ۱۳۶۱/۷/۱۰، صص ۲۰-۱۹، رادیو اسرائیل، ۱۳۶۱/۷/۱۰، به نقل از رادیو صنعاء.
۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش لحظه به لحظه عملیات مسلم بن عقیل و بازتاب جهانی آن" و نشریه شماره ۳، ۱۳۶۱/۷/۱۲، ص ۱۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، خبرگزاری فرانسه از امان، ۱۳۶۱/۷/۱۱؛ و- رونامه‌ی کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۲، ص ۱۶، خارطوم، رویتزر، خبرگزاری رسمی سودان، ۱۳۶۱/۷/۱۱.
۴۸. واحد مرکز خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی، بولتن رادیوهای بیگانه، ۱۳۶۱/۷/۱۱، صص ۴-۳، رادیو ریاض، ۱۳۶۱/۷/۱۱.
۴۹. مأخذ ۴۶، ص ۱۱-۱۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از آسوشیتدپرس از جده، ۱۳۶۱/۷/۱۱، به نقل از رادیو دولت عربستان.
۵۰. مأخذ ۲۲، بخش سوم، ص ۲۴، به نقل از رادیو رژیم صهیونیستی؛ و- مأخذ ۳۹، ص ۲۰، به گزارش خبرگزاری‌ها.

[illegible][illegible]

بررسی روند روابط ایران و عراق

از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کناره‌گیری حسن البکر

(بهمن ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۸)

حجت‌الله کریمی*

		</			

مقدمه

در این میان، ماه‌های نخستین پس از پیروزی که نظام جدید دوره جنینی را سپری می‌کند و در عراق حسن البکر در مسند ریاست‌جمهوری قرار دارد، از حساسیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است. چراکه در این برهه، دولت عراق در محافل دیپلماتیک از وقوع انقلاب در ایران ابراز خرسندی می‌کند و در همین راستا رئیس‌جمهور این کشور با نگارش نامه و ارسال پیام، دولت جدید ایران را به رسمیت می‌شناسد، انتصاب رئیس دولت موقت را

بی‌تردید، رخدادها و تحولاتی که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) تا هجوم سراسری عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به وقوع پیوسته‌اند در تبیین چرایی و چگونگی بروز جنگ بین دو کشور اهمیت به‌سزایی دارند. این بازه‌ی زمانی آبستن وقایع و رخدادهای متعددی است که به صورت سلسله‌وار رخ می‌دهند، فضای سیاسی روابط دو کشور را تیره می‌نمایند و نهایتاً به جنگ منجر می‌شوند.

* پژوهش‌گر مرکز اسناد دفاع مقدس

بود و رهبری آن را عالمی دینی بر عهده داشت که خواستار برقراری حکومت اسلامی بود. چنین انقلاب و چنین حکومتی با حکومت سکولار بعث عراق تعارضی بنیادین داشت. علاوه بر این بیش از نیمی از جمعیت عراق که در ساختار حاکمیت این کشور جایگاهی نداشتند پیروان مذهب تشیع بودند. از این رو انقلاب ایران و نظام برآمده از آن در نظر رهبران عراق تهدیدی بالقوه محسوب می‌شد.

براساس آنچه گذشت، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط حسن البکر روابط ایران و عراق چه روندی را طی کرده است؟

پرسش‌های فرعی پژوهش نیز عبارت‌اند از:
۱. دولت عراق در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران و نظام جدید برآمده از آن، چه سیاستی در پیش گرفت و رویه‌ی دولت ایران در روابط با عراق چگونه بود؟

۲. سیاست عراق در برابر ایران ناظر بر چه رویکردی بود و چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟
۳. عوامل چالش‌زا در روابط ایران و عراق چه بودند؟

فرضیه‌ی تحقیق نیز عبارت است از: روند روابط ایران و عراق بر اساس سیاست دوگانه‌ی عراق مبنی بر اعلام حسن هم‌جواری و اعمال تحریک و تجاوز شکل گرفت. دولت عراق با اتخاذ این سیاست می‌کوشید تا علاوه بر کنترل درآوردن تهدیدهای احتمالی - به عبارت بهتر ادعایی - انقلاب ایران، از وجه فرصت‌گرنه‌ی آن نیز در راستای مطامع سیاسی و عمدتاً ارضی خود بهره‌برداری کرده، به نوعی زورآزمایی سیاسی - نظامی بپردازد.

بر اساس آنچه گذشت، در این مقاله ابتدا شمایی از روابط ایران و عراق پس از انعقاد قرارداد الجزیره (۱۹۷۵ م/ ۱۳۵۴ ش) تا پیروزی انقلاب اسلامی ارائه خواهد شد. سپس مناسبات سیاسی دو کشور پس

تبریک می‌گوید و "صمیمانه‌ترین تبریکات" خود را به مناسبت برگزاری فرماندوم تعیین نظام سیاسی به رهبر ایران "تقدیم" می‌کند، اما از سوی دیگر و در فضای غیر رسمی و غیر دیپلماتیک مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار می‌دهد، در بحران‌های داخلی ایران به نفع مخالفان نظام جدید وارد عمل می‌شود و بازماندگان حکومت پیشین را پناه و یاری می‌دهد.

دولت عراق براساس دو برداشت مختلف از تحولات جاری ایران، چنین سیاست دوگانه‌یی را در روابط خود با ایران در پیش گرفته بود. رهبران عراق با وقوع انقلاب ایران با دو رویداد مرتبط از نظر شکل اما متفاوت از لحاظ ماهیت مواجه شدند. آنان از یک سو شاهد فروپاشی حکومت پهلوی بودند که ژاندارمی منطقه‌ی خاورمیانه را عهده‌دار بود و توان و تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار داشت؛ حکومتی که چندی پیش، از موضع قدرت قرارداد الجزیره را با عراق منعقد کرده بود. از سوی دیگر نظامی جای‌گزین این حکومت می‌شد که آشکار ماهیتی دینی داشت.

وقوع انقلاب در ایران به طور طبیعی با مجموعه‌یی از پیامدهای آنی از جمله بحران‌های داخلی، کشمش‌های سیاسی، تحلیل رفتن توان نظامی و... همراه بود که موجب تضعیف قدرت سیاسی - نظامی این کشور شده بود. چنین وضعیتی برای حکومت عراق با طوماری بلند از اختلافات ارضی و سیاسی با ایران و ناراضی از آخرین پیمان منعقد بین دو کشور فرصتی استثنایی به شمار می‌آمد. اما این همه‌ی ماجرا نبود. انقلاب ایران، انقلابی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های مذهب تشیع

با وجود دیدارها، مذاکرات و امضای تفاهم‌نامه‌های متعدد بین ایران و عراق از زمان امضای قرارداد الجزیره تا اوایل سال ۱۳۵۷، رقابت تسلیحاتی نه‌چندان پنهانی بین دو کشور جریان داشت

دو کشور گفت: «توسعه‌ی روابط بین دو کشور، که بر اساس منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یک‌دیگر است، برای کشورهای همسایه نمونه شده است.»

با وجود دیدارها، مذاکرات و امضای تفاهم‌نامه‌های متعدد بین ایران و عراق از زمان امضای قرارداد الجزیره تا اوایل سال ۱۳۵۷، رقابت تسلیحاتی نه‌چندان پنهانی بین دو کشور جریان داشت. در همین راستا شاه ایران در مصاحبه با خبرنگار نیوزویک در ۱۲ آبان ۱۳۵۶، به تلاش‌های عراق برای افزایش توان نظامی خویش اشاره کرده و

گفت: «[...] ما اختلاف‌هایمان را با عراق حل کرده‌ایم، اما گسترش نظامی این کشور همچنان به سرعت ادامه دارد.» البته این اظهار نظر به هیچ وجه نشان‌دهنده عدم تلاش ایران برای تسلیح و تجهیز بیش‌تر ارتش این کشور به سلاح‌های مدرن نبود. چراکه بر اساس آمار، در فاصله‌ی زمانی امضای قرارداد الجزیره در سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۸، شاه

ایران مبلغی معادل ۱۵/۵ میلیارد دلار برای خرید و سفارش تسلیحات هزینه کرده بود. این رقم برای عراق در مدت زمان مشابه ۸/۱ میلیارد دلار بود.

هر چند رهبران عراق تلاش فزاینده‌ای برای افزایش توان نظامی خویش آغاز کرده و حتی در راه رسیدن به سلاح‌های اتمی نیز خیز بلندی برداشته بودند، اما همان‌گونه که اشاره شد تلاش‌های تسلیحاتی ایران بیش‌تر از آن‌ها به ثمر نشسته بود و عراقی‌ها نیز از این واقعیت آگاهی داشتند. آن‌ها «نه تنها از محدودیت‌های نظامی خود دقیقاً مطلع بودند،

از پیروزی انقلاب اسلامی تا کناره‌گیری حسن البکر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه نیز ضمن اشاره به سه مورد از مهم‌ترین مصادیق وجه فرصت‌گونه و تهدیدکننده انقلاب ایران برای دولت عراق و نوع تعامل این دولت با این مسائل، همچنین تاثیر آن بر روابط دو کشور مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. روابط ایران و عراق از انعقاد قرارداد الجزیره تا پیروزی انقلاب اسلامی

قرارداد الجزیره، بی‌گمان مهم‌ترین توافقی بود که بین دو کشور ایران و عراق پس از قریب به ۵۵ سال کشمکش، انجام گرفت. از این پس، روابط دو کشور متخاصم رو به بهبود نهاد و متعاقب آن دیدارها و سفرهای سیاسی بین دو طرف به منظور تحکیم بیش‌تر صمیمیت و حسن هم‌جواری آغاز شد. ششم فروردین ۱۳۵۴، تنها ۲۰ روز پس از امضای این قرارداد، امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران، به عراق سفر کرد. در پایان این سفر، اعلامیه‌ی مشترکی انتشار یافت که در آن «طرفین پای‌بندی خود را به توافق ششم مارس ۱۹۷۵ الجزیره، برای حل و فصل مسائل موجود فی مابین دو کشور تأیید کردند.» مدتی بعد، صدام حسین نایب‌رئیس شورای فرماندهی عراق، در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۴ به ایران آمد و با شاه ایران ملاقات کرد. پس از صدام، چند مقام عالی‌رتبه‌ی دیگر عراقی نیز به ایران سفر کردند از جمله سعدون حمادی وزیر امور خارجه، در دی ۱۳۵۵ و عزت ابراهیم الدوری نایب‌رئیس شورای رهبری و وزیر کشور عراق در تیر ۱۳۵۶. در این دیدارها «دو کشور موافقت نمودند که برای توسعه‌ی رابطه‌های بین خود، پنج کمیته در امور کشاورزی، ماهی‌گیری، بازرگانی، ترانزیت، ارتباطات، آموزش، توریسم، انرژی و امور کنسولی تشکیل دهند.» در آذر ۱۳۵۶ نیز طه محی‌الدین معروف، نایب رئیس‌جمهور عراق، در سفری رسمی به ایران، در خصوص روابط

واقعیت دیگری که شاید بیش از هر عاملی، موضع‌گیری در برابر دولت انقلابی ایران را برای رهبران عراق پیچیده و حساس می‌کرد، ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران بود که آن را در نقطه‌ی مقابل حکومت بعث، که بنای آن بر سکولاریسم استوار شده بود، قرار می‌داد

آب را با شاه حل کرده بودیم و به همین دلیل است که به آیت‌الله خمینی که به عراق تبعید شده بود، توصیه کردیم عراق را ترک کند تا بتوانیم با ایران روابط حسن هم‌جواری داشته باشیم.

اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران محاسبات سیاستمداران عراقی را برهم زد. به همین دلیل سفارت عراق در ایران در اقدامی شتاب‌زده، روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - یعنی روز پیروزی انقلاب اسلامی - در نامه‌ی به روزنامه‌ی کیهان اظهارات این مقام عراقی را تکذیب کرد. هر چند سفارت عراق در تکذیبیه‌ی خود بر خبر مورخ ۱۴ بهمن روزنامه‌ی کیهان، کوشیده بود و انمود کند که «عراق به اراده‌ی میهن‌پرستانه‌ی ملت ایران کمال احترام را می‌گذارد و در امور داخلی ایران هیچ‌گاه دخالت نمی‌کند» اما شواهد و قرائن این ادعا را تأیید نمی‌کرد. ساده‌ترین دلیل برای رد ادعای سفارت عراق، تاریخ نگارش نامه است، زیرا خبر مذکور در ۱۴ بهمن ۱۳۵۷، به چاپ رسیده، در حالی که نامه‌ی سفارت حدود یک هفته بعد از درج خبر و درست زمانی که پیروزی انقلاب اسلامی قطعیت یافت، نگاشته شده است. این اقدام عراق را می‌توان اولین اقدام در راه اعلام سیاست حسن هم‌جواری پنداشت.

پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت پهلوی رخدادی بود که موجب تغییراتی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل شد و وضعیت جدیدی را به وجود آورد که در آن دولت‌های مختلف با توجه به واقعیات عینی و مصالح و منافع خویش، می‌بایست در برابر دولت برآمده از انقلاب اسلامی به اتخاذ و اعلام موضع می‌پرداختند. این امر برای دولت عراق اهمیتی ویژه داشت، چراکه از یک سو عراق همسایه‌ی ایران بود و علاوه بر داشتن طولانی‌ترین مرز خشکی، روابط تاریخی پرمخاطره و قرابت فرهنگی بسیاری با این کشور داشت و از سوی دیگر مسئولان عراقی تا آخرین لحظات از حکومت پهلوی

بلکه از توانایی بالقوه‌ی ایران در برانگیختن کردها برای اعمال فشار بر بغداد نیز خبر داشتند.^(۵) اما در این میان تحولاتی در عرصه‌ی سیاست داخلی ایران به وقوع پیوست که می‌توانست به عاملی برای تغییر موازنه‌ی قوا تبدیل شود.

مبارزات مردم ایران با حکومت پهلوی که از اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ و به رهبری امام خمینی^(۶) آغاز شده بود، در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید. در این برهه تصمیم‌گیران سیاسی - نظامی عراق در موقعیتی قرار گرفتند که می‌بایست بین رژیم حاکم بر ایران و مخالفان آن یکی را برمی‌گزیدند. به درستی مشخص نیست که سردمداران حکومت بعثی عراق چگونه و بر چه اساسی دست به انتخاب زدند، اما آنچه مبرهن است اینکه آنان طرف رژیم پهلوی را گرفتند.

برآیند این انتخاب نیز اخراج امام خمینی^(۷) از عراق بود. این پایان ماجرا نبود؛ رهبران عراق پس از اخراج امام خمینی^(۸)، از فرح دیبا، همسر شاه ایران، به گرمی استقبال کردند و نشان دادند که در طرف‌داری از حکومت پهلوی ثابت‌قدم هستند. این جانب‌داری حتی پس از فرار شاه از ایران نیز ادامه یافت. به گونه‌ی که هفته‌نامه‌ی عرب‌زبان المستقبل، چاپ

رهبران حکومت بعث عراق، در رویارویی با وضعیت جدید و در روابطشان با ایران ضمن رعایت جانب احتیاط رویه‌ی را در پیش گرفتند که هم ملاحظه وجه فرصت‌گونه انقلاب ایران را می‌نمودند و هم جنبه تهدیدکننده آن را در نظر داشتند

لندن، گزارش داد:

یک مقام بلندپایه‌ی عراقی، گفته است [بهتر است] شاه به ایران بازگردد. همین مقام مسئول عراق گفت که می‌توان قانون اساسی ایران را به نحوی اصلاح کرد که شاه حکومت نکرده و فقط سلطنت کند. او گفت: عراق با تغییر رادیکال رژیم ایران موافق نیست. وی افزود: ما کلیه‌ی مسائل موجود در مرز مشترک دو کشور، مسئله‌ی کردها و مسئله‌ی



دیدار صدام و محمدرضا پهلوی، توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر

حمایت کرده بودند. در کنار این مسائل واقعیت دیگری که شاید بیش از هر عاملی، موضع گیری در برابر دولت انقلابی ایران را برای رهبران عراق پیچیده و حساس می کرد، ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران بود که آن را در نقطه ی مقابل حکومت بعث، که بنای آن بر سکولاریسم استوار شده بود، قرار می داد. علاوه بر این، ایدئولوژی انقلاب ایران که از آموزه های اسلام

انقلابی و به طور مشخص مذهب تشیع منبعث می شد، برای عراق، که بیش از ۶۰ درصد جمعیت آن شیعه بود، زنگ خطری جدی به شمار می آمد، به ویژه که اکثر قریب به اتفاق طبقه ی حاکم در این کشور بر مذهب تسنن بودند و شیعیان رضایت چندانی از حکومت نداشتند.

بنابراین، حاکمان عراق خود را در موقعیتی حساس و شاید تاریخی می دیدند. وضعیت جدید ایران برای حکومت عراق هم تهدید بود و هم فرصت. آنان از طرفی شاهد فروپاشی حکومتی در همسایگی خود بودند که ادعا می کرد پنجمین ارتش جهان را در اختیار دارد و در گذشته یی نه چندان دور از موضع قدرت قرارداد الجزیره را با عراق منعقد کرده بود، قراردادی که به هیچ وجه خوشایند طرف عراقی نبود. از طرف دیگر حکومتی در ایران در شرف تشکیل بود - که هر چند بر اثر انقلاب از توان سیاسی و نظامی آن به میزان فراوانی کاسته شده بود، بالقوه می توانست به الگویی برای ملت های دیگر به ویژه مردم مسلمان عراق تبدیل شود.

تصمیم گیران حکومت عراق همچنین می دانستند که ارتش ایران انسجام گذشته را ندارد؛ بسیاری از فرماندهان آن گریخته یا در معرض تصفیه قرار گرفته اند؛ نظم، مهم ترین عنصر در تشکیلات نظامی، از ساختار ارتش ایران رخت بر بسته است؛ بسیاری از گروه های داخلی در صدد انحلال آن هستند و مقدار فراوانی از تجهیزات و تسلیحات آن بر اثر بی توجهی در معرض خطر قرار گرفته است. دولت عراق با توجه به اوضاع پیچیده ی ایران، سیاستی محتاطانه را اتخاذ کرد. رهبران حکومت بعث عراق، در رویارویی با وضعیت جدید و در روابطشان با ایران ضمن رعایت جانب احتیاط رویه یی را در پیش گرفتند که هم ملاحظه وجه فرصت گونه انقلاب ایران را می نمود و هم جنبه تهدید کننده آن را در نظر داشت. نگارنده از این رویه ی دولت عراق به "اعلام سیاست حسن هم جویی و اعمال سیاست تحریک و تجاوز" تعبیر می کند. در ادامه مصادیق اعمال این سیاست که به صورت توأمان اجرا می شد، به تفصیل بیان خواهد شد.

۲. ماهیت روابط عراق با ایران: اعلام سیاست حسن همجواری، اعمال سیاست تحریک و تجاوز

همان‌گونه که اشاره شد سفارت عراق در ایران، به محض اطمینان از پیروزی قطعی انقلاب اسلامی، در اقدامی شتابزده اظهار نظر مقام عراقی در خصوص حمایت از شاه ایران را تکذیب کرد. این اقدام را می‌توان اولین قدم دولت عراق در راستای اعلام سیاست حسن همجواری قلمداد کرد. پس از چندی دومین قدم نیز برداشته شد: سفارت عراق در تهران، با ارسال نامه‌یی به نخست‌وزیر دولت موقت ایران، بر حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی ایران تأکید کرد. در این نامه آمده بود: «سیاست

عراق برقراری علائق برادری در روابط با تمام ملت‌ها و کشورهای هم‌جوار بر مبنای احترام به حقوق و حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی و احترام به آرمان‌های مشروع ملت‌ها بر طبق اصولی که تا زمانی که دولت‌های هم‌جوار رعایت نمایند، استوار است.» سومین قدم دولت عراق، در خصوص اعلام سیاست حسن همجواری، تأیید تلویحی انقلاب ایران و اظهار

خرسندی از پیروزی ملت ایران و به ویژه مواضع ضد صهیونیستی رهبران انقلاب بود، که در نامه‌یی خطاب به مهندس بازرگان اعلام شد.

دولت عراق هم‌زمان با این اقدامات، که حاکی از تلاش‌های دیپلماتیک و ظاهراً براساس سیاست حسن همجواری بود، سیاست تحریک و تجاوز را نیز دنبال می‌کرد. اولین مورد جدی از اعمال این سیاست، هشتم اسفندماه ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، در این روز، هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی حریم

اولین مورد جدی از سیاست تحریک و تجاوز، هشتم اسفندماه ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. در این روز هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی حریم هوایی ایران را نقض و منطقه مرزی سیرین را بمباران کردند

هوایی ایران را نقض و منطقه مرزی سیرین را بمباران کردند... در این حمله ۲ کُرد ایرانی کشته و ۷ نفر دیگر به نقاط نامعلومی برده شدند.

پس از این تجاوز هوایی، نه‌تنها دولت موقت ایران به اقدام عراق اعتراض نکرد، بلکه یک مقام ایرانی که روزنامه‌ی اطلاعات وی را از نزدیکان نخست‌وزیر خواند، گفت: «مسئله‌یی که مورد توجه دولت ایران است، امکان مداخله‌ی عراق در مسئله‌ی کُردستان برای جلوگیری از به پا خاستن اکراد عراق است.» پس از آن، کریم سنجابی وزیر امور خارجه‌ی ایران، اعلام کرد: «انقلاب ایران به همه‌گونه اقدام‌های لازم برای تحرک بخشیدن به روابط برادرانه‌ی اسلامی با کشورهای عرب دست خواهد زد.» این گونه اظهارات مقامات ایرانی نشانه‌ی سیاست حسن همجواری ایران بود و از تمایل نداشتن این کشور به ایجاد تنش در روابط خارجی حکایت می‌کرد.

به هر تقدیر، سیاست دوگانه عراق در برابر ایران همچنان ادامه یافت و در این میان میزان تحریک و تجاوز بیش‌تر و محسوس‌تر بود. به گونه‌ای که رکن ۲ ژاندارمری ایران، در ۱۲ اسفند ۱۳۵۷، در تلفنگرامی به وزارت کشور اعلام کرد: «اخیراً ارتش عراق در قریه‌ی "سیاه‌گویز" آن کشور، مقابل حوزه‌ی استحفاظی مرزبانی بانه، نیرو پیاده نموده است و احتمالاً قصد تجاوز به خاک ایران را دارد.» با این حال، سیاست رسمی دولت عراق لحن دیگری داشت؛ سفارت عراق در تهران در پی انتشار اخباری مبنی بر حضور برخی افراد ضد انقلاب در خاک عراق، در نامه‌یی به روزنامه‌ی اطلاعات با تکذیب قاطعانه‌ی این اخبار افزود: «این مطلب، هدفی جز تیره ساختن روابط اخوت و هم‌کیشی موجود میان دو ملت عراق و ایران را ندارد.»

اسفند ۱۳۵۷، با همین رویه‌ی متناقض عراق در برابر ایران، به پایان رسید. در این برهه، در حالی که چند مورد تجاوز هوایی عراق به ایران و نیز

ایران دریافت شد و دیگری دارای لحن خصمانه و کلمات نامناسب بود و در روزهای ۱۹ و ۲۰ آوریل [۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۵۸] از طرف خبرگزاری پارس و روزنامه‌های [ایران] منتشر گردید.» آنچه مقامات عراقی، پاسخی خصمانه خوانده‌اند، پیامی بود که از طرف دفتر امام خمینی^(ره) انتشار یافت. در این پیام خطاب به رئیس‌جمهور عراق آمده بود:

«[...] نهضت انفجاری ایران در اثر دیکتاتوری و اختناق و فشار رژیم پهلوی هشدار می‌بود برای همه‌ی مستکبرین در مقابل مستضعفین. من امیدوارم همه‌ی دولت‌ها با ملت‌های خود با مسالمت رفتار کنند. دولت‌ها باید در خدمت ملت‌ها باشند و ملت‌ها پشتیبان آنان، تا آسایش برای همگان باشد. عاقبت اختناق‌ها انفجار است و آن، نه صلاح ملت است و نه صلاح دولت.»

پیام امام نه تنها «خصمانه» نبود، بلکه نصیحتی بود از رهبری دینی خطاب به رئیس دولت کشوری مسلمان. امام نه از جایگاه سیاسی خویش، بلکه از منظر شخصیتی مذهبی که به واسطه اقامت نسبتاً طولانی در کشور عراق، شاهد و ناظر اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق بوده است، همه‌ی دولت‌ها به طور اعم و حسن البکر رئیس دولت عراق را به طور اخص مخاطب قرار داده است. وی در این پیام به حسن البکر توصیه می‌کند راهی که شاه ایران پیمود را ادامه ندهد تا به سرنوشت او دچار نشود. بنابراین، پیام امام نه دخالت در امور سیاسی کشور همسایه و نه تهدید دولت بعث، بلکه ارائه‌ی راه‌کاری نصیحت‌گونه

قاچاق اسلحه از مرزهای آن کشور به داخل خاک ایران گزارش شده بود، سعدون حمادی وزیر امور خارجه‌ی عراق، خروج ایران از پیمان سنتو را به وزیر خارجه‌ی ایران تبریک گفته، "سیاست مستقل دولت موقت انقلاب اسلامی ایران" را تحسین کرد. این مقام عراقی چندی بعد در مصاحبه با هفته‌نامه‌ی الفباء چاپ بغداد، گفت: «عراق به ثبات ایران و پیشرفت این کشور در جهت سیاست عدم تعهد و برقراری روابط حسنه میان ایران و سایر کشورهای عرب علاقه‌مند است، به شرطی که ایران در امور داخلی عراق مداخله نکند و از سیاست برتری طلبی در خلیج [فارس] اجتناب کند.»

سال ۱۳۵۸، در حالی آغاز شد که نظام جدید ایران که در مرحله‌ی تثبیت قرار گرفته بود، رویداد مهمی را پیش رو داشت؛ همه‌پرسی تعیین نوع نظام سیاسی. دهم فروردین ماه این سال همه‌پرسی برگزار و با رأی اکثر قریب به اتفاق مردم ایران "جمهوری اسلامی" به عنوان شکل نظام سیاسی جدید کشور انتخاب و معرفی شد. پس از این، دولت‌های دیگر می‌بایست وجود، عدم و نوع روابطشان با «جمهوری اسلامی» را مشخص می‌کردند.

عراق با این رخداد نیز مانند وقوع انقلاب اسلامی برخورد کرد، یعنی تأیید در عرصه‌ی دیپلماسی. بر همین اساس، حسن البکر، رئیس‌جمهور عراق، در تلگرافی خطاب به امام خمینی^(ره)، ضمن تبریک به مناسبت اعلام جمهوری اسلامی اظهار امیدواری کرد: «که رژیم جمهوری جدید فرصت‌های بیش‌تری برای ملت دوست ما ایران به وجود آورد. [...] و محکم‌ترین روابط دوستی و همسایگی را با کشورهای عربی به طور کلی و با کشور عراق به طور اخص برقرار نماید.» مقامات عراقی مدعی بودند در پاسخ به پیام رئیس‌جمهور عراق، دو متن مختلف از سوی ایران ارسال شده است: «یکی که لحن مؤدبانه داشت و از طریق وزارت امور خارجه‌ی

سعدون حمادی وزیر امور خارجه‌ی عراق، خروج ایران از پیمان سنتو را به وزیر خارجه‌ی ایران تبریک گفته، "سیاست مستقل دولت موقت انقلاب اسلامی ایران" را تحسین کرد

سید محمود دعایی، از نزدیکان امام را به عنوان سفیر ایران در عراق معرفی کرد. دعایی در اولین مصاحبه‌ی خود، نگرش مثبت و امیدوارانه‌ی ایران به عراق را منعکس کرد؛ وی دولت عراق را "رژیم انقلابی"، "هم‌کیش" و "پای‌بند به اصول انقلابی" خواند و در پاسخ به این سؤال که به عقیده‌ی شما رابطه‌ی رژیم و مردم عراق با انقلاب و مردم ایران چگونه است؟ گفت: «رابطه‌ی دوستانه و صمیمانه، نمونه‌ی آن هم تهنیت و تبریک گرم مقامات بلندپایه و رسمی عراق به رهبر کبیر خلق ما و به دولت موقت جمهوری اسلامی [است.]» سفیر جدید ایران در عراق، حتی در مورد اخراج امام خمینی^(۵) از عراق موضعی معتدل اتخاذ کرد و گفت: «باید توجه داشت که عراقی‌ها به شخصیت والای نفوذناپذیر، آشتی‌ناپذیر، ضد استعماری، ضد استبدادی و بالأخره موقعیت ممتاز مردمی و جهانی امام واقف بودند و تا بدان‌جا که تأثیری در روابطشان با ایران نمی‌گذاشت، جداً به آن احترام می‌گذاشتند. آنچه که اواخر صورت گرفت محذوری بود که عراقی‌ها در رعایت تعهداتشان نسبت به رژیم ایران به دنبال مذاکرات و توافق‌الجزایر داشتند.»

چند روز پیش‌تر از مصاحبه‌ی سفیر ایران در عراق سپری نشده بود که ۴ هواپیمای عراقی حریم هوایی ایران را نقض و روستاهای مرزی گوره‌شیر، کائین زر، سالاری و منطقه‌ی سردشت را هدف حمله قرار دادند. بر اثر این حمله، ۶ ایرانی کشته، ۴ تن مجروح و بیش از ۲ میلیون تومان خسارت به بار آمد. در پی این اقدام، سفیر عراق در تهران در پاسخ به اعتراض ایران، از این واقعه اظهار بی‌اطلاعی کرد و وعده داد که ضمن تماس با دولت متبوع خود، در این مورد تحقیقاتی به عمل آورد. پس از این سخنان سفیر عراق و در حالی که به گفته‌ی سخن‌گوی دولت موقت ایران «هنوز دولت عراق توجیه صحیحی نسبت به بمب‌باران دهکده‌های

به رئیس‌کشوری مسلمان بود که به کار بستن آن می‌توانست ضامن بقای حکومت عراق شود.

توجه به پیام حسن البکر و مواردی نظیر آن، همچنین، مطالعه‌ی دقیق سایر عوامل پیدا و پنهان اثرگذار در روابط ایران و عراق، تداوم روند متناقض اعلام سیاست حسن هم‌جواری و اعمال سیاست تحریک و تحرک به وسیله‌ی عراق را در این دوره آشکار می‌کند. توضیح اینکه هم‌زمان با فعالیت‌های رسمی دولت عراق در عرصه‌ی دیپلماسی، گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، در خاک عراق علیه حکومت نوپای ایران در حال فعالیت بودند. با این حال محافل رسمی دولت عراق همچنان بر حسن هم‌جواری تأکید و حتی

وجود چنین فعالیت‌هایی را تکذیب می‌کردند. برای نمونه کاردار سفارت عراق در تهران در ملاقات با معاون اداره‌ی اول سیاسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر جلوگیری از فعالیت ضد ایرانی سپهبد پالیزبان در عراق، اساساً حضور نامبرده در عراق را انکار کرد و زمانی که مقام ایرانی توضیح داد

دولت جمهوری اسلامی اطمینان دارد که پالیزبان در عراق مستقر بوده و با هم‌کاری شخصی به نام ایوبی مشغول تشکیل دسته‌های چریکی است، کاردار پاسخ داد: «ممکن است نامبرده در مناطقی باشد که در آن عملیات شورشی از جانب کردهای عراقی ادامه دارد.»

با وجود سیاست‌های متناقض عراق، دولت موقت ایران که اساس سیاست خارجی خود را بر حسن هم‌جواری و احترام متقابل قرار داده بود،

سید محمود دعایی سفیر ایران
در عراق دولت عراق را "رژیم
انقلابی"، "هم‌کیش" و "پای‌بند به
اصول انقلابی" خواند

وجود این که وزارت خارجه‌ی ایران با انتشار بیانیه‌ی به صراحت سخنان روحانی را در حکم "اظهار عقیده‌ی آزاد و خصوصی" اعلام و تأکید کرد: «آیت‌الله روحانی دارای سمتی رسمی در دولت موقت جمهوری اسلامی نمی‌باشد». وزیر اطلاعات عراق با اتخاذ موضعی موضع تند در برابر ایران گفت: «هر ادعایی از طرف ایران در مورد مالکیت بر بحرین نشان‌دهنده‌ی یک طرز فکر توسعه‌طلبانه و وطن‌پرستی افراطی خواهد بود. [...] بحرین عربی است و هیچ ادعایی در مورد آن وارد نیست. طرز تفکرهای متعصبانه و توسعه‌طلبانه، گاهی حقایق را وارونه جلوه می‌دهد.»

ایرانی» ارائه نکرده بود، هواپیماهای عراقی بار دیگر حریم هوایی ایران را نقض کردند؛ ساعت ۲ بامداد نوزدهم خرداد، دو هواپیمای سوخوی عراقی از طریق مرز هوایی اورامانات وارد فضای ایران شدند و تا ۹۰ کیلومتری خاک ایران (منطقه‌ی جوانرود) را مورد تجاوز قرار دادند. تجاوزات مرزی عراق با تجاوز به حریم ایران در منطقه‌ی دزلی در ۲۱ خرداد باز هم تکرار شد.

به دنبال تجاوزهای مکرر عراق به حریم هوایی ایران، سفیر عراق در تهران با مهندس بازرگان رئیس دولت موقت و ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه، دیدار و رسماً از بمباران دهکده‌های مرزی ایران به وسیله‌ی جنگنده‌های عراقی، عذرخواهی کرد. در این دیدار، عبدالملک الیاسین سفیر عراق، اقدام هواپیماهای عراقی را نادرست خواند و آمادگی دولت عراق را برای جبران هر نوع خسارتی اعلام کرد. هر چند وعده‌های قبلی مقامات عراقی درباره‌ی جبران خسارت عملی نشده بود، دولت ایران همین وعده‌ی صرف را نیز تعبیر به حسن نیت کرد و عذرخواهی مقام عراقی پذیرفته شد. با این همه، چند روز بعد بار دیگر هواپیماهای عراق حریم هوایی ایران را نقض کرده، بر فراز پاسگاه‌های مرزی انجیره، هلاله و نی‌خزر به پرواز درآمدند و پس از شناسایی به سوی پاسگاه مرزی نی‌خزر آتش گشودند.

در این میان، انتشار مصاحبه‌ی آیت‌الله صادق روحانی، بهانه‌ی شد تا تحریکات و تحرکات عراق تشدید شود. روحانی - که هیچ سمت رسمی‌یی در دولت ایران نداشت - در این مصاحبه گفته بود: «چنانچه تحریکات و ادعای اعراب برای بازگرداندن جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی ادامه یابد، ایران ادعای ارضی خود را بر بحرین دنبال خواهد کرد. ما در خوزستان ادعای آن زمین‌هایی داریم که به دنبال صلح صدام حسین و محمدرضا پهلوی به رسم تعارف به عراق واگذار شد.» با

در پی این رخدادها، روابط سیاسی دو کشور به تیرگی گرائید. این تیرگی روابط تا آن‌جا پیش رفت که آیت‌الله رضوانی نماینده‌ی امام در نجف، از سوی نیروهای امنیتی عراق بازداشت و سپس از این کشور اخراج شد. همچنین، تحرکات مرزی عراق به شدت افزایش یافت؛ پاسگاه‌های مرزی این کشور تقویت شد؛ یک هلی‌کوپتر عراقی به مرزهای

ایران تجاوز کرد که با پدافند نیروهای مرزی متواری شد؛ جنگنده‌های عراقی به حریم هوایی شهر مریوان تجاوز کردند؛ عراق با شلیک موشک آر.پی.جی ۷ به ساختمان پاسگاه مرزی سعیدیه، آن را منهدم کرد و روستایی در حومه‌ی اورامانات به وسیله‌ی دو هواپیمای سوخوی عراقی بمباران گردید.

به رغم تحرکات و تجاوزهای مرزی عراق علیه ایران، ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه‌ی ایران، کوشید با انجام مصاحبه‌ی فضای ملتهب به وجود

به دنبال تجاوزهای مکرر عراق به حریم هوایی ایران، سفیر عراق در تهران با مهندس بازرگان رئیس دولت موقت و ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه، دیدار و رسماً از بمباران دهکده‌های مرزی ایران به وسیله‌ی جنگنده‌های عراقی، عذرخواهی کرد

کرد و گفت: «[آنان قصد دارند] به اسلام روح و توان تازه‌یی بدهند.» و در ادامه اظهار کرد: «ما خواهان مناسبات متکی بر سیاست حسن هم‌جواری با ایران هستیم، اما به خاطر آن گدایی نمی‌کنیم.» ادامه‌ی سخنان صدام حسین، تلاشی بود ماهرانه برای نمایاندن قدرت عراق و طعنه‌یی به منظور نشان دادن تعدد مراکز تصمیم‌گیری قدرت در ایران؛ وی گفت: «سیاست ما این است: ما رهبران تازه‌ی ایران را متوجه اشتباهات‌شان می‌کنیم بدون این‌که دچار دست‌پاچگی شویم، ما عاقل‌تر و فهمیده‌تر هستیم، ما در این جا ثبات داریم، ما یک رهبر داریم و آن‌ها چندتا؛ انقلاب ما هم‌گون، سازمان‌دیده و منضبط است؛ انقلاب آن‌ها بدون انضباط و آشوب‌زده است.» با این حال، صدام حسین احتمال ورود به جنگ علیه ایران را رد کرد و در پاسخ به این سؤال که «شما با ایران در چند مورد اختلاف نظر دارید، شما خواهان سه جزیره‌ی واقع در تنگه‌ی هرمز هستید، ایران نسبت به بحرین ادعای ارضی دارد، آیا این می‌تواند برای عراق دلیل برای جنگ باشد؟» گفت: «تا این‌جا دیگر من پیش نمی‌روم، ما معتقدیم که رهبران تازه‌ی ایران نباید به سیاست شاه ادامه بدهند. اگر طالب دوستی با اعراب هستند، صاحبان تازه‌ی قدرت باید از زیان [وارد] آوردن به اعراب دست بردارند.»

صدام حسین، در پایان مصاحبه، ضمن این‌که بار دیگر امکان وقوع جنگ بین دو کشور را منتفی دانست، تلویحاً به تهدید ایران پرداخت. وی گفت: «هر کسی سعی کند به ما ضرر بزند ما هم به او ضرر می‌زنیم؛ هر کس که از دیوار باغ بالا برود، ما هم توی زمین او می‌رویم؛ هر کس نگهبان ما را بکشد، ما هم خود او و نگهبانش را می‌کشیم؛ هر کس به ما توهین کند، ما به او بیش‌تر توهین می‌کنیم.»

بر خلاف معاون رئیس‌جمهور عراق که همچنان بر مواضع نه‌چندان منطقی دولت عراق پافشاری می‌کرد در سوی دیگر، وزیر امور خارجه‌ی ایران روابط ایران و عراق را از دیدگاهی متفاوت بیان

آمده را آرام‌کنند. در این مصاحبه وی بر یکی از موارد حساسیت‌زا در روابط دو کشور انگشت نهاد و آشکارا اظهار کرد: «ما قصد صادر کردن انقلاب خود به کشورهای همسایه را نداریم.» یزدی با اشاره به این نکته‌ی اساسی که برخی نگرانی‌ها در نزد دولت‌های همسایه از انقلاب ایران به چشم می‌خورد گفت: «بعضی از آن‌ها تصور کردند که انقلاب ایران به آن کشورها صادر خواهد شد، ولی ما ثابت کردیم که ما قصد صادر کردن انقلاب خود را به کشورهای آن‌ها نداریم.»

آنچه بیان شد، شمایی از روابط دو کشور ایران و عراق بود که نکته‌ی بارز آن اتخاذ سیاستی دوگانه از سوی عراق در خصوص ایران و تلاش‌های مسالمت‌آمیز دولت ایران برای برقراری روابطی دوستانه با دولت عراق بر مبنای حسن‌همجواری بود. در پایان این بخش، دو اظهار نظر متفاوت از دو مقام بلندپایه‌ی ایران و عراق خواهد آمد که نشان‌دهنده‌ی مواضع دو طرف در برابر یک‌دیگر است. صدام حسین معاون رئیس‌جمهوری عراق - که چند روز بعد جای‌گزین حسن البکر شد - در مصاحبه‌یی با

مجله‌ی اشپیگل آلمان، مواضع رسمی دولت عراق در برابر ایران را اعلام کرد. در این مصاحبه نشانه‌هایی از تغییر در لحن دیپلماسی عراق به چشم می‌خورد. معاون رئیس‌جمهور عراق، جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی را "سرزمین‌های غصب‌شده‌یی" خواند که ایران برای اثبات "صداقت سیاست خود درباره‌ی فلسطین و اعراب" باید از آن چشم‌پوشی کند. وی در خصوص روابط دو کشور با سخنانی دو پهلوی ابتدا تلاش‌های ایران را برای بهبود روابط با کشورهای عربی تأیید

به رغم تحرکات و تجاوزهای
مرزی عراق علیه ایران، ابراهیم
یزدی، وزیر امور خارجه‌ی ایران
اظهار کرد: «ما قصد صادر کردن
انقلاب خود به کشورهای همسایه
را نداریم.»

یک روز پس از مصاحبه‌ی وزیر امور خارجه‌ی ایران، رخدادی مهم در عراق به وقوع پیوست که در آینده‌ی روابط ایران و عراق نقشی تعیین‌کننده داشت؛ در ۲۵ تیر ۱۳۵۸، ژنرال حسن البکر، ظاهراً به دلیل ضعف مزاج، از قدرت کناره‌گیری کرد و صدام حسین جانشین او شد. به قدرت رسیدن صدام حسین و تأثیرات این واقعه بر روابط ایران و عراق، فصل مفصلی است که نیاز به مقال و مجالی دیگر دارد.

۳. عوامل اثرگذار و چالش‌زا در روابط ایران و عراق

الف) بحران خوزستان (عراق در پی بهره‌گیری از فرصت) رویدادی که از آن به بحران خوزستان تعبیر می‌شود در واقع صف‌آرایی عده‌یی از عناصر قومی در برابر

نهادهای انقلابی بود که بیش‌تر در خرمشهر، در اطراف آیت‌الله شبیرخاقانی گرد آمده بودند و در اصطلاح "خلق عرب" نامیده می‌شدند. این گروه چند روز پس از پیروزی انقلاب، با اتکا به نفوذ شیخ شبیر، مقابل نهادهای انقلابی قد علم کردند. خواسته‌های آنان، از لحاظ نمودن برخی حقوق محلی برای اعراب تا خودمختاری و جدایی خوزستان از ایران در نوسان

بود. این جریان قومی برای دستیابی به اهداف خود به شیوه‌های خشونت‌آمیزی متوسل شدند که، حوادث تلخ فراوانی را به بار آورد و بیش از یک ماه خوزستان را به عرصه‌ی درگیری و نزاع تبدیل کرد. نکته‌ی حائز اهمیت در این جا، ارتباط عراق با وقایع خوزستان است. در واقع می‌توان گفت بحران خوزستان همان وجهی فرصت‌گونه‌ی انقلاب ایران برای عراق بود. حکام عراق با بهره‌گیری از زمینه‌های

کرد. وی پس از دریافت استوارنامه‌ی احمد حسین السامرای، سفیر جدید عراق در ایران، در مصاحبه‌ی کوشید تا به همه‌ی شبهات و موارد مناقشه‌انگیزی که محافل رسمی و غیررسمی عراق مطرح می‌کردند، پاسخ دهد.

سخنان یزدی بازتابی از روش مصالحه‌جویانه و غیر رادیکال دولت موقت جمهوری اسلامی ایران بود. وی ابتدا به توافقات انجام شده میان ایران و عراق اشاره کرد و گفت:

بنا به پیشنهاد دولت عراق و پذیرش ما، قرار شده است که برای برطرف ساختن سوءتفاهماتی که به وجود آمده، در نخستین مرحله، حملات تبلیغاتی دو کشور نسبت به یکدیگر قطع شود. دولت عراق قول داده است از به کار بردن نام مجعول درباره‌ی خوزستان و سایر نقاط جلوگیری کند و ما نیز به قول و حسن نیت مقامات عراقی اعتماد داریم.

وزیر امور خارجه‌ی ایران، سپس موضوع صدور انقلاب اسلامی را - مهم‌ترین مسئله‌ی که دولت بعث عراق آشکار و نهان نگران آن بود - مطرح و با قاطعیت اظهار کرد: «انقلاب امری صادر شدنی نیست و دولت جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه چنین هدفی را دنبال نمی‌کند».

اوج حسن نیت دولت ایران در اظهار نظر یزدی درباره‌ی تجاوزات مکرر عراق به مرزهای ایران نمایان شد؛ وی درخصوص حملات مکرر هواپیماهای عراقی به خاک ایران، گفت:

«دولت عراق در خاک خود مانورهایی دارد و یا برخی سرزمین‌های مرزی خود را بمب‌باران می‌کند، در این شرایط امکان دارد که اشتباهاً برخی از نواحی مرزی ایران نیز مورد اصابت بمب قرار گیرد. در گذشته که چنین اتفاقی رخ داده، دولت عراق رسماً و کتباً ضمن پوزش‌خواهی، اعلام کرد که این واقعه به سهو رخ داده است و آمادگی خود را نیز برای جبران خسارات اعلام کرد».

معاون رئیس‌جمهور عراق، جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی را "سرزمین‌های غصب‌شده‌ی" خواند که ایران برای اثبات "صدافت سیاست خود درباره‌ی فلسطین و اعراب" باید از آن چشم‌پوشی کند

جمعی این کشور نیز با انتشار اخبار تحریک‌آمیز، در صدد تشجیع اعراب خوزستان بر آمدند. جالب توجه این که رسانه‌های مذکور بر عدم دخالت عراق در حوادث خوزستان پافشاری می‌کردند؛ به عنوان نمونه تلویزیون بصره، در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۵۸، در بخش خبری ساعت ۱۱:۳۰ شب، اعلامیه‌یی از شیخ شبیر پخش کرد که در آن انتقادات تنیدی به عملکرد دولت موقت شده بود، با این حال، گوینده‌ی تلویزیون با تأکید بسیار «دخالت و کمک دولت عراق را به اعراب خرمشهر تکذیب نمود».

تکذیب دخالت‌های عراق در حوادث خوزستان در حالی انجام می‌گرفت که همچنان، مستندات بسیاری از دخالت‌ها، تحریکات و تحرکات عوامل عراقی در این وقایع به دست می‌آمد؛ که از جمله‌ی آن‌ها، می‌توان به کشف پول و سلاح عراقی در اهواز و نیز دخالت‌ها و تحریکات برادر صدام حسین، اشاره کرد. در این باره مدنی استاندار خوزستان، در تلفنگرامی به وزارت کشور متذکر شد: «برادر صدام حسین در مجلس ختمی به مناسبت اعدام خرابکار معروف، حامد زویدات که هفته‌ی گذشته به حکم دادگاه انقلاب خرمشهر و آبادان انجام شد و در بصره برگزار بود، شرکت جست و ضمن دلجویی از فرزندان و بستگان خرابکار معدوم، وعده‌های همه‌گونه هم‌کاری‌های انتقام‌جویانه و مساعدت لازم در این [راه] را داده است».

تحرکات مرزی عراق در مرز این کشور با خوزستان ادامه یافت. این تحرکات می‌توانست ضمن برآوردن نیازهای تسلیحاتی خلق عرب، برای آن‌ها روحیه‌بخش نیز باشد. به همین منظور ناوچه‌های عراقی مانورهایی را در اروندرود اجرا کردند و عوامل عراقی نیز به شیوه‌های گوناگون به توزیع سلاح در میان خلق عرب پرداختند. همچنین، در روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ خرداد، مرزبانان عراقی به سوی پاسداران پاسگاه مرزی شلمچه و اداره‌ی بندر و نخلستان فعلیه آتش گشودند.

قومی در خوزستان کوشیدند تا با نفوذ میان‌عده‌یی از افراد ضد انقلاب به تحریک، تشویق و تسلیح آنان بپردازند.

واقعیت این است که خوزستان برای عراق اهمیتی ژئوپلیتیک داشت. خواسته حداکثری عراقی‌ها در مورد خوزستان، جدایی این استان از ایران و پیوستن آن به عراق بود، البته در صورتی که این خواسته برآورده نمی‌شد، واگذاری کل اروندرود به عراق نیز می‌توانست عاملی وسوسه‌انگیز برای این کشور در دامن زدن به بحران خوزستان باشد. انتساب کامل بروز بحران خوزستان به عامل خارجی (عراق) و نادیده گرفتن عوامل قومی و محلی ساده‌انگاری مسئله است، اما قبل از آن که بحران در خوزستان اوج گیرد و برای دولت مرکزی

ایران تبدیل به مسئله‌یی جدی شود، گزارش‌هایی از خرمشهر ارسال می‌شد که رد پای دولت عراق را در تحریک، تشویق و تسلیح گروه "خلق عرب" نشان می‌داد. با اوج‌گیری بحران و تشدید درگیری‌ها که بیش‌تر میان جریان قومی خلق عرب و گروه‌های مذهبی - انقلابی خوزستان صورت می‌گرفت، دخالت‌های عراق در امور خوزستان بیش از

پیش آشکار می‌شد. این امر در نهم خرداد ۱۳۵۸، که درگیری‌های شدیدی در خرمشهر رخ داد به اثبات رسید؛ در این روز تعداد فراوانی سرباز عراقی مقابل مرز خرمشهر، روبه‌روی پاسگاه مرزی پیاده شدند و ۴ هلی‌کوپتر عراقی بر فراز پایگاه‌های مرزی گروهان ژاندارمری خسروآباد به پرواز درآمدند. همچنین بعد از ظهر ۱۰ خرداد، عراق دو پاسگاه ژاندارمری هرت و خین را گلوله‌باران کرد.

هم‌زمان با تحرکات نظامی عراق، رسانه‌های

رویدادی که از آن به بحران خوزستان تعبیر می‌شود در واقع صف‌آرایی عده‌یی از عناصر قومی در برابر نهادهای انقلابی بود که بیش‌تر در خرمشهر، در اطراف آیت‌الله شبیر خاقانی گرد آمده بودند و در اصطلاح "خلق عرب" نامیده می‌شدند

قومی که ما را به ملت عرب "عربستان" پیوند می‌دهد، دیدگاه‌های ویژه‌ی درباره‌ی مسئله‌ی اقلیت‌ها در چارچوب ملت واحد داریم و بالفعل آن را به مرحله‌ی اجرا گذارده‌ایم.»

برخی معتقدند مطالب الثورة، ارگان رسمی حزب بعث عراق، «صریح‌ترین اعلام مواضع و علنی‌ترین ابراز مطامع رژیم عراق» بود که از پیروزی انقلاب اسلامی تا آن زمان ابراز می‌شد. چند روز بعد از انتشار مقاله‌ی الثورة، تلویزیون دولتی بغداد، تحلیلی از اوضاع ایران پخش کرد که در قسمتی از آن گفته شد: «رزمندگان جوان عرب ایران، یک انبار مهمات را در پایگاه دریایی محمره [خرمشهر] منفجر کرده و سلامت به پایگاه‌های خود بازگشتند.»

با وجود ادامه‌ی تحرکات و تجاوزات مرزی عراق و اقدام این کشور به تسلیح و تجهیز عناصر خلق عرب، چندین محموله اسلحه‌ی عراقی هنگام ورود به ایران توقیف و ۶ جاسوس عراقی نیز دست‌گیر شدند و خیلی زود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ابتکار عمل را در خوزستان به دست گرفت. شیخ شبیر نیز از خرمشهر خارج شد و در قم اقامت

گزید. بنابراین، آخرین تلاش‌های عراق از جمله حملات موشکی (آر.پی.جی ۷) به پاسگاه مؤمنی نیز راه به جایی نبرد.

ب) بحران کردستان (تیغ دولبه در روابط ایران و عراق)
در طول تاریخ، همواره کردستان جزئی از قلمرو حکومت‌های ایرانی به شمار می‌رفته و گُردها از اصیل‌ترین اقوام ایرانی هستند، اما در برخی برهه‌های تاریخی، بعضی نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی

در حالی که نمایندگان رسمی دولت عراق در محافل دیپلماتیک و نیز رسانه‌های این کشور می‌کوشیدند دخالت‌های خود در امور خوزستان را انکار کنند، مردم خوزستان، با برپایی یک راه‌پیمایی بزرگ در ۱۹ خرداد ۱۳۵۸، به دخالت‌های دولت عراق در امور داخلی ایران به ویژه مسئله‌ی خوزستان اعتراض کردند و با سر دادن شعارهایی که به زبان‌های فارسی و عربی "غائله‌ی خوزستان را توطئه‌ی عراق و ساواک" خواندند. در پایان راه‌پیمایی قطعنامه‌ی قرائت و در آن تجاوزات و کارشکنی‌های دولت عراق در امور خوزستان و نیز گُردها به شدت محکوم شد.

در این میان، روزنامه‌ی الثورة، در ۲۴ خرداد ۱۳۵۸، با درج مقاله‌ی درباره‌ی حوادث خوزستان - که بخشی از آن از رادیو صوت الجماهير نیز پخش شد - عراق را "مدعی اصلی مسئله‌ی خوزستان" دانست و مواضع تندی علیه رهبران ایران گرفت. در بخشی از این مقاله آمده بود:

[...] هنگامی که انقلاب ایران صورت گرفت، طبیعی بود که تمام ملل ایران که در خلال دوران شاه مورد ستم قرار گرفته بودند، قیام کنند و خواستار آزادی شوند. [...] آنچه اعراب در "عربستان" خواستار شدند، از حقوق فرهنگی و اداری تجاوز نکرده است و بسیار کم‌تر از آن بود که سایر اقلیت‌ها خواستار شدند. روش‌های آنها در بازگو کردن خواسته‌های خود مسالمت‌آمیز بود در حالی که دیگران اسلحه به دست گرفتند و عصیان کردند، ولی شگفت‌آور این‌که مقامات ایرانی خواسته‌های ساده و مشروع اعراب و همچنین روش‌های مسالمت‌آمیز آن‌ها را با خشونت و حمام خون و تعصب نژادی و برافروختگی پاسخ دادند و صدها تن را کشته و مجروح ساختند. [...]

طبیعی است که عراق از نظر فکری و سیاسی با ملت عرب "عربستان" هم‌دردی کند؛ آن‌ها برادران و صاحبان مسئله‌ی عادلانه‌ی هستند و در معرض خشونت و ظلم قرار دارند. [...] اضافه بر رابطه‌ی

**خوزستان برای عراق اهمیتی
ژئوپلتیک داشت. خواسته
حداکثری عراقی‌ها در مورد
خوزستان، جدایی این استان از
ایران و پیوستن آن به عراق بود**

مرکزی که زائیده برهه انقلابی بود، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحرکاتی را در مناطق مختلف کردستان آغاز کردند. سرآغاز بحران کردستان محاصره‌ی پادگان مهاباد در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ به دست نیروهای مسلح حزب دمکرات بود. با وجود اعزام سریع هیئتی از طرف دولت برای مذاکره با سران کرد، روز اول اسفند ۱۳۵۷، این پادگان سقوط کرد و بحران وارد مرحله‌ی تازه‌ی شد. چند روز بعد از این واقعه، اوضاع در سنجندج نیز بحرانی شد که با دخالت ارتش و مذاکراتی که هیئت اعزامی دولت با مقامات محلی انجام دادند، تا حد زیادی از تشدید آن جلوگیری شد، اما بحران کلی مناطق کردنشین همچنان باقی بود.

بحران کردستان حداقل از دو جنبه در روابط ایران و عراق اثرگذار بود: ۱. ایجاد زمینه برای دخالت عراق به منظور تضعیف دولت مرکزی ایران جهت ستاندن امتیاز. ۲. ارتباط مسئله‌ی کردستان ایران با کردهای عراق.

در ادامه به تشریح این دو نکته و تأثیر آن‌ها بر سیر روابط ایران و عراق از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط حسن البکر پرداخته خواهد شد.

واقعیت این است که دخالت عراق در بحران کردستان به شکلی که در مورد خوزستان بیان شد، انجام نگرفت. دولت عراق به حساسیت موضوع کردستان واقف بود، از این رو می‌کوشید تا آشکارا از کردهای ایران حمایت نکند و حمایت و تجهیز آنان را به شکل کنترل‌شده‌تری انجام می‌داد. زیرا، قدرت یافتن کردهای ایران در بلندمدت نه تنها به نفع عراق نبود، بلکه خیلی زود برای دولت این کشور - و شاید دولت‌های ترکیه و سوریه - مشکل‌ساز می‌شد. حمایت عراق از کردهای ایران در قالب همان حمایت‌هایی بود که این دولت از دیگر عناصر ضد انقلاب نظیر اویسی، بختیار، پالیزبان و ... انجام می‌داد. کمک‌ها و پشتیبانی‌هایی که با قاطعیت از سوی مقامات رسمی

زمینه‌ی ایجاد بحران‌هایی را در این منطقه فراهم آورده و زمزمه‌هایی از خودمختاری و جدایی طلبی مطرح شده است. دوران گذار پس از سقوط رضاشاه که با حضور نیروهای بیگانه در خاک ایران همراه بود، از جمله دوره‌هایی است که چنین وضعیتی را بر کردستان حاکم کرد. در بحبوحه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت پهلوی نیز بار دیگر زمزمه‌های تجزیه‌ی کردستان تکرار شد.

با اوج‌گیری جریان انقلاب و هم‌زمان با تضعیف قدرت حکومت مرکزی در اواخر عمر حکومت پهلوی، اعضای گروه‌های سیاسی گوناگون، که تا قبل از این، در خارج از کشور یا در زندان به سر می‌بردند،

با اهداف مختلفی چون ایجاد جامعه‌ی سوسیالیستی، تشکیل کردستان بزرگ، خودمختاری کردستان و نیز با انگیزه‌هایی از قبیل قدرت‌طلبی سیاسی و شخصیتی، به تدریج به کردستان بازگشتند و با کمک گروه‌های سیاسی غیر بومی فعالیت خود را از سر گرفتند. عمده‌ترین گروه‌ها و جریان‌های فعال در کردستان هم‌زمان با نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی عبارت بودند از: ۱. حزب دمکرات کردستان ۲. کومه‌له (سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان). ۳. چریک‌های فدایی خلق ۴. حزب توده و دیگر گروه‌های چپ‌گرا. ۵. برخی رهبران مذهبی محلی مانند عزالدین حسینی و احمد مفتی‌زاده.

این گروه‌ها و جریان‌ها با بهره‌گیری از نارضایتی‌های اجتماعی - سیاسی که نتیجه‌ی سیاست‌های تبعیضی حکومت مرکزی در دوران پهلوی بود و نیز با استفاده از ضعف دولت نو پای

سرآغاز بحران کردستان
محاصره‌ی پادگان مهاباد در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ به دست نیروهای مسلح حزب دمکرات بود. با وجود اعزام سریع هیئتی از طرف دولت برای مذاکره با سران کرد، روز اول اسفند ۱۳۵۷، این پادگان سقوط کرد

از تهدیدهای بالقوه برای حکومت عراق به شمار می‌رفتند. به ویژه که دولت بعث عراق خیلی زود، توافقات انجام شده بین عبدالکریم قاسم و کردها را که ضمن آن امتیازاتی در حد خودمختاری به اکراد عراقی اعطا شده بود، نادیده انگاشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی و در پی آن برخاستن زمزمه‌های خودمختاری کردهای ایران، بحران کردستان هم به مثابه‌ی فرصتی مغتنم و هم به منزله‌ی تهدیدی جدی برای دولت عراق مطرح شد؛ این امر از یک سو برای عراق یک فرصت محسوب می‌شد، چراکه دولت مرکزی ایران درگیر بحرانی داخلی می‌شد و توان و تمرکز آن در مرزها تحلیل می‌رفت

و از سوی دیگر تهدید به حساب می‌آمد زیرا مسئله‌ی کردها و کردستان مسئله‌ی مشترک میان چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه به شمار می‌رفت که در این میان به دلیل میزان جمعیت، وسعت سرزمین و اهمیت مناطق کردنشین، عراق بیش از دو کشور سوریه و ترکیه خود را در معرض خطر خودمختاری اقوام کرد احساس می‌کرد.

در میان اعتراضات و آشوب‌ها در کردستان ایران، اتفاقی افتاد که در پی آن جنبه‌ی تهدیدآمیز خودمختاری کردها برای دولت عراق بیش از پیش اهمیت یافت. در سوم اسفند ۱۳۵۷، جلال طالبانی، رهبر اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق، تلگرامی خطاب به امام خمینی^(ره) فرستاد. در این تلگرام، طالبانی، ضمن تبریک پیروزی انقلاب اسلامی آمادگی خود را با تمام قوا و توانایی انقلاب کردستان عراق برای هر نوع هم‌رزمی و هم‌کاری [با انقلاب

عراق تکذیب می‌شد. نکته‌ی جالب توجه این است که دولت ایران با حسن نظر به دخالت‌ها و تحریکات عراق در امور کردستان می‌نگریست به گونه‌یی که یکی از مقامات ایرانی در این باره گفت: «مسئله‌یی که مورد توجه دولت ایران است، امکان مداخله‌ی دولت عراق در مسئله‌ی کردستان برای جلوگیری از به پا خاستن اکراد عراق است».

به هر حال دولت عراق ضمن این‌که بحران کردستان را نیز به مثابه خوزستان فرصتی برای مداخله در امور ایران برای ستاندن امتیاز به شمار می‌آورد، می‌کوشید با حمایت از عناصر ضد انقلاب در مرز کردستان نبض تحولات این منطقه را در دست داشته باشد. در مسئله کردستان، حاکمان عراق تلاش می‌کردند، تا ضمن اینکه به مقصود اولیه خویش در خصوص تضعیف دولت مرکزی ایران نایل می‌گردیدند - و امیدوار بودند به عنوان اهرم فشار از آن استفاده نمایند - با کنترل اوضاع، مانع از مشکل‌ساز شدن بحران کردستان برای دولت عراق شوند. بنابراین، افرادی را که بر ضد حکومت مرکزی ایران فعالیت می‌کردند در مرز این کشور با کردستان ایران مستقر و از آن‌ها حمایت کردند و از طریق آنان به مداخله در امور کردستان پرداختند. روزنامه‌ی اطلاعات در گزارشی در این باره نوشته است: «سپهد پالیزبان به همراه سرهنگ ایوبی در کوت سورین واقع بین دزلی و نوسود [مستقر شده‌اند]، همچنین سرتیپ نصرتی در سیدصادق و ساواکی‌های فراری مناطق قصرشیرین، کرمانشاه، سنندج، مریوان، سقز، بانه، سردشت و مهاباد از منطقه‌ی مرزی مریوان به عراق رفته‌اند و در یک محل اجتماع کرده‌اند».

با این همه، مهم‌ترین جنبه اهمیت مسئله‌ی کردستان در روابط ایران و عراق پیوستگی آن با مسئله‌ی کردستان عراق بود. کردهای عراق که اقلیتی قابل توجه در این کشور بودند و سابقه‌ی نسبتاً طولانی در منازعه با دولت مرکزی داشتند، یکی

دولت عراق ضمن اینکه اقداماتی برای جلب رضایت گروه‌های کرد عراقی صورت می‌داد تحریکات و تحرکات عمده‌ی نیز در مورد کردستان ایران به اجرا درآورد که از عمده‌ترین آن‌ها می‌توان به حمایت از گروه‌های ضد انقلاب در قالب تجاوزات هوایی و نیز انجام دادن پروازهایی برای تهدید و شناسایی اشاره کرد

کردستان بود؛ دولت موقت ایران در مقابله با وقایع کردستان به اقدام نظامی متوسل نشد و از همان آغاز اعتراض‌ها و آشوب‌ها- که با محاصره‌ی پادگان مهاباد شروع شد- هیئتی را به منظور بررسی مسائل کردستان به این شهر فرستاد و با سران کرد به مذاکره پرداخت. در طول این مذاکرات، اعضای هیئت اعزامی دولت با خواسته‌های رهبران کرد که خواستار تعیین سرنوشت کردستان به صورت فدراتیو در چارچوب کشور ایران بودند، موافقت و حمایت خود را از عزالدین حسینی به عنوان نماینده‌ی خلق کرد در مذاکره با دولت مرکزی، اعلام کردند. حساسیت چنین رویکردی از سوی دولت موقت در مورد بحران کردستان، برای عراق به حدی حساس بود که دولت این کشور مذاکرات خود را با اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق از سر گرفت. روزنامه‌ی کیهان در این باره به نقل از «یک مقام موثق کرد، نوشت: «دولت عراق با نمایندگان اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی وارد مذاکره شده است. مذاکرات نمایندگان کردها و حکومت مرکزی عراق بر سر مسائلی است که در عهدنامه‌ی خودمختاری کردستان عراق رعایت نشده است.» این روزنامه افزود: «ناظران سیاسی تغییر موضع عراق و حاضر شدن این دولت به مذاکره با کردها را ناشی از حوادث بعد از انقلاب [ایران] می‌دانند و معتقدند که دولت عراق احساس می‌کند آیت‌الله خمینی و دولت موقت ایران با مسئله‌ی کردهای ایران با نظر مساعدی رو به رو شده‌اند.» در حالی چنین برداشتی از اقدام ایران در مورد کردها می‌شد که مهندس بازرگان رئیس دولت موقت ایران، خودمختاری کردها را تنها در محدوده‌ی "داشتن اختیار و مسئول بودن در امور محلی" پذیرفتنی می‌دانست و تأکید داشت: «اگر منظور [از خودمختاری] تجزیه‌طلبی و از بین رفتن وحدت کشور است به هیچ وجه قابل قبول نیست.» با وجود این، دولت عراق ضمن اینکه اقداماتی

اسلامی را [اعلام داشته بود]. هر چند از طرف امام پاسخی به این تلگرام داده نشد و حتی چندی بعد سفیر ایران در عراق رسماً عدم حمایت دولت ایران از جنبش کردستان عراق را اعلام داشت، این اقدام جلال طالبانی، هرگز برای دولت عراق خوشایند نبود و حاکمان این کشور آن را تهدیدی جدی پنداشتند. شاید اولین تجاوز مرزی عراق علیه ایران که چند روز بعد از تلگرام طالبانی به امام در هشتم اسفند ۱۳۵۷، رخ داد، بی‌ارتباط با این واقعه نبوده باشد.

علاوه بر اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق، حزب دمکرات کردستان این کشور (قیاده موقت - بارزانی‌ها) نیز به وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با نگاهی مثبت و سازنده می‌نگریست؛ طوری که یک سخن‌گوی این حزب در خصوص انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی^(ره)، چنین گفت: «سرنوشت شوم محمدرضا پهلوی مزدور بیگانه در انتظار بعثی‌ها نیز می‌باشد. رهبری امام خمینی که عامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران است همچون شمع فروزانی فرا راه مبارزات کردها و عرب‌ها

بوده و حزب دمکرات ضمن پشتیبانی قاطع از انقلاب ایران از دسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم ابراز تنفر نموده است.» بدیهی است اقداماتی از این قبیل که نشان‌دهنده‌ی اقبال کردهای عراق به انقلاب اسلامی و تلاش برای برقراری روابط با دولت جدید ایران بود به هیچ وجه خوشایند دولت عراق نبود.

اما موضوعی که بیش از همه موجب می‌شد دولت عراق از ناحیه‌ی کردها احساس خطر کند، روش مسالمت‌آمیز دولت ایران در مقابله با بحران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی
در ایران اولین نشانه‌ی اقبال
شیعیان عراق به انقلاب اسلامی،
در نامه‌ی تبریک آیت‌الله صدر
به امام خمینی (ره) به مناسبت
پیروزی انقلاب، نمایان شد

مانند مریوان و پاوه تشدید شد، اما برخی اقدامات ایران برای حل، رفع و تحدید دامنه‌ی بحران و نیز نگرانی‌های عراق از سرایت بحران کُردستان ایران به مرزهای این کشور، تا حدودی از حساسیت مسئله‌ی کُردستان در قالب مقوله‌ی چالش‌زا در روابط ایران و عراق کاست. همچنین در عراق با روی کارآمدن صدام حسین، تغییر و تحولاتی رخ داد و در نتیجه مسیر مناسبات دو کشور تغییر کرد و دوره‌ی جدید در روابط آن‌ها آغاز شد که از حوزہ‌ی زمانی این پژوهش خارج است.

ج) مسئله‌ی شیعیان عراق (واهمه‌ی عراق از وقوع انقلاب اسلامی در این کشور)

همان‌گونه که گذشت، حاکمان بعثی عراق وقوع انقلاب اسلامی ایران را که آشکارا ایدئولوژی مبارزاتی خود را از آموزه‌های تشیع برگرفته بود و رهبری آن را یک مجتهد شیعه برعهده داشت، تهدیدی جدی به شمار آوردند.

این تهدید حداقل از دو جهت مطرح می‌شد اول این‌که نظام جای‌گزین نظام شاهنشاهی ایران، نظامی

کاملاً دینی بود و خواسته‌ی آن یعنی، پیوند دیانت و سیاست درست در نقطه‌ی مقابل ایدئولوژی حزب بعث عراق یعنی، جدایی دین از سیاست قرار داشت. دلیل دوم که ملموس‌تر و عینی‌تر از مورد نخست بود، مسئله‌ی شیعیان عراق بود، هر چند آمارهای دولتی عراق جمعیت شیعیان این کشور را ۵۵ درصد اعلام می‌کند، اما اکثر مطلعین بر این باورند که رقم واقعی جمعیت شیعه در عراق رقم ۶۵ درصد است. علاوه بر عامل جمعیتی، وجود اماکن

برای جلب رضایت گروه‌های کُرد عراقی صورت می‌داد تحریکات و تحرکات عمده‌ی نیز در مورد کُردستان ایران به اجرا درآمد که از عمده‌ترین آن‌ها می‌توان به حمایت از گروه‌های ضد انقلاب در قالب تجاوزات هوایی و نیز انجام دادن پروازهایی برای تهدید و شناسایی اشاره کرد: در همین راستا، در ۱۹ خرداد ۱۳۵۸، دو هواپیمای عراقی، از طریق مرز هوایی اورامانات وارد فضای ایران شدند و تا ۹۰ کیلومتری خاک ایران (منطقه‌ی جوانرود) پیش رفتند. همچنین در ۹ تیر ۱۳۵۸، چند هواپیمای عراقی به حریم هوایی ایران تجاوز کرده و بر فراز شهر مریوان به پرواز درآمدند. هر چند ایران به این قبیل اقدامات عراق که با اهداف چندگانه‌ای از جمله تعقیب کردهای عراقی در خاک ایران، انجام دادن شناسایی و مهم‌تر از همه، قدرت‌نمایی و سنجش توان دفاعی ایران انجام می‌گرفت- آن‌گونه که باید پاسخ نمی‌داد، ارتش ایران اجرای برخی مانورها و اقدامات نظامی که نشان‌گر آمادگی دفاعی ایران بود، به اجرا می‌گذاشت. برای نمونه، در ۲۹ خرداد ۱۳۵۸، چهار هواپیمای فانتوم اف ۵ و تعدادی هلی‌کوپتر ارتش ایران بر فراز شهر کرمانشاه و برخی نواحی مرزی ایران در غرب کشور به پرواز درآمده، مانوری هوایی اجرا کردند. سرلشکر ناصر فرید، رئیس ستاد ارتش ایران، درباره‌ی این مانور هوایی گفت: پرواز هواپیماهای ارتش جمهوری اسلامی ایران برای این بود که به ملت پاسخ داده شود که ایران آمادگی لازم را برای هر نوع عمل متقابل دارد و عراق هم بداند که علی‌الاصول ملت ایران و ارتش ایران با هم‌بستگی کامل آمادگی دارند با هرگونه فعالیت‌های ضد انقلابی در داخل و خارج مبارزه کنند.

در دوره‌ی زمانی مورد مطالعه در پژوهش حاضر، مسئله‌ی کُردستان به طور کامل حل نشد و همان‌گونه که اشاره شد در سال‌های بعد نیز با برخی نوسانات ادامه یافت و حتی در بعضی مناطق

درگیری‌ها و تظاهرات‌ها در عراق زمانی به اوج خود رسید که خبر دست‌گیری، آیت‌الله محمدباقر صدر، رهبر شیعیان این کشور، انتشار یافت

بنابراین، رهبر شیعیان عراق از تصمیم خود مبنی بر ترک عراق، صرف‌نظر کرد. ادامه‌ی حضور و فعالیت وی در عراق حوادثی را در پی آورد که از بُعد تأثیر مسئله‌ی شیعیان عراق در روابط ایران با این کشور حائز اهمیت فراوانی است. پس از این واقعه، شیعیان تظاهرات‌های وسیعی در عراق بر پا کردند که اوضاع این کشور را بحرانی کرد. سرآغاز جدی تظاهرات‌ها ۱۶ خرداد ۱۳۵۸ بود. روزنامه کیهان در شماره‌ی مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، درباره‌ی این وقایع نوشته است:

دیروز اوضاع عراق به شدت متشنج شد و تظاهرات دامنه‌داری در اعتراض به روش خصمانه‌ی دولت بعثی عراق در مقابل نهضت بالنده و رشدیابنده‌ی اسلام در منطقه و بمباران دهکده‌های ایران صورت گرفت و در شهرهای نجف، کاظمین و کوفه و سایر شهرستان‌ها مردم به خیابان‌ها ریختند و به طرف‌داری از حکومت قرآن و ارزش‌های اسلامی و اعتراض به شیوه‌ی رژیم حاکم بر عراق شعار می‌دادند.

به دنبال این تظاهرات‌ها، اوضاع عراق به حدی متشنج شد که برخی ناظران سیاسی تحولات داخلی عراق را شبیه به اوضاع ایران مقارن آخرین روزهای عمر حکومت پهلوی توصیف کردند.

درگیری‌ها و تظاهرات‌ها در عراق زمانی به اوج خود رسید که خبر دست‌گیری آیت‌الله محمدباقر صدر، رهبر شیعیان این کشور، انتشار یافت. ماجرای دست‌گیری آیت‌الله صدر از این قرار بود که «هزاران زن و مرد مسلمان عراقی جهت اعلام پشتیبانی از سید محمدباقر صدر راهی نجف اشرف شده و دست به راه‌پیمایی زدند. راه‌پیمایان پس از حرکت در خیابان‌ها عازم منزل رهبر شیعیان عراق شده و پس از شنیدن سخن‌رانی ایشان و استیضاح حکومت بعث، متفرق می‌شوند.» پس از این واقعه نیروهای امنیتی منزل آیت‌الله صدر را محاصره می‌کنند و آیت‌الله صدر به نشانه‌ی اعتراض، اقدام به تحصن

مقدس متعدد شیعیان و حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و نیز حضور علما و مراجع بزرگ شیعی و... در عراق، موضوع شیعیان این کشور را به چالشی جدی برای حاکمان عراق تبدیل می‌کرد به ویژه اینکه شیعیان در ساختار حکومت عراق از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جایگاهی درخور نداشتند و سخت‌گیری‌ها و فشارهای بسیاری بر آن‌ها وارد می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اولین نشانه‌ی اقبال شیعیان عراق به انقلاب اسلامی، در نامه‌ی تبریک آیت‌الله صدر به امام خمینی^(۹) به مناسبت پیروزی انقلاب، نمایان شد. در این نامه، آیت‌الله صدر آرزو کرده بود: پیروزی نهضت مقدس اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی طلیعه‌ی پیروزی‌های متوالی و متعاقب در جهان اسلام باشد. پس از انتشار این پیام، طولی نکشید که دولت عراق تلاش‌های خود را برای جلوگیری از آنچه خطر انقلاب ایران می‌پنداشت، آغاز کرد. بارزترین تلاش دولت بعث عراق در این خصوص تحت فشار قرار دادن آیت‌الله صدر رهبر شیعیان این کشور بود، این فشارها آن قدر ادامه یافت که وی تصمیم گرفت از عراق خارج شود.

در پی انتشار خبر تصمیم آیت‌الله صدر مبنی بر ترک عراق، امام خمینی^(۹) در تلگرافی از وی خواست در تصمیم خویش تجدید نظر کند در این تلگراف آمده بود: «از قرار مسموع جناب‌عالی به واسطه‌ی بعض پیشامدها خیال هجرت از عراق دارید. این جانب از این امر نگران هستم. هجرت جناب‌عالی را از نجف اشرف مرکز علوم اسلامی صلاح نمی‌دانم.» آیت‌الله صدر در پاسخ، پیام امام را «بازگوکننده‌ی عنایت پدرانه و توجهات عطفانه‌ی آن رهبر عزیز به این ملت مسلمان و به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف» خواند و اظهار کرد: «من از توجهات حکیمانه‌ی آن جناب نیرو گرفته، احساس می‌کنم مسئولیت خطیر نگهبانی این دستگاه علمی و اسلامی و حمایت از رسالت سنگین را به دوش دارم.»

هر چند دولت عراق بنا به ملاحظات ایستادگی بازداشت آیت‌الله صدر را مصلحت ندانسته و وی را آزاد کرد، اما این اقدام به هیچ وجه به معنای توقف تلاش‌های این دولت در مقابله با شیعیان نبود. چراکه نه تنها سایر بازداشت‌شدگان، که بیش‌تر آن‌ها از روحانیون و علمای برجسته‌ی عراقی بودند، همچنان در بازداشت باقی ماندند، بلکه میزان بازداشت‌ها افزایش یافت. در این باره، جمعیت حرکت انقلاب اسلامی عراق در قم اطلاع داد: تعداد بازداشت‌شدگان به دست دولت بعثی عراق، رو به ازدیاد است و تاکنون به ۳ هزار نفر رسیده است.

می‌کند تا این‌که روز ۲۲ خرداد، رئیس سازمان امنیت عراق به همراه ۲۰۰ فرد مسلح به منزل وی حمله برده، او را دست‌گیر می‌کنند.

دست‌گیری رهبر شیعیان عراق، واکنش‌های فراوانی را در ایران و عراق در پی داشت. علما و روحانیون به شدت به این اقدام دولت عراق اعتراض کردند. «بازار اکثر شهرهای عراق به حال تعطیل درآمد و در نجف اشرف، کربلا، بصره، شامیه، شطره و دیگر نقاط عراق تظاهرات خشونت‌آمیزی به وقوع پیوست که صدها هزار مسلمان عراقی در آن شرکت داشتند. پلیس عراق در این تظاهرات به سوی مردم تیراندازی کرد و تعداد زیادی از مردم کشته و زخمی شدند.» در پی چنین وضعیتی و گویا به توصیه مقامات سوریه دولت عراق یک روز پس از دست‌گیری آیت‌الله صدر، وی را آزاد کرد.

امام خمینی (ره) پس از آزادی آیت‌الله صدر پیامی خطاب به ایشان مخابره کردند. در پیام امام آمده بود: پیشامدهای اخیر یکی پس از دیگری موجب تأسف است. انتظار آن نبود که با جناب‌عالی، شخصیت علمی و اسلامی، چنین رفتار شود. چنانچه انتظار نبود و نیست که مأمورین دولت عراق در سرحدات رفتاری کنند که مخالف حُسن هم‌جواری است. ملت ایران که با نهضت اسلامی خود امید دارد دست اجانب را از جمیع ممالک اسلامی کوتاه کند و استقلال را به آن‌ها برگرداند، همچنین انتظار دارد که همان نحو که ملت‌ها با نهضت عظیم اسلامی ایران موافق و پشتیبان آن هستند، دولت‌ها نیز پشتیبان آن باشند. حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف، که در خدمت اسلام و مسلمین است، در طول تاریخ حافظ استقلال عراق بلکه سایر کشورهای اسلامی بوده است، انتظار ندارد که مورد اهانت واقع شود و یکی از شاخص‌ترین بزرگان آن، مورد تهاجم واقع شود. من به دولت عراق نصیحت می‌کنم که این دژ محکم را که حافظ کِیان [و] مصالح کشور است حفظ کند. این نصیحتی بود که من در دوران گذشته به شاه مخلوع و دولت ایران کردم.

اقدامات دولت عراق در مقابله با شیعیان کاملاً بر اساس احساس خطری بود که دولت‌مردان این کشور از تکرار واقعه‌ی نظیر انقلاب اسلامی ایران در این کشور داشتند

اقدامات دولت عراق در مقابله با شیعیان کاملاً بر اساس احساس خطری بود که دولت‌مردان این کشور از تکرار واقعه‌ی نظیر انقلاب اسلامی ایران در این کشور داشتند. این اقدامات در حالی انجام می‌گرفت که مقامات دولت موقت ایران (به عنوان نهاد رسمی قدرت در ایران) بارها اعلام کرده بودند که ایران قصد صدور انقلاب را ندارد. همچنین امام خمینی به

عنوان رهبر انقلاب اسلامی، نه اعتقادی به "صدور مکانیکی" انقلاب داشت و نه طرحی برای آن. در مورد انقلاب ایران، آنچه عینیت یافته بود اقبال مردم عراق به ویژه شیعیان این کشور به انقلاب اسلامی و الگوپذیری آنان از این انقلاب بود. امری که هیچ مقام رسمی، قدرت جلوگیری از آن را ندارد و در واقع امری غیرقابل جلوگیری و کنترل است. اما، سران حزب بعث عراق با توجه به پتانسیل‌های موجود در این کشور و نیز شباهت‌های فراوان بافت اجتماعی و ساختار قدرت عراق با جامعه و حکومت ایران قبل از انقلاب، از وقوع انقلابی نظیر انقلاب

عباس خاتم، عضو هیئت استفتائیهی امام خمینی^(ره) در نجف و تعداد فراوانی از طلاب و جوانان مذهبی عراق بازداشت و پس از چند روز به همراه یک گروه ۱۶ نفری از طلاب و علمای حوزهی علمیه نجف از این کشور اخراج شد. ۷ تن از علمای عراق که از وکلای آیت‌الله صدر بودند، محاکمه و به اعدام محکوم شدند. آیت‌الله صدر در منزل خود تحت نظر قرار گرفت و امکان ارتباط با بیرون از وی سلب شد. اما مسئلهی شیعیان عراق هیچ‌گاه با این اقدامات حل نشد و حتی وقایع بعدی، نظیر اعدام آیت‌الله صدر، نیز - که پرداختن به آن از حوصلهی زمانی این نوشتار خارج است - نقطه‌ی پایانی بر این واقعه نگذاشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، روابط ایران و عراق در بازه‌ی زمانی میان پیروزی انقلاب اسلامی تا کناره‌گیری حسن‌البکر، براساس استراتژی تعیین‌شده توسط عراق شکل می‌گیرد. به عبارت بهتر، در این دوره ابتکار عمل در روابط سیاسی دو کشور در دست عراق است. بنابراین، تصمیم‌گیران سیاست خارجی عراق بر اساس دو دیدگاه متضاد در مورد انقلاب ایران، روابط سیاسی خود را با ایران، پس از وقوع انقلاب را پی‌ریزی می‌کنند. بر اساس دیدگاه نخست، انقلاب ایران فرصتی است برای عراق تا در روابط خود با آن کشور تجدید نظری اساسی صورت دهد. اما دیدگاه دوم که بر ماهیت دینی انقلاب ایران و تحولات داخلی عراق به ویژه مسئلهی شیعیان این کشور نظر دارد، انقلاب ایران را تهدیدی برای حاکمیت حکومت بعث به شمار می‌آورد.

بنابراین دولت عراق سیاست خارجی خود درباره‌ی ایران را بر مبنای روشی دوگانه بنا نهاد. این دولت ضمن اینکه در عرصه‌ی دیپلماسی ژستی دوستانه به خود گرفت و مناسبات مرسوم در این زمینه را به جای آورد ولی در میدان عمل روش دیگری در

اسلامی ایران در این کشور نگران بودند. به همین دلیل، ضمن اینکه تحت فشار قرار دادن علمای عراقی، منزل امام در نجف را محاصره و آیت‌الله رضوانی نماینده‌ی ایشان در عراق، دست‌گیر کردند. البته این اقدامات بر وخامت اوضاع عراق افزود؛ پس از این وقایع روزنامه‌ی کیهان در گزارشی از اوضاع عراق نوشت: «تظاهرات تقریباً سراسر عراق را فراگرفته است و مأمورین مسلح عراقی در نقاط مختلف با تظاهرکنندگان درگیری پیدا کرده‌اند که در نتیجه تعدادی کشته و گروهی زخمی و دست‌گیر شده‌اند.»

دولت عراق که به شدت

نگران گسترش دامنه‌ی اعتراضات بود و منشأ اصلی آن را علمای شیعه می‌پنداشت، تصمیماتی برای کنترل اوضاع از طریق تحدید فعالیت‌های شیعیان به ویژه

علمای شیعه اتخاذ نمود. در همین راستا، مقامات این کشور تصمیم گرفتند آیت‌الله رضوانی، نماینده‌ی امام در عراق را اخراج کنند. صدام حسین، معاون رئیس‌جمهور عراق، پا را فراتر نهاد و آشکارا آنچه را موجب هراس سران حزب بعث شده بود به زبان آورد؛ وی با ارسال پیامی برای آیت‌الله صدر، گفت که نمی‌گذارد تجربه‌ی ایران در عراق تکرار شود و آیت‌الله صدر تبدیل به امام صدر گردد. آیت‌الله صدر نیز در واکنش به این پیام چنین اظهار نظر کرد: «از دولت بعث عراق در شرایط فعلی هیچ چیز بعید نیست. انقلاب اسلامی ایران دولت بعثی را به شدت بیمار کرده است، یک بیمار رو به احتضار.»

به هر تقدیر، فشارها بر شیعیان به ویژه روحانیون شیعه‌ی عراق تشدید شد، محدودیت‌ها افزایش یافت و بازداشت‌ها ادامه پیدا کرد؛ در همین راستا سید

مردم خوزستان، با برپایی یک راه‌پیمایی بزرگ در ۱۹ خرداد ۱۳۵۸ "غائله‌ی خوزستان را توطئه‌ی عراق و ساواک" خواندند

تحریک و تجاوز سنگینی کرد و سیاست اعلام حسن هم‌جواری هر چند کاملاً کنار گذاشته نشد و کم و بیش در محافل رسمی نمود می‌یافت، اندک اندک جای خود را به تهدیدهای تلویحی سپرد. با شدت یافتن درگیری‌ها در خوزستان، دخالت‌های عراق در این حوادث آشکارتر و شدیدتر شد و مسئله‌ی خوزستان با حمایت‌های عراق از گروه‌های جدایی‌طلب، برای دولت ایران به بحرانی جدی تبدیل شد. هم‌زمان دولت عراق سخت‌گیری‌ها و فشارها را بر شیعیان این کشور به ویژه علما و روحانیون شیعه و به طور مشخص آیت‌الله صدر افزایش داد. به این ترتیب روابط ایران و عراق رو به تیرگی نهاد. جالب توجه این‌که سیاست‌های بسیار ملایم و متعادل دولت موقت درباره‌ی عراق به هیچ‌وجه مانع از تشدید وخامت روابط دو کشور نشد. حتی سخنان وزیر امور خارجه‌ی ایران و نیز سفیر ایران در عراق که آشکارا نشان‌دهنده‌ی تغافل مقامات ایرانی از عملکرد سوء دولت عراق علیه ایران بود، تأثیری در عادی‌سازی روابط نداشت.

آنچه مشخص است و تحولات بعدی روابط دو کشور نیز بر آن صحنه گذاشت، این است که دولت عراق که از قرارداد الجزیره ناراضی بود، با اتخاذ سیاست دوگانه‌ی "اعلام حسن هم‌جواری و اعمال تحریک و تجاوز" ضمن این‌که درصدد به حداقل رساندن تبعات انقلاب اسلامی ایران در عراق بود و می‌کوشید چهره‌ای خرسند از پیروزی انقلاب ایران به نمایش گذارد، تلاشی فزاینده در پیش گرفت تا با در دست داشتن برگی برنده تغییراتی در مناسبات دو کشور ایجاد کند. بر این اساس عراق با وجود داشتن ظاهری دوستانه در روابط سیاسی با ایران و تأکید بر حسن هم‌جواری و احترام متقابل، به مداخله در بحران‌های داخلی ایران و به طور مشخص کردستان و خوزستان پرداخت و مخالفان انقلاب ایران را پناه و یاری داد و به بهانه‌های گوناگون در مرزهای ایران

پیش گرفت و به تحریک و تجاوز علیه ایران پرداخت. در این پژوهش از این رویه‌ی متناقض عراق در برابر ایران به "اعلام سیاست حسن هم‌جواری، اعمال سیاست تحریک و تجاوز" تعبیر شد.

اولین برخورد دولت عراق با انقلاب ایران و دولت برآمده از آن، در عرصه‌ی دیپلماتیک ظاهری دوستانه داشت. به گونه‌یی که سفارت این کشور در ایران در روز پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) خبر منتشر شده در خصوص اظهار نظر یک مقام عراقی مبنی بر بازگشت شاه به ایران و ادامه‌ی حکومت پهلوی را تکذیب کرد. همچنین این سفارت‌خانه خیلی زود نظر دولت متبوع خود مبنی بر به رسمیت شناختن دولت موقت ایران را به اطلاع مقامات ایرانی رساند. حسن البکر رئیس‌جمهور عراق نیز در نامه‌یی به مهدی بازرگان انتصاب وی به ریاست دولت موقت ایران را تبریک گفت، اما درست چند روز بعد از مخابره‌ی این تعارفات دیپلماتیک، هواپیماهای عراقی به حریم هوایی ایران تجاوز و یک روستای مرزی ایران را بمباران کردند. البته پس از این تجاوز هوایی همچنان لحن دیپلماتی عراق ملایم بود و سفیر این کشور در ایران به طور رسمی بابت تجاوز انجام شده، از دولت ایران عذرخواهی کرد. چندی بعد، متعاقب برگزاری referendum تعیین نظام سیاسی در ایران، رئیس‌جمهور عراق، با ارسال پیامی استقرار نظام جمهوری اسلامی را به امام خمینی^(ره) تبریک گفت. این رفتارهای سیاسی در فضایی انجام می‌شد که عناصر عراق در کردستان و به ویژه خوزستان برای تحریک و تشویق مخالفان نظام جدید ایران فعالیت می‌کردند.

سیاست دوگانه‌ی عراق در برابر ایران در طول دوره‌ی مورد مطالعه (از پیروزی انقلاب اسلامی تا برکناری حسن البکر) با تغییراتی ادامه یافت. بدین ترتیب که به تدریج کفه ترازو به سمت سیاست

فهرست منابع

۱. اصغر جعفری ولدانی؛ و بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ص ۴۹۲.
۲. منوچهر پارسا دوست، ما و عراق، از گذشته دور تا امروز، تهران: سهامی انتشار، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶.
۳. همان.
۴. مأخذ، ص ۴۹۵.
۵. مأخذ، ص ۲۱۷.
۶. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس‌های جنگ مدرن؛ جنگ ایران و عراق، ترجمه‌ی حسین یکتا، مقدمه و توضیحات حسین علایی، تهران: انتشارات مرز و بوم، ۱۳۸۹، جلد اول، ص ۷۷.
۷. در این باره بنگرید به: کنت آر. تیمرن، سوداگری مرگ، ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: موسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، صص ۱۳۸ - ۱۳۲.
۸. مأخذ، ص ۷۸.
۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۱/۱۴، نقل از: فرهاد درویشی، "تمهیدات سیاسی و نظامی عراق برای آغاز جنگ" در ریشه‌های تهاجم؛ تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱.
۱۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۲، ص ۸.
۱۱. همان.
۱۲. روزنامه‌ی آیندگان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۶، ص ۳، نقل از: هادی نخعی و حسین یکتا، روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه‌سازی؛ پیدایش نظام جدید، جلد ۱: بحران‌های داخلی و تولد نیروهای مسلح انقلاب، ص ۱۲۹.
۱۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۸، ص ۲.
۱۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۸، ص ۳.
۱۵. دو روز بعد تعداد ربوده‌شدگان ۹ نفر اعلام شد. ن.ک. به: روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۷.
۱۶. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۸، ص ۲.
۱۷. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۰، ص ۷.
۱۸. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۲.
۱۹. سند شماره ۱۱۲۵۵۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام رکن دوم ژاندارمری ملی ایران به وزارت کشور،

۴۲. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی گزارش‌های ویژه، شماره ۸۶، ص ۳، آسوشیتدپرس. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۵۵۷.
۴۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۱.
۴۴. سند شماره ۳۳۶۵۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش هنگ ژاندارمری ایلام به ژاندارمری کل کشور. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، صص ۷۰۲۷۰۱.
۴۵. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۹، ص ۱۱.
۴۶. سند شماره ۹۲۱۳۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ژاندارمری ایلام به وزارت کشور، ۱۳۵۸/۴/۱۰. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۲۶.
۴۷. سند شماره ۰۰۰۰۱۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلگرام مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۶، ژاندارمری کل کشور به نخست‌وزیری. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۸۱۵.
۴۸. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص ۲.
۴۹. روزنامه‌ی بامداد، ۱۳۵۸/۴/۷، ص ۳.
۵۰. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی گزارش‌های ویژه، شماره ۱۰۲، ۱۳۵۸/۴/۱۳، خبرگزاری فرانسه، روزنامه‌ی الثوره، نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۹۶.
۵۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص ۲.
۵۲. مأخذ ۵۰، ص ۱۵، رادیو صوت الجماهير، مجله‌ی اشپیگل، نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۹۶.
۵۳. همان.
۵۴. همان، ص ۷۹۷.
۵۵. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص ۱۲.
۵۶. همان.
۵۷. همان.
۵۸. مأخذ ۲۲- و سند شماره ۹۰۲۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش مأمور اعزامی دفتر هماهنگی سپاه مرکز به خوزستان. نقل از حسین یکتا، روز شمار جنگ ایران و عراق‌مینه سازی؛ پیدایش نظام جدید، جلد ۲، بحران در خوزستان صص ۴۴۴۲، سند شماره ۵۱۱۲۵۳۳ مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، نقل از پیشین، ص ۴۱۵ و روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۲/۱۸، ص ۱ و ۵.
۵۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص ۳.
۶۰. همان.
۶۱. همان، ص ۸.
- ۱۳۵۷/۱۲/۱۳، نقل از نخعی و یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۲۷۷.
۲۰. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۶.
۲۱. سند شماره ۰۰۰۰۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش رکن ۳ ژاندارمری کل کشور به وزارت امور خارجه‌ی ایران، ۱۳۵۸/۱/۱۱، نقل از: نخعی و یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۳۳۳.
۲۲. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۳، ص ۲.
۲۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۴، ص ۸.
۲۴. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۶، ص ۸.
۲۵. منوچهر پارسادوست، نقش عراق در شروع جنگ؛ همراه با بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹، ص ۲۶۳. و نیز بنگرید به روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۲۲، ص ۸.
۲۶. همان.
۲۷. امام خمینی، صحیفه‌ی امام، مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۲.
۲۸. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۱/۳۰، ص ۸.
۲۹. روزنامه‌ی آیندگان، ۱۳۵۸/۱/۳۱، نقل از نخعی و یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۲۱.
۳۰. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۲.
۳۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳، ص ۶.
۳۲. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص ۲.
۳۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص ۲.
۳۴. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص ۳.
۳۵. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۳.
۳۶. سند شماره ۰۰۰۰۱۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلگرام گروهان ژاندارمری مریوان به وزارت کشور، نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۴۷۸.
۳۷. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۱.
۳۸. مأخذ ۳۵.
۳۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۲.
۴۰. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی گزارش‌های ویژه، شماره ۸۴، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۱۱. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۵۳۸.
۴۱. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۲.

۶۲. همان.
۸۵. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲، ص ۸.
۸۶. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۱۰، ص ۲.
۸۷. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۱/۱۵، ص ۳.
۸۸. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۳.
۸۹. سند شماره ۹۲۱۳۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ژاندارمری ایلام به وزرات کشور، ۱۳۵۸/۴/۱۰، نقل از یکتا، همان، ص ۷۲۶.
۹۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۲.
۹۱. روزنامه‌ی بامداد، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۱.
۹۲. عزت‌الله عزتی، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۳۳.
۹۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۵، ص ۵.
۹۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۲.
۹۵. صحیفه‌ی امام، پیشین، ج ۷، ص: ۴۲۳.
۹۶. روزنامه‌ی اطلاعات، ۵۸/۳/۱۳، ص ۲.
۹۷. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص ۳.
۹۸. همان.
۹۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۲، ص ۲.
۱۰۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۳.
۱۰۱. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۲.
۱۰۲. صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۱۵۰.
۱۰۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۱.
۱۰۴. همان.
۱۰۵. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص ۲.
۱۰۶. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص ۲.
۱۰۷. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۶.
۱۰۸. همان.
۱۰۹. همان.
۱۱۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۱.
۱۱۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۷، ص ۷.
۱۱۲. روزنامه‌ی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص ۴.
۶۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ص ۲.
۶۴. سند شماره ۵۱۱۲۵۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام استاندار خوزستان به وزیر کشور. نقل از یکتا، مأخذ ۵۸، ص ۴۱۹.
۶۵. مأخذ ۵۹، ص ۸.
۶۶. سند شماره ۳۴۶۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور. نقل از یکتا، همان ص ۴۰۵.
۶۷. ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه تاریخ جنگ، شماره ۳، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۰. نقل از مهدی انصاری، محمد درودیان و هادی نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۶۸.
۶۸. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص ۱.
۶۹. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص ۲.
۷۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه شماره ۸۳، ۱۳۵۸/۳/۲۵، صص ۱ و ۴، نقل از یکتا، مأخذ ۵۸، ص ۵۱۲.
۷۱. مأخذ ۴۱.
۷۲. سند شماره ۰۹۰۲۹۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش سپاه خوزستان به ستاد مرکز. نقل از یکتا، مأخذ ۵۸، صص ۵۴۷۵۴۶.
۷۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۲.
۷۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۸، ص ۲.
۷۵. همان، ص ۳.
۷۶. یحیی فوزی تویسرکانی، تحولات سیاسیاقتصادی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴، جلد اول، صص ۴۶۵۴۶.
۷۷. مأخذ ۲۰، ص ۲.
۷۸. مأخذ ۱۷، ص ۲.
۷۹. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۹، ص ۳.
۸۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۳، ص ۷.
۸۱. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۵/۹.
۸۲. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۸، ص ۳.
۸۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص ۸.
۸۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱، ص ۳.

دیدگاه‌های امام خمینی

در مقطع عملیات خیبر (آبان - بهمن ۱۳۶۲)*

دکتر حسین اردستانی**

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، در همه‌ی مقاطع به تبیین اصول کلی انقلاب و نظام و در دوران جنگ به تبیین مواضع جمهوری اسلامی در جنگ؛ بسیج جامعه به سوی جبهه‌ها و تجهیز آنان؛ سالم‌سازی جامعه به نفع جبهه‌های نبرد و مقابله با جنگ روانی دشمن می‌پرداختند. ایشان در سخنان‌شان مردم را به صبر بر مشکلات دفاع دعوت می‌کردند و از آنان می‌خواستند ائمه‌ی معصومین را در این خصوص الگوی عملی خودشان قرار دهند. امام خمینی همواره از رزمندگان و فرماندهان قدردانی می‌کردند و با حمایت‌های معنوی‌شان به آنان روحیه می‌دادند. در مقطع قبل از عملیات خیبر (آبان تا پایان بهمن ۱۳۶۲)، چند موضوع مهم در بیانات امام مطرح شده است که علاوه بر موضوع جنگ، سیاست داخلی را نیز شامل می‌شود که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: عملیات خیبر، شهیدان، جنگ روانی، انتخابات مجلس، دولت، جهاد.

چکیده

مقدمه

جنگ از منظر امام خمینی

آنان را سرمایه‌ی انقلاب و جنگ و عامل پیشبرد آن می‌دانستند. حضرت امام با طرح موضوع سالم‌سازی جامعه و ایجاد محیط مناسب برای مجاهدت در راه خدا، از جوانان می‌خواستند به سوی جبهه‌ها بشتابند. ایشان در جمع اعضای شوراهای محلی - اسلامی توزیع کالا در سراسر تهران و گروهی از کارکنان مرکز تحقیقات مخابرات فرمودند:

حضرت امام جنگ را مهم‌ترین موضوع کشور می‌دانستند و همواره از ابتدای جنگ، توجه مسئولان و مردم را به دفاع مقدس معطوف می‌داشتند و در رأس امور به آن می‌پرداختند. ایشان پشتوانه‌ی اصلی جبهه‌های نبرد را آحاد مردم، به ویژه طبقات فقیر و جوانان انقلابی و تحول روحی به وجود آمده در

* این مقاله در سال ۱۳۷۳ تألیف شده که پس از افزودن نتیجه‌گیری، اکنون در فصلنامه نگین درج شده است.
** مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و راوی مرکز در قرارگاه خاتم الانبیا در دوران دفاع مقدس.



رزمندگان لشکر ۱۹ فجر در حین عزاداری شب عملیات خیبر - ۳ اسفند ۱۳۶۲

«الآن انسان می‌بیند که جوان‌هایی هستند - من زیاد به این‌ها برمی‌خورم - جوان‌هایی هستند که می‌آیند گریه می‌کنند که ما می‌خواهیم برویم به جبهه، نمی‌گذارند برویم. همین پریروز یا دیروز بود که یک جوانی آمده بود، گفت: "دو تا از برادران کشته شده [اند]، خودم می‌خواهم بروم." "گفتم: "جوان، تو کافی است، آن‌ها رفتند و دیگر بس است." شروع کرد گریه

پیروز شدید بحمدالله، لکن بقای این پیروزی و بقای این دستاوردهایی که شما به دست‌تان آمد، امروز مشکل‌تر از خود آن پیروزی است که به دستتان آمد، نگاه‌داری‌اش مشکل است. باید همه کوشش کنید که این چیزی که به دست آوردید، نگاه دارید. این ارزان به دست شما نیامده است، بسیار سنگین به دست شما آمده است و کم چیزی هم نیست که به دست شما آمده است.^(۲)

از دیدگاه امام، مهم‌ترین نکته برای حفظ پیروزی به دست آمده علاوه بر سیاست‌گذاری‌های نظام سیاسی در دفاع از طبقه‌ی محروم و حفظ آن‌ها به منزله‌ی پشتوانه‌های انقلاب و نیز وحدت داخلی، توجه مردم به جبهه و حمایت از آن است. در این باره امام در پیام خویش به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می‌نویسد:

از ملت عظیم‌الشأن خواهانم که به طور فعال در صحنه حاضر و از کمک به دولت خدمت‌گذار و جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها دریغ ننمایند. مسئله‌ی دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین

کردن. خوب یک همچو [معنویتی]، این جز به عنایت خدا نمی‌شود. یک معنویتی است که غیر از عنایت خدا نمی‌تواند این معنویت را برای کسی ایجاد کند... این حالی که در جوان‌های ما پیدا شده است، در طول تاریخ نظیر نداشته الا اولیا خدا و ما امروز ابتلا به این قدرت‌ها داریم و این جنگ را ما باید به پیروزی به زودی تمام کنیم و این به این است که جوان‌های ما بروند دنبال جنگ. جوان‌های ما این طور نباشند که بگویند تمام شد و رفت سراغ کارش. خیر، تمام نشده، امریکا دنبال کار است. الآن امریکا به میدان آمده ... و باید هر چه زودتر این را تمام کنیم و این به این است که جوان‌های ما بروند به جبهه‌ها.^(۱)

امام خمینی به رابطه میان جنگ و انقلاب و دشواری‌های پس از پیروزی - که بر اثر توطئه‌ی دشمنان بروز می‌کند - و نیز این موضوع که حفظ و بقای پیروزی مشکل‌تر از به دست آوردن آن است اشاره می‌کنند می‌فرمایند:

مرحله‌ی اول که پیروزی ابتدایی بود گذشت و

خود را از لجنزار کانون فساد و تیره‌روزی که رژیم ستم‌شاهی برای آنان فراهم کرده بودند، رها ساخته و به اوج عظمت و معنویت رساندند. رحمت خداوند منان بر شهدای عظیم‌الشأن و درود بر شهدای زنده که پشتوانه‌ی اسلام بوده و هستند و سلام بر رزمندگان سلحشور از ارتشی، سپاهی و بسیجی تا ژاندارمری و شهربانی، کمیت‌ی و عشایری و تمامی نیروهای مردمی که انعکاس قدرت‌شان کاخ‌های ابرقدرت‌ها را به لرزه درآورده است و این همان قدرت الهی و نوری است که لاشرقیه و لاغریه می‌باشد و خداوند این نور را مستدام فرماید.

جنگ روانی با دشمن

در پی حمله‌ی ارتش عراق به شهرها و مناطق مسکونی که از ابتدای جنگ یکی از شیوه‌های اصلی رژیم عراق برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی و تحمیل صلح به این کشور بود، همواره مردم خواهان مقابله به مثل نیروهای مسلح بودند. امام با درک این موضوع، کوشید با طرح موضوعات انسانی

و اسلامی برای مردم، حتی المقدور از مقابله به مثل علیه شهرهای عراق اجتناب شود و در این خصوص فرمودند:

مبادا یک وقتی به واسطه‌ی بمباران‌های شهرهای شما و کشتن عزیزان شما، مبادا یک وقتی شما عصبانی بشوید و جبران نکنید این طوری. این انتقام از او نیست. شما انتقام‌تان را از صدام باید بگیرید و از حزب بعث و الآن دارید می‌گیرید. توجه کنید که مبادا حتی یک گلوله به طرف شهرهای این‌ها بیندازید...

از واجبات کفایی است و همه‌ی ما به حسب امکاناتی که در اختیار داریم، لازم است احتیاجات جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را که آن نیز کمک به دفاع است برآورده نماییم و این جانب با تشکر از ملت بزرگوار ایران [از آنان می‌خواهم] که انقلاب را با حضور فعال خود ادامه دهند و با این حضور رضای خداوند تبارک و تعالی را جلب نمایند.^(۴)

قدردانی شهیدان

حضرت امام خمینی^(۵) پیروزی بر دشمنان اسلام و ایران و ارتقا ملت به سعادت حکومت دینی و رهایی از فساد فرهنگ غربی - که ارمغان حکومت وابسته‌ی شاهنشاهی بود- و تضمین بقای جمهوری اسلامی را مرهون فداکاری و از جان گذشتگی مجاهدان راه خدا می‌داند که در این راه به فیض شهادت رسیدند. امام در پیام خود به مناسبت روز شهید، اسرا و مفقودین در دهه‌ی فجر، ضمن حمایت معنوی از جبهه‌ها و رزمندگان، می‌فرماید:

بحمدالله شهیدان ما که پیرو شهید عظیم‌الشأن اسلام [امام حسین] علیه‌السلام هستند، جمهوری اسلامی را بیمه کردند و پیروزی بر دشمنان اسلام و ایران و ملت بزرگوار ایران و سایر ملت‌های مسلمان، بلکه مستضعفان جهان را تحفه آوردند. بی‌جهت نیست که مستکبران جهان با تمام توطئه‌ها و شیطنت‌ها بر ضد یک ملت کوچک چهل میلیونی که بر حسب معنویت و ارزش‌های انسانی بر قلّه‌ی بلند و والای سعادت ارتقا یافته است، قیام نموده‌اند. خود این توطئه‌ها و بوق و کرناهای ابرقدرت‌های عالم و پیوستگان و وابستگان به آنان از بزرگ‌ترین ارزش‌ها و والاترین مقام‌ها برای یک ملت است که تا کنون برای هیچ ملتی رخ نداده است و این ارزش را شهدای والامقام و جانبازان، این شهدای زنده و به دنبال آنان ملت عظیم‌الشأن ایران در پشت جبهه‌ها آفریدند. آفرین بر این قدرت ایمان و قوت بازوی عزیزان و صدها آفرین بر امتی که خود را و جوانان

حضرت امام جنگ را مهم‌ترین موضوع کشور می‌دانستند و همواره از ابتدای جنگ، توجه مسئولان و مردم را به دفاع مقدس معطوف می‌داشتند و در رأس امور به آن می‌پرداختند

خود غرق کند و مردم عراق را هم غرق کند و این دیوانگی دیشب او [حمله‌ی موشکی به دزفول در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۲] با علم به این بوده است که بی جواب نمی ماند».^(۶)

رد موضوع صلح

از نظر امام، طرح صلح طلبی رژیم عراق امری واهی بوده و با هدف به دست آوردن زمان و حمله‌ی مجدد مطرح شده است. در این باره امام می فرماید: «صدام دیگر یک مرده‌بی است افتاده آن جا، این اهمیتی ندارد دیگر، لیکن این ها [ابرقدرت‌ها] دارند فساد می کنند... هی فریاد می زنند بیایید دیگر صلح کنیم، می خواهد مهلت بگیرد که بعدها شرارت بکند. ما این را بهتر می شناسیم از دیگران، این طور نیست که این صلح بخواهد، این می خواهد که به اسم صلح مهلت پیدا بکند، دوباره تشکیلاتی درست کند زیادتر و قدرتی پیدا کند زیادتر و دوباره حمله بکند. خوب، با یک همچو چیزی نمی شود صلح کرد. کدام انسان است که می تواند با یک دشمنی که با اسلام دشمن است، با خدا دشمن است، با ملت خودش دشمن است، با ملت ما دشمن است، این را مهلت بدهد تا این که دوباره تجهیز کند خودش را. قدرت‌ها هم به او کمک بکنند و باز هم افراد پیدا کند و دوباره حمله بکنند به این جا. این را کسی نمی تواند مهلتش بدهد. این باید شرش کنده شود تا این منطقه درست بشود.»^(۷) امام در سخنرانی دیگری می فرماید:

«صدام رفتنی است. او تودهنی می خورد. می گویند که صلح بکنیم ... با صدام صلح نمی توانیم بکنیم؛ صدام یک جانی است که به هیچ یک از تعهداتی که می کند اعتبار نیست».^(۸)

لزوم اخلاص در جهاد

در مورد اخلاص عمل رزمندگان، امام بارها به رزمندگان و فرماندهان توصیه کردند که اگر می خواهید

ایشان به جنبه‌ی روانی حمله‌ی ارتش عراق به مناطق مسکونی اشاره و اضافه می کنند:

این مرده دیگر از بین رفته است، دیگر شما خیال نکنید، این ها دست و پایی است که در حال احتضار دارد می زند. این قدرتمندها آن آخر عمرشان این طور جنون پیدا می کنند. این هایی که در حالی که قدرت دارند آن شارت و شورت را می کنند، وقتی شکست می خورند بسیار هم ضعیف می شوند. این ضعف روحی است که انسان به یک طایفه که هیچ کاری به او ندارند، توی خانه‌های شان نشسته اند، یک بچه‌ی کوچکی که کاری به او ندارد، این ضعف انسانیت و ضعف قدرت است که به

او ببرد برای این که در جبهه - او را - سیلی به او زده اند. این، آن مایه‌ی آخرش را هم که عبارت از آن گردان هایی بوده است که برای حفظ او بوده فرستاده به جبهه و این جا هم بسیاری از آن ها را به درک فرستاده اند. خوب این صدمه می بیند، صدمه‌ی روحی می بیند، عقل هم که ندارد که حساب بکند که خوب ما

در جبهه مغلوب شده ایم، باید در جبهه کاری بکنیم، آن جا که نمی تواند کاری بکند، به بهبهان و نمی دانم مسجد سلیمان و جاهای دیگر تعدی می کند».^(۹)

پس از گذشت دو ماه از جنگ و در پی تشدید حملات هوایی و موشکی عراق به مناطق مسکونی، امام برای اولین بار مقابله به مثل را ابزاری برای بازداشتن دشمن از این اقدامات دانستند. رهبر انقلاب در دیدار فرمانده، وزیر و نماینده‌شان در سپاه و شورای عالی سپاه با ایشان فرمودند: «صدام چون می بیند در حال غرق شدن است می خواهد همه را با

امام خمینی:

جوان‌های ما این طور نباشند که بگویند تمام شد و رفت سراغ کارش. خیر، تمام نشده، امریکا دنبال کار است. الآن امریکا به میدان آمده ... و باید هر چه زودتر این را تمام کنیم و این به این است که جوان‌های ما بروند به جبهه‌ها

آن اشخاصی که در جبهه‌ها جنگ می‌کنند، با آن‌هایی که در مقابل شما هستند، صورت عمل که یک صورت است، آن‌ها می‌کشند شما هم می‌کشید، اما کشتن شما یک عمل عبادی است و کشتن آن‌ها یک عمل جنائی است. این روی انگیزه‌ی است که هست، روی معنایی است که این دو عمل دارند، نه روی صورت عمل است. شما برای خدا جهاد می‌کنید، آن‌ها برای شیطان جهاد می‌کنند. آن‌ها تبع شیطان هستند و شما تبع خدا هستید. این فاصله‌ی ما بین این دو امر است، توجه کنید که این محفوظ بماند.^(۹)

انتخابات مجلس دوم

با نزدیک شدن اتمام دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی و بالا گرفتن تب و تاب انتخابات دومین دوره، تصمیم گیرندگان، مطبوعات و جناح‌ها به اظهار نظر پرداختند و رسانه‌های غربی نیز این موضوع را بررسی و تجزیه و تحلیل کردند. یکی از موضوعات مهم در این خصوص، حذف لیبرال‌ها و ورود نیروهای حزب‌اللهی و

پیرو خط امام به خانه‌ی ملت بود. حضرت امام در این باره فرمودند: «مسئله‌ی انتخابات آینده از اهم اموری است که مسئولیت آن با همه‌ی ماست و توجه دارید که دشمنان اسلام در نظر دارند کاری بکنند که انتخابات درست صورت نگیرد و از دست مسلمان‌ها و متعهدین خارج شود، ولی شما باید تمام قدرت‌تان را صرف کنید که به خوبی انجام شود.»^(۱۰) علاوه بر این، امام خمینی بر سالم بودن انتخابات بدون آن‌که فرد خاصی بر مردم تحمیل شود تأکید داشتند و در این باره فرمودند: «امروز ما کسی را

نتیجه‌ی کارتان تا ابد باقی بماند، فقط برای خدا کار کنید. این موضوع از نظر امام بسیار مهم و حیاتی بود. ایشان تفاوت رزمندگان با نیروهای بعثی را - که هر دو در حال جنگ و نزاع بودند - فقط نیت باطنی و عمل برای خدا می‌دانستند که در یکی وجود داشت و در دیگری نه. امام در این باره می‌فرمایند:

شمایی که امروز دارید برای اسلام زحمت می‌کشید، چه شمائی که در جنگ‌ها و در پشت جنگ‌ها و در زحمت‌هایی که در صنعت می‌کشید و چه آن آقایی که برای مظلومین دارند خدمت می‌کنند و برای بنیاد شهید دارند خدمت می‌کنند، خدمت‌های شما بسیار ارزش دارد. این ارزش را حفظ بکنید. صورت عمل میزان نیست. آن چیزی که میزان است انگیزه‌ی عمل است، معنای عمل است. دوتاست عمل، در صورت مثل هم هستند. شمشیری که در دست حضرت امیر سلام الله علیه - است فرود می‌آید و فرض کنید که عمر بن عبدود را می‌کشد. این صورت عمل با صورت عمل دیگری که شمشیر دستش هست و یک کس دیگر را می‌کشد، صورت، یک صورت دیگر است. هر دو یک شمشیری است و در دستی است و فرود می‌آید و یک کس را می‌کشد، لکن آنی که او را با عبادت ثقلین افضل دانسته‌اند، برای آن انگیزه‌ی عمل است، برای آن معنایی است که در آن عمل است نه برای این صورت عمل است. انگیزه‌ی عمل است که این عمل را به آنجا می‌رساند که لایوازی عباد ثقلین انگیزه‌ی عمل است که چند تا قرص نان جو را که اهل بیت - علیهم‌السلام - به فقیر و اسیر و چه می‌دهند، در قرآن چند آیه برای او می‌آید. آن چیزی که هست این است که انگیزه‌ی عمل الهی است، وقتی الهی شد جبرانش الهی است. شما جوانان‌های عزیزی که الآن برای اسلام دارید خدمت می‌کنید - و مطمئن باشید که ارزش بسیار زیاد دارید شما - توجه به روحیات خودتان بکنید که مبدا در این امر شیطان دخالت بکند... فرق ما بین شما عزیزان و

امام خمینی:
رحمت خداوند منان بر شهدای
عظیم‌الشان و درود بر شهدای
زنده که پشتوانه‌ی اسلام
بوده و هستند

حمایت از دولت

سیاست‌های اقتصادی دولت در دوران جنگ به دلیل ویژگی‌های خاص زمان، با اعتراض برخی جناح‌های داخلی مواجه می‌شد که در مقاطع گوناگون، امام ضمن حمایت از دولت به جناح‌های سیاسی که معتقد به اسلام و نظام بودند، خطر این موضوع را گوش زد می‌کردند. با شدت یافتن حملات به دولت به بهانه‌ی گرانی، مالیات و... امام فرمودند:

من به شما عرض می‌کنم نه دولت با من - عرض کنم که - قوم خویش است و نه من. افرادش را اکثرش را می‌شناسم، اما من کلی قضیه را دارم می‌گویم. دولت با این همه کاری که می‌بینید کرده است، یعنی این مملکتی که به هم خورده است و این طوری است، نگذاشته به هم بخورد، نگذاشته که این همه خرج‌هایی که این همه، این مصایبی که و مجروحینی که هر روز دارند می‌آورند، این‌ها زمین بمانند. نگذاشته است که مردم گرسنه بمانند. نگذاشته چه بشود. البته همه قبول دارند، خود دولت هم قبول دارد، گرانی هست. گرانی اولاً همه جا هست، این جای تنها نیست. ثانیاً وضع انقلابی همچو اقتضا می‌کند، وضع جنگ این‌طور است. نباید ما وقتی که وضع جنگ را می‌بینیم داریم، ما وضع انقلاب را می‌بینیم داریم، وضع دشمنی همه دنیا را داریم، همه‌مان بریزیم سر دولت. الآن می‌بینیم در مجلس به دولت حمله می‌شود، در محضر علماء به دولت دارد حمله می‌شود، در بازار به دولت حمله می‌شود، مصاحبه‌های تلویزیونی به دولت و می‌روند، عرض کنم بساط وقتی درست می‌کنند به دولت و می‌روند، این بی‌جهت نیست. خود آقایان ملتفت نیستند. آقا خودش خیلی خیلی آدم خوبی است، می‌رود ده نفر آدم از همین اشخاصی که می‌خواهند این کارها را بکنند، ایران فراوانند از این اشخاص، الآن در ایران سلطنت‌طلب ما داریم. در ایران مخالف با جمهوری اسلامی در این طبقات بالایی که می‌خواستند عیاشی

نداریم که دستور بدهد، پیشنهاد می‌کند و مردم مختارند. فرض بکنید که اگر همه‌ی کسانی که در رأس [هستند] بروند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید، لکن شما به نظرتان درست نباشد، جایز نیست بر شما تبعیت کنید. باید خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا این‌که بتوانید رأی بدهید.^(۱۱) ایشان در ادامه می‌فرمایند:

انتخاب دست مردم است، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر با آن رعیتی که در کشاورزی کار می‌کند و آن بازاری که در بازار کار می‌کند، راجع به انتخابات یک جور هستند، علی‌السوا هستند، یعنی رئیس‌جمهور یک رأی دارد، نخست‌وزیر هم یک رأی دارد و آن کشاورزی که در دوردست افتاده‌ترین [نقاط] این کشور است، آن هم یک رأی دارد. رأی‌شان با هم فرقی ندارد و همه هم مسئول هستند. در تشخیص خوب و بد، اتکال به قول غیر نکنید، مگر اشخاصی باشند که مورد اعتماد خودتان باشد صددرصد.^(۱۲)

امام خمینی:

مبادا یک وقتی به واسطه‌ی بمباران‌های شهرهای شما و کشتن عزیزان شما، مبادا یک وقتی شما عصبانی بشوید و جبران بکنید این طوری. این انتقام از او نیست

امام اعتقاد داشتند، مردم باید در صحنه باشند و به طور فراگیر در انتخابات حاضر شوند و رأی بدهند. ایشان تأکید می‌کردند به افراد نالایق و ناتوان برای ایفای نقش نمایندگی رأی ندهید و تعهد نمایند به اسلام را بسیار مهم می‌دانستند. از نظر امام این‌که نماینده از کدام حزب و گروه باشد مهم نبود؛ بنابراین، ایشان گروه‌گرایی را در انتخابات سالم مردود می‌دانستند: «مسئله خوب بودن خود شخص است نه این‌که از یک دسته‌ی خاصی باشد... این‌ها دیگر شرط نیست، عمده موازین است که قانون و اسلام تعیین کرده است.»^(۱۳)



تشریح عملیات خیبر توسط سردار شهید حاج محمدابراهیم همت به خبرنگاران

بکنند، حالا نمی گذارند عیاشی بکنند داریم. از منافقین موجودند. از اقلیت موجود است. از احزاب موجود است، هستند همه، زیادند. آقایان عرض می کنم که با ظاهر خیلی خوب می روند پیش فلان آقا می نشینند، می گویند هی اسلام دارد از بین می رود، دیدید چی شد، چه شد، این ها می خواهند این جا را مثل شوروی اش بکنند. آقا فوراً باور می کند... زمین خوردن دولت امروز برای روحانیت هم مضر است...

دارند باورشان می آید. باید آقایان فکر بکنند که هر کس آمد هر چی زد، باید از اول حمل بر فساد بکنند که این می خواهد یک کاری بکند. امروز که فساد زیاد است، حمل به صحت صحیح نیست که هر که آمد خیال کنیم راست می گوید...

امام خمینی^(ره) در ادامه با اشاره به وسعت جریان ضد دولت در میان روحانیت - که از روی سادگی به این عمل اقدام می کنند - می فرمایند:

بیایند بروند در قم پیش آقای، بروند در - فرض کنید - که اصفهان پیش آقای، بروند در شیراز پیش آقای، یک کاری بکنند که صدا در بیاید. حالا از اول کی از همه ضعیف تر است برای این کار؟ به روحانیت حمله کنیم، نه. به مجلس، نه. به دولت باید حمله کنیم، حالا به دولت. مجلس را وادار می کنند به دولت - عرض کنم - روحانیون را وادار می کنند به دولت، بازار را وادار می کنند به دولت، همه جا به دولت. خوب دولت از بین رفت فردا می آیند سراغ شماها.^(۱۴) از نظر امام زیر سؤال بردن سیاست های دولت پیش از آن که یک اختلاف فکری باشد، ریشه در

خیال نکنید که شما دولت را تضعیف می کنید، نخیر. شما هم دولت را تضعیف کنید، تضعیف شماست. این مقدمه است برای او و الآن یک خطی در این کار هست، مشغول اند الآن. و شما باید خیلی توجه کنید، چشمه یاران را باز کنید.

امام در بخش دیگری از سخنان شان در مورد یکی از روحانیان موجه که گفته بود با پرداخت خمس دیگر نباید به دولت مالیات داد، می فرمایند: آقا می نویسند مالیات نباید داد. آخر شما ببینید بی اطلاعی چه قدر! آقا، ما امروز روزی نمی دانم چند صد میلیون ما الآن خرج جنگ مان است. روزی چند صد میلیون خرج جنگ را با سهم امام می شود درستش کرد حالا؟ ... سهم امام حالا به اندازه یی است که همین حوزه ها را بگردانیم، بیش تر از این هم نیست. یک کمی بیش تر باشد، می دهند به دولت... خوب، بی فکر حرف می زنند آقایان، یک کسی می رود یک چیزی به آن ها می گوید، آن ها هم باورشان می آید. آقایان دیگر هم همین طورند. با سلامت نفسی که

بود، هیچ کس پا نشد، من پا شدم و یکی از علمای تهران که الآن هم هستند و من جا دادم به ایشان - جا هم ندادند - این جو را درست کرده بودند برای آقای کاشانی که دیگر از منزلش نمی‌توانست بیرون بیاید... آن‌جا هم شکست دادند، مسلمین را شکست دادند. من حالا می‌خواهم یک هشدار به آقایان بدهم. مسئله الآن به یک وضعی در آمده است که انسان می‌بیند که مشغول جوسازی هستند، می‌شنود که مشغول جوسازی هستند و به تدریج می‌خواهند این کار را عملی‌اش کنند، یعنی دیدند که ایران با این مسائلی که در دنیا می‌خواهند حل کنند نتوانسته‌اند کاریش بکنند... این‌ها می‌خواهند با وسیله‌هایی با حيله‌هایی از این‌جا شروع کنند، از ایران شروع کنند. از ایران شروع کردن هم یک دفعه نمی‌شود بروند سراغ روحانیون. می‌دانند که نمی‌شود که از اول بروند سراغ روحانیون، روحانیون را شکست بدهند. می‌آیند هی از پایین‌تر شروع می‌کنند، از پایین‌تر جوسازی می‌کنند. مثلاً حالا برای دولت جوسازی می‌کنند، برای دولت دارند جوسازی می‌کنند.^(۱۵)

برنامه‌ریزی دشمنان انقلاب دارد که درصددند با طرح موضوعات اختلاف‌انگیز، به تدریج اساس نظام را متلاشی کنند. بنابراین، بهترین کار آن است که از باورهای سنتی و بدون توجه به زمان و مکان و امر حکومت که دین را خارج از جامعه می‌پندارد، استفاده کنند و آن‌ها را به جان دولت - که مسئول پیشبرد حکومت و انقلاب است - بیاندازند. امام خمینی^(ره) با درک این موضوع خطاب به همه‌ی مردم می‌فرماید:

من امروز مغتنم است که در حضور آقایان یک مطلبی را عرض کنم و این مطلب مال همه است... در دوران مشروطه - را که آقایان شنیده‌اند - یک عده‌یی که نمی‌خواستند که در این کشور اسلام قوه داشته باشد و آن‌ها دنبال این بودند که این‌جا، آن وقت به طرف اروپا بکشند، آن‌ها جوسازی کردند، به طوری که [درباره‌ی افرادی] مثل مرحوم آقا شیخ فضل‌الله - که آن وقت یک آدم شاخصی در ایران بود و مورد قبول بود، همچو جوسازی کردند که در میدان علنی، ایشان را به دار زدند و پای آن هم کف زدند. و این نقشه‌یی بود برای این‌که

پس از گذشت دو ماه از جنگ و در پی تشدید حملات هوایی و موشکی عراق به مناطق مسکونی، امام برای اولین بار مقابله به مثل را ابزاری برای بازداشتن دشمن را از این اقدامات دانستند

اسلام را منعزل کنند و کردند... مردم غفلت داشتند از این عمل، حتی علما هم غفلت داشتند. ما در زمان خودمان هم آقای کاشانی را دیدیم - وضع ایشان طوری شد که آن طور جوسازی کردند که یک سگی را عینک به آن زدند و آن طور که من شنیدم عینک زدند - و از طرف مجلس آوردند این طرف و به اسم آیت‌الله و من خودم در یک مجلس بودم که مرحوم آقای کاشانی وارد شد در آن مجلس، مجلس روضه

نتیجه‌گیری

سال‌های قبل و بعد، بر پاسداری از نظام است. در این خصوص امام به دو رکن مجلس و دولت اشارت می‌کند و اصرار دارند که مجلس بر اساس آرای مردم و بدون دخالت و نفوذ دولت و دستور شخصیت‌های کشور، حتی خود ایشان، شکل بگیرد و به مردم نیز توصیه می‌کنند: «باید خودتان تشخیص بدهید تا این که بتوانید رأی بدهید.» از نظر ایشان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر از رعیت و بازاری برتر نیستند.

دولت مهم‌ترین رکن اداره‌ی کشور است و در طول دوران جنگ نیز امام خمینی^(ره) به آن توجه ویژه‌ی داشتند و با توجه به وضعیت بحرانی کشور همواره از دولت حمایت می‌کردند و این حمایت به خصوص قبل از عملیات خیبر، بسیار جدی و با نگرانی‌هایی در خصوص تهدید اصل نظام از طرف دشمنان همراه بود.

منابع:

۱. صحیفه‌ی امام، جلد ۱۸، مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۱، صص ۳۱۴-۳۱۵.
۲. همان، مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۳، ص ۲۰۸.
۳. همان، مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۲، ص ۳۳۲.
۴. همان، مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۹، صص ۳۲۵-۳۲۶.
۵. همان، مورخ ۱۳۶۲/۸/۱۵، صص ۲۱۱-۲۱۲.
۶. همان، مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۲، ص ۳۴۸.
۷. همان، مورخ ۱۳۶۲/۹/۱۶، ص ۲۳۹.
۸. همان، مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۶، ص ۳۲۳ و ص ۳۲۲.
۹. صحیفه‌ی نور، جلد ۱۸، مورخ ۱۳۶۲/۸/۱۵، صص ۲۱۰-۲۰۹.
۱۰. همان، مورخ ۱۳۶۲/۸/۴، ص ۱۹۶.
۱۱. همان، مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۳، ص ۲۸۴.
۱۲. همان، ص ۲۸۳.
۱۳. صحیفه‌ی امام، جلد ۱۸، مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۰، ص ۲۴۳.
۱۴. همان، مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۶، صص ۲۵۵-۲۵۶.
۱۵. همان، مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۶، صص ۲۴۹-۲۵۰.

در این پژوهش، مواضع امام در سخنرانی‌های شان در ماه‌های قبل از عملیات خیبر بررسی و دیدگاه‌های شان از چهارم آبان تا ۲۲ بهمن ۱۳۶۲، بازخوانی شده است. همچنین، موضوعات مهمی که ایشان بر آن‌ها تأکید داشتند، گزینش و با افزودن توضیحاتی به آن‌ها درج شده است. در بازخوانی عملیات‌های بزرگ جمهوری اسلامی در دوران دفاع مقدس، مطالعه‌ی چپستی شرایط محیطی در سطوح خرد ملی، منطقه‌ی و جهانی ضرورت دارد. در سطح ملی، مواضع رهبر نظام هم‌ردیف و حتی بالاتر از موضوعات اصلی و مهمی است که باید به آن‌ها توجه شود. امام در ماه‌های آبان، آذر، دی و بهمن، علاوه بر توجه به جبهه‌های نبرد و امور جنگ، از حفظ انقلاب و نظام و گوش‌زد کردن آسیب‌پذیری‌های احتمالی غفلت نکرده‌اند.

ایشان به موضوع صلح که مهم‌ترین موضوع در عرصه‌ی سیاست داخلی و خارجی کشور محسوب می‌شد، توجه ویژه‌ی داشتند و معتقد بودند که صدام و حزب بعث در پی صلح نبودند و از آن همچون ابزاری برای دست یافتن به زمان و فرصت استفاده می‌کردند. موضوع دیگر، نگاه انسانی به جنگ است. امام در خصوص جنگ شهرها، فرماندهان و رزمندگان را از ورود به شهرهای عراق برای گرفتن انتقام از مردم این کشور به جای جنگ‌افروزان دولت و ارتش عراق منع می‌کردند و البته برای اولین بار انداز می‌دهند که مقابله به مثل ایران محتمل می‌باشد.

امام خمینی^(ره) شهیدان را طلایه‌داران تاریخ جدید ایران می‌دانند که با انقلاب و دفاع مقدس‌شان، هویت جدیدی به ایران داده‌اند. ایشان از رزمندگان می‌خواهند که در این میدان سهمگین، مجاهدت‌شان مخلصانه باشد، زیرا از منظر ایشان، روح و جان جبهه‌های نبرد، توحید و معنویت است.

توجه و تمرکز امام در این دوره، همچون

[illegible]

روش تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی نقش استفاده از تسلیحات شیمیایی به منزله‌ی یک استراتژی ژئوپلیتیکی، در وضعیت موازنه‌ی قوای جنگ ایران و عراق است. بر این اساس، تحولات جبهه‌های جنگ در بازه‌ی زمانی استفاده از تسلیحات شیمیایی واکاوی و بررسی شده است. موضوع تحقیق بر این فرض استوار است که اتخاذ استراتژی ژئوپلیتیکی تسلیحات شیمیایی موجب شد تا موازنه‌ی قوا در جبهه‌های جنگ که پس از فتح خرمشهر به سود ایران بود، به نفع عراق تغییر کند. تحقیق رویکرد توصیفی - تحلیلی دارد و از نوع کتابخانه‌یی است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز کتاب‌ها، مقالات، اسناد، گزارش‌ها و اینترنت است.

مبانی نظری

نسبت استراتژی و ژئوپلیتیک

توپولوژی محیط ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی، تبیین‌کننده نوع استراتژی رقابت یا منازعه ژئوپلیتیکی آن‌ها است. طراحی و عملیاتی شدن استراتژی ژئوپلیتیکی از یک سو پیش‌ران یک ساختار ژئوپلیتیکی است و از سوی دیگر به آن جهت و معنا می‌بخشد. از این رو پویایی و اضمحلال یک ساختار ژئوپلیتیکی به نوع و شیوه عملیاتی شدن استراتژی ژئوپلیتیکی آن بستگی دارد. این پویایی و اضمحلال بیانگر وضعیت محیط ژئوپلیتیک بازیگران خواهد بود. به هر میزان که حوزه عملکرد استراتژی ژئوپلیتیکی یک بازیگر در یک فضای جغرافیایی، محیط گسترده‌تری را متأثر سازد، گسترده جغرافیایی استراتژی رقیب در همان محیط، رو به ضعف و اضمحلال خواهد گذاشت. از این رو صحنه‌ی نبرد و رقابت ژئوپلیتیکی، نوع استراتژی را شکل و جهت داده و تدابیر و تمهیدات آن توسط کنشگر ژئوپلیتیکی جهت تسلط یا تأثیرگذاری بر جغرافیای

نیروهای ایران در برنامه‌های استراتژیک خود از آن بهره‌ی فراوانی برد. براساس اسناد سازمان ملل، اولین حمله شیمیایی عراق علیه ایران در ۲۳ دی ۱۳۵۹ در منطقه‌ی بین هلاله و نی‌خزر واقع در ۵۰ کیلومتری غرب ایلام رخ داده است، اما عراق استفاده از حملات شیمیایی را پس از فتح خرمشهر و تغییر موازنه‌ی قوا به نفع ایران استراتژی اصلی خود قرار داد. این دوره مقارن بود با اجرای عملیات‌های تهاجمی ایران همچون خیبر، بدر، کربلای ۵، والفجر ۸ و... که عراق را در لاک دفاعی مطلق فرو برده بود. عراق در برابر چنین فشار سنگینی و برای متوقف کردن حملات نیروهای نظامی

ایران در اواسط سال ۱۳۶۲، تصمیم گرفت نیروهای ایرانی را که در هیئت امواج انسانی در مرز جنوبی عراق مستقر بودند، با گاز شیمیایی هدف حمله قرار دهد. زیرا صدام حسین، نگران بود که تاکتیک تهاجمی جدید ایران مدافعان جنوب عراق را از پای درآورد

و خطوط دفاعی در بصره و بیابان متصل به العماره از هم بگسلد و در این صورت ایران می‌توانست با قطع رابطه‌ی بغداد با بصره دومین شهر بزرگ کشور، عراق را به دو بخش مجزا تقسیم کند. به همین دلیل حاکمان عراق برای جلوگیری از چنین وضعیتی، استراتژی حمله‌ی شیمیایی علیه ایران را طراحی کردند.^(۱) بدین منظور عراق استراتژی خود را در مناطق عملیاتی و عقبه‌ی جبهه‌ها به ویژه مناطق مسکونی عملیاتی کرد. به این ترتیب حکام عراقی به کارگیری سلاح شیمیایی را به منزله‌ی یک استراتژی ژئوپلیتیکی تا پایان جنگ ادامه دادند.

صدام نگران بود که تاکتیک تهاجمی ایران خطوط دفاعی در بصره و بیابان متصل به العماره را از هم بگسلد و با قطع رابطه‌ی بغداد با بصره، عراق را به دو بخش مجزا تقسیم کند. به همین دلیل حاکمان عراق برای جلوگیری از استراتژی حمله‌ی شیمیایی علیه ایران استفاده کردند



رزمنده مجروح شیمیایی

مورد منازعه پیاده خواهد شد. وضعیتی که به واسطه تسلط یا عدم تسلط بر یک ناحیه، یک نیرو و یا یک موقعیت حیاتی حاصل می‌شود؛ یک استراتژی ژئوپلیتیکی است که در غایت، سرنوشت ساختار ژئوپلیتیک را تعیین می‌کند.^(۲)

در عرصه جنگ و نظامی‌گری استراتژی ژئوپلیتیکی، هنر توزیع و استفاده از ابزار نظامی در جبهه‌های نبرد در ارتباط با اهداف سیاسی است. در واقع بُعد نظامی استراتژی ژئوپلیتیکی رابطه‌ی است بین قدرت نظامی و هدف سیاسی. به عبارت دیگر هدف این استراتژی به کارگیری نیرو و استعداد جنگی به منزله‌ی ابزاری برای دستیابی به هدف جنگ و همچنین^(۳) جلوگیری از رسیدن دشمن به اهداف نظامی و سیاسی‌اش است.^(۴)

تسلیمات استراتژیک

تسلیمات استراتژیک نوعی از تسلیمات هستند که قدرت انهدام و تلفات بالای دشمن را دارند. سلاح‌های استراتژیک در هر دوره‌ی تاریخی با دوره‌های دیگر متفاوت است. سلاح‌های استراتژیک قبل از جنگ جهانی اول به نیروی دریایی قوی، در فاصله‌ی جنگ جهانی اول و دوم، نیروی هوایی مقتدر و پس از جنگ جهانی دوم، تسلیمات اتمی، شیمیایی و میکروبی، اطلاق می‌شد. که توانایی انهدام کامل و کشتار جمعی نیروهای دشمن را دارند.^(۵)

تسلیمات شیمیایی

جنگ‌افزارهای شیمیایی، از نظر نظامی اهمیت ویژه‌ی دارند، زیرا به دلیل داشتن توان انهدام جمعی

در درگیری‌های منطقه‌ی از اهمیت استراتژیک برخوردار هستند. سلاح‌های شیمیایی، آن دسته از مواد اعم از گاز، مایع یا جامدات هستند که به دلیل آثار سمی‌شان روی بشر، حیوانات و گیاهان ممکن است به کار روند. سلاح‌های شیمیایی به لحاظ سمی بودن و تأثیر قوی، معمولاً کاربرد غیرنظامی ندارند. این سلاح‌ها به دلایل گوناگون از جمله قدرت مسموم‌کنندگی بسیار، انتشار به صورت گاز و دشواری پدافند آن و مقرون به صرفه بودن، کشورها را به داشتن آن‌ها ترغیب می‌کند. به همین دلیل اغلب کشورهای بزرگ پیوسته در صدد بهسازی و تکمیل تسلیمات شیمیایی خود هستند. در میان جنگ‌افزارهای شیمیایی، محدودیت نسبی شعاع عمل سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و نیز سهولت و هزینه‌های اندک تولید انبوه آن‌ها در مقایسه با دیگر تسلیمات انهدام جمعی مانند سلاح‌های هسته‌ای، امکان دست‌یابی

با تلاش برای کسب قدرت بیش‌تر در صحنه‌ی بین‌المللی با ایجاد اتحادها، به گونه‌ی رفتار می‌کنند که هیچ دولت یا اتحادی وجود نداشته باشد که بتواند دیگران را تهدید کند. بنابراین، تا زمانی که این موازنه حاکم باشد، صلح پایدار است. حفظ موازنه‌ی قدرت در هنگام جنگ منوط به برتری تسلیحات نظامی است. برتری تسلیحات نظامی مؤثرترین عامل در به دست آوردن قدرت و در نهایت مذاکرات صلح است. راه دیگر تصرف بخشی از اراضی یک کشور به منظور تغییر موازنه‌ی قدرت است.^(۸)

یافته‌های پژوهش

نحوه دست‌یابی عراق به تسلیحات شیمیایی

از حدود سال ۱۳۵۵، حکومت عراق با دعوت از برخی استادان دانشگاه و صرف بودجه‌ی لازم به جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی سلاح‌های شیمیایی - میکروبی و رادیواکتیو پرداخت و در هر سه زمینه موفقیت‌هایی را به دست آورد. اگرچه تأمین سلاح شیمیایی عراق تا حد بسیاری به خارج وابسته بود، اما نمی‌توان انکار کرد که این کشور توانایی تولید انواع مختلفی از این سلاح‌ها را داشت. برخی مجاهدین عراقی نقل کرده‌اند که نیروهای عراقی از طریق کویت، شبانه محموله‌های سلاح شیمیایی را تحویل می‌گرفتند؛ محموله‌هایی که در میان آن‌ها ماسک‌های ضدگاز نیز وجود داشته است.^(۹) تکنولوژی و مواد لازم برای تولید سلاح‌های شیمیایی را شرکت‌هایی از آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه و جمهوری خلق چین در اختیار عراق قرار گذاشته بودند. در دسامبر ۲۰۰۲، در گزارش ۱۲۰۰ صفحه‌ی، نام شرکت‌های شرقی و غربی که در مجموع ۱۷۶۰۲ تن مواد شیمیایی را در طول دو دهه در اختیار عراق گذاشته بودند، فاش شد. بزرگ‌ترین ذخایر مواد خام برای تولید سلاح‌های شیمیایی به ترتیب به میزان ۴۵۱۵ تن از سنگاپور، ۴۲۶۱ تن از هلند، ۲۴۰۰ تن

کشورهای متعدد و ضعیف‌تر را به آن فراهم می‌کند. استفاده از این گونه سلاح‌ها در جنگ، ممکن است از طریق پرتاب یک پیکان مسموم به سوی سرباز دشمن، استفاده از گلوله‌های حاوی گاز در حملات توپخانه‌یی، بمباران هوایی، تخریب عمدی محصولات کشاورزی یک کشور و از بین بردن سریع جمعیت انجام شود. سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی به آسانی قابل حمل و نقل بوده و علیه هدف‌های زنده مورد استفاده قرار می‌گیرند.^(۱۰) این سلاح‌ها را می‌توان در منطقه‌ی درگیری نیروهای متخاصم علیه هدف‌های نظامی مانند فرودگاه‌ها، پادگان‌ها، انبارهای ذخایر و مراکز راه‌آهن، جمعیت، اراضی زراعی و مخازن آب به کار برد. تولید اغلب این سلاح‌ها نیازمند تکنولوژی پیشرفته‌ی نیست. در واقع، فرایند تولید و مواد لازم برای گازهای ضد اعصاب مشابه کودهای شیمیایی یا مواد حشره‌کش است.^(۱۱)

موازنه‌ی قوا

موازنه‌ی قوا عبارت

است از حالت توازن قدرت و وزن ژئوپلیتیکی در ساختارهای ژئوپلیتیکی. هرگاه این تعادل و برابری قدرت، در هر سطحی، به نفع یک طرف به هم بخورد، موازنه‌ی قوا نیز دگرگون می‌شود. در این وضعیت بازیگران سیاسی که موازنه‌ی قوا به ضرر آن‌ها بر هم خورده است، دو راه پیش رو دارند: ۱. قدرت خود را افزایش دهند. ۲. قدرت رقبا را کاهش دهند. استراتژی بلندمدت هر کشور این است که پیوسته موازنه‌ی قدرت را به نفع خود تغییر دهد. بسیاری از دولت‌ها که قدرت‌های متفاوت دارند

توپولوژی محیط ژئوپلیتیکی،
تبیین‌کننده نوع استراتژی رقابت
یا منازعه ژئوپلیتیکی است. به
هر میزان که حوزه عملکرد
استراتژی ژئوپلیتیکی یک بازیگر
محیط گسترده‌تری را متأثر سازد،
گستره جغرافیایی استراتژی رقیب
در همان محیط، رو به ضعف و
اضمحلال خواهد گذاشت

ادامه به برخی از مهم‌ترین عملیات‌هایی که عراق در آن‌ها به طور گسترده از تسلیحات شیمیایی استفاده کرد، اشاره می‌شود.

عملیات خیبر

عملیات خیبر در ۳ اسفند ۱۳۶۲ آغاز شد. این عملیات نخستین عملیات آبی-خاکی ایران بود. با اجرای این عملیات نیروهای ایران به عمق مواضع دشمن نفوذ کردند و ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در منطقه ی هور و ۱۸۰ کیلومتر مربع در جزایر مجنون و طلایه

پیشروی کردند. در این عملیات قسمت وسیعی از جزایر مجنون که یکی از مراکز استخراج نفت عراق بود، به تصرف نیروهای خودی درآمد.^(۱۲)

عراقی‌ها به دلیل اهمیت استراتژیکی این منطقه تصمیم گرفته بودند که جزایر مجنون را بازپس

موازنه‌ی قوا عبارت است از حالت توازن قدرت و وزن ژئوپلیتیکی در ساختار منطقه‌ی یا جهانی در نظام بین‌الملل. هرگاه این تعادل و برابری قدرت، در هر سطحی، به نفع یک طرف به هم بخورد، موازنه‌ی قوا نیز دگرگون می‌شود

گیرند. به علاوه آن‌ها نگران بودند که مقادیر فراوانی از ذخایر نفتی خود را با ادامه‌ی اشغال این جزایر به وسیله‌ی نیروهای ایران از دست بدهند. به همین دلیل، برای عقب‌راندن قوای ایرانی ابتدا با استفاده از جنگ‌افزارهای معمولی چندین پاتک اجرا کردند، اما کاری از پیش نبردند. بنابراین حملات گسترده‌ی شیمیایی (از نوع عامل عصبی تابون) را علیه نیروهای مستقر در سنگرها آغاز کردند. حملات شیمیایی عراق از ۷ اسفند ۱۳۶۲ تا ۲۹ اسفند ۱۳۶۲ ادامه داشت. در این عملیات عراق گسترده‌ترین حملات شیمیایی خود را انجام داد. روزنامه‌ی واشنگتن پست به نقل

از مصر، ۲۳۴۳ تن از هندوستان و ۱۲۰۷ تن از دولت فدرال آلمان، می‌باشد. یک شرکت هندی، اگزومت پلاستیک ۲۲۹۲ تن از مواد اولیه ساخت تسلیحات شیمیایی را به عراق صادر کرد. شرکت الخلیج شیمی در سنگاپور و متعلق به سرمایه‌داران اماراتی بیش‌تر از ۴۵۰۰ تن پیش‌نیازهای گازهای VX، سارین و خردل را به همراه وسایل تولید آن به عراق فرستاد.^(۱۰)

جغرافیای اجرای استراتژی شیمیایی عراق

الف) مناطق عملیاتی

در آذر ۱۳۶۱، عراق برای درهم شکستن مقاومت نیروهای ایرانی در تک‌های شبانه‌اش به طور محدود از سولفور موس‌تارد (عامل تاول‌زا) استفاده کرد. اما در سال ۱۳۶۲ در پیرانشهر و پنجوین، سلاح‌های شیمیایی را به طور گسترده به کار گرفت. در اواخر سال ۱۳۶۳، با اعتراض کشورهای اروپایی و علنی شدن ابعاد گسترده‌ی کاربرد این جنگ‌افزارها در جنگ با ایران، عراق به طور موقت از به‌کارگیری این سلاح‌ها در جنگ دست کشید. اما در طول عملیات فاو، این کشور بار دیگر استفاده‌ی گسترده از سلاح‌های شیمیایی را آغاز کرد. اوایل زمستان ۱۳۶۴، که رزمندگان ایران با عملیات گسترده‌ی خود توانستند شهر فاو عراق را تصرف کنند، حکومت عراق آتش سلاح‌های شیمیایی را به روی نیروهای ایران گشود و به این ترتیب نخستین حمله‌ی وسیع شیمیایی که مجروحان بسیاری به جا گذاشت در خاک عراق رقم خورد.^(۱۱) در اوایل سال ۱۳۶۶، نیز عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی به طور انبوه در جبهه‌ی مرکزی سومار استفاده کرد. همچنین پس از عملیات والفجر ۸، نیروهای عراقی حدود هفت هزار گلوله‌ی توپ و خمپاره حاوی مواد سمی به سمت مواضع نیروهای ایران شلیک کردند. در مدت دو روز، هواپیماهای عراقی به طور مداوم بیش از هزار بمب شیمیایی در صحنه‌ی عملیات فروریختند. در

گازهای شیمیایی سیانور برای نخستین بار، موجب شد منطقه‌ی شرق دجله تخلیه و تنها به تثبیت مواضع جدید در هورالعظیم بسنده شود.

در عملیات بدر، عراق با تجربه‌ی موفق کاربرد سلاح شیمیایی در عملیات گذشته، از همان ابتدای عملیات بمب‌ها و گلوله‌های توپ حاوی مواد شیمیایی، به ویژه گاز اعصاب را در سطح گسترده‌تری نسبت به عملیات خیبر به کار برد و این بار برخی گازها را با بهره‌گیری از هواپیما به صورت سم‌پاشی از ارتفاع بالا روی جزیره پخش کرد. عامل دیگری که به مقدار فراوان در عملیات بدر به کار رفت، نوعی عامل خارش‌زا بود که تنها عارضه‌ی آن خارش و قرمز شدن پوست بود. علاوه بر این عراق از یک نوع گاز دیگر استفاده کرد که هیچ یک از نشانه‌های بالینی آن با گازهای قبلی مطابقت نداشت و ظرف ۲۴ ساعت نخست، ۲ تن از نیروهای خودی بر اثر استنشاق آن به شهادت رسیدند. همچنین عراق در همان روز نخست عملیات بدر، با استفاده از تعداد فراوانی بمب فسفوری و انجام چند حمله با گاز اعصاب و سیانور موجب شد حدود ۲ هزار نفر از نیروهای خودی به پشت جبهه منتقل شوند.^(۱۶)

والفجر ۸ (فتح فاو)

عملیات والفجر ۸ در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ از منطقه‌ی عمومی جنوب خسروآباد تا انتهای جزیره‌ی آبادان با عبور غواصان خط‌شکن از اروندرود، آغاز شد.^(۱۷) موفقیت در این عملیات موجب دست‌یابی به دو هدف تاثیرگذار بر موازنه‌ی جنگ، یعنی تصرف منطقه‌ی ژئواستراتژیک فاو و انهدام دشمن شد.^(۱۸) در این عملیات نیز ارتش عراق با استفاده از سلاح‌های شیمیایی بیش از ۵ هزار نفر از نیروهای خودی را مصدوم کرد که حدود ۲ هزار نفر آن‌ها بر اثر استنشاق گازهای شیمیایی و جراحات حاصل از آن به شهادت رسیدند.

از مقام‌های امریکایی نوشته است: حکومت بغداد به خاطر حمله‌ی خیبر، در آستانه‌ی سقوط قرار گرفته و راه‌گریزی جز در استفاده از سلاح شیمیایی نداشته است.^(۱۳) در مقطع دوم عراق با تغییر رویکرد تدافعی خود به حالت تهاجمی، با استفاده از حملات گسترده‌ی شیمیایی، مناطق از دست رفته‌ی خود را بازپس گرفت. در این میان دو مقام امریکایی به طور غیر رسمی اعلام کردند که عراق برای جلوگیری از پیش‌روی ایران، ناچار است از هر نوع سلاحی استفاده کند. در این ارتباط والتر لانگیگ مقام ارشد وقت سازمان اطلاعات دفاعی

امریکا عنوان می‌کند که استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ توسط عراق موضوع مهمی برای ریگان و دستیاران او نبود، زیرا تنها برای آن‌ها این مهم بود که عراق در این جنگ شکست نخورد. همچنین او ادعا کرد که سازمان اطلاعات دفاعی امریکا استفاده از سلاح‌های شیمیایی در میدان جنگ را برای جلوگیری از شکست

عراق اجتناب‌ناپذیر می‌دانست.^(۱۴)

عملیات بدر

عملیات بدر در بیستم اسفند ۱۳۶۳، با هدف قطع جاده‌ی بصره - العماره و تسلط بر آن و نیز راه‌یابی به مرکز اصلی محورهای غربی دجله که استان‌های ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده است و همچنین تسلط بر شرق دجله، توام با انهدام نیرو و اسارت نفرات دشمن اجرا شد.^(۱۵) اما نداشتن جاده‌های مواصلاتی، اتکا به عقبه‌ی آبی، بی‌بهره بودن از آتش توپ‌خانه و اقدام دشمن در استفاده از

یکی از تمهیداتی که عراق در استراتژی تدافعی خود به کار بست، استفاده از تک‌های گسترده‌ی شیمیایی بود که از عملیات خیبر شروع شد و در زمستان سال ۱۳۶۳ در منطقه‌ی عملیاتی بدر گسترش چشمگیری یافت

منطقه‌ی عملیاتی کربلای ۵ اجرا شد. پس از پایان یافتن عملیات کربلای ۵، وضعیت جبهه‌ی خودی و دشمن به گونه‌ای بود که ادامه‌ی عملیات را ایجاب می‌کرد. پیشروی از نهر دو عیجی به سوی خط جاسم و تلاش برای شکستن این خط و ادامه‌ی دور تک به سوی کانال زوجی و تشکیل خط دفاعی در آنجا، مهم‌ترین هدف برای تکمیل عملیات کربلای ۵ و بهره‌برداری لازم در زمینه‌ی سیاسی - نظامی تشخیص داده شد.^(۲۱) عراق در این عملیات نیز به تناسب زمان

و مکان در عملیات کربلای ۸ از گازهای شیمیایی استفاده کرد.^(۲۲)

والفجر ۱۰

عملیات والفجر ۱۰ از اسفند ۱۳۶۶ تا مرداد ۱۳۶۷ در محور سلیمانیه و حلبچه واقع در منطقه‌ی کردستان عراق اجرا و با بمباران شیمیایی وسیع عراق مواجه شد. این منطقه از فروردین ۱۳۶۷ تا مرداد ۱۳۶۷ (پایان

جنگ) هموار هدف تک‌های شیمیایی متعدد عراق قرار می‌گرفت. منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۱۰ شامل قسمتی از دشت زور (گل‌ها) می‌باشد که در شمال آن ارتفاعات سورن و در جنوب آن، ارتفاعات بالامبو، گوزیل و شیندروی قرار دارند. در شرق منطقه، ارتفاعات پرونیه، کوه شنام، کوه دالانی، خورنوازان قرار دارند. در غرب و شمال غربی این منطقه نیز دریاچه‌ی دربندیخان قرار دارد. به دلیل عدم وجود راه‌کار در جبهه‌ی جنوب که متناسب با توان سپاه باشد، منطقه‌ی عمومی حلبچه برای انجام عملیات گسترده مورد توجه قرار گرفت.

در ۲۳ و ۲۴ بهمن ۱۳۶۴ هواپیماها و توپخانه‌ی عراق حملات شیمیایی متعددی را انجام دادند که مهم‌ترین و مؤثرترین آن‌ها در روز ۲۳ بهمن در منطقه‌ی فاو اجرا شد. در مرحله‌ی نخست بین ۱۴ تا ۱۸ هواپیما به منطقه حمله کردند و در کم‌تر از یک ساعت، تعداد آن‌ها به ۳۲ فروند رسید. عوامل شیمیایی به کار گرفته شده در این عملیات عبارت بودند از: خردل، اعصاب، سیانور، خفه‌کننده و سایر سموم دیگر. استفاده‌ی هم‌زمان از بمب‌های شیمیایی و معمولی موجب می‌شد سموم شیمیایی از راه زخم به سهولت در خون بدن تزریق شود. نیروهای خودی برای مقابله با سلاح‌های شیمیایی دشمن از ماسک، چفیه و برپایی آتش با حمله به تانک‌ها و خودروهای دشمن و به آتش کشیدن آن‌ها بهره می‌بردند. در ۲۰ روز اول عملیات، ارتش عراق یک هزار بمب شیمیایی بر سر نیروهای خودی فرو ریخت.^(۱۹)

کربلای ۵

عملیات کربلای ۵ در ۱۹ دی ۱۳۶۵ در منطقه‌ی عمومی شرق بصره شروع شد. این منطقه به لحاظ اهمیت سیاسی - نظامی آن، همواره جایگاهی استراتژیک در اندیشه‌ی طراحان جنگ داشت. منطقه‌ی عملیات شلمچه، در جنوب شرقی شهر مهم و استراتژیک بصره قرار دارد و تقریباً نزدیک‌ترین محور وصولی به شهر است.^(۲۰) عملیات کربلای ۵ یکی از عملیات‌هایی است که بیش‌ترین میزان حملات شیمیایی عراق را به خود اختصاص داده است. در فاصله‌ی اجرای عملیات تا اواخر اسفند ۱۳۶۵، عراق، ۵۶ نوبت از تسلیحات شیمیایی در این منطقه استفاده کرد.

عملیات کربلای ۸

عملیات کربلای ۸ در ۱۸ فروردین ۱۳۶۵ در همان

در سال ۱۳۶۵، حملات شیمیایی عراق به دو دلیل افزایش یافت:
۱. افزایش تعداد حملات نیروهای ایران به داخل خاک عراق.
۲. آغاز استراتژی دفاع متحرک عراق

استراتژی ژئوپلیتیکی حملات شیمیایی
و موازنه‌ی قوا در جنگ ایران و عراق

ب) مناطق مسکونی

متمرکز کرد؛ چون با این اقدام اولاً، می‌توانست موجب نگرانی مسئولان ایرانی از ادامه‌ی مقاومت در برابر خواسته‌های عراق شود و روحیه‌ی مردم را در شهرهای مختلف کشور - که این بمب‌باران و آثار وحشتناک آن را می‌دیدند - تضعیف کند. ثانیاً، با توجه به این که غیرنظامیان در برابر حملات شیمیایی آسیب‌پذیرترند، با صرف هزینه‌ی ناچیز، یعنی انداختن تنها چند بمب شیمیایی، هزاران بیمار را راهی مراکز درمانی و نقاهتگاه‌های ایران در

حملات سنگین شیمیایی ارتش عراق به اهداف غیرنظامی هم در شهرهای ایران و هم در خاک عراق بارها تکرار شد. تا قبل از سال ۱۳۶۶ نیز مناطق مسکونی هدف حملات شیمیایی قرار می‌گرفتند، ولی خسارت‌های آن بسیار محدود بود. مهم‌ترین حمله‌ی شیمیایی عراق به مناطق غیرنظامی در سال ۱۳۶۶ در سردشت، انجام شد. عراق در این مرحله تهاجمات شیمیایی خود را روی غیرنظامیان

نام عملیات	تاریخ حمله‌ی ایران	منطقه‌ی مورد حمله‌ی عراق با سلاح شیمیایی	تاریخ حمله‌ی شیمیایی عراق
والفجر ۲	۱۳۶۲/۴/۲۹	بمب‌باران شیمیایی شهر پیرانشهر و روستاهای مجاور آن با گاز	۱۳۶۲/۵/۱۸
والفجر ۳	۱۳۶۲/۵/۷	موستارد	
والفجر ۴	۱۳۶۲/۷/۲۸	بمب‌باران شیمیایی شهر بانه و روستاهای اطراف آن با گاز	۱۳۶۲/۸/۸ و ۱۳۶۲/۸/۵
کربلای ۲	۱۳۶۵/۶/۹	بمب‌باران شیمیایی پنجوبین در سلیمانیه	۱۳۶۵/۸/۱۶
کربلای ۱۰	۱۳۶۶/۱/۲۵	بمب‌باران شیمیایی روستای بوالحسن و سرول و جومه، بانه، روستای قره باغ در شمال عراق، روستای کله‌وش در حومه‌ی سردشت	۱۳۶۶/۱/۲۷
تغییر استراتژی عملیاتی ایران و برنامه‌ریزی برای شمال غرب		بمب‌باران گسترده‌ی شیمیایی مناطق جدید؛ طوری که عراق مجموعاً ۱۱ مورد بمب‌باران شیمیایی در روستاهای کردنشین استان سلیمانیه و اربیل عراق، مناطق عملیاتی نصر ۴ (ارتفاعات ماؤوت)، فتح ۷ (حلیچه) انجام داد. در این حملات ۹۷ نفر به شهادت رسیدند و حدود ۵۲۰۰ نفر مجروح شدند.	تغییر منطقه‌ی عملیاتی از جنوب به شمال و ادامه‌ی عملیات در مناطق شمال غرب و کردستان عراق در مهرماه ۱۳۶۶
نصر ۴	۱۳۶۶/۳/۳۱	بمب‌باران شیمیایی سردشت با ۷ بمب خردل و شهادت ۱۳۹ تن و مصدومیت ۷ هزار نفر از مردم این شهر	۱۳۶۶/۴/۷
نصر ۵	۱۳۶۶/۴/۳		
والفجر ۱۰	۱۳۶۶/۱۲/۲۳	بمب‌باران شیمیایی حلبچه هم‌زمان با پیشرفت نیروهای ایران	۱۳۶۶/۱۲/۲۷
بیت المقدس ۳			
امام مهدی (عج)	۱۳۶۶/۱۲/۳۰	بمب‌باران شیمیایی روستای کلای در حومه‌ی پاوه	۱۳۶۷/۱/۱۰
بیت المقدس ۴	۱۳۶۷/۱/۴	بمب‌باران و گلوله‌باران شیمیایی شهر مریوان و حومه‌ی آن	۱۳۶۷/۱/۲۱
بیت المقدس ۶	۱۳۶۷/۱/۲۶	بمب‌باران شیمیایی مناطق روستایی بانه	۱۳۶۷/۲/۴
لبیک یا خمینی (ه)	۱۳۶۷/۵/۱	بمب‌باران سردشت و روستاهای آن از جمله مرزن آباد و بیتوتش	۱۳۶۷/۲/۲۸
مرصاد	۱۳۶۷/۵/۳	پیش‌روی نیروهای عراق با بهره‌گیری از سلاح‌های شیمیایی در منطقه گیلان غرب و سرپل ذهاب و اشغال بخشی از این مناطق	۱۳۶۷/۵/۱
		بمب‌باران شیمیایی هشت نقطه در منطقه‌ی غرب اشنویه و مصدومت بیش از ۲ هزار و ۴۰۰ تن از مردم غیرنظامی	۱۳۶۷/۵/۳

جدول تطبیقی تحرکات نظامی ایران و حملات شیمیایی عراق. منبع: نگارنده

حاوی مواد شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی مستقر در فاو به کار گرفتند و منطقه‌ی عملیاتی را با بیش از هزار بمب شیمیایی بمباران کردند. در حمله به فاو، عوامل شیمیایی جدیدی همچون گازهای خفه‌کننده و سیانور نیز به کار گرفته شده بود؛ اقدامی که تا آن زمان بی‌سابقه بود.^(۳۳)

در سال ۱۳۶۵، حملات شیمیایی عراق به دو دلیل افزایش یافت: ۱. افزایش تعداد حملات نیروهای ایران به داخل خاک عراق. ۲. آغاز استراتژی دفاع متحرک عراق. بدین ترتیب، در این سال، تعداد حملات شیمیایی به ۷۹ مورد، یعنی دو برابر سال پیش افزایش یافت.^(۳۴) موقعیت جغرافیایی مناطق بمباران شده

نشان می‌دهد مواضع مورد هجوم در این سال نیز تابعی از مناطق عملیاتی نیروهای ایران بوده است، طوری که در ماه‌های فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵، با ادامه‌ی عملیات والفجر ۸، محور فاو و منطقه‌ی عملیاتی آن به شدت هدف حملات شیمیایی قرار گرفت و هواپیماهای عراقی بمب‌های حاوی گاز خردل را در این منطقه فروریختند.

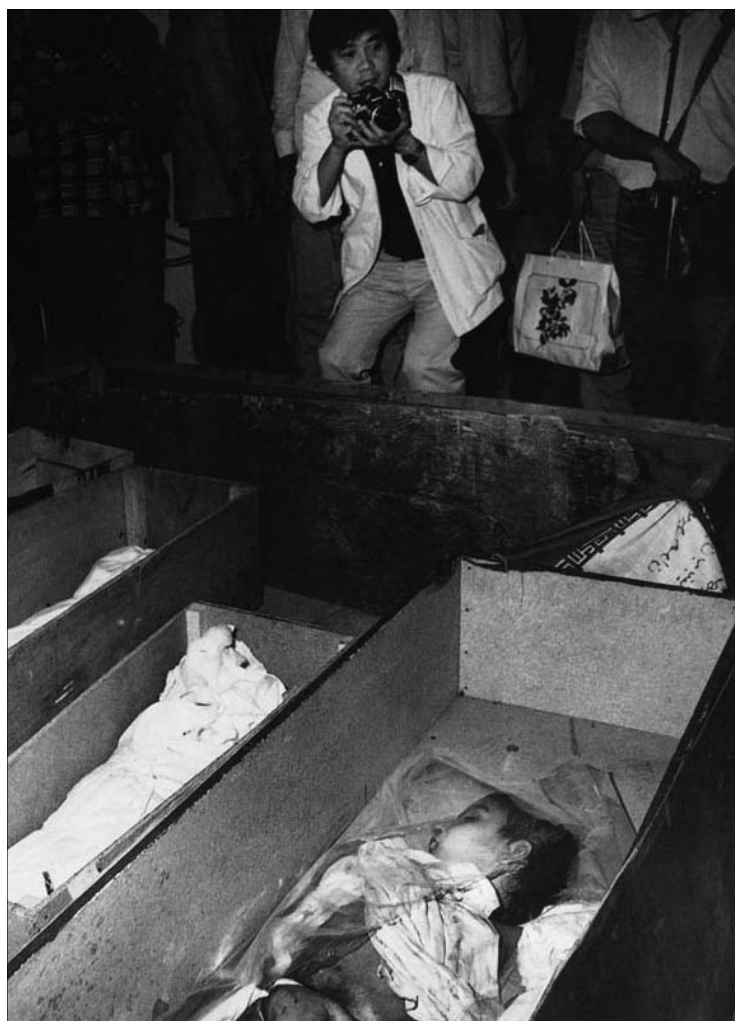
در شهریور همان سال و با آغاز عملیات کربلای ۲ در محور عمومی حاج عمران، ارتش عراق بار دیگر به سلاح‌های شیمیایی متوسل شد و در روزهای ۱۳ و ۱۷ شهریور منطقه‌ی عملیاتی شیخ صالح در غرب کشور را هدف گلوله‌های حاوی گاز خردل و اعصاب قرار داد که بر اثر آن، ۱۳۲ تن از نیروهای ایرانی مصدوم شدند. اوج حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵ همانند سال‌های گذشته در زمستان و با آغاز عملیات‌های بزرگ کربلای ۴ و کربلای ۵ اتفاق افتاد. اجرای عملیات بزرگ کربلای ۴ در محور جزیره‌ی

شهرهای مختلف می‌کرد و از آن‌جا که مصدومان شیمیایی (خصوصاً مصدومان عوامل تاول‌زا) مدتی طولانی باید بستری شوند، بنابراین عملاً بسیاری از تخت‌های فعال مراکز درمانی ایران اشغال می‌شد و این موضوع می‌توانست آثار دردناک روحی برای مردم و کادر پزشکی به دنبال داشته باشد و علاوه بر آن، خدمات پشتیبانی درمانی برای نیروهای نظامی را نیز مختل کند. در جدول زیر الگوی استراتژی شیمیایی عراق برای حمله به مناطق مسکونی در واکنش به آفند ایران آورده شده است.

استراتژی شیمیایی در وضعیت دفاعی ارتش عراق

عراق پس از شکست و ناکامی در استراتژی تهاجمی خود، کوشید تا با اتخاذ استراتژی تدافعی، سازمان رزم خود را در همه‌ی ابعاد بازسازی کند و بر اساس یک استراتژی دفاع مطلق در برابر تهاجمات نیروهای ایران مقاومت کند. یکی از تمهیداتی که عراق در وضعیت جدید در معادلات نظامی خود به کار بست، استفاده از تک‌های گسترده‌ی شیمیایی بود که از عملیات خیر شروع شد و در زمستان سال ۱۳۶۳ در منطقه‌ی عملیاتی بدر گسترش چشمگیری یافت. در عملیات والفجر ۸ در منطقه‌ی عمومی فاو نیز نیروهای عراقی که توان مقابله با هجوم حساب‌شده و منظم نیروهای ایرانی را نداشتند، بار دیگر به سلاح‌های شیمیایی متوسل شدند و یکی از بی‌سابقه‌ترین حملات شیمیایی را رقم زدند. با ورود نیروهای ایران به شهر فاو و درهم شکسته شدن پاتک‌های ارتش عراق و مهم‌تر از همه، محاصره شدن گارد ریاست‌جمهوری این کشور در نزدیکی کارخانه‌ی نمک، عراقی‌ها با استفاده از سلاح‌های شیمیایی از روز آغاز عملیات تا ۱۱ اسفند ۱۳۶۴، شدیدترین حملات شیمیایی طول تاریخ را در منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۸ انجام دادند. آن‌ها در پانزده روز، بیش از ۷ هزار گلوله‌ی توپ و خمپاره‌ی

با به بن بست رسیدن جنگ در جنوب، ایران کانون اصلی حملاتش را به مناطق شمالی عراق منتقل کرد. کشاندن نیروهای عراقی به جبهه‌های شمال از اهداف استراتژی ایران بود؛ اما ارتش عراق فریب استراتژی ایران را نخورد و برای مقابله با حملات نیروهای ایرانی در جبهه‌های شمال به سلاح شیمیایی متوسل شد



_____ معاینه و تهیه گزارش از شهدای عملیات خیبر توسط سازمان ملل و خبرنگاران خارجی
۱۳۶۲/۱۲/۲۶

مینو، خرمشهر - آبادان در دهم دی ماه این سال و بلافاصله پس از آن، عملیات کربلای ۵ در شلمچه در ۱۹ دی ۱۳۶۵ و هم‌زمان با عملیات کربلای ۶ در محور سومار در غرب کشور، سبب شد که یکی دیگر از شدیدترین حملات شیمیایی در جنگ ایران و عراق رخ دهد. با لو رفتن عملیات کربلای ۴، نیروهای عراقی حملات شیمیایی خود را در منطقه‌ی عملیاتی خرمشهر و شلمچه متمرکز کردند و بیش از ۱۱ بار، این منطقه و مراکز پشتیبانی عملیات در آبادان، خرمشهر، جزیره‌ی مینو و جاده‌ی خرمشهر را هدف بمباران شیمیایی قرار دادند که شدیدترین آن‌ها در ۴ دی ۱۳۶۵ در محور خرمشهر - عرایض - شلمچه رخ داد؛ حمله‌ی که طی آن، هواپیماهای عراق با پرتاب بمب‌های حاوی گازهای خردل، خون، اعصاب و خفه‌کننده بیش

از ۱۱۶۰ نفر از نیروهای ایرانی را مصدوم کردند.^(۲۵) از سوی دیگر، با آغاز عملیات کربلای ۶ در محور سومار، این منطقه نیز در روزهای ۱۰ (دو بار) و ۱۷ دی هدف حملات هواپیماهای عراقی قرار گرفت و ۲۰۰ تن از نیروهای ایرانی تحت تأثیر عوامل گاز خردل قرار گرفتند. با آغاز عملیات بزرگ کربلای ۵ در منطقه‌ی عمومی شلمچه و هجوم به مواضع عراقی‌ها در کانال پرورش ماهی و تصرف آب‌گرفتگی‌ها و عبور نیروهای ایران از نهر جاسم و نزدیک شدن آنان به تنومه و بصره، عراق به بمباران و گلوله‌باران منطقه‌ی

چهار نقطه‌ی شهر سردشت را با استفاده از گاز خردل بمب‌باران کرد که بر اثر آن، بسیاری از مردم شهر مصدوم شدند و بیش از ۲۵ تن از آنان جان باختند. در ادامه، عراق منطقه‌ی عملیاتی نصر ۴، ارتفاعات قشن، دوقلو و اسپیدار را در روزهای ۸ و ۹ تیرماه هدف حملات گسترده‌ی شیمیایی قرار داد که در نتیجه، ۱۵ تن مصدوم و ۲ تن دیگر شهید شدند.^(۲۹) با حاکم شدن رکود در جبهه‌های جنگ و کاهش حملات ایران در خاک عراق، حملات شیمیایی عراق نیز متوقف شد، تا این که در ۱۶ مهر ۱۳۶۶ عراق با آغاز حمله

۵۲ بار دیگر، مناطق عملیاتی کربلای ۴ و کربلای ۵ را هدف حملات شیمیایی قرار دادند که بر اثر آن، حدود هزار تن از نیروهای ایرانی مجروح شدند.^(۳۰)

با به بن‌بست رسیدن جنگ در جبهه‌های جنوب، جمهوری اسلامی ایران به ناچار، استراتژی عملیاتی خود را تغییر داد و کانون اصلی حملاتش را از مناطق جنوبی به مناطق شمالی عراق منتقل کرد. کشاندن نیروهای عراقی مستقر در استحکامات نفوذناپذیر جنوب به جبهه‌های شمال یکی از مهم‌ترین اهداف نظامی ایران بود تا از این طریق، فرصت لازم را برای وارد کردن ضربه‌های نهایی به دشمن به دست آورد، اما ارتش عراق فریب استراتژی نظامی ایران را نخورد و از همان آغاز امر، برای مقابله با حملات نیروهای ایرانی در جبهه‌های شمال به سلاح شیمیایی متوسل شد تا منطقه را به سرزمین سوخته برای ایرانیان تبدیل کند. با آغاز عملیات کربلای ۸ در فروردین ۱۳۶۶، نیروهای عراقی منطقه‌ی عملیاتی شلمچه را در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ فروردین از زمین و هوا هدف حملات شیمیایی قرار دادند و با استفاده از عوامل تاول‌زا، خردل و خون بیش از ۱۴۰ تن از نیروهای ایران را مصدوم کردند.^(۳۱) با وجود این، مهم‌ترین حمله‌ی شیمیایی در روز ۲۷ فروردین (۱۶ آوریل ۱۹۸۷) در منطقه‌ی سلیمانیه و اربیل عراق رخ داد و هواپیماهای عراقی با بمب‌باران این مناطق با گاز خردل ۷۰ تن را شهید و ۳۸۰ تن دیگر را مجروح کردند. با آغاز عملیات کربلای ۱۰ در منطقه‌ی مأووت عراق، نیروهای عراقی بار دیگر، به جای روبه رو شدن با نیروهای عمل‌کننده‌ی ایرانی، به دفاع شیمیایی متوسل شدند و با بمب‌باران منطقه‌ی عملیاتی در ۱۷ اردیبهشت، از تداوم عملیات و پیشروی نیروهای ایران به عمق خاک عراق جلوگیری کردند. پس از توقف عملیات‌های تهاجمی نیروهای ایران در داخل خاک عراق، حدود چهل روز از حملات شیمیایی خبری نبود، اما با آغاز عملیات نصر ۴ در اول تیر ۱۳۶۶، عراق در هفتم تیرماه،

ارتش عراق در وضعیت هجومی
سال‌های پایانی جنگ ضعف‌های
تاکتیکی خود را در شیوه‌ی
استفاده از گازهای سمی بر طرف
کرد و با دستیابی به عوامل
شیمیایی مضاعف یا ترکیبی، از
آن‌ها به منزله‌ی سلاحی تهاجمی
برای بازپس‌گیری مناطق تحت
تصرف نیروهای ایران بهره برد

به منطقه‌ی سومار، با هواپیما، منطقه‌ی عملیاتی را با گاز اعصاب هدف قرار داد که در نتیجه‌ی، ۱۰۰ نفر مجروح شدند. بعد از این، تا اسفند ماه حمله‌ی رخ نداد؛ اما در اسفند ماه با آغاز عملیات والفجر ۱۰ در جبهه‌ی شمال و تصرف شهر حلبچه، هواپیماهای عراقی با استفاده از عناصر شیمیایی گاز خردل، اعصاب و سیانور این شهر و روستاهای

اطراف آن را بمب‌باران کردند که بر اثر آن، بیش از ۹ هزار نفر تحت تأثیر عوامل شیمیایی قرار گرفتند و ۵ هزار نفر از آنان کشته شدند.^(۳۰) در پی این حادثه، روزنامه‌ی انگلیسی گاردین، حمله‌ی شیمیایی به حلبچه را بزرگ‌ترین جنایت جنگی عراق در جنگ علیه ایران دانست و نوشت: دو انگیزه وقوع این عمل وقیحانه را موجب شد: یکی ضربه زدن به نیروهای ایرانی در حال پیشروی و دیگری سرکوبی اقلیت مورد غضب کرد.^(۳۱)

بر این اساس، عراق در پایان این دوره، از تسلیحات شیمیایی به منزله‌ی یک سلاح تدافعی برای دفع عملیات‌های تهاجمی نیروهای ایران به

بهره برد. عراق استراتژی ژئوپلیتیکی مؤثری را برای استفاده از عوامل اعصاب طراحی کرده بود، طوری که جنگ شیمیایی را به طور کامل، در برنامه‌های آتش پشتیبانی ادغام کرده بود. عراقی‌ها در حملات‌شان در این دوره، از گاز اعصاب و از عوامل تاول‌زا بهره گرفتند. در این نبرد، سلاح‌های شیمیایی به طور مشخص، قرارگاه‌های فرماندهی و کنترل، مواضع توپ‌خانه و مناطق لجستیکی را هدف قرار می‌دادند.^(۳۳) از جمله عملیات‌هایی که عراق در آن، از سلاح‌های شیمیایی به منزله‌ی سلاحی تهاجمی استفاده کرد، می‌توان به عملیات "توکلنا علی الله" نیروهای این کشور در فاو در سال ۱۳۶۷ اشاره کرد که در آن، گاز خردل، اعصاب و سیانور به کار گرفته شده بود. نیروهای عراقی با استفاده‌ی گسترده از این گونه سلاح‌ها در قالب آتش پشتیبانی نیروهای عمل‌کننده‌ی خود موفق شدند طی چند ساعت، بندر فاو را از تصرف نیروهای ایران خارج کنند.

دومین حمله‌ی عراق در ماه می ۱۹۸۸ در منطقه‌ی عملیاتی کربلای ۵ در شلمچه رخ داد و عراقی‌ها با توسل به گازهای شیمیایی نیروهای ایران را از مناطق تحت کنترل عقب راندند. در این عملیات، از عوامل گاز خردل و اعصاب به طور گسترده استفاده شد. ماه بعد، عراقی‌ها با دو حمله‌ی هم‌زمان در مهران و جزایر مجنون، بازانی از گازهای شیمیایی را روی نیروهای ایران ریختند و آنان را وادار به تخلیه‌ی مواضع خود در خاک عراق کردند و جزایر مجنون را تصرف کردند. آخرین حمله‌ی شیمیایی عراق در مرداد ۱۳۶۷ در شهر اشنویه و با پرتاب ۸ بمب حاوی گاز خردل از یک هواپیمای ملخی انجام شد که ۲۶۸۰ مصدوم غیر نظامی بر جای گذاشت. بدین ترتیب، نیروهای عراقی با توسل به جنگ‌افزارهای شیمیایی، دوباره به برتری در جبهه‌های جنگ دست یافتند.^(۳۴)

داخل خاک عراق استفاده کرد. در طول این مدت، عراق بیش از ۲۳۰ بار از حملات شیمیایی علیه نیروهای ایران یا مراکز پشتیبانی آن استفاده کرد- که در مجموع، حدود ۴۴ هزار نفر تلفات در پی داشت- و توانست بدین وسیله از پیروزی قاطع نیروهای ایران در میدان جنگ جلوگیری کند و آن‌ها را از رسیدن به اهداف از پیش طراحی‌شده باز دارد یا دستیابی بدان‌ها را به شدت مشکل کند. از سوی دیگر، این موفقیت عراق در استفاده از سلاح شیمیایی سبب شد تا رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی عراق با بهره‌گیری از این سلاح‌ها به منزله‌ی جنگ‌افزار تهاجمی درصدد بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل نیروهای ایران برآیند.^(۳۳)

استراتژی شیمیایی در وضعیت هجومی ارتش عراق

عراق با استفاده از استراتژی کاربرد تسلیحات شیمیایی مانع از پیشروی نیروهای خودی در خاک این کشور شد، در نتیجه پس از عملیات‌های متعدد کربلای ۵، تکمیلی کربلای ۵ و کربلای ۸ در محور شلمچه تحرک نظامی ایران پایان یافت. در این زمان ارتش عراق با بازسازی مجدد سازمان رزم خود چه در سطح لشکرها و چه در سطح ادوات زرهی و هوایی با کمک تسلیحات شیمیایی اقدام به بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته کرد. البته استراتژی تهاجمی عراق به طور محدود از سال ۱۳۶۵ در قالب استراتژی دفاع متحرک عراق و تصرف مهران شروع شده بود، اما شکل گسترده‌ی آن از سال ۱۳۶۷ آغاز شد و تا پایان جنگ ادامه یافت.

در این دوره ارتش عراق ضعف‌های تاکتیکی خود را در شیوه‌ی استفاده از گازهای سمی بر طرف کرد و با دستیابی به عوامل شیمیایی مضاعف یا ترکیبی، از آن‌ها به منزله‌ی سلاحی تهاجمی برای بازپس‌گیری مناطق تحت تصرف نیروهای ایران

نتیجه‌گیری

به کارگیری سلاح‌های شیمیایی از یک سو نشان‌دهنده‌ی ضعف دفاعی ارتش عراق بود و از سوی دیگر، بیانگر این بود که عراق با ایجاد زیرساخت‌های جدید در زمینه‌ی تولید سلاح‌های شیمیایی استراتژی جدیدی را برای مقابله با تهاجمات پی در پی و گسترده‌ی ایران برگزیده است. استفاده‌ی گسترده‌ی عراق از سلاح‌های شیمیایی پس از ورود ایران به خاک عراق و پیروزی‌های بزرگ ایران و شکست نیروهای عراقی به ترتیب در مجموعه عملیات‌های والفجر، خیبر و بدر اتفاق افتاد. عراق با بکارگیری استراتژی کاربرد سلاح‌های شیمیایی ۳ هدف را دنبال می‌کرد:

۱. به هم ریختن سازمان رزم ایران و اقدام به تک پس از تحلیل رفتن توان نیروهای ایران.

۲. ایجاد اختلال در رساندن خدمات پشتیبانی درمانی به نیروهای نظامی؛ زیرا درمان مصدومان شیمیایی علاوه بر صرف هزینه، نیازمند زمان طولانی است که این امر موجب اشغال تخت‌های بیمارستان‌ها می‌شود.

۳. کاهش میزان داوطلبان اعزام به جبهه بر اثر بمباران شیمیایی مناطق شهری.

این وضعیت موجب شد ایران در فاز نظامی در ورود به خاک عراق و تصرف مناطق استراتژیک آن ناکام بماند و در فاز سیاسی نیز حمایت مردمی از ادامه‌ی جنگ تضعیف شود. در چنین موقعیتی عراق به بازسازی ساختارهای نظامی خود که بر اثر عملیات‌های سنگین ایران دچار اضمحلال شده بود، پرداخت و با این اقدام توانست مناطق از دست‌رفته‌ی خود را بازپس گیرد و موازنه‌ی جنگ را به نفع خود تغییر دهد.

منابع

۱. تیمرن، کنت، سوداگری مرگ (ناگفته‌های جنگ عراق با ایران)، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات موسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۲۷۰.
۲. بویه، چمران مقاله ژئوپلیتیک جبهه‌های نبرد، منتشر شده ۱۳۳۹۱، ص ۲.
3. Clausewitz, Carlvn, On War, England: Penguin Books, 1968, J. J. Graham translation, 1908. Anatol Rapaport, editor Introduction and notes (c) Anatol Rapaport, p.176
4. Fowler, Will. Military management. In International Encyclopedia of Business & Management Vol. 4. Edited by Malcolm Warner. London: Routledge 1996. 3479 - 3486, p.156.
۵. اصلانی، یعقوب، راکت و موشک‌های استراتژیک جهان، تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۸۱، ص ۲۴.
6. Obinson, J.P. and Burns, R.D, Introduction to chemical, Biological 1979, P.X. warfare A selected Bibliography, 1979. P.153
۷. قاسمی، حاکم، "کنترل تسلیحات شیمیایی غیر متعارف، ضرورت‌ها و موانع"، مجله‌ی سیاست دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۴، ص ۲۱.
۸. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی ۱۳۸۳، ص ۸۹.
۹. پورحسن، نقی، "عراق سلاح‌های شیمیایی و جنگ تحمیلی"، نشریه سلام، به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی دفاع مقدس، ۱۳۷۷، ص ۱۵.
۱۰. شریفی‌مقدم، محمود، "سیر تحول جنگ افزارهای شیمیایی"، مجله شیمی، مرکز نشر دانشگاهی، سال چهارم، شماره‌ی یکم، ۱۳۷۰، ص ۷۰.
۱۱. دری، حسن، "جنگ ایران و عراق عملیات والفجر ۸"، (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۸، صص ۲۷۵-۲۷۳.
۱۲. درودیان، محمد، خرمشهر تا فاو، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۹۳.
۱۳. اردستانی، حسین، تبیه متجاوز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰.

[illegible]

۱۴. جزایری، سیدمسعود، مجنون، مروری بر عملیات بدر و خیبر، قم: انتشارات نسیم حیات با هم‌کاری صریح وابسته به بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۴، ص ۶۵.
۱۵. مأخذ، ۹، ص ۱۰۳.
۱۶. مأخذ، ۱۱، ص ۷۸.
۱۷. مأخذ، ۹، ص ۲۷۴.
۱۸. دری، حسن، کارنامه نبردهای زمینی اطلس راهنمای ۵، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۴۷.
۱۹. مأخذ، ۹، ص ۲۴۱.
۲۰. جنگ در سال ۱۳۶۵، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۶۷، ص ۲۰۲.
۲۱. اردستانی، حسین، تنبیه متجاوز، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۷، صص ۲۸۸ و ۳۷۶.
۲۲. علائی، حسین، جنگ شیمیایی و تهدید فزاینده، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۱۲۸.
۲۳. همان، ص ۱۳۲.
۲۴. آویگدورهاس کورن، طوفان بی‌پایان، سلاح‌های رسمی و بازدارندگی، ترجمه عباس مخبر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۱.
۲۵. مأخذ، ۱۹، ص ۲۶.
۲۶. مأخذ، ۲۱، ص ۳۷۱.
۲۷. مأخذ، ۱۹، ص ۲۷.
۲۸. مأخذ، ۲۱، ص ۳۷۱.
۲۹. مأخذ، ۱۹، ص ۳۰.
۳۰. فوزی، یحیی، جنگ شیمیایی در جنگ ایران و عراق، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل؛ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۹۱.
۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه ویژه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۸.
۳۲. اسناد بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، پرونده سلاح‌های شیمیایی، تیرماه ۱۳۶۶.
۳۳. مأخذ، ۲۱، ص ۳۹۰.
۳۴. همان، ص ۳۷۱.

حق دفاع مشروع؛ ماهیت و جایگاه آن در هشت سال دفاع مقدس

لیلا نعمتی*

مقدمه

از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده می‌شود و آن جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب که به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نائب امام نیست.^(۳) و «اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ی که امکان داشته باشد؛ از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.»^(۴) شهید مطهری نیز در بررسی آیات قرآن بر لزوم دفاع مشروع و محدودیت‌های آن تأکید کرده‌اند.^(۵)

رویه‌ی دولت‌ها چهار شرط را برای استفاده از

اصل دفاع مشروع جزء جدایی‌ناپذیر هر نظام حقوقی می‌باشد که اعمال آن خارج از هرگونه صلاحیت قراردادی قابل پذیرش است و سلب دفاع از هیچ ملت ستمدیده‌ی پذیرفتنی نیست و در حقیقت به مفهوم سلب حق موجودیت ملت‌ها می‌باشد.^(۱) حق دفاع مشروع** با اصل سستی جنگ عادلانه درهم آمیخته است و استفاده از زور را برای مقابله با تجاوز و اعاده‌ی نظم موجه می‌کند. بدین ترتیب، در وضعیتی که تجاوز غیر قانونی وجود دارد، حق دفاع مشروع مجاز شمرده شده است.^(۲)

حضرت امام خمینی^(د) می‌فرمایند: «...و اما قسم دوم

* کارشناس ارشد حقوق جزا - وکیل پایه یک دادگستری

*** The Right of Self - Defense

سال دهم □ شماره سی و هشتم □ پاییز ۱۳۹۰



سازمان ملل متحد

- زور در دفاع مشروع مطرح کرده است:

 ۱. نقض یا تهدید به نقض تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشوری که هدف حمله قرار گرفته است.
 ۲. ناتوانی کشور دیگر در جلوگیری از نقض تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور مورد تهاجم.
 ۳. نبود راه‌های جای‌گزین برای حفاظت از کشور.
 ۴. محدودیت مطلق کشور مورد تهاجم در استفاده از زور برای مقابله با خطر.^(۶)

ارکان دفاع مشروع، یعنی ضرورت، فوریت و تناسب نیز ریشه در عرف و رویه‌ی دولت‌ها و مقبولیت بین‌المللی دارد.

بخش اول: مبانی نظری

ماهیت حقوقی

حقوق بین‌الملل معاصر، حق دفاع مشروع را برای دولت‌ها به رسمیت شناخته است. دفاع مشروع به وضعیتی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، به کشور مورد تجاوز مسلحانه، حق می‌دهد تا فوراً در مقابل تهاجم مسلحانه‌ی کشور دیگر، با هر وسیله‌ی ممکن، حتی اگر خلاف حقوق بین‌الملل هم باشد، متوسل به زور شود و دشمن تجاوزگر را سرکوب کند.^(۷) بنابراین، کشورها می‌توانند از خود و حتی از کشورهایی که با آن‌ها هم‌بستگی امنیتی و سیاسی دارند در مقابل حمله‌ی مسلحانه با نیروی نظامی به طور انفرادی یا جمعی دفاع کنند.

دفاع مشروع از دیدگاه اسلام

ادله‌ی مشروعیت جهاد تدافعی

قرآن کریم

در نظام حقوقی اسلام، واکنش دفاعی کشوری که هدف تهاجم دشمن قرار گرفته، جهاد تدافعی نامیده

شده است. قرآن کریم با تحریم تجاوز (اعتدا) «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^{*} معیار آن را تجاوز از حدود تعیین‌شده و احکام الهی قرار داده است. بنابراین، اسلام جنگ را در موارد دفاع از جان و جنگ با شورشیان علیه حکومت اسلامی، تجویز کرده است.^(۸) در آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی حج که به عقیده‌ی برخی افراد، نخستین آیه‌ی جهاد می‌باشد، آمده است: «بِهَآنِهِمْ كَبُرَ الْإِثْمُ الَّذِي هُمْ يَفْعَلُونَ»^(۹) به آن‌ها که مورد تهاجم دشمن قرار گرفته‌اند، اجازه‌ی جهاد داده شده و خداوند بر یاری آن‌ها قادر است.^(۱۰) آیات شریفه‌ی زیر بر مشروعیت جهاد تدافعی دلالت دارند: سوره‌ی بقره آیات ۱۹۱، ۱۹۴ و ۱۹۵، سوره‌ی نساء آیه‌ی ۹۱ و آیات ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۷۳ و ۱۲۳ سوره‌ی توبه.

* بقره: ۱۹۰

سنت

علاوه بر سنت عملی رسول خدا^(ص)، روایات بسیاری از شیعه و سنی در این خصوص وارد شده است. به گفته‌ی بسیاری از فقها، همه‌ی جنگ‌های پیامبر^(ص) جنبه‌ی دفاعی داشته‌اند و هیچ کدام تجاوزگرانه نبوده‌اند.

عقل

در صورت نبود ادله‌های دیگر، عقل به تنهایی حکم می‌کند که در مقابل تجاوز به کشور، به دفاع از آن پرداخته شود. آیت‌الله مصباح یزدی در بیان حکمت تشریع جنگ و دلیل مشروعیت جنگ‌های دفاعی می‌نویسد: «دفاع از حقوق سیاسی و حاکمیت ملی و استقلال کشور در برابر دشمن متجاوز خارجی در عرف بین‌الملل مورد قبول است.»^(۹) بنابراین، جهاد دفاعی در مقابل هجوم بیگانگان از اوجب واجبات است و تشکیک در آن، تشکیک در احکام کتاب و سنت می‌باشد.^(۱۰)

اجماع

منظور از اجماع در این جا تسالم فقها است، نه اجماع مصطلح؛ چراکه موضوع جواز و وجوب دفاع مشروع بین فقهای اسلامی و نزد همه‌ی عقلای عالم، به قدری روشن و مسلم فرض شده است که آنان در طرح بحث خود از این موضوع، درصدد بیان دلیل اصل مشروعیت دفاع برنیامده‌اند، بلکه صرفاً در این مقام به بیان ادله‌ی تعیین‌کننده‌ی شرایط؛ محدودیت‌ها و ذکر مصادیق آن پرداخته‌اند. از سوی دیگر، با وجود ادله‌ی عقلی و نقلی، اعم از قرآن و سنت، ضرورتی به ادعای اجماع در کلام‌شان دیده نمی‌شود، اما بدون هیچ شکی مشروعیت دفاع مشروع، محل تسالم فقها، بلکه عقلاست.

شرایط جهاد تدافعی

در جهاد تدافعی تنها شرایط عامه‌ی تکلیف، یعنی عقل، بلوغ و قدرت مطرح است. با وجود اتفاق نظر

فقهای شیعه و سنی بر مشروط نبودن جهاد تدافعی به وجود امام معصوم یا عادل به این دلیل که اگر از بلاد اسلامی دفاع و دشمن رانده نشود، حق از بین می‌رود، به نظر می‌رسد که این روش در فرض وجود دولت اسلامی مقتدر، محل مناقشه و تأمل باشد، زیرا فلسفه‌ی وجود حکومت اسلامی، رهبری امور از سوی حاکم دولت اسلامی و در تعبیر فقهای شیعه "ولایت فقیه"، یعنی کارشناس عادل و متبحر در اداره و تدبیر امور اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی اسلامی است. بنابراین، در این گونه جهاد تدافعی کسب اجازه از مقامات صالحه‌ی حکومت اسلامی الزامی است.^(۱۱)

دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

نظریه‌ی که توانست در دوران باستان و قرون وسطی، توسل بی‌قید و شرط به زور را تا اندازه‌ی محدود کند، نظریه‌ی جنگ مشروع یا عادلانه بود. این نظریه را اولین بار، سیسرون - سیاست‌مدار رومی به عنوان یک نظریه‌ی مستقل حقوقی اعلام کرد. از نظر گروسیوس جنگ زمانی مشروع است که پاسخ به یک بی‌عدالتی باشد. طبق نظر واتل (Vattel)، جنگ مشروع جنگی است که به صداقت و درستی و با اعلان قبلی آغاز شده باشد. ماکیاول نیز معتقد است: «هر جنگ لازم، جنگ مشروعی است. ارزیابی یا تشخیص عناصر ضرورت، تنها با شخص پادشاه است.»^(۱۲)

کانت و هگل عقیده داشتند، جنگ هنگامی که با منافع کشور، منطبق باشد، جنگ مشروع است. روسو معتقد است که جنگ بزرگ‌ترین طاعون بشریت است، ولی جنگ برای کسب آزادی، نه فقط جنگی مشروع، بلکه وظیفه‌ی مقدس است. حق دفاع مشروع در قوانین بین‌المللی فرض مسلم دانسته شده است.

بررسی عملکرد دولت‌ها نشان می‌دهد تا اواخر قرن نوزدهم، دامنه‌ی حق دفاع مشروع بسیار گسترده بوده است، اما با محدودیت‌هایی که در اواخر قرن

۲. حق حفظ موجودیت

اعمال حق حفظ موجودیت مبتنی بر نظریه‌ی خطر است و بر خلاف دفاع مشروع، لازم نیست برای استفاده از این حق از طرف دولتی که به زیانش اعمال می‌شود، خطایی سر زده باشد. دولت‌ها هر جا که ذی‌نفع باشند، می‌توانند با نیروی زور برای حفظ و اعاده‌ی تعادل قوا اقدام کنند.^(۱۶)

۳. خودیاری*

حوزه‌ی عمل خودیاری در دورانی از تاریخ که کاربرد داشته، بسیار وسیع بوده است، چنان‌که برای جبران و ترمیم حقوق از دست رفته و نیز برای جلوگیری از تضییع حقوق، از این روش استفاده می‌شده است به همین دلیل خودیاری را اقدامی برای واقعیت بخشیدن و اجرای قانون در یک نظم ابتدایی دانسته‌اند.^(۱۷)

مبانی دفاع مشروع

۱. ماهیت حق طبیعی

اندیشه‌ی دفاع از خود که یک اصل ذاتی است، ریشه در مکتب فکری طبیعیون دارد. گروس‌یوس بانی حقوق طبیعی، در این باره می‌گوید: «منشاء حق دفاع از خود به طور آشکار در این واقعیت نهفته است که طبیعت به هر فردی حمایت از خود را واگذار می‌کند.» حمایت از خود، از دیدگاه حقوق طبیعی، نه تنها حق افراد بلکه حق دولت‌ها هم هست. از اندیشمندان معتقد به این جریان فکری می‌توان به سوارز (Suarez)، بلی (Belli)، ایالا (Ayala)، ولف (Wolf) و کارارا (Carrara) اشاره کرد.^(۱۸)

۲. جبران بدی با بدی

از پیشگامان این نظریه، هگل فیلسوف آلمانی است. هگل می‌گوید: «حمله، نفی حق است و دفاع، نفی این و بنابراین اثبات حق.» گی‌یر (Geyer) نویسنده آلمانی نیز این نظریه را در کتاب خود با عنوان «دکترین دفاع مشروع» توجیه کرده است.^(۱۹)

نوزدهم ایجاد شد، از آزادی بی‌حصر و حد دولت‌ها کاسته شد و با تصویب منشور ملل متحد گام‌های مؤثری در برقراری سیستم امنیت دسته‌جمعی برداشته شد.

از نمونه‌های عینی به رسمیت شناخته شدن دفاع مشروع پس از تصویب منشور ملل متحد می‌توان به قضیه‌ی ناوگان دانمارک (۱۸۰۷)؛ حمله‌ی ژاپن به منچوری (۱۹۳۱)؛ تهاجم آلمان به لوکزامبورگ و بلژیک (۱۹۱۴) و غرق شدن ناوگان فرانسوی توسط انگلستان (۱۹۴۰) اشاره کرد. دادگاه نورنبرگ نیز که وظیفه‌ی محاکمه‌ی سران ایتالیا و آلمان را در جنگ جهانی اول بر عهده داشت، فرضیه‌ی حالت ضرورت و اضطرار را در حقوق بین‌الملل رد کرد.^(۱۳) بنابراین، سیر قضایی محاکمات نورنبرگ نقش مهمی در روشن شدن مفهوم دفاع مشروع ایفا کرده است. در این محاکمات به کنوانسیون‌های لاهه؛ قرارداد صلح پاریس؛ قرارداد لوکارنو و پیمان پاریس استناد شده است.^(۱۴)

حق دفاع مشروع با اصل سستی جنگ عادلانه درهم آمیخته است و استفاده از زور را برای مقابله با تجاوز و اعاده‌ی نظم موجه می‌کند

حقوق مشابه حق دفاع مشروع

۱. ضرورت*

قواعد سستی حقوق بین‌الملل به یک دولت اجازه می‌دهد در صورتی که حقوق او به دلیل نقض تعهدی از سوی دولت دیگر تهدید شود، برای دفاع از این حقوق به استفاده از زوری که به حد اعلان جنگ نرسد، متوسل شود. منافعی که این گونه از آن‌ها حمایت می‌شود به اندازه‌ی کافی وسیع‌اند و این امر نشان می‌دهد که دفاع ضروری، محدود به موارد خاصی است.^(۱۵)

* Necessity and Force Majeure

** Self - help



بمباران مناطق مسکونی ایران توسط رژیم بعث عراق

مستندات دفاع مشروع

- منشور ملل متحد

مهم‌ترین سند بین‌المللی که دفاع مشروع را به مثابه‌ی حق طبیعی و ذاتی کشورها شناخته، منشور ملل متحد است. شورای امنیت، کاربرد زور و دیگر اقدامات جمعی را تنها در وضعیتی می‌تواند عملی کند که تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز وجود داشته باشد. تشخیص این امر

نیز به موجب ماده‌ی ۳۹

بر عهده‌ی شورای امنیت است.^(۲۰) برخی معتقدند، مقتضیات عصر سلاح‌های میکروبی و هسته‌یی و موشک‌های قاره‌پیما که متفاوت از دوره‌ی وضع منشور است، مستلزم بازنگری و تحول در مفهوم حمله‌ی مسلحانه‌ی مندرج در ماده‌ی ۵۱ منشور است.

- حقوق بین‌الملل عرفی

عرف بین‌المللی که از رفتار عمومی کشورها در روابط بین‌المللی نشئت می‌گیرد، در بسط و توسعه‌ی حقوق بین‌المللی نقش بسزایی دارد. از نظر پروفیسور دومینیک کارو، دفاع مشروع قاعده‌یی متداول است که همیشه در نظام بین‌المللی وجود داشته و هنگام تدوین منشور سازمان ملل متحد وارد آن شده است. پس از انعقاد پیمان "بریان کلوگ"، کشورهای متعهد پیمان، این قاعده که استفاده از جنگ برای دفاع مشروع ممنوع نیست را به طور کلی پذیرفتند. سپس منشور سازمان ملل متحد به طور رسمی حق دفاع مشروع را به نفع اعضا شناسایی کرد.^(۲۱)

- رویه‌ی قضایی بین‌المللی

منظور از رویه‌ی قضایی بین‌المللی، تصمیمات قضایی و آرای همه‌ی دادگاه‌های بین‌المللی اعم از دیوان دائمی بین‌المللی یا دیوان بین‌المللی دادگستری و... است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صادر شده در سال ۱۹۸۶ در قضیه‌ی نیکاراگوئه، دفاع مشروع را حق پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عرفی معرفی کرده است.^(۲۲) دیوان، این حق بنیادی را از نظر دور نداشته است که هر کشوری حق حیات دارد و بنابراین حق دارد که مطابق ماده‌ی ۵۱ منشور هنگامی که این حیات و بقا در معرض تهدید است، به دفاع مشروع توسل جوید.^(۲۳)

- قطع‌نامه‌های سازمان‌های بین‌المللی

مراجع بین‌المللی در موارد متعددی بر مشروعیت دفاع از خود صحه گذاشته‌اند. همانند قطع‌نامه‌ی تعریف تجاوز (۱۹۷۴) و اعلامیه‌ی ممنوعیت مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و



هجوم سراسری ارتش رژیم بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران

هدف‌های سازمان ملل انجام شود، موجبات دفاع مشروع را فراهم خواهد کرد. بنابراین، اگر بدون توسل به سلاح، حمله‌یی انجام شود، در مقابل آن، دفاع مشروع مورد نظر منشور نمی‌تواند انجام نشود.^(۲۹) منشور از حمله‌ی مسلحانه سخن گفته است، پس برخلاف حقوق عرفی که طبق آن استفاده از زور مجاز بوده است،^(۳۰) حتی اگر تهاجم صورت فیزیکی و مادی

نداشته و تنها تهاجم اقتصادی یا تبلیغاتی بوده باشد، دفاع از خود در مقابل حمله‌ی غیر مسلحانه، مشروع نیست.

خصوصیات حمله‌ی مسلحانه

حمله‌ی مسلحانه باید به وسیله‌ی سازمان‌های نظامی و نیروهای هوایی، دریایی و زمینی و سایر نیروهای تحت کنترل وزارت دفاع یا وزارت جنگ یک کشور انجام شود. اگر در اقدامات خصمانه‌ی یک دولت علیه دولت دیگر سلاح به کار گرفته نشود - مانند آتش زدن جنگل‌های اطراف مرز - حمله‌ی مسلحانه محسوب نمی‌شود، اما چنانچه در اقدامات تهاجمی یک کشور علیه کشور دیگر به گونه‌یی از سلاح استفاده شود، حتی سلاحی که استعمال آن اثر تخریبی نداشته باشد - مانند گازهای سمی - مراجع صلاحیت‌دار بین‌المللی این نوع وسایل را سلاح و استعمال آن را جنگ علیه کشور دیگر به حساب می‌آورند.

برخی نویسندگان برای تقدم* در حمله، اهمیت زیادی قائل‌اند و گفته‌اند که هر دولتی ابتدا حمله‌ی

مسلحانه را آغاز کند، مرتکب تجاوز شده است. وودرو (Woodrow) معتقد است هنگام طرح اساسی ماده‌ی ۵۱، اقدام کشوری حمله‌ی مسلحانه فرض می‌شده است که در استفاده از سلاح برخلاف مقررات نظامی پیش‌قدم شود. برای تشخیص ماهیت اقدامات طرفین یک مخاصمه نقش قصد (Inter) را نیز نبایستی از نظر دور داشت. در نظر داشتن عنصر "قصد" ممکن است در تصمیمات شورای امنیت به منظور تشخیص متجاوز نقش مهمی ایفا کند.

موضوع دیگری که در مورد وقوع حمله‌ی مسلحانه اهمیت دارد، این است که آیا حمله‌ی مسلحانه فقط شامل تهاجمات نظامی و عبور آشکار از مرز به طور وسیع و مداوم می‌شود یا اگر تجاوز در تاریخ به خصوصی به این صورت انجام نشود، بلکه به شکل اقدامات تهاجمی در زمان‌های گوناگون و به طور پراکنده و مخفی نیز انجام شود، باز هم حمله‌ی مسلحانه به حساب می‌آید؟ در جریان بسیاری از مخاصمات بین‌المللی این موضوع بیان شده است که تجاوزات مستتر و پنهانی از قبیل ارسال اسلحه و مهمات و سربازان مسلح و اقدام

* Priority

سال دهم □ شماره سی و هشتم □ پاییز ۱۳۹۰

به حملات پراکنده‌ی چریکی نیز وقوع حمله‌ی مسلحانه را مسلم می‌کند.

۲. تناسب*

نکته مهم درباره‌ی اصل تناسب این است که تناسب با تساوی برابر نیست. اقدامات دفاعی از نظر کمیت نبایستی بیش از حدی باشد که برای دفع حمله ضرورت دارد. مثلاً چنانچه حمله به وسیله‌ی کشتی و هواپیما به قلمرو یک کشور انجام شود، تناسب ایجاب می‌کند که به کشتی‌ها و هواپیماهای متجاوز حمله‌ی متقابل شود. بنابراین، در صورتی که حمله از جانب کشتی و هواپیما تکرار شود و اقدامات با سوء نیت همراه باشد، ممکن است اقدامات دفاعی را به گونه‌ی مجاز کند که شامل پایگاه‌های کشوری بشود که کشتی‌ها و هواپیماها تجاوز را از آن جا انجام می‌دهند.^(۳۱)

همچنین، مقابله با نیروهای کشور متجاوز با وسایل و ابزار غیر متناسب دفاع مشروع نیست و انجام دادن آن نوعی تجاوز است. برای مثال کشوری که با سلاح‌های کلاسیک هدف قرار گرفته

از نمونه‌های عینی به رسمیت شناخته شدن دفاع مشروع پس از تصویب منشور ملل متحد می‌توان به قضیه‌ی ناوگان دانمارک (۱۸۰۷)؛ حمله‌ی ژاپن به منچوری (۱۹۳۱)؛ تهاجم آلمان به لوکزامبورک و بلژیک (۱۹۱۴) و غرق شدن ناوگان فرانسوی از جانب انگلستان (۱۹۴۰) اشاره کرد

می‌شود، حق ندارد در دفاع از خود از سلاح‌های شیمیایی یا میکروبی استفاده کند، زیرا قدرت سلاح‌های اتمی با سلاح‌های معمولی متناسب نیست و همچنین آثار سلاح‌های اتمی به حال و آینده مربوط می‌شود و محدود به یک کشور نیست.^(۳۲)

۳. ضرورت**

یکی از شرایط اساسی دفاع مشروع این است که اقدام به دفاع و توسل به زور به منظور مقابله با تجاوز، ضرورت داشته باشد، یعنی تجاوز انجام شده، شدید و خردکننده باشد؛ اقدام دفاعی فوریت

داشته باشد و محلی برای تأمل یا امکان انتخاب راهی دیگر باقی نمانده باشد. ضرورت دفاع مشروع حتی ممکن است جواز تخطی به خاک کشوری بی‌طرف را نیز که در حفظ امنیت همسایگان بی‌کفایت است، صادر کند وست‌لیک می‌گوید: «وقتی کشوری در خاک خود برای کشور همسایه خطری را پرورش می‌دهد، کشور همسایه مجاز است که اقدامات ظاهراً غیر قانونی را به مرحله‌ی اجرا گذارد.»^(۳۳)

در مورد ضرورت و تناسب در دفاع مشروع در دیوان آمده است که شرایط دفاع مشروع، یعنی ضرورت و تناسب، یک قاعده‌ی حقوق بین‌الملل عرفی است و این موضوع به رأی مشورتی (I.C.J. Report 1996 (1), p.245, para.41) استناد داده شده است. در رأی نیکاراگوئه بحث عرفی بودن ضرورت و تناسب (I.C.J. Report 1986, p.94, para.176) و در نظر نگرفتن درجه‌ی خاصی از شدت حمله در منشور دلیل بر وجود نداشتن این شرط در رویه‌ی قضایی نیست.^(۳۴)

۴. فوریت

طبق این شرط، دفاع باید بلافاصله پس از وقوع حمله آغاز شود. البته، این بدان معنی نیست که حتماً ظرف چند روز پس از شروع حمله انجام شود، زیرا انتقال امکانات و تجهیزات، مدتی زمان لازم دارد. رویه‌ی دولت‌ها "تأخیر معقولانه" برای شناسایی هویت حمله‌کنندگان؛ جمع‌آوری دلایل یا آماده‌سازی نیرو برای دفاع را پذیرفته است.^(۳۵)

بررسی تطبیقی دفاع مشروع در اسلام و حقوق بین‌الملل
دفاع مشروع در هر دو نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل به عنوان استثنا بر اصل کلی منع توسل به زور مطرح است و این حقیقت با در نظر گرفتن ماده‌ی ۲(۴) منشور و تفسیر موسع آن و نیز ماده‌ی ۵۱ منشور و تفسیر مضیق آن و توجه به روابط بین‌المللی اسلام که همانا صلح مبتنی بر دعوت و عدالت است، روشن می‌شود. تفاوتی که در این

* Propriety

** Necessity

اقلیت‌های قومی، اثبات کرد. حال آن‌که طبق اصول بین‌المللی، اصل مداخله نکردن در امور دولت‌ها از اصول پایه‌ی حقوق بین‌الملل است. سرانجام، تجاوز به خاک ایران نیز بارزترین نمود نیت خصمانه عراق را آشکار نمود.

آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت ایران با درک روشن از هدف جنگ، در این باره گفته است: «این جنگ علیه انقلاب اسلامی و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شد.»^(۳۷) جیمز بیل کارشناس مسائل خاورمیانه نیز در این باره می‌گوید: «دلیل واقعی جنگ درگیری سیاسی برای دست یافتن به برتری و سلطه یافتن بر خلیج فارس بود. در این

روند عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه کند و نابود سازد.»^(۳۸)

- پیش‌دستی عراق در تهاجم
عراق در تجاوز به خاک ایران کاملاً آگاهانه و با تمهیدات قبلی عمل کرده است. اقداماتی که عراق با انجام دادن آن‌ها از نظر قوانین بین‌المللی مرتکب جرم و تجاوز شده است، عبارت‌اند از طرح ناگهانی

ادعای لزوم تغییر محل برخی از علائم مرزی با این‌که مراحل قطعی علامت‌گذاری آن با توافق طرفین به پایان رسیده بود؛ در خواست تجدید نظر در عهدنامه‌ی ۱۹۷۵ در خصوص تمدید مرز رودخانه‌ی؛ تکرار مداخلات سابق در امور داخلی ایران مثل اعطای خودمختاری به اقلیت‌های عرب، کرد و بلوچ؛ تجدید مطامع توسعه‌طلبانه‌ی ارضی این کشور در خصوص خوزستان؛ تصریح صدام حسین در فروردین ۱۳۵۹ مبنی بر این‌که عراق آماده است تا اختلافاتش را با ایران را از راه توسل به زور حل کند.

بین وجود دارد، سابقه‌ی تاریخی جایگاه این اصل در دو نظام حقوقی است، زیرا تا آغاز قرن بیستم این حق در حقوق بین‌الملل عرفی، اصولاً ماهیت قانونی نداشته و بیش‌تر جنبه‌ی سیاسی و اخلاقی داشته است. از شیوه‌ی عبارت‌سازی ماده‌ی ۵۱ نیز به وضوح می‌توان دریافت که حق دفاع مشروع مندرج در ماده‌ی ۵۱، ماهیتی فرعی دارد، ولی در حقوق بین‌الملل اسلامی حکم جهاد تدافعی دارای ماهیتی اساسی است. پس هم سابقه‌ی تاریخی آن در حقوق بین‌الملل اسلام ریشه‌دارتر و هم جایگاه و اهمیت آن بنیادی‌تر و اساسی‌تر است. در حقوق بین‌الملل اسلام، هدف باید جهاد در راه خدا باشد، نه طغیان و کشورگشایی یا قشون‌کشی به قصد تجاوز. در حالی که در نظر گرفتن حق و تو برای قدرت‌های بزرگ که زمینه‌ساز ناعادلانه‌بودن تصمیمات حقوقی شورای امنیت است، موجب سوءاستفاده از این حق می‌شود. همان‌طور که به دستور ترومن رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، شهرهای هیروشیما و ناکازاکی ژاپن بمباران اتمی شد و بیش‌تر از ۲۰۰ هزار انسان در این حملات از بین رفتند.^(۳۹)

بخش دوم: جایگاه دفاع مشروع در جنگ عراق با ایران ادله و مبانی مشروعیت دفاع ایران

جمهوری اسلامی ایران در طول دوران دفاع مقدس، همه‌ی شرایط دفاع مشروع در مبانی اسلامی و حقوق بین‌المللی را داشت. بی‌تردید، رفتار دولت عراق در آغاز تهاجم به ایران، مغایر قاعده‌ی آمره‌ی شکل‌گرفته در حقوق بین‌الملل است. برای مشروعیت دفاع مقدس ایران می‌توان به ادله‌ی زیر استناد کرد:

- نیت خصمانه‌ی عراق در تجاوز به ایران

دولت عراق در تهاجم به ایران اهداف و انگیزه‌های خصمانه‌ی داشت. انگیزه‌ی خصمانه‌ی عراق را می‌توان با اقدامات مداخله‌جویانه و تحریک‌آمیزی چون انتشار نقشه‌ی جعلی از خوزستان و تحریک

مهم‌ترین سند بین‌المللی که
دفاع مشروع را به مثابه‌ی حق
طبیعی و ذاتی کشورها شناخته،
منشور ملل متحد است

پروتکل مربوط به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی؛
پروتکل مربوط به تعیین حدود مرز رودخانه‌یی؛
پروتکل مربوط به امنیت مرزی و سپس چهار
پروتکل تکمیلی^(۴۰) مجموعه‌ی یک‌پارچه‌یی را
تشکیل می‌دهند، بنابراین، تلاش عراق برای لغو
یکی از اجزاء مورد توافق (تمدید مرز رودخانه‌یی)
از نظر حقوق بین‌الملل پذیرفتنی نیست و باید
افزوده شود که حکومت بعث عراق پس از سپردن
اسناد تصویب این معاهدات به دبیرخانه‌ی سازمان
ملل متحد و ثبت آن تحت شماره‌های ۱۴۹۰۳
الی ۱۴۹۰۷^(۴۱) هیچ یک از مراحل فسخ یک جانبه‌ی
موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۵ الجزیره را به طور رسمی به
سازمان ملل متحد اطلاع نداده است. در حالی که
در ماده‌ی ۶ این قرارداد بر تغییرناپذیر بودن مرزها و
لزوم احترام کامل به تمامیت ارضی دو کشور تصریح
شده است. در قرارداد الجزایر ساز و کار جامعی
برای حل اختلاف درباره‌ی تفسیر یا اجرای عهدنامه
پیش‌بینی شده بود و دولت عراق بی آن‌که به هیچ
یک از راه‌های پیش‌بینی شده در آن شامل مذاکرات
مستقیم؛ مساعی جمعیله‌ی دولت ثالث دوست؛ داوری
و... متوسل شود، این اصول را نقض کرد.

- وقوع حمله‌ی مسلحانه و ضرورت دفاع

از تاریخ ۱ تا ۱۳ شهریور ۱۳۵۹، ارتش عراق ۳۴
بار به خاک جمهوری اسلامی ایران تعرض کرد
و فقط در طول ۴ روز، یعنی ۱۰ تا ۱۳ شهریور،
شهرهای خرمشهر، قصرشیرین، سومار و مهران را
زیر آتش انواع سلاح‌های سبک و سنگین قرار داد.
ارتش عراق در ۱۳ شهریور با بمباران ۱۳ نقطه از
قصرشیرین به بیش از ۱۰۰ خانه آسیب رساند و بیش
از ۱۰۰ کشته و زخمی به جای گذاشت. در همین
روز، حملات توپ، خم‌پاره و موشک‌های عراقی
در مهران به کشته و زخمی شدن ۱۰ غیر نظامی
انجامید. همچنین، نیروهای عراقی برای نخستین

حکومت بعث عراق با اثبات سوء نیت خود
در نقض تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران
با مقدمه‌چینی برای ارتکاب عمل تجاوزکارانه و
پیش‌دستی در حمله، مرتکب نقض صریح اصل
اسلامی - بین‌المللی لزوم وفای به عهد (اوفوا
بالعقود) و کنوانسیون وین (۱۹۶۹) در خصوص
مقررات مربوط به معاهدات شده است. همچنین
ادعای عراق مبنی بر این که حمله‌ی آن کشور به
خاک ایران اقدامی پیش‌گیرانه بوده است، مشروعیت
ندارد و یادآور مطامع استعماری حکومت اشغال‌گر
قدس در مورد مسلمانان و سرزمین‌های کشورهای
اسلامی هم‌جوار است.

همچنین، تنها مبنای مورد
استفاده برای دفاع از خود،
ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد
است که باید توسل به آن
مسیبوق به حمله‌ی مسلحانه
باشد. در صورتی که جمهوری
اسلامی ایران در موقعیت
سیاسی داخلی خود نه تنها
مبادرت به حمله‌ی مسلحانه
علیه عراق نکرده، بلکه خود
قربانی چنین تجاوزاتی بوده
است. همچنین، ادعای عراق

جمهوری اسلامی ایران در طول
دوران دفاع مقدس، همه‌ی شرایط
دفاع مشروع در مبانی اسلامی
و حقوق بین‌المللی را داشت.
بی‌تردید، رفتار دولت عراق
در آغاز تهاجم به ایران، مغایر
قاعده‌ی آمره‌ی شکل‌گرفته در
حقوق بین‌الملل است

مبنی بر این که حمله‌اش علیه تمامیت ارضی ایران
مسیبوق به تجاوز غیر مستقیم این کشور علیه عراق
بوده است، از نظر حقوق بین‌الملل توجیه حقوقی
ندارد، زیرا موارد مشابه چون تکرار حملات شرق و
غرب علیه یک‌دیگر، از نظر حقوق بین‌الملل تجاوز
با دفاع پیش‌گیرانه پنداشته نمی‌شود، به ویژه که طبق
موازین حقوقی، دفاع باید متناسب با حمله باشد.^(۴۲)
از آن‌جا که همه‌ی توافقات انجام شده
(به دنبال عهدنامه‌ی الجزایر) در سال ۱۳۵۴ بین
ایران و عراق (عهدنامه‌ی مرزی و حسن هم‌جواری؛

انقلاب اسلامی عملی نبود. ضمن این که ارائه ی امتیاز آشکار نیز کاملاً با خط مشی انقلاب در تضاد بنیادین بود و عملاً هیچ گونه تأثیری در ممانعت از وقوع جنگ نداشت و تنها می توانست زمان آن را به تأخیر اندازد. در نتیجه، مردم ایران چاره ای جز دفاع در برابر متجاوزان نداشتند.

گسترده گی تهاجم

تجاوز ارتش عراق به ایران با استعداد ۴۸ یگان سازمان دهی شده در قالب تیپ ها و لشکرهای زرهی، مکانیزه و پیاده، با برخورداری از پشتیبانی ۸۰۰ قبضه توپ؛ ۵۴۰۰ تانک و نفربر؛ ۴۰۰ توپ ضد هوایی؛ ۳۶۶ هواپیما و ۴۰۰ هلی کوپتر انجام شد. مقصود رهبران عراق از تجاوز این بود که با شکست نظامی ایران به اهداف خود، یعنی لغو قرارداد الجزایر، تجزیه ی استان خوزستان و در نهایت براندازی نظام جمهوری اسلامی دست یابند. بر اساس گزارش های موجود، در سال ۱۳۶۶، برنامه های تسلیحاتی عراق با سرعت بی سابقه یی پی گیری شد، طوری که از آن با عنوان "انقلاب در تأسیسات و نهاد نظامی عراق" یاد می شود. در کم تر از دو سال، فرانسه در طول جنگ تقریباً ۱۶/۶ میلیارد دلار سلاح پیشرفته از جمله ۱۳۳ میراژ اف ۱ (F-۱) و موشک های آگروست و شوروی حدود ۹/۳ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی به عراق فروختند.^(۴۴)

گسترده گی تهاجم عراق به ایران موضوعاتی را اثبات می کند:

۱. گسترده گی تهاجم عراق نشان از حمله ی مسلحانه ی همه جانبه دارد که این امر به استناد ماده ی ۵۱ منشور ضرورت دفاع را اثبات می کند.
۲. تهاجم گسترده رکن دیگر دفاع مشروع، یعنی فوریت را نیز مستندسازی خواهد کرد.
۳. تهاجم گسترده ی هوایی عراق به مراکز صنعتی، اقتصادی و پایانه های نفت ایران و حملات عراق

بار، در نوار مرزی قصرشیرین و ایلام از موشک های نیرومند و سنگین ترین توپخانه شان که برد و قدرت انفجار زیادی داشت، استفاده کردند و بخش عمده یی از مناطق مسکونی مهران و قصرشیرین را هدف قرار دادند، در حالی که اقدامات ایران پیش از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به طور کلی در چارچوب دفاع از خود در برابر حوادث مرزی انجام شده و از نظر شدت و دامنه ی اثر متناسب با این دفاع بوده است. در حمله ی عراق به ایران ۱۲ لشکر رزمی عراق به خاک ایران تجاوز کردند. در ادامه ی این حمله، ۱۰ شهر مهم، از جمله خرمشهر، سوسنگرد، بستان، مهران، دهلران، قصرشیرین، هویزه، نفت شهر، سومار و موسیان اشغال شدند و شهرهای آبادان، اهواز، دزفول، شوشتر، اندیشمک و اسلام آباد غرب زیر آتش توپخانه ی ارتش عراق قرار گرفتند.^(۴۲)

همچنین، در ۳۱ شهریور، فرودگاه ها و تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران در تهران، اصفهان، تبریز، باختران، همدان، بوشهر، شیراز، دزفول، آبادان و اهواز بمباران شدند. افزون بر این، ارتش عراق منطقه یی به طول ۵۵۰ کیلومتر و عمق ۲۰ تا ۱۱۰ کیلومتر را اشغال کرد که بر اثر آن بیش از دو میلیون نفر از ساکنان این مناطق آواره شدند. اختلاف فاحش حمله ی گسترده ی عراق، از نظر شدت و دامنه ی اثر نسبت به حملات پیشین، نشان دهنده ی آن است که دولت عراق در ۳۱ شهریور، یعنی ۲۲ سپتامبر، جنگی تمام عیار را آغاز کرده است.^(۴۳)

ایران برای جلوگیری از وقوع جنگ سه راه حل شامل "بازدارندگی"، "یارگیری سیاسی" و "ارائه ی امتیاز" را فراروی خود داشت. قدرت بازدارندگی ایران ظاهراً به دلیل وضعیت نیروهای ارتش کاهش یافته بود و نیروهای انقلابی نظیر سپاه و بسیج نیز از نظر امکانات در وضعیت مناسبی قرار نداشتند. یارگیری سیاسی و مشارکت در یک ائتلاف سیاسی منطقه یی یا جهانی نیز به دلیل نبود ثبات سیاسی در کشور برای تصمیم گیری و همچنین به دلیل ماهیت

به مردم بی دفاع و اماکن غیر نظامی ایران حاکمی از نقض اصول بین الملل و حقوق جنگ از جانب عراق است که علاوه بر صحنه گذاشتن دوباره بر لزوم دفاع ایران، مسئولیت بین المللی و پرداخت غرامت به ملت ایران را نیز اثبات خواهد کرد.

تجاوز مجدد عراق

از سحرگاه جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و تنها سه روز پس از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ی ۵۹۸ و در شرایطی که وزیر خارجه ی وقت ایران در حال مذاکره با دبیر کل سازمان ملل بود،^(۴۵) نیروهای عراقی از دو محور کوشک و شلمچه به داخل خاک ایران پیش روی کردند. دشمن در محور شلمچه، کانال شهید ادب را تصرف کرد و در محور کوشک با تصرف جاده ی المهدی به حاشیه ی جاده اهواز - خرمشهر رسید.^(۴۶) این موضوع از نظر حقوقی و سیاسی دارای چند بُعد است: در درجه ی نخست بر تجاوزکاری و مسئولیت بین المللی عراق صحنه می گذارد و تمایل نداشتن ایران به جنگ را اثبات می کند. همچنین، مشروعیت دفاع مقدس ایران و لزوم تداوم دفاع مشروع را موجه تر می کند.

دولت عراق در تهاجم به ایران اهداف و انگیزه های خصمانه یی داشت. انگیزه ی خصمانه ی عراق را می توان با اقدامات مداخله جویانه و تحریک آمیزی چون انتشار نقشه ی مجهول از خوزستان و تحریک اقلیت های قومی، اثبات کرد

رعایت تناسب در دفاع

در مقابل تجهیز نیروهای عراقی و انباشت سلاح، آماده نبودن ایران در دفاع نشان دهنده ی آن است که ایران تمایلی به جنگ نداشته است که این امر مشروعیت دفاع مقدس را تأیید می کند. همچنین به بهترین شکل اثبات می کند که ایران در دفاع از کشور

کاملاً به مبانی اصل تناسب متعهد بوده است. کردزمن در کتاب خود نوشته است: «ایران هیچ گونه آرایش نظامی در مناطق بسیار حساس نزدیک خرمشهر و آبادان نداشت. نزدیک ترین لشکر ایران به منطقه ی عملیاتی در اهواز مستقر بود که ۵۰ تا ۶۰ کیلومتر تا صحنه ی جنگ فاصله داشت.» وی سهولت پیش روی نیروهای عراقی را نشانه ی آماده نبودن ایران برای دفاع دانسته و نوشته است: «در واقع، حتی اعلامیه های نظامی عراق نیز نشان می دهد که ارتش عراق در طول یکی دو روز اول جنگ با مقاومت زیادی رو به رو نشده. بنابراین، تمامی شواهد حکایت دارند که این عراق بوده است که با آمادگی کامل و به کارگیری نیروهای نظامی، تهاجم همه جانبه یی را علیه ایران سازمان دهی داد، در حالی که ایران حتی از آمادگی دفاعی کامل برخوردار نبود.»^(۴۷)

یکی از نشریات چاپ آمریکا در همین خصوص نوشته است: «دولت مردان ایران ضعیف تر از آن هستند که اشغالگران عراقی را از خاک خود بیرون برانند و بسیاری از کارشناسان خاورمیانه معتقدند که با پایان دادن به جنگ ایران و عراق، رژیم جنگ زده ی آیت الله خمینی باید سقوط کند.»^(۴۸)

نقض اصول حقوق بین الملل از جانب عراق

پیش قدمی حکومت عراق در نقض موازین حقوقی بین الملل چنان ابعاد وسیعی داشته که تا کنون در هیچ یک از برخوردهای منطقه یی و بین المللی سابقه نداشته است. حملات علیه مناطق مسکونی غیر نظامی و افراد غیر نظامی به ویژه با استفاده از موشک های استراتژیک کوتاه و میان برد - که به عمد انجام شده است - نقض آشکار قراردادهای لاهه (۱۸۹۹ و ۱۹۰۷)؛ قطع نامه ی ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸ جامعه ی ملل؛ کنوانسیون های ژنو (۱۹۴۹)؛ توافق ژوئن ۱۹۸۴ و مغایر مفاد پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ ژنو است. سلاح هایی که عراق در تجاوز و

غیر نفتی ۳۰/۴ میلیارد دلار و هزینه‌ی نظامی ۲۳/۴ میلیارد دلار بوده است. در گزارش هیئت اعزامی سازمان ملل متحد، میزان خسارت مستقیم به ایران ۹۷/۲ میلیارد دلار برآورده شده است.^(۴۹)

نتیجه‌گیری

حق دفاع از خود در همه‌ی سیستم‌های حقوقی مشترک است. دولتی که به دفاع مشروع متوسل شده است، دو هدف مشخص، بیرون راندن متجاوز از خاک خود و تضمین بازگشت به وضعیت سرزمینی قبلی و کاهش دادن خطر تجاوزی جدید را دارد. در این خصوص کشوری که به آن تجاوز شده است می‌تواند تا وقتی که تضمین‌های کافی را از این شورا برای تحقق اهداف خود دریافت نکرده است، همچنان به دفاع مشروع خود ادامه دهد.^(۵۰)

هانس کلسن می‌گوید: تنها در صورتی که حمله‌ی مسلحانه‌ی ابتدائی شروع شده باشد، دفاع مشروع مجاز است.^(۵۱) پرفسور جهریز* نیز معتقد است: «هر کشور تنها قاضی‌بی است که می‌تواند نسبت به مسئله‌ی مورد نظر که در آن به عنوان دفاع مشروع به جنگ توسل جسته است، قضاوت نماید.»^(۵۱)

بنابراین در مقابل تهاجم گسترده‌ی نیروهای عراقی تنها این دولت قربانی، یعنی ایران است که حق قضاوت در شناسایی ضرورت و لزوم دفاع از خود را داشته است. با توجه به تحقق حمله‌ی مسلحانه و پیش‌دستی عراق در تجاوز به ایران باید اذعان داشت:

۱. حکومت عراق متجاوز است. این حکومت با زمینه‌چینی‌های قبلی مقدمات تجاوز را فراهم کرد. از جمله دست به تحریک اقلیت‌های قومی در نقاط گوناگون کشور زد. نقشه‌های مجعول از خوزستان چاپ و منتشر کرد و در نواحی مرزی دست به اقدامات تحریک‌آمیز زد، در حالی که هیچ‌گونه توجیهی برای تجاوز خود نداشت.

جنایت‌هایش استفاده کرده از نوع شیمیایی؛ گازهای سمی و خفه‌کننده و سلاح‌های کشتار جمعی بوده است که آن‌ها را علیه مراکز و افراد غیر نظامی به کار گرفته است و چگونگی کاربرد و استفاده از آن‌ها و مکانیسم هدایت عملیات نظامی به قصد تخریب هر چه بیش‌تر ساختمان‌ها و ابنیه‌ی غیر نظامی؛ تخریب عمدی محیط زیست و کشتار غیر نظامیان، از مصادیق بارز عوامل تشدیدکننده‌ی جنایت؛ نقض صریح جمله‌ی منشور سازمان ملل متحد؛ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر؛ مقاوله‌نامه در خصوص جلوگیری از کشتار دسته‌جمعی و مجازات آن (ژنو ۱۹۴۸)؛ پیمان‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۹) و کنوانسیون ۱۹۷۷ درباره‌ی ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های نظامی که موجب تغییر محیط زیست می‌شود، است. تخریب آثار و ابنیه‌ی تاریخی، فرهنگی، زیر پا گذاشتن مقررات و توصیه‌های مربوط به لزوم حمایت از آثار فرهنگی در زمان جنگ از جمله پروتکل لاهه (۱۹۵۴) است.

متجاوز معرفی شدن عراق از سوی سازمان ملل

در سال ۱۳۷۰، بر متجاوز بودن عراق در جنگ با ایران تأکید شد و بدین ترتیب حقانیت ایران در دفاع مشروع برای جامعه‌ی جهانی اثبات شد. متجاوز معرفی شدن عراق از سوی بالاترین مقام نهاد بین‌المللی، پیامدهای حقوقی مهمی را به دنبال داشت. این موضوع علاوه بر این که مسئولیت عراق را در جبران خسارات و پرداخت غرامت به ملت ایران اثبات می‌کرد، به طور مشخص مشروعیت دفاع ملت ایران را رسمیت می‌بخشید. گفتنی است که ایران در طول این جنگ متحمل خسارات‌های هنگفتی شد.

زیان‌های جنگ برای ایران در بخش نفت، ۱۰۸/۲ میلیارد دلار؛ از دست رفتن تولیدات ناخالص

منابع:

۱. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی (حقوق بین الملل اسلامی)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۴۶۸.
۲. سیامک کرم زاده، تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین الملل، مدرس، دوره ۷، ش ۱، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳.
۳. امام خمینی (ره)، کشف الاسرار، تهران، انتشارات حجر، بی تا، ص ۴۶.
۴. امام خمینی (ره)، رساله‌ی توضیح المسائل، تهران، نشر روح، ۱۳۶۹، ص ۴۰۱.
۵. مرتضی مطهری، جهاد، تهران، صدرا، بی تا، ص ۸۰.
۶. مأخذ ۲، ص ۱۷۵.
۷. محمدرضا ضیایی بیگدلی، "مشروعیت جنگ و توسل به زور از دید حقوق بین الملل"، مجله‌ی سیاست خارجی، ش ۲، سال ۵، ۱۳۷۰، ص ۴۰۱.
۸. خلیل خلیلیان، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۹.
۹. محمدتقی مصباح یزدی، جنگ از دیدگاه قرآن کریم، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ج ۱، تهران، دبیرخانه‌ی کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، صص ۲۲۴ و ۲۲۵.
۱۰. حسنعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۱، ترجمه‌ی محمود صلواتی، تهران، موسسه‌ی کیهان، ۱۳۶۷، صص ۲۳۵-۲۳۴.
۱۱. ابراهیم حسینی، اصل منع توسل به زور و موارد استثنای آن در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲، صص ۱۷۵ و ۱۸۵-۱۸۴.
۱۲. فریده محمدعلی پور، دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۹، صص ۴۳-۴۲.
۱۳. عبدالرسول عظیمی، محاکمه‌ی نورنبرگ از نظر حقوق جزا، تهران، کیهان، ۱۳۴۱، صص ۲۶۶-۲۶۵.
۱۴. رضا فیوضی، "دادگاه نظامی نورنبرگ پس از چهل سال"، مجله‌ی حقوقی، ش ۹، ۱۳۶۷، ص ۱۴۹.
۱۵. ایان جانستون، "ضرورت دفاع در گفتمان حقوقی بین المللی؛ مداخله‌ی بشردوستانه و مبارزه با تروریسم"، ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم گل، مجله‌ی حقوقی، ش ۳۵، ۱۳۸۵، ص ۲۷۳.

عراق برخلاف اصل اسلامی "اوفوا بالعقود" و کنوانسیون ۱۹۶۹، قرارداد الجزایر را یک جانبه لغو و در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در سطحی گسترده به خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرد.

۲. ارکان دفاع مشروع چون ضرورت؛ فوریت؛ ممکن نبودن انتخاب راهی دیگر و تناسب دفاع با تجاوز به وضوح در دفاع ایران رعایت شده است.

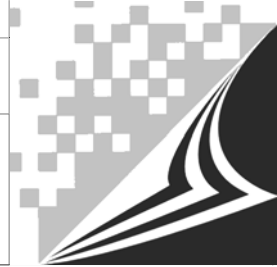
۳. حکومت عراق در طول جنگ مرتکب جنایات‌های جنگی بسیاری شامل کاربرد سلاح شیمیایی؛ حمله به مناطق مسکونی؛ از بین بردن محیط زیست و حمله به هواپیماها و قطارهای مسافربری، کشتی‌های تجاری، مدارس، بیمارستان‌ها و مراکز فرهنگی و... شده است.

۴. چه از نظر حقوق بین الملل و چه از نظر معاهدات فی ما بین دو کشور از جمله قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و چه از نظر رعایت اصل تناسب، هیچ توجیه اسلامی یا حقوقی بین المللی نمی توان برای تجاوز و جنایت جنگی عراق یافت. بنابراین، حکومت عراق باید به دلیل آغازگری جنگ و نقض مقررات بین المللی مسئول جنگ شناخته شده، به پرداخت غرامت جنگی موظف شود.

۵. ایران در برابر عراق و جنایات جنگی اش از خود دفاع کرده است و با پذیرش قطع نامه‌ی ۵۹۸ وارد مرحله‌ی جدیدی از دفاع خود در شکل سیاسی شده است.

۱۶. علی اکبر خسروی، دفاع مشروع و محاکم بین المللی، قم، نشر فراگفت، ۱۳۸۵، ص ۳۶.
۱۷. محمدتقی نادری، دفاع مشروع تنها مجوز استعمال نیرو در روابط بین المللی، تهران، چاپخانه ی زیبا، ص ۸.
۱۸. عالیہ ارفعی و محمود مسائلی، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه ی چاپ و انتشارات، ۱۳۷۱، ص ۴۷.
۱۹. محمد باهری، حقوق جزای عمومی، تهران، برادران علمی، ۱۳۴۰، ص ۲۴۸.
۲۰. عبدالرحمن عالم و دیگران، "مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل"، مجله ی حقوقی، ش ۸، ۱۳۶۶، صص ۲۱-۲۲.
۲۱. محمدکاظم عمازاده، "مشروعیت توسل به زور از طرق مسلحانه در حقوق بین الملل"، مجله ی سیاست خارجی، ش ۴، سال ۶، ۱۳۷۱، صص ۱۴۷-۱۴۶.
۲۲. حسین صفایی، "مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل"، مجله ی حقوقی، ش ۹، ص ۳۰.
۲۳. نکوبین ککدین، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه ی حسن حبیبی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۳۶۸.
۲۴. مأخذ ۱۶، صص ۸۵-۸۶.
۲۵. مأخذ ۱۷، صص ۴۰-۳۹.
۲۶. آنتونیو کاسسه، حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه ی مرتضی کلاتریان، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۲۶۶.
۲۷. مأخذ ۱۲، ۱۳۷۹، صص ۱۰۹-۱۰۸.
۲۸. مأخذ ۱۷، ص ۴۱. رک:
- Ian Browlie, The Use Of Force in Self-Defence, British year book of International Law, OP. Cit, P.225
۲۹. محمود جلالی، "عملیات نظامی در افغانستان از دیدگاه حقوق بین الملل"، مدرس، دوره ی ۱۱، ش ۴، ۱۳۸۶، ص ۳۶.
۳۰. هوشنگ مقتدر، حقوق بین الملل عمومی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳.
۳۱. مأخذ ۱۷، ص ۹۴.
۳۲. مأخذ ۱۶، صص ۲۷۵-۲۷۴.
۳۳. جلال الدین مدنی، حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط دول، ج ۲، تهران، پایدار، ۱۳۷۷، ص ۱۸۷.
۳۴. فضل الله موسوی، "دفاع مشروع پیش دستانه در حقوق بین الملل"، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی،
- ش ۷۲، ۱۳۸۵، صص ۳۲۰-۳۱۹.
۳۵. مأخذ ۲۹، ص ۳۸.
۳۶. مأخذ ۱۱، صص ۹۲ و ۲۰۹.
۳۷. محمد درودیان، از آغاز تا پایان، (سالنامه ی تحلیلی) بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۹، ص ۱۶.
۳۸. همان
۳۹. مأخذ ۹، صص ۲۴-۲۳.
۴۰. منوچهر پارسا دوست، ما و عراق از گذشته ی دور تا امروز، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۱۶۹.
۴۱. همان
۴۲. مأخذ ۱۶، ص ۲۷۱.
۴۳. نسرین مصفا و دیگران، تجاوز عراق به ایران و موضع گیری سازمان ملل متحد، تهران، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی، ۱۳۶۶، ص ۵۵.
۴۴. مأخذ ۳۷، صص ۲۴-۲۳ و ۲۸.
۴۵. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱.
۴۶. محمد درودیان، پایان جنگ، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵.
۴۷. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درس های جنگ مدرن، ترجمه ی حسین یکتا، تهران، مرز و بوم، ۱۳۸۹، صص ۱۰۴-۱۰۳.
۴۸. مأخذ ۳۷، صص ۳۸.
۴۹. سجاد برزگر، "تاریخ جنگ ایران و عراق"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۵۰، ۱۳۸۹، ص ۹۷.
۵۰. دمنیک کارو، حقوق بین الملل، ترجمه ی مصطفی تقی زاده ی انصاری، تهران، نشر طوس، ۱۳۷۵، ص ۴۴۰.
۵۱. مأخذ ۱۶، ص ۱۷۱.

[illegible][illegible]



مصاحبه با سرتیپ ستاد رعد حمدانی*

عبدالکریم سلمانی

سرتیپ ستاد رعد حمدانی در جنگ‌های اکتبر ۱۹۷۳، جنگ تحمیلی علیه ایران، حمله‌ی عراق به کویت، و جنگ عراق و آمریکا که در نهایت به اشغال بغداد انجامید شرکت داشته و هم اکنون از فراریان شکست خورده‌ی سران رژیم بعث عراق است که در اردن اقامت دارد. وی در این مصاحبه که با شبکه‌ی تلویزیونی روسیا الیوم [روسیه‌ی امروز] و به مدت ۲۶ دقیقه انجام گرفته، اشاراتی هم به کتاب خاطراتش** دارد که در سال ۲۰۰۹ منتشر و حدود دو سال پیش از همین شبکه معرفی شده است.

چکیده

مقدمه‌ی مجری برنامه

[اروند رود]، مالکیت منطقه‌ی خوزستان، و مناقشه‌ی جزایر سه‌گانه [ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک]. جنگ عراق علیه ایران و به عبارتی جنگ اول خلیج [فارس] در چنین شرایطی شروع شد و به مدت هشت سال ادامه یافت؛ جنگی که باعث کشته شدن حدود یک میلیون نفر و وارد آمدن زیان‌های مالی بالغ بر ده‌ها میلیارد دلار گردید. در این برنامه، سرتیپ ستاد آقای رعد حمدانی، داستان این جنگ را که خود یکی از فرماندهان آن از آغاز تا پایان بوده است، برای ما و شما بیان می‌کند.

مجری: جناب سرتیپ رعد به برنامه‌ی «سفری به خاطرات» خوش آمدید. لطفاً درمورد راهبرد ارتش عراق در این جنگ توضیح دهید و اینکه این ارتش چه نقاط ضعف و قوت و یا چه نکات منفی و مثبتی

صدام پس از به دست گرفتن قدرت در سال ۱۹۷۹م عملاً از وضعیت نامناسب ارتش ایران پس از انقلاب [امام] خمینی سوء استفاده کرد؛ زیرا تعداد زیادی از افسران این ارتش اخراج شده بودند و آمریکا مجازات‌های اقتصادی سنگینی علیه جمهوری نوپای اسلامی اعمال کرده و این امر باعث تضعیف ارتش ایران از لحاظ تسلیحات شده بود. در مقابل، ارتش عراق در دوران طلایی خود قرار داشت. در این میان، عزم رهبران جمهوری اسلامی مبنی بر صدور انقلاب به کشورهای همجوار و تبلیغات سنگین آنان علیه رژیم بعث عراق به ایجاد زمینه‌های لازم برای شروع این جنگ کمک کرد.*** این مسایل باعث تشدید اختلافات تاریخی گذشته بین دو کشور ایران و عراق گردید؛ اختلاف بر سر تسلط بر شط العرب

* فرمانده‌ی سابق سپاه دوم گارد ریاست جمهوری و از فرماندهان ارشد ارتش صدام در جنگ تحمیلی

** عنوان کتاب، «قبل ان یغادرنا التاریخ» است.

*** مجری این برنامه نیز همانند برخی از تحلیلگران مغرض غربی در حالی آگاهانه یا ناآگاهانه این ادعا را مطرح می‌نماید که در موارد معدودی پیش از جنگ تحمیلی که مقامات جمهوری اسلامی و به‌طور خاص امام راحل در مورد صدور انقلاب سخن گفته‌اند اصولاً اسم هیچ کشور یا منطقه‌ی خاصی را به عنوان هدف ذکر نکرده و منظور آنان نه صدور فیزیکی و ظاهری انقلاب، بلکه صدور معنوی آن به سرتاسر جهان بوده است و اینکه چگونه می‌توان حمله‌ی ناجوانمردانه‌ی صدام را در این چارچوب توجیه کرد، موضوعی است که تاریخ و مردم آزاده خود در این مورد قضاوت خواهند کرد.

در این جنگ داشت؟

سرتیپ حمدانی: ابتدا باید شرایط کلی سیاسی حاکم در آن زمان را شرح دهیم. در عراق یک نظام سیاسی ملی گرا و لائیک حکومت می کرد که اعتقاد داشت جهان عرب باید در جایگاه واقعی خود قرار گیرد و مسأله ی اصلی اش آزادی فلسطین باشد.* از سوی دیگر، در ایران یک نظام اسلامی اصول گرا با یک مذهب خاص [تشیع] به وجود آمده بود که کل جهان اسلام و به ویژه شیعیان جعفری را میدان اصلی فعالیتش می دانست. بنابراین، از ابتدا یک تضاد اساسی بین این دو نگاه ملی و مذهبی وجود داشت.

هریک از دو رژیم دارای نگاه، اندیشه و فلسفه ی سیاسی خاص خود بود.

از سوی دیگر، ارتش عراق در آن دوران از لحاظ تسلیحات، مهمات، آموزش، تجربه و سازماندهی به نقطه ی اوج خود رسیده بود. در واقع، عراق در دوره ی پنج ساله ی بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰م [۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ش]

در زمینه های علمی، صنعتی، اجتماعی، آموزش و پرورش

و نظامی در اوج پیشرفت به سر می برد. در مقابل، ارتش ایران با اینکه از نظر سلاح های پیشرفته و مدرنی که در اختیار داشت یک ارتش قوی به حساب می آمد ولی هنوز تحت تأثیرات ناشی از وقوع انقلاب در ایران به سر می برد.

مجری برنامه: من شنیده ام که نیروهای این ارتش

در آن زمان به نصف کاهش یافته بود.

سرتیپ حمدانی: کاملاً درست است. در واقع ارتش انقلاب اسلامی یا پاسداران انقلاب و بسیج که از نیروهای داوطلب و از طبقات فقیر جامعه تشکیل می شد جایگزین ارتش قبلی گردیده بود.** البته همین جوانان انقلابی و فداکار که به کشته شدن در راه تحقق اهداف معنوی مشتاق بودند و نیز مفاهیم و ارزشهای جدید [انقلاب اسلامی] تا حدی کمبود تسلیحات و تجربه را در نیروهای ایرانی جبران می کرد.

مسأله ی دیگر اینکه دو طرف درگیر یعنی ارتش های عراق و ایران به هر حال در جهان سوم و به عبارتی جهان در حال رشد و پیشرفت به سوی تمدن جدید بودند. لذا، ضعف هایی در سازماندهی علمی و فرهنگی هر دو ارتش نمایان بود، با این تفاوت که ارتش عراق در آن زمان تابع یک رژیم یکپارچه، منسجم و مقتدر بود و از این نظر نسبت به ارتش ایران برتری داشت.

سون تزو*** فیلسوف و اندیشمند نظامی چینی درمورد جنگ طولانی معتقد است که «هیچ ملتی از جنگ طولانی سود نبرده است». بر اساس این گفته ی سون تزو - که به بیش از ۲۵۰۰ سال قبل برمی گردد- در مورد این جنگ [جنگ ایران و عراق] که میان یک کشور کوچک با ارتش پیشرفته از یک سو و ارتشی بزرگ و فراگیر اما دارای ضعف تسلیحاتی از سوی دیگر رخ داد نیز می توان گفت که «با وجود خسارت های زیاد این جنگ، هیچ یک از طرفین نتوانستند آن را به نفع خود به پایان برسانند». در آن زمان، به هر حال ایرانیان یک جنگ سیاسی، تبلیغاتی و امنیتی علیه عراق شروع کرده بودند. این از نظر ما یک واقعیت است و ما خود آن دوران را از نزدیک

در عراق یک نظام سیاسی ملی گرا و لائیک حکومت می کرد که اعتقاد داشت جهان عرب باید در جایگاه واقعی خود قرار گیرد و مسأله ی اصلی اش آزادی فلسطین باشد

* بر خلاف ادعای ژنرال حمدانی، عراق در دوران سلطه ی حزب بعث هیچ گاه به طور عملی و واقعی آرمان فلسطین را سرلوحه ی اهداف خود قرار نداده و اگر اقدامی هم در این زمینه انجام داده بیشتر ظاهری و در جهت فریب افکار عمومی ملت های مسلمان و عرب بوده است.

** این گفته ی ژنرال حمدانی اگر با صداقت بیان شده باشد نشان می دهد که وی از وضعیت پس از انقلاب در ایران کاملاً بی اطلاع بوده و اصولاً نمی داند که ارتش در ایران منحل نگردیده و امام راحل بر خلاف نظر برخی از دولت مردان آن زمان حتی ارتش را در بسیاری از موارد تأیید و تقویت نیز کرده است.

*** Sun Tzu



کردیم. البته اتخاذ این روش‌ها و اهداف جدید برای دفاع از عراق در برابر تهدیدات ایران با آموزش‌هایی که ما در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد گذرانده بودیم در تضاد بود. ما بر اساس طرح جدید باید برای بستن راه‌های نفوذ دشمن تلاش می‌کردیم؛ ایده‌ای که در واقع خیالی بیش نبود، زیرا هنگامی که از رئیس‌جمهور [صدام] سؤال شد که چه عاملی این طرح را تضمین می‌کند، پاسخ داد که ملت عراق بهترین تضمین‌کننده این طرح است. در حالی که در آن زمان ما فقط ۳۷ لشکر داشتیم و ارتش عراق فاقد نیروی احتیاط بود. در واقع، ایده‌ی اصلی جنگ ایران

و عراق در این مقوله خلاصه می‌شد که جنگ عراق علیه ایران یک جنگ پیش‌گیرانه به حساب می‌آید، به این معنا که چون ما از طرف دشمن خود جنگی را پیش‌بینی می‌کردیم، جنگی را برای جلوگیری از آن شروع کردیم و جنگ [عراق علیه ایران] تنها با این دید یک جنگ پیش‌گیرانه محسوب می‌شد.

به این ترتیب، با حدود ۳۷ لشکر جنگ را شروع کردیم

و در روزهای آغازین آن، موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آوردیم تا حدی که رهبران سیاسی عراقی پیش‌بینی می‌کردند که جنگ بیش از چهار تا شش هفته طول نخواهد کشید و به همین خاطر در ۴ اکتبر ۱۹۸۰م [۱۲ مهر ۱۳۵۹ش] تنها پس از ۱۲ روز از آغاز حمله‌ی گسترده به خاک ایران درخواست آتش‌بس کردند. اما رهبران ایران آن را قبول نکردند و جنگ برخلاف پیش‌بینی‌های رهبران عراق و ایران به مدت ۸ سال دیگر ادامه پیدا کرد.

دیدیم و لمس کردیم.* اما از دیدگاه طرف عراقی این جنگ چگونه شروع شد و فلسفه‌ی آن چه بود؟ در جلسه‌ی مشترک رهبران سیاسی عراقی با فرماندهان نظامی در تاریخ ۶ جولای ۱۹۸۰م [۱۵ تیر ۱۳۵۹ش] در تشریح فلسفه‌ی واقعی جنگ به ما گفتند که ایران فشار سیاسی، تبلیغاتی و امنیتی زیادی را بر علیه عراق شروع کرده است و ما باید خود را برای یک جنگ تمام‌عیار آماده کنیم. رهبران سیاسی عراق معتقد بودند که رهبران انقلاب ایران با شروع جنگ مجبور می‌شوند نیروهای انقلابی را به مرزها سرازیر کنند و این امر باعث خواهد شد نیروهای ملی‌گرای ایرانی به رهبری مهدی بازرگان در تهران تقویت شوند و تسلط بیشتری بر ارکان حکومت پیدا کنند. به این ترتیب، رژیم سیاسی عراق [که به زعم دولت مردان عراقی] تهدید به نابودی شده بود می‌توانست خود را از تأثیرات منفی انقلاب اسلامی ایران نجات دهد.

مجری برنامه: آیا منظور شما این است که می‌خواستید چیزی شبیه کودتا در داخل ایران اجرا کنید؟

سرتیپ حمدانی: خیر، شرایط برای اجرای یک شبه‌کودتا در ایران وجود نداشت، بلکه هدف این بود که نیروهای نظامی عراق در طول مرز مشترک حدود ۱۳۵۰ کیلومتری با ایران تا عمق ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری وارد خاک این کشور شوند و رهبران جدید ایران اسلامی را مجبور کنند نیروهای انقلابی خود را به سوی مرزها اعزام کنند. این شرایط فرصت خوبی برای نهضت آزادی ایران به رهبری مهدی بازرگان و همکاران [به اصطلاح] عاقل و منطقی او بود تا بتوانند بر تهران تسلط پیدا کنند. این فلسفه‌ی اصلی جنگ بود که به‌طور رسمی به ما ابلاغ شد. پس از آن، برنامه‌های گسترده‌ای را جهت آموزش نیروها برای عبور از مرز و نفوذ به عمق خاک ایران شروع

* البته باید توجه داشت که این اظهارات و تمامی این مصاحبه دیدگاه‌های یکی از فرماندهان ارشد نظامی صدام است که از وفاداران این دیکتاتور بوده و به خدمت به او افتخار می‌کند، ضمن اینکه وی در ادامه‌ی مصاحبه به منبع این القاءات اشاره می‌کند.

انگلیس، فرانسه و آلمان را خشنود نمی ساخت، بلکه منافع متقابل این کشورها مانع پیروزی هریک از دو کشور عراق و ایران در این جنگ می شد. با این حال، منافع ابرقدرت ها و هم چنین معادلات جهانی اجازه ی پایان سریع این جنگ را نداد، در حالی که دو کشور عراق و ایران گمان می کردند منافع بین المللی اجازه ی طولانی شدن جنگ را نخواهد داد، به ویژه رهبران سیاسی عراق که معتقد بودند به دلیل نفت خیز بودن منطقه، این جنگ طولانی نخواهد شد.

اما جنگ به نتایجی انجامید که با همه ی پیش بینی های طرف های درگیر مغایرت داشت، چرا که نتیجه ی نهایی آن به نفع ابرقدرت ها و به خصوص کشورهای غربی تمام شد و نرخ هر بشکه نفت از ۳۷ دلار به ۷ دلار کاهش یافت. به این ترتیب، جنگ عراق و ایران نه تنها یک جنگ فرسایشی و به ضرر منافع ملی دو کشور بود بلکه در راستای تحقق منافع ابرقدرت ها و کشورهای بزرگ جهان قرار داشت.

مجرى برنامه: نقش ابرقدرت ها در جنگ عراق و ایران یکی از مسائل مورد توجه و قابل بحث بوده است. این جنگ را نمی توان در چارچوب جنگ های کلاسیک و کشمکش های جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب به شمار آورد، زیرا شوروی با وجود اعلام بی طرفی در جنگ، عملاً در کنار فرانسه و انگلیس به عنوان بزرگ ترین صادرکننده ی سلاح و مهمات به صدام محسوب می شد. از سوی دیگر، قضیه ی «ایران گیت» از یک توافقنامه ی سرّی برای ارسال سلاح از طرف آمریکا به ایران پرده برداشت. هم زمان، آمریکایی ها کمک های مالی و وام های زیاد و هم چنین عکس های ماهواره ای از آرایش نیروهای ایرانی در جبهه ها به عراقی ها ارائه می دادند. در این میان، حتی رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن سرسخت انقلاب اسلامی نیز از طریق فروش مهمات و لوازم یدکی نظامی توسط تجار اسلحه به

مجرى برنامه: شما می دانید وقتی جنگ عراق علیه ایران آغاز شد، اتحاد شوروی از اینکه عراق این کشور را در جریان آن قرار نداده بود ناراحت شد، در حالی که در توافقنامه های نظامی بین دو کشور تصریح شده بود که عراق باید شوروی را در جریان هر حمله ی نظامی به کشوری دیگر قرار دهد. آیا این مسأله تأثیری منفی بر تدارکات تسلیحاتی و تأمین مهمات ارتش عراق از سوی شوروی نداشت؟

سرتیپ حمدانی: باید بدانیم که اتحاد شوروی در هر حال تابع معادلات سیاسی بین المللی و منطقه ای است. در منطقه ی خاورمیانه که ما و ایرانی ها در آن هستیم کشورهای دیگری و از جمله آمریکا نیز منافع ملی و راهبردی زیادی دارند. هم چنین در این منطقه مسائل مهمی از جمله نفت و امنیت رژیم صهیونیستی هم وجود دارد. از آنجا که این مسائل قبل از جنگ عراق با ایران نیز در منطقه وجود داشت، اتحاد شوروی در این منطقه تنها یکی از بازیگران بود و در اقداماتش آزادی عمل کامل نداشت. مسأله ی دیگر شوروی در این منطقه، مشکل افغانستان بود که از سال ۱۹۷۹م مورد تجاوز شوروی واقع شده بود.

در واقع، این رویداد [جنگ علیه ایران] به نوعی آغازی بود برای درگیر کردن اتحاد شوروی در یک مسأله ی سخت و مشکل که هدف اصلی آن تضعیف قدرت شوروی ها و کم کردن موقعیت استکباری و مقتدرانه ی آنها در منطقه و سرانجام، اعمال فشار بر این کشور در افغانستان بود. از سوی دیگر، شعله ور شدن چنین جنگ گسترده و طولانی بین دو کشور نفت خیز، قدرت هایی مانند شوروی، آمریکا و حتی

ارتش عراق در آن دوران
از لحاظ تسلیحات، مهمات،
آموزش، تجربه و سازماندهی به
نقطه ی اوج خود رسیده بود

پایان دهه‌ی ۱۹۷۰م بود که عراق تعدادی موشک اسکاد بی (Scud B) با بُرد ۲۸۰ کیلومتر از شوروی خریداری کرد. پس از آن کشورمان به توسعه و رشد بخش صنعتی به ویژه در زمینه‌ی تقویت موشک‌های مورد نظر اقدام کرد تا بتواند با آنها عمق خاک ایران را هدف قرار دهد و در این راه از کارشناسان و تجربه‌ی غربی‌ها استفاده نمود و سرانجام توانست بُرد هواپیماها و موشک‌های ساخت شوروی را تا بیش از ۶۵۰ کیلومتر افزایش داده، تهران را هم در تیررس خود قرار دهد.

مجری برنامه: در این زمینه کدام کشور به عراق کمک کرد؟

سرتیپ حمدانی: در واقع، عراق از سیستم‌ها

و برنامه‌های صنعتی ویژه که دارای استفاده‌ی دوگانه‌ی (نظامی و غیر نظامی) بود برای پیشبرد بخش صنعت موشکی خود استفاده نمود و با استفاده از تعداد زیادی از کارشناسان و مهندسان صنعتی و فنی که از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های روسی، اروپایی و آمریکایی در سال‌های قبل از جنگ بودند و به عبارتی با استفاده‌ی هم‌زمان از تجربه‌ی غرب و شرق، سرانجام توانست زیرساخت بخش صنایع نظامی خود را تقویت و گسترش دهد.

مجری برنامه: آیا آلمانی‌ها هم در زمینه‌ی پیشبرد و تقویت این موشک‌ها به شما کمک کردند؟

سرتیپ حمدانی: این کمک‌ها به‌طور رسمی و از طرف دولت آلمان نبود، بلکه بیشتر از سوی مؤسسه‌ها و مراکز علمی متعددی ارائه می‌شد و گاهی نیز برخی از سیستم‌های مهندسی و صنعتی مورد

ایران در این معادله‌ی عجیب وارد شده بود.* بدون شک ویژگی‌های منحصر به فرد این جنگ آن را به یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن بیستم تبدیل کرده است. با این مقدمه، سؤال بعدی این است که آیا شما در آن زمان می‌دانستید که شوروی به ایران هم سلاح و مهمات می‌دهد؟

سرتیپ حمدانی: در واقع، ارتش رژیم شاه قبل از انقلاب ایران هم از سلاح‌های شوروی استفاده می‌کرد و گرچه حجم این سلاح‌ها زیاد نبود، در هر صورت جزو سلاح‌های مورد استفاده‌ی ارتش ایران بود. این در حالی بود که رژیم شاه در آن زمان ژاندارم آمریکا و غرب در منطقه‌ی خلیج [فارس] به شمار می‌رفت و از راهبرد غربی‌ها در قبال اتحاد شوروی پیروی می‌کرد.

از طرفی، اگرچه اتحاد شوروی حجم قابل توجهی سلاح، مهمات و لوازم‌یدکی به ما می‌داد ولی مصرف سلاح و مهمات ارتش عراق در جنگ بسیار بالا بود و تأمین مهمات نظامی همواره یکی از مشکلات اساسی این ارتش بود، ضمن اینکه ارتش و رهبران سیاسی عراق انتظار نداشتند که جنگ به مدت ۸ سال طول بکشد.

مجری برنامه: مرحله‌ی مهم و سرنوشت‌ساز جنگ عراق و ایران، به اصطلاح «جنگ شهرها» بود که در آن تعدادی موشک دوربرد به شهرهای بزرگ ایران و عراق پرتاب شد. در این جنگ، ایران شوروی را به دادن موشک‌های دوربرد به عراق متهم کرد و در مقابل، شوروی ادعا می‌کرد که عراق این موشک‌ها را به دست کارشناسان خود بهسازی کرده است. آیا این ادعا به نظرتان درست بود و عراق در آن زمان می‌توانست بُرد این موشک‌ها را تا دو برابر افزایش دهد؟

سرتیپ حمدانی: به نظرم این ادعا واقعیت داشت؛ زیرا اتحاد شوروی در آن زمان موشک‌های دوربرد و استراتژیک به عراق نداد. در واقع، در

* ادعای فروش سلاح از سوی رژیم صهیونیستی به ایران در طول جنگ یک ادعای بی‌پایه است که هیچ مدرک قابل قبولی برای آن ارائه نشده و با توجه به دشمنی دیرینه و بنیانی این رژیم، چنین ادعایی اصولاً منطقی و عقلانی به نظر نمی‌رسد.

و در آن زمان انتظار این بود که یک کشور بزرگ، یک ابرقدرت، و یا یک سازمان بین‌المللی در مقابل این شعارها بایستد ولی این انتظار برآورده نشد و جنگ آغاز گردید.*

مجری برنامه: به نظر شما آیا فرماندهان و سران سیاسی یا نظامی عراق در زمان صدور فرمان‌های سیاسی یا نظامی برای اجرای عملیات‌ها یا حملات نظامی، اشتباهاتی هم داشته‌اند؟

سرتیپ حمدانی: به هر حال، ما در برنامه‌ها و طرح‌های راهبردی به خصوص در زمینه‌ی جنگ‌های زمینی و دفاع ملی نقص‌های زیادی داشتیم. بسیاری از درگیری‌ها و عملیات‌های نظامی نباید رخ می‌داد. علاوه بر این، رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی ما در آن زمان اشتباهات زیادی را مرتکب می‌شدند. آنها تجربه‌ی نظامی زیادی نداشتند، زیرا ما تا آن زمان جنگ بزرگی در این مقیاس را تجربه نکرده بودیم. در سال‌های پیش از این جنگ، ارتش عراق در کنار دیگر ارتش‌های عربی در جنگ‌های کوتاه سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۴۸ و ۱۹۷۳ اعراب و رژیم صهیونیستی شرکت کرده بود، اما تجربه‌ی تحمل فشارهای نظامی و همه‌جانبه‌ی جنگی مانند جنگ با ایران را به تنهایی نداشت. بنابراین، به‌رغم همه‌ی موفقیت‌ها و پیروزی‌هایی که [در برخی مقاطع] در این جنگ خانمان‌سوز داشتیم، خسارات بسیار سنگین و پرهزینه‌ی آن عمدتاً از بی‌تجربگی ناشی می‌شد.

مجری برنامه: شما در کتاب خاطراتان به اعدام تعداد زیادی از افسران و فرماندهان عراقی به دلیل عدم اجرای فرمان‌های نظامی اشاره کرده‌اید و از این موضوع ابراز نارضایتی کرده‌اید، آیا واقعاً این گونه حوادث در آن زمان رخ می‌داد؟

سرتیپ حمدانی: در واقع، رهبران ما از تهدید و اعراب فرماندهان، افسران و سربازان برای جلوگیری از بروز رویدادهای غیرقابل انتظاری مانند حوادث

نیاز این بخش را از طریق طرف سوم تهیه و وارد می‌کردیم. همچنین بعضی از این دستگاه‌ها از طریق کشور برزیل یا تعداد دیگری از کشورهای اروپایی وارد می‌شد. البته از امکانات و تجربه‌ی نیروهای داخلی نیز در تمام زمینه‌ها استفاده می‌کردیم. برای نمونه، بخش صنایع نظامی داخلی در این زمینه کمک بسیاری نمود و یک پشتیبان واقعی و مؤثر برای نیروهای نظامی درگیر در جبهه‌های جنگ بود.

مجری برنامه: لطفاً قدری در مورد ارزیابی‌های شخصی خودتان از نتایج و دستاوردهای جنگ عراق و ایران صحبت کنید؟

سرتیپ حمدانی: در واقع، بسیاری معتقدند که در آن زمان به علت وجود تضادهای اساسی میان سیاست‌های حکومت مذهبی ایران از یک سو و سیاست‌های ملی‌گرایانه‌ی رژیم عراق از سوی دیگر اصولاً نمی‌توانستیم از شروع این جنگ جلوگیری کنیم.

جین گیتون (Jean Guittou) فیلسوف فرانسوی معتقد است که در برخی دوران‌های تاریخی گاهی مسائل راهبردی عمده‌ای توسط ابرقدرت‌ها به وجود می‌آید. این پدیده‌ی نامرئی از سوی مؤسسه‌ها و مراکز سیاسی وابسته به ابرقدرت‌ها تنظیم و سازماندهی می‌شود و برخی کشورهای کوچک و جهان سوم را ناخواسته به میدان‌های درگیری می‌کشاند. این مراکز معمولاً در زمینه‌ی ایجاد شرایط و محیط مساعد برای شعله‌ور شدن این کشمکش‌ها و درگیری‌ها موفق عمل می‌کنند.

به هر حال، رهبران انقلاب اسلامی [امام] خمینی در ایران از روزهای اول پیروزی، شعار صدور انقلاب به خارج و به ویژه به عراق را سر داده بودند

رهبران سیاسی عراقی پیش‌بینی می‌کردند که جنگ بیش از چهار تا شش هفته طول نخواهد کشید و به همین خاطر تنها پس از ۱۲ روز از آغاز حمله‌ی گسترده به خاک ایران درخواست آتش‌بس کردند

* ژنرال حمدانی در اینجا بار دیگر ادعای پوچی را تکرار می‌کند که به اعتراف خودش در فرازهای قبلی مصاحبه به القائنات دولت‌مردان عراقی در توجیه جنگ برای نظامیان این کشور برمی‌گردد.



ویژگی‌های مشترکی بین این دو شخصیت وجود داشت؟

سرتیپ حمدانی: استالین در ارزیابی خود از جنگ جهانی دوم و پیمان‌هایی که از پیش با آلمان نازی داشت و نیز در تصمیم‌گیری‌های راهبردی دچار اشتباهات بزرگی شد، به خصوص در شکستی که در عملیات بارباروسا* در ژوئن ۱۹۴۱ متحمل شد. به هر حال، رهبران سیاسی معمولاً تلاش می‌کنند مسئولیت شکست‌ها را به عهده نگیرند و اشتباهات خود را به گردن دیگران بگذارند و در نهایت به اقدامات خشن و خونین متوسل می‌شوند. می‌توان گفت که وجه مشترک شخصیتی استالین و صدام در این بود که

جبهه در سال ۱۹۸۲م [۱۳۶۱ش] و شکست‌های ما در محمره [خرمشهر] استفاده می‌کردند. نتایج آن عملیات [بیت‌المقدس] رهبران سیاسی ما را غافلگیر کرد، زیرا آنها اعتقاد داشتند که ارتش عراق می‌تواند تا عمق خاک ایران نفوذ کند و عمق راهبردی عراق را از حملات نیروهای ایرانی در امان نگه دارد. اما رویدادهای منطقه‌ی عملیاتی بصره برای رهبران سیاسی ما غافلگیر کننده بود به طوری که از شکست نهایی نیروها دچار ترس و واهمه شده بودند و به همین خاطر جهت حفظ هدف‌های سیاسی خود به روش‌های سرکوب خونین مانند اعدام برخی از فرماندهان و افسران متوسل شدند. گفتنی است که برخی اعدام شدگان کسانی بودند که پیش از آن از دست رهبران سیاسی عراق حتی نشان‌های افتخار و شجاعت نیز گرفته بودند.

به هر حال، شرایط آن زمان بسیار سخت و پیچیده بود و از آنجا که جنگ ما با ایران فراتر از ظرفیت رهبران سیاسی و وسیع‌تر از توان ارتش عراق بود، این مسأله باعث می‌شد که رهبران سیاسی و راهبردی ما در راستای منافع کلی کشور برخی تصمیم‌های غیرمنطقی، خشن و خونین نیز بگیرند. البته این مسأله به این سادگی‌ها هم نبود. تعداد زیادی از افسران بلندپایه‌ای که اعدام شدند به هیچ وجه افرادی ترسو و بزدل نبودند ولی شرایط و تصمیم‌گیری‌ها چنین اقتضا می‌کرد.

مجری برنامه: آیا این حوادث با تصمیم‌گیری‌های استالین در جنگ جهانی دوم شباهتی نداشت؟

سرتیپ حمدانی: بله، تجربه‌ی صدام در عراق تا حد زیادی شبیه تجربه‌ی استالین بود.

مجری برنامه: اکنون که شما به نوعی شخصیت صدام را با شخصیت استالین مقایسه کردید، چه

دو کشور عراق و ایران گمان می‌کردند منافع بین‌المللی اجازه‌ی طولانی شدن جنگ را نخواهد داد، به ویژه رهبران سیاسی عراق که معتقد بودند به دلیل نفت خیز بودن منطقه، این جنگ طولانی نخواهد شد

این دو مرد به نام مردان آهنین شناخته شده بودند و چون به توانایی‌ها و ظرفیت‌های شخصی خود اطمینان کامل داشتند، اقدامات، خطاها و تصمیم‌گیری‌های خود را به هر نحو ممکن توجیه می‌کردند.

مجری برنامه: استالین و صدام ظاهراً به اطرافیان خود هم اطمینان نداشتند.

سرتیپ حمدانی: حتماً این چنین بود. رهبران خودخواه و از خود راضی

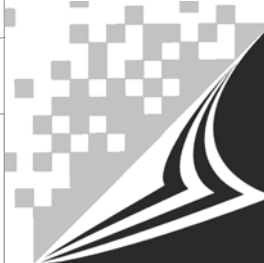
همواره دچار انحراف می‌شوند و اشخاص منافق، متملق و منحرف اطراف آنها را می‌گیرند. در چنین اوضاع و احوالی، رهبران مزبور به اطرافیان خود هم شک می‌کنند و ممکن است هیچ اطمینانی به دیگران و به ویژه به اطرافیان نزدیک خود نداشته باشند.

مجری برنامه: از فرصت به دست آمده و گفتگو با جناب سرتیپ حمدانی تشکر می‌کنیم.

* Operation Barbarossa

سال دهم □ شماره سی و هشتم □ پاییز ۱۳۹۰

[illegible][illegible]



گزارش همایش

"انتظارات مقام معظم رهبری از پژوهش‌های دفاع مقدس"

راشین مختاری

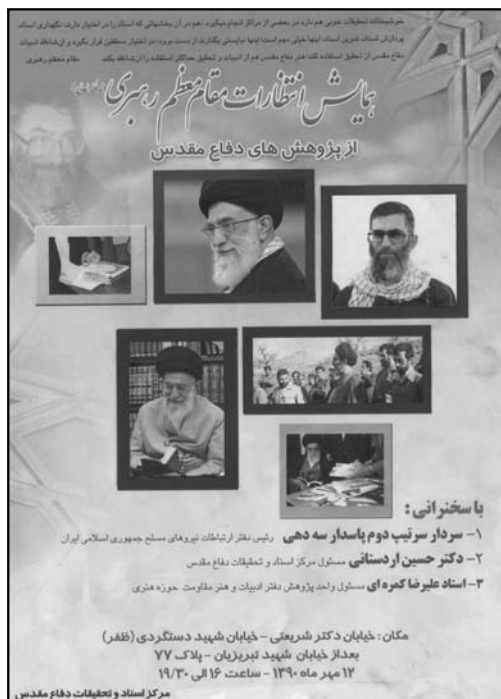
مقدمه

به پایان رسیدن جنگ تحمیلی، سرآغازی بود برای بررسی، تحقیق و پژوهش درباره‌ی این واقعه‌ی بزرگ تاریخی. اکنون پس از گذشت بیش از ۲۳ سال از پایان جنگ، زمان آن فرا رسیده که با نگاهی دوباره به پژوهش‌ها، فیلم‌ها و آثار ادبی و هنری خلق شده در حیطه‌ی دفاع مقدس، به نقد و بررسی این آثار بپردازیم. زیرا نسل جوان و پویای جامعه که دوران جنگ را شخصاً درک نکرده است به وسیله‌ی همین آثار با آن روزها ارتباط برقرار می‌کند بنابراین، عملکرد مراکز پژوهشی و تحقیقاتی و هنرمندان و فیلم‌سازان و رمان‌نویسان نقش مؤثری در افزایش سطح شناخت و آگاهی جوانان از دوران دفاع مقدس دارد.

مقام معظم رهبری نیز در بیانات‌شان، مستقیم و غیر مستقیم، رهنمودها، نقدها و توصیه‌های فراوانی در این خصوص داشته‌اند. به همین دلیل در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۲ همایشی با هدف بررسی انتظارات رهبری از پژوهش‌های دفاع مقدس در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس برگزار شد، به این امید که نگاه جامع و دقت نظر به کلام ایشان چراغ راهی باشد برای اصحاب دفاع مقدس، به ویژه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

اولین سخنران این همایش جناب آقای عباس سه‌دهی، صحبت‌های خود را در چند فراز از سخنان مقام معظم رهبری خلاصه کردند:

بنده ترجیح می‌دهم که عیناً کلام حضرت آقا را برای‌تان نقل کنم. به ۱۰ فراز فرمایشات ایشان اشاره می‌کنم تا نگاه و دیدگاه ویژه‌ی معظم‌له به مقوله‌ی



پژوهش و تفحص در جنگ بیش‌تر روشن شود: اول نکته‌ی که در حوزه‌ی دفاع مقدس از معظم‌له نقل می‌کنم درباره‌ی سؤال کلیدی است که باید بیش از این‌ها به آن توجه شود و هنوز حق مطلب به درستی ادا نشده. ایشان می‌فرمایند: "درباره‌ی دفاع مقدس آنچه که ملت ما پس از گذشتن دوران سخت جنگ هشت‌ساله باید مورد تدبیر قرار بدهد، این است که این جنگ را چه کسی و چرا شروع کرد؟ سؤال دوم و چه شد که ناکام ماند؟" (۵ مهر ۱۳۷۰ خطبه‌ی نماز جمعه) تحقیق و تفحص در این‌باره خود یک پژوهش



سردار سرتیپ دوم پاسدار عباس سدهی

مستقلی را می‌طلبید. [...] فرافز دومی که عرض می‌کنم مبنی بر فرمایش ایشان در زمینه‌ی پیروزی مطلق ما در جنگ هشت‌ساله است:

"در این ماجرای جنگ هشت‌ساله یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. دشمن به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد. همه‌ی دنیا هم به او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم و دشمن ناکام

شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. این پیروزی را با همین ابعاد، با همه‌ی خصوصیات که در آن وجود دارد، با همه‌ی آن هزاران هزار ماجرای که در خود حفظ کرده، باید روایت کنیم. این کار هنرمندان، نویسندگان، سینماگران، شاعران و نقاشان و کار اصحاب فرهنگ و هنر است. این‌جا دیگر مسئله هشت سال نیست، هشتاد سال هم اگر طول بکشد جا برای کار کردن دارد."

این جنگ می‌باید تبیین کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم. قالب آثار هنری جنگ را یا دیده‌ایم یا شنیده‌ایم. البته در این سال‌های اخیر کم‌تر آثار با ارزشی در بین آن‌ها وجود داشته. [...]"

(۶ مهر ۱۳۷۹)

فرافز چهارم: "[...] چرا در ادوار دیگر تاریخ مردم یک سره با حضور خود یک معضل عظیم اجتماعی را حل نکرده‌اند؟ [...] در طول دو قرن گذشته، ایران در همه‌ی جنگ‌هایی که با همسایگان خود و دیگران داشته شکست خورده است، مگر در همین جنگ تحمیلی هشت‌ساله که از همه‌ی جنگ‌هایی که ملت ایران در این مدت با آن مواجه شد سخت‌تر و طولانی‌تر بود، حتی یک وجب از خاک ما از دست نرفت. [...]"

(۶ مهر ۱۳۷۹)

در ادامه، در فرافز سوم فرمایشات ایشان عرض می‌کنم:

"این هشت‌سال دوره‌ی دفاع مقدس شامل هزاران هزار حادثه است. من می‌خواهم این را از جامعه‌ی فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این حوادث لااقل یک فهرست تهیه کنند، بنشینند فکر کنند و در واقعه‌ی جنگ دقت نظر هنرمندانه به خرج دهند. ببینید چه قدر از این فهرست را ما پر کرده‌ایم. اعتقاد این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که یک هزارم آنچه را که دربار‌ه‌ی

(۳۰ آبان ۱۳۷۲)

در فرافز پنجم ایشان در مورد بسیج و نقش بسیج در جنگ می‌فرمایند:

"آنچه مربوط به تاریخچه‌ی بسیج است به گمان بنده چیزی است که هرگز در تاریخ کشور پر حادثه‌ی ما فراموش نخواهد شد. جنگ چند ساله‌ی طولانی

که این ملت، ملتی است که از همه جهت می‌تواند تولید کند، رشد بدهد، ابتکار داشته باشد. [...] در صحنه‌های جنگ شما ببینید ارتش ایران را در چه شرایطی ضد مذهبی تربیت و رشد داده بودند. آن وقت همین ارتش در نیروی هوایی‌اش، در نیروی زمینی‌اش و دریایی کارهایی کرد و جلوه‌هایی نشان داد که حقیقتاً محیرالعقول است. [...]"

(۳۱ شهریور ۱۳۸۴)

فراز نهم: "[...] توقع انقلاب از هنر و هنرمند مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه‌ی هنر است که توقع زیادی هم نیست. ملتی در یک دفاع هشت‌ساله با همه‌ی وجود به میدان آمد. برای یک نگاه هنرمندان به حالت و کیفیت یک جامعه، چیزی از این زیباتر پیدا می‌کنید؟ شما در عالی‌ترین آثار دراماتیک دنیا آن‌جا که به فداکاری یک انسان برخورد می‌کنید او را تحسین و ستایش می‌کنید. وقتی زندگی فلان انقلابی مثلاً سرباز فداکار فلان کشور را برای شما به تصویر می‌کشند، در دل و باطن وجدان خودتان نمی‌توانید کار او را تحسین نکنید. هزاران حادثه‌ی به مراتب با ارزش‌تر و بزرگ‌تر از آنچه که در این آثار هنری نشان داده شده در دوران هشت سال دفاع مقدس و در خود انقلاب، در خانه‌ی شما اتفاق افتاد. آیا این زیبایی نیست؟ آیا هنر می‌تواند از کنار این قضیه بی‌تفاوت بگذرد؟ [...]"

(۱ مرداد ۱۳۸۰)

و آخرین فراز از فرمایشات رهبر معظم انقلاب، می‌فرماید:

"در گذشته نباید متوقف ماند. همیشه گذشته پلکانی است برای پیشرفت ملت‌ها به سمت آینده‌های روشن. همچنین گذشته‌ها را مطلقاً نباید از یاد برد. [...] یک عده از بدخواهان ملت ایران و اسلام سعی می‌کنند گذشته‌های پرافتخار این ملت را به بوته‌ی فراموشی بسپارند. سعی می‌کنند مردم را از گذشته‌ی پرافتخار خودشان جدا کنند. این خیانت است. [...]"

(۳ خرداد ۱۳۸۴)

یک نیروی عظیم مردمی وارد میدان شد و همه‌ی معادلات را به زبان حسابگران سیاسی و نظامی دنیا برهم زد. [...] بنده به جرئت می‌توانم ادعا کنم اگر حضور مردمی نبود، اگر نیروهای بسیجی نبودند، نه در جنگ قادر بودیم از کشور به این شایستگی دفاع کنیم و نه در صحنه‌های دیگری که تا به امروز تقریباً هر لحظه در مقابل دشمن داشتیم، می‌توانستیم قدرت ملی خودمان و پایداری جمهوری اسلامی را به همه‌ی دنیا ثابت کنیم. [...] تا به امروز به گمان من این صحنه‌ها به رشته‌ی تحریر و گزارش کشیده نشده است. خیلی کتاب باید نوشت، خیلی تصویر، نقاشی، عکاسی و فیلم و... باید به کار بیفتد تا بتواند عظمت این حضور را برای کسی که به چشم خودش ندیده است، نشان بدهد. [...]"

(۳۰ آبان ۱۳۷۲)

فراز ششم: "[...] آنچه که تاکنون از جنگ بیان نشده به مراتب بیش‌تر از آن چیزی است که تاکنون بیان شده است. [...]"

(۲۹ شهریور ۱۳۷۴)

فراز هفتم: "[...] کسانی می‌خواهند به عمد این خورشید فروزان و این منبع نورانیت را از خاطره‌ی ملت ببرند. [...] ملت اگر این توانایی را در خودش ببیند و وجود این ظرفیت را در خودش احساس کند، در ادامه‌ی این راه و در حرکت عظیمی که در پیش دارد هیچ مانعی نمی‌تواند جلو او را بگیرد. لذا نمی‌خواهند این خودآگاهی در مردم ما به وجود بیاید. [...] نسل جدید ما متأسفانه کم‌اطلاع است. باید کاری کرد که نسل جدید و نسل‌های بعد، از این ظرفیت استفاده کنند و خودشان را بشناسند. [...]"

(۳۱ شهریور ۱۳۸۴)

فراز هشتم: "دوره‌ی پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات "نمی‌توانیم" بود. همه‌ی ما را از بچگی این طور بار آورده بودند که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن. در حالی

من با طرح مسئله وارد بحث می‌شوم و



دکتر حسین اردستانی

برگرفته از صحبت‌های حضرت آقا بنا شده است: "پژوهش‌های دفاع مقدس معطوف است به بررسی و واکاوی ابعاد خرد و کلان چیرستی و چرایی و چگونگی واقعیات هشت سال جنگ تحمیلی. در این تعریف ارزش‌های اسلامی جایگاه کانونی دارد و به مانند خون در شبکه‌ی دفاع مقدس نقش آفرینی کرده است." منابع بحثی که خدمت شما ارائه می‌کنم، متکی

و ادبی خلق نمی‌شود. حضرت آقا می‌فرمایند: "این دغدغه در ذهن من هست که فرهنگ جنگ و فرهنگ انقلاب که در میدان جنگ بالندگی پیدا کرده بود، از بین برود." بنابراین، این روحیه و رشد و بالندگی باید در کارهای آکادمیک و پژوهشی حفظ شود.

۴. ضرورت [و] اهمیت پژوهش و حفظ حافظه‌ی تاریخی؛ کلام مقام معظم رهبری در این باره چنین است: "ملت‌ها شدیداً به حافظه‌ی تاریخی نیاز دارند. حافظه‌ی تاریخی یعنی همان چیزی که دشمن نمی‌خواهد، ما آن را داشته باشیم و در آینده از آن بهره‌مند شویم."

۵. نیاز ملت و تاریخ آینده به روایت دفاع مقدس: "امکان درک آیندگان از دفاع مقدس مسئله‌ی بسیار مهمی است."

۶. شکل دهی به تاریخ و آینده‌ی کشور. پژوهش‌ها می‌توانند به تاریخ کشور و آینده شکل بدهند: "دفاع مقدس یک حادثه‌ی تاریخی متداول و ساده نبود. این هشت سال، مثل هیچ بخشی از تاریخ ایران نمی‌باشد. نگینی است که دیگر

است به دست‌نوشته‌های مقام معظم رهبری درباره‌ی کتاب‌هایی که سوره‌ی مهر منتشر کرده و ایشان مطالعه کردند و مطالبی را پیرامون آن، در تمجید و بعضاً نقد، اشاره نموده‌اند.

۱. ضرورت و اهمیت کار پژوهشی در دفاع مقدس. آنچه از اظهارات و بیانات حضرت آقا مستفاد می‌شود، این است که دفاع مقدس پشتوانه‌ی فرهنگ و ارزش‌های جامعه است. [...] من به این عبارت اضافه می‌کنم که پشتوانه‌ی هویتی جامعه‌ی ایرانی است، که به گذشته‌اش اهتمام می‌ورزد و امروز را به گذشته اتصال می‌دهد.

۲. آگاهی‌بخشی درباره‌ی دفاع مقدس چه ضرورتی دارد؟ آگاهی‌بخشی درباره‌ی دفاع مقدس که در فرازهای دوم و سوم آقای سده‌ی اشاره شد، از نظر آقا بسیار مهم است.

۳. حفظ فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی در جنگ. این فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی باید حفظ شود که تنها با پژوهش مسیر می‌باشد. بدون پژوهش که فیلم درست نمی‌شود. بدون پژوهش هیچ اثر هنری



جناب آقای علیرضا کمری

به این سادگی‌ها تکرار
شدنی نیست. گنجی است
که همواره باید از آن
استخراج کرد."

۷. جنگ به مثابه‌ی
گنج است. آیا خواهیم
توانست این گنج را
استخراج کنیم؟

چند برداشت و تفسیر
به این متن اضافه می‌کنم
تا مسئله واضح‌تر شود.
تاریخ آینده‌ی ایران نیازمند
پشتوانه‌های رفتاری
کارآمد است. ملت‌ها همه
از فقدان الگوهای رفتاری

۱. حفظ هویت دینی و ملی.
۲. جامعه‌پذیری مقاومت که البته این خود به دو
بخش سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. در بخشی
جامعه‌پذیری سیاسی، وظیفه‌ی دولت است که حفظ
مشروعیت و استمرار مبانی رفتاری و فکری مورد
اجماع خودش را با مردم، تقویت کند و استمرار
ببخشد. اگر بخواهد بقا داشته باشد، دفاع مقدس
یکی از کلیدهای آن است.

۳. معرفی الگو برای جامعه و نسل‌های مختلف
که البته الگو در سطح خرد و کلان مطرح است.
۴. معرفی الگو برای انسان‌های تعالی‌طلب و
مؤمن به دین خدا.

۵. صدور مفاهیم انقلاب. این مورد عین کلمه‌های
مکتوب حضرت آقااست که در این جا ذکر کردم.

۶. انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی انقلابی به
جامعه و جهان.

مقام معظم رهبری: "هشت‌سال دفاع مقدس،
ظرفیت تولید هزاران کتاب دارد که می‌تواند با هدف

که در صحنه‌های خطیر و سنگین جواب بدهد،
رنج می‌برند. بالاتر از آن، ملت‌ها همواره از رهبران
خردمند، توانمند و همه‌جانبه‌نگر بی‌بهره بوده‌اند. در
آینده، نیاز مقاومت و فداکاری مردم، امر مهمی است
که دفاع مقدس می‌تواند این نیاز را اغنا کند. دفاع
مقدس الگوی عملی استراتژی و راهبرد یا سیاست
خارجی "نه شرقی، نه غربی" ایران است. این الگو
هنوز عملی است و راه نفی سلطه‌ی تک قطبی یا
قطب جدید می‌باشد.

با توجه به ذکر این نکات، واضح و بدیهی است
که "ما هر چه برای دوره‌ی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری
و کار کنیم، زیاد نیست."

هدف‌های پژوهشی

حال این سؤال پیش می‌آید که این پژوهش‌های
صورت گرفته باید چه هدفی را دنبال کنند؟ برخی
از این اهداف را فهرست‌وار و مبتنی و برگرفته از
فرمایشات مقام معظم رهبری نام می‌برم:

چه بود و چگونه رفتار می کرد، خود مقوله‌ی بسیار پر اهمیتی است که جا برای پژوهش بسیار دارد.

سوم، جامعه و جنگ تحمیلی است. [...] سؤال‌های زیادی وجود دارد که جواب آن‌ها یک پژوهش کامل و جامع را می طلبد. این که مردم با جنگ چه کار کردند، چه قدر سختی و مرارت کشیدند. جان فشانی‌ها، حمایت‌ها و کمک‌ها، همه و همه مباحث گسترده‌ی است که جا برای کار و تحقیق فراوان دارد.

در آخر باید بگویم از نظر من، دین و دفاع مقدس مهم‌ترین موضوع مغفول در پژوهش‌های دفاع مقدس، است. دین مانند خون در شبکه‌ی دفاع مقدس نقش آفرینی داشته است.

بنده از ابتدا در مرکز به این توجه داشتم که کار انجام [دادن] پژوهشی فاخر، سخت است و کسی که کار وزن تألیف نماید کم است، اما موضوع مهم این است که جهت‌گیری خروجی پژوهشی چه باشد یا باید چگونه باشد. این که بازخورد این پژوهش‌ها در جامعه چگونه است، امر بسیار مهمی است.

این‌ها، نگاهی فهرست‌وار بر بحث امروز بود که اگر فرصت باشد یک به یک به آن‌ها می پردازم.

در مورد عملیات‌های دفاع مقدس، مقام معظم رهبری به جزئیات تأکید دارند. ایشان جمله‌ی دارند که می گویند: "نوشته‌های لحظه به لحظه‌ی شهید محمد شکری از چند عملیات، در شمار نورانی‌ترین یادگارهای دفاع مقدس است. [...]"

پژوهش درباره‌ی موضوعات خرد در عملیات‌ها، خود مبحثی است که برای تفسیر و توضیح آن مثالی می‌زنم. در عملیات خیبر، جزایر مجنون و وضعیتی که شهید همت به شهادت رسید خود یک پژوهش مستقل است. در عملیات بدر و در شرق دجله که مهدی باکری شهید شد، خود موضوع یک پژوهش است.

همه‌ی این‌ها موضوعات جزئی است که در حاشیه‌ی پژوهش عملیات‌ها، مطرح می‌باشند، به

انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی به جامعه و جهان نگارش شود."

بخش‌بندی پژوهش‌ها

الف) تألیف ب) ترجمه ج) سند پژوهی
در بحث سندپژوهی حضرت آقا می‌فرمایند: "براساس سند تاریخی، کارهای گزارشی فراوان ممکن است انجام بگیرد." شاید مقوله‌بندی و سطح‌بندی پژوهش‌ها خیلی ساده به نظر برسند، ولی به لحاظ متدلوژی باید در زمینه‌ی سطح‌بندی دقت شود که چه سطوحی مطمح نظر مقام معظم رهبری می‌باشد.

در این مبحث باز ابتدا به مقوله‌بندی می‌پردازم. در مقوله‌بندی، حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، عملیاتی و راهبردی، مطرح است. در سطح‌بندی، از سطح فروملی تا سطح ملی و تا سطح منطقه‌ی و سطح جهانی مدنظر است. در پژوهش‌های مربوط به دفاع مقدس باید این سطوح را مورد توجه قرار بدهیم. حضرت آقا یک جا در صحبت‌هایشان می‌گویند: "آشپز، تدارکات‌چی، بهداری، دیدبان‌ها همه و همه باید از خودشان و آن روزها بنویسند." یعنی از سطح خرد تا سطح کلان.

محورهای موضوعی پژوهش‌ها

در محورهای موضوعی، بحث عملیات‌هاست که مقام معظم رهبری در جاهای مختلف به آن اشاره دارند که عملیات‌ها باید مورد بررسی قرار بگیرند. عملیات‌ها قلب جنگ تحمیلی بودند؛ آنچه در صحنه‌ی نبرد اتفاق می‌افتاد و حماسه‌هایی که آفریده شد همگی در عملیات‌ها بود. پشتیبانی‌ها، تدارکات، رهبری‌ها ... همه و همه متغیرهایی بودند که خروجی خودشان را در صحنه‌ی نبرد دیدند. من فکر می‌کنم مهم‌ترین بخش پژوهش در نگاه حضرت آقا، عملیات‌ها هستند که قطعاً منظور نظر ایشان نگاه نظامی محض نیست. محور موضوعی دوم، بسیجی و بسیجیان است؛ این که بسیجی کی بود، از کجا آمد، خاستگاه طبقاتی‌اش

پژوهشی جدا و مستقل نیاز دارند.

موضوع محوری بعدی مورد نظر رهبری بسیج و بسیجیان است. - کسیتی بسیجیان، موضوعی است که کار بسیار کمی در این زمینه صورت گرفته یا کارهایی که انجام شده چندان دل‌چسب نبوده - مثلاً روح بسیج خود موضوعی است که می‌تواند یک کتاب یا یک مقاله باشد. [...]

جامعه و جنگ تحمیلی مقوله‌ی دیگر مورد توجه مقام معظم رهبری است. نقش مردم در جنگ و فداکاری‌هایشان خود موضوعی بسیار پراهمیت است و تفاوت‌ها و تمایزات زیادی در میان تجارب مردم وجود دارد. از مردم عامی گرفته تا خاص! دیگر وقت آن نیست که از بیان تلخی‌ها و سختی‌هایی که مردم کشیدند بترسیم. باید همه‌ی وجوه زندگی مردم بیان شود. ویرانی شهرها و روستاهای ایران، آزادگان که سال‌ها در اسارت بودند. [...] حضرت آقا در جایی از اسرای ایرانی می‌گوید و آن‌ها را با اسرای عراقی مقایسه می‌کنند. [...] این‌ها همه و همه وجوه ناگفته‌ی جنگ هستند که بین خطوط جا مانده‌اند.

فرماندهان موضوع محوری پژوهشی دیگری است. پژوهش درباره‌ی فرماندهان و جلوداران دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها است. دوستان، اگر این فرماندهان نبودند آن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بسیجی در جبهه‌های نبرد نقد نمی‌شد و اصولاً این فرمانده‌ها بودند که آن گوهر را توانستند به کار بگیرند. مزید بر این، از هر وجهی به جنگ نگاه کنیم مقوله‌ی برای پژوهش وجود دارد. واحدهای غیر رزمی، مثل بهداری، تدارکات، دیدبان‌ها... و حتی آشپزها باید آن‌ها را پیدا کنیم و نقش آفرینی‌هایشان را در قالب پژوهش‌های جامع ارائه دهیم. همین جهاد سازندگی خودش یک سپاه و یک ارتش بود، ولی در پژوهش‌ها و کتاب‌ها و فیلم‌ها نقش جهاد سازندگی مفقود شده. آقا نیز در مورد جهادگران جمله‌ی دارند: "پسر بچه‌ی چهارده پانزده ساله پشت فرمان

بلدورز نشسته بود و خاکریز می‌زد. از بس کوچک بود پشت فرمان دیده نمی‌شد. گاهی می‌خواست جلوی‌اش را ببیند مجبور بود از روی صندلی‌اش بلند شود. این بچه تا صبح خاکریز می‌زد. [...]

این جوان‌ها کجایند؟ در بین شما هستند؟ در بین ملت‌اند؟ این اراده‌ها کجایند؟ این‌ها تشکیل‌دهنده‌ی اراده‌ی عمومی ملت ایران هستند و از بین نمی‌روند. از این مقوله که بگذریم به روح دینی می‌رسیم. به راستی روح دینی* در دفاع مقدس چیست؟ خیلی‌ها روی اخلاق عملی و اخلاق اینار تکیه می‌کنند، اما جا دارد که مفاهیم اسلامی^۲ در صحنه‌های جنگ بیش‌تر متبلور شود. نقش روحانیون^۳، طلاب جوان و... دین در جبهه‌ها چه نقشی را ایفا کرد؟ این‌ها مقوله‌هایی است که نیاز به تیزبینی و دقت نظر بیش‌تری دارد. در کار تحقیق و تفحص و پژوهش هیچ گروهی از مردم نباید نادیده گرفته شوند. مثلاً همین دانشگاهی‌ها [...] به راستی دانشگاه چه نقشی در جنگ داشت؟ در این مرکز برای مثال دانشگاه شریف^۴ و نقش آن در جنگ خود طرحی بود که انجام شد. نقش طبقه‌ی محروم جامعه نیز از اهم موضوعات است. و کوتاه سخن این‌که اصولاً جنگ مال مردم بود و بررسی اقشار مختلف، خود یک کار جامعه‌شناختی است.

موضوع بعدی دشمن است. وضعیت اسرای عراقی در ایران محور پژوهشی است که آقا هم به آن اشاره کرده‌اند. دیگر محور، منطقه و نظام جهانی در جنگ تحمیلی است. همسایگان در خلیج فارس و خاورمیانه، همچنین ابرقدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و به طور اخص شورای امنیت، نقش و تأثیرهای ویژه داشتند که جای بحث و پژوهش فراوان دارد. از همه‌ی این‌ها که بگذریم خود مقام معظم رهبری می‌توانند موضوع پژوهشی باشند. آخرین محور بحث، پژوهش‌های اساسی است. پژوهش‌های اساسی بخشی از آن برمی‌گردد به

* ۱-۶ بر گرفته از سخنان و عین کلمات مقام معظم رهبری است.

همان ریشه‌یابی است و شبکه‌ی علت و معلولی حوادث است.

با اتکا به نظرات حضرت آقا، می‌توان برای پژوهش‌های دفاع مقدس از سندپژوهی به عنوان یک روش استفاده کرد. همچنین طبق توصیه‌های مقام معظم رهبری، در پژوهش باید ابتکار داشته باشیم و از کارهای کلیشه‌یی حذر کنیم [...] ایشان می‌فرمایند: "دا یک رگه‌ی ارزشمند است که در معدن پیدا کرده‌ایم. این ایده را ادامه دهید."

دیگر نکته‌ی که ایشان ذکر کرده‌اند، پرهیز از مبالغه است، کسانی مبالغه می‌کنند و اضافه بر واقعیت می‌گویند که کم دارند و گفتنی‌هایشان تأثیرگذار نیست. که به حمد خدا دفاع مقدس سرشار از مطلب است و نیازی به مبالغه ندارد.

مسئله‌ی بسیار مهم دیگر، اجتناب از عوام‌زدگی است. پژوهش‌ها باید فاخر و ارزشمند باشند. حتی نوع چاپ، طرح جلد، حروف چینی همه و همه باید درست انتخاب شود.

بخشی مهم که هنوز از آن صحبتی نکرده‌ام و آقا تأکید فراوان به آن دارند بخش رمان‌ها و قصه‌هاست. داستان‌ها باید به هنر منتهی شوند و ماندگاری داشته باشند.

نکته‌ی آخر، آقا می‌فرمایند:

"وقتی نوشته‌های شما به حد نهایت می‌رسد که در ادبیات و در هنر رایج مربوط به جنگ بیایند و به خورد آن‌ها بروند." موضوع هنر در آراء مقام معظم رهبری درباره‌ی دفاع مقدس جایگاه کانونی دارد. سخنانم را همین‌جا به پایان می‌رسانم و امیدوارم کاستی‌های آن را ببخشید. من سعی کردم یک چارچوب اولیه‌ی را برای این مقوله ارائه بدهم که امید است مفید فایده قرار گیرد.

چرایی‌ها و چگونگی‌ها... ریشه‌یابی و علت‌ها... بخشی دیگر هم قوت‌ها و ضعف‌ها است. چنین پژوهش‌هایی بعضاً کلیدی است و قابل چاپ و بعضاً در مقوله‌ی چاپ نمی‌گنجند.

اما آنچه مهم است و قبلاً ذکر شد، واقع‌بینی و صداقت در کار می‌باشد. باید از ضعف‌هایمان همان‌قدر صادقانه بگوییم که از قوت‌هایمان می‌گوییم. چون بالأخره سوپرمن که نبودیم. اگر این طور بود که همان سال اول و دوم کار یکسره می‌شد و جنگ تمام بود. جنگ ما توأم با شکست و پیروزی بود. با موفقیت و بی‌تدبیری و کم‌تدبیری و خلاقیت و ریسک و... از بیانات مقام معظم رهبری است که می‌گویند: "باید از آنچه که گذشت و پشت سرماست درس بگیریم."

موضوع دیگر "تاریخ جامع دفاع مقدس" است که از دستورات مستقیم ایشان به ستاد کل نیروهای مسلح است و تا آن‌جایی که من اطلاع دارم هیچ کاری راجع به آن صورت نگرفته است. از دیگر موضوعاتی که مدنظر آقا است، موضوع بنی‌صدر در سال‌های اول جنگ است که باید مورد پژوهش قرار گیرد، دیگری نیروی هوایی است، نیروی دریایی سپاه و...

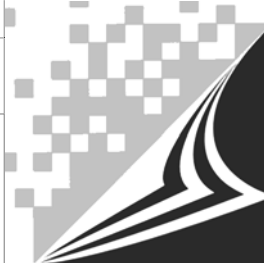
و موضوع محوری دیگر، مسائل جانبی جنگ می‌باشد که ما با تشخیص درست، خط وصل آن‌ها را با جنگ پیدا کنیم و مورد بررسی قرار بدهیم.

اما خروجی و تولید پژوهش‌ها باید چه جهت‌گیری داشته باشد؟ این مسئله‌ی مهمی است. به نظر من با توجه به صحبت‌های مقام معظم رهبری، هدف اول، عامه‌ی مردم هستند. پژوهش‌ها در این‌جا باید شکوه و افتخار و عظمت و پیشرفت و مقاومت ملی را ارائه دهند که مردم به آن افتخار کنند.

دوم، با هدف اصلاح و تجربه نوشته شوند که تصمیم‌گیرندگان و نخبگان کشور از آن تجارب در تصمیم‌گیری‌های آینده استفاده کنند.

بحث دیگر روش انجام است. روش علمی

[illegible][illegible]



همایش

مروری بر همایش "مقاومت سوسنگرد در دشت آزادگان"

راشین مختاری

مقدمه

۵۷ روز از جنگ می‌گذرد، نیروهای عراقی با همه‌ی قوا از سه منطقه‌ی شمال غرب، غرب و جنوب وارد خاک کشورمان شده‌اند و مردم این مناطق برای دفاع از آب و خاک‌شان با دشمن درگیرند، اما در این میان مقاومت مردمی و جنگ خانه به خانه و تن به تن در جنوب، حکایت دیگری دارد. عشایر و مردم بومی عرب‌زبان منطقه‌ی سوسنگرد، هویزه و دشت آزادگان معادلات صدام را بر هم می‌زنند؛ پیر و جوان، زن و مرد با دست‌های خالی در برابر دشمن



— همایش مقاومت‌های مردمی سوسنگرد، آبان ۱۳۹۰

ایستاده‌اند و از وجب به وجب شهر و روستای‌شان دفاع می‌کنند.

۵۷ روز مقاومت در منطقه‌یی که تنها مدافعان آن مردم بومی و تعدادی از نیروهای ژاندارمری و سپاه هستند و خبری هم از توپ‌خانه و پدافند هوایی نیست، حماسه‌یی ناگفته است. دشمن خیز برده است به سمت اهواز به امید این‌که در همان روزهای اول پایداری، پرچم عراق را در فلکه‌ی ساعت این شهر به زمین بکوبد. اما آنچه در طرح‌ها و عکس‌های هوایی و نقشه‌های جنگی دشمن نادیده گرفته شده است، شیر دلی و ایثار مردم بومی منطقه‌ی دشت آزادگان است که همه‌ی نقشه‌ها را نقش بر آب می‌کند.

۵۷ روز مقاومت جانانه حکایتی است که اهالی دشت آزادگان خوب آن را به خاطر سپرده‌اند و ناگفته‌های بسیاری در موردش دارند. به همین دلیل، در آستانه‌ی سالروز شکست حصر

سوسنگرد و آزادی دشت آزادگان در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۲۳ همایشی به منظور گرامی داشت مقاومت در دشت آزادگان، با حضور فرماندهان، مسئولان و برخی شاهدان عینی در شهر اهواز برگزار شد. اولین مهمان همایش، سردار غلامپور، درباره‌ی آن روزها چنین گفت:

[...] جنگ در روز ۳۱ شهریور به روایت تاریخ‌نویسان شروع شده است، هر چند که می‌توان گفت این جنگ از دوازده سیزده ماه قبل شروع شده بود. از همان زمانی که غرب و صدام تدارک یک حمله‌ی نظامی تمام عیار را می‌دیدند، استعداد ارتش عراق را از ۸ لشکر به ۱۲ لشکر توسعه دادند.

در مرحله‌ی اول، با سازمان‌دهی ۳ سپاه در شمال غرب، غرب و جنوب اهداف مختلفی در نظر گرفته شده بود. در شمال غرب به علت عدم وجود هدف مهم و کلیدی، همچنین مناطق گُردنشین که



همایش مقاومت‌های مردمی سوسنگرد، آبان ۱۳۹۰

بعضاً گروهک‌ها در آن مناطق مشغول فعالیت علیه نظام بودند، ارتش عراق علاقه‌ی بی‌حمله و پیشروی بیش‌تر نداشت، لذا طرح آن‌ها فقط حضور در منطقه بود. آمدند بر ارتفاعات مسلط شدند و همان‌جا ماندند.[...]
در غرب [منطقه‌ی میانی] حد فاصل ایلام تا کرمانشاه، حرکت ارتش عراق صرفاً حرکت دورسازی بود. آنچه که از استراتژی‌های جنگی ارتش

قابل مقایسه نیست. گفتنی‌ها در مورد دشت آزادگان هنوز باقی مانده و باید تا شاهدین عینی در قید حیات هستند، آن وقایع ثبت شود و به دیگران منتقل کنیم. لشکر ۹ عراق در ۳۱ شهریور، به سمت مرزهای جنوبی حرکت کردند، اما این‌که چرا طرح اشغال سه روزه‌ی خوزستان عملی نمی‌شود و فقط ۶ روز طول کشید تا به سوسنگرد برسند خود حاکی از مقاومت جانانه و کم‌نظیر عشایر منطقه و اندک نیروی ژاندارمری و سپاه است.

از چزابه تا بُستان هم، ۳ روز دیگر طول کشید تا نیروهای عراق بتوانند پیشروی کنند که قاعدتاً این مسیر باید در ۲ یا ۳ ساعت طی می‌شد.[...] بعد از ۹ روز می‌رسند به حمیدیه و ...

نیروهای عراقی همین‌طور داشتند به سمت اهواز می‌آمدند.[...] شهید بهشتی وضعیت منطقه را برای امام شرح می‌دهند و حضرت امام بدون هیچ توضیح و تفسیری گفتند: "مگر جوان‌های اهواز مرده‌اند که اهواز سقوط کند!"

این جمله خود انگیزه‌ی بود برای شبیخونی که باعث شد عراقی‌ها تا پشت بُستان عقب رانده

شاه به یاد داشتند، حمله از این منطقه و ورود به خاک عراق و حرکت به سمت بغداد بود. به همین خاطر برای حفظ بغداد به این منطقه حمله کردند و در حاشیه ۴۰ کیلومتری مرز مستقر شدند و هرگز پیشروی نکردند. اما حرکت اصلی و هدفمند ارتش عراق منطقه‌ی جنوب بود.[...] هدف اصلی اشغال کل خوزستان به نظر می‌رسید. چراکه با این اشغال می‌توانست ضربه‌ی مهلکی به نظام و انقلاب وارد کند و عدم دسترسی خود به آب‌های آزاد را حل کند و صدام آن‌قدر مطمئن بود که این هدف دست‌یافتنی است که در اولین مصاحبه‌اش به خبرنگاران گفت: "من سه روز دیگر خوزستان را اشغال کرده‌ام و همه‌ی شما را به صرف چای در اهواز دعوت می‌کنم."

آنچه که در این سال‌ها از جنگ گفته شده، ناگفته‌ی‌ی را در خود دارد که مربوط به مقاومت و اتفاقاتی است که در محور چزابه به سمت سوسنگرد رخ داده.[...] شاید خرمشهر به عنوان بزرگ‌ترین بندر کشور و نبض اقتصادی ایران، آزادسازی‌اش [دارای] جایگاه ویژه‌ی است، اما با شکست حصر سوسنگرد



محل برگزاری همایش مقاومت‌های مردمی سوسنگرد (ناحیه مقاومت بسیج سوسنگرد، آبان ۱۳۹۰)

شوند. شبیخونی ساده، بدون تجهیزات و نیروی متخصص؛ عراقی‌ها را به عقب راندند. [...] اگر اهواز سقوط می‌کرد دیگر مقاومت خرمشهر معنایی نداشت. مقاومتی که در محور دشت آزادگان شد در واقع سرنوشت جنگ را تغییر داد. این مقاومت جانانه به ما فرصت داد تا خودمان را در جنگ پیدا کنیم. اما متأسفانه به علت کم‌رنگ دیدن این

واقعه کم‌تر به آن اهمیت داده شد. [...]

بقیه‌ی وقایع را سردار شریفی، مهمان دوم همایش، چنین شرح داد:

من به عنوان یک شاهد عینی می‌خواهم از آن روزها حرف بزنم. این‌که این طرف و آن طرف می‌شنویم که مردم دشت آزادگان هیچ مقاومتی از خود نشان نداده‌اند، واقعاً غیر منصفانه است. [...]

دشمن تا حمیدیه پیشروی کرده بود. چند روز از جنگ گذشته بود و مردم مستأصل شده بودند. من مخفیانه وارد سوسنگرد شدم. خوب یادم است. من و دوستم که هر دو لباس عربی پوشیده بودیم در خیابان ساحلی شهر راه می‌رفتیم که دیدیم مردم خودجوش از خانه‌های‌شان بیرون زده‌اند. با چشم خود دیدم که زن و مرد، گروه گروه به طرف فرمانداری می‌رفتند. جایی که به اشغال عراقی‌ها درآمده بود. آن‌ها با همان بیل و چماق که داشتند راه افتاده بودند. [...] هر چه زمان می‌گذشت، ۵۰ نفر، ۱۰۰ نفر، ۲۰۰ نفر می‌شدند و وقتی رسیدند فرمانداری، عده‌یی از هویزه و بُستان هم رسیده بودند. تجمع آن‌ها باعث

شد که فرمانداری را محاصره کنند و با دست‌های خالی نیروهای بعثی را از فرمانداری بیرون کشیدند و به اسارت گرفتند.

صحنه‌یی دیدنی بود. شجاعت و جسارت این مردم شاید هرگز جایی ثبت نشد، اما من به عنوان یک شاهد عینی نقل می‌کنم که نیروهای عراق در هفته‌ی اول جنگ، سوسنگرد را چندان مورد حمله قرار ندادند چراکه امید داشتند، با پیشواز مردم و پیوستن آن‌ها به ارتش عراق، سرباز بیش‌تر پیدا کنند، اما وقتی دیدند معادلاتشان غلط از آب درآمد، در ۲۳ آبان چنان حمله‌ی وسیعی به این مردم کردند که غیرقابل تصور بود. این تنها برای به دست آوردن سوسنگرد نبود، بلکه قهر و خشم عراقی‌ها در نوع حمله‌شان به منطقه دیده می‌شد. بعد از حمله‌ی مردم سوسنگرد به فرمانداری، با موتور پنچر شده‌ام خودم را به هویزه رساندم و به آن‌ها گفتم چه اتفاقی در سوسنگرد افتاد و آن‌ها هم تصمیم گرفتند مثل آن‌ها [مردم سوسنگرد] مقاومت کنند. کل دشت آزادگان میدان مقاومت مردم عشایر در مقابل بعثی تا دندان مسلح شده بود.

سردار غلامپور ادامه دادند:

[...] وقتی جنگ در ۳۱ شهریور شروع شد، وضعیت مرزهای ما بسیار بحرانی بود. ارتش عراق با استعداد کامل یک لشکر زرهی به چزابه حمله کرد در حالی که فقط یک گردان با استعداد ۵۰ یا ۶۰ درصدی از مرز چزابه دفاع می‌کرد، مابقی در ارتفاعات "الله اکبر" بودند. [در] کل جنوب و خوزستان حداکثر دو لشکر برای دفاع وجود داشت در حالی که ارتش عراق با ۵ لشکر مجهز حمله کرده بود. طبیعی بود که در حمله‌ی اولیه نیروهای ما عقب بکشند، اما همین مقاومت‌ها بود که عراقی‌ها را متوقف کرد.

نکته‌ی بعدی، مقطعی از تاریخ است که باید به آن توجه ویژه کرد. از ۳۱ شهریور تا ۱۰ مهرماه اتفاقات مهمی در آن منطقه افتاد. [...] عراقی‌ها تا حمیدیه رسیدند، سوسنگرد آزاد شد و دشمن به عقب رانده شد. در بحث حمله‌ی ۲۶ آبان موضوع آزادسازی سوسنگرد مطرح نبود، چراکه آزادسازی در مقابل اشغال است در حالی که در ۲۶ آبان، سوسنگرد محاصره بود و ما حصر را شکستیم. بیش از ۳۰۰ رزمنده‌ی ما سه روز مقاومت کردند تا مانع از اشغال شوند. بخشی از نیروهای تبریز در شهر محاصره شده بودند، از کازرون، خرم‌آباد و ... بیش از ۸ استان به منطقه نیرو اعزام کرده بودند. [...] حالا شهر محاصره بود و نیروهای ما یکی‌یکی داشتند شهید می‌شدند. از طریق شهید مدنی موضوع را با امام مطرح کردند و اقدام مؤثری انجام شد و ... نیروهای سپاه، ارتش و ژاندارمری را جمع کردند [تا] آن حصر شکسته شود. [...]

نکته‌ی دیگر موضوع حضور مردم این منطقه در هفته‌ی اول جنگ است. تنها شهرستانی که در حضور دشمن، مردمانش ماندند و ایستادگی کردند، دشت آزادگان بود. آزادی هویزه، سوسنگرد، بستان وقتی آزاد شدند، یک اتفاق خدایی رخ داده بود. نه بی‌سیمی در کار بود و نه تلفنی. [...] نه فرماندهی

و نه ارتشی [...] فقط اراده‌ی مردم بود که در کنار رزمندگان، این منطقه را آزاد کرد. [...]

بعد از صحبت‌های دیگر مهمانان جلسه، عده‌یی از مدعوین نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود را مطرح کردند. یکی از سرداران سپاه پیشنهاد کرد که بیش از پیش با رزمندگان دوران جنگ ارتباط برقرار شود؛ زیرا گاهی دیده می‌شود بعضی رزمندگان که از شهرستان‌های دیگر به این منطقه آمده بودند، حالا به شهر خود برگشته‌اند و خاطراتی در سینه دارند که هنوز هیچ جا ثبت نشده است.

خانمی که از اهالی سوسنگرد بود از نوع برخوردها با مردم این شهر در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن گله‌ی فراوانی داشت؛ او گفت:

[...] وقتی جنگ شد من به بروجرود رفتم، برای اولین بار تلویزیون دیدم. همان‌جا هجوم تبلیغات را می‌دیدم. نه آن‌که کسی بیاید و از ما پرسد که چه بر سرتان آمد و چه کشیدید. [...] همه‌ی این حضار، مثل برادرها و پدرهای من هستند. آن‌ها هم مثل من تجارب تلخ و شیرین زیادی دارند که می‌خواهند صدای‌شان به سراسر کشور برسد. دلم می‌خواهد از خاطره‌ی تلخی بگویم که وقتی جایی می‌رفتم و عبا سرم بود، بعضی‌ها پیچ‌پچ‌کنان با طعنه می‌گفتند: "عراقی‌ها آمدند!" ما در این دشت آزادگان، خون دادیم، ناموس دادیم، جوان دادیم، اما کی از ما حرف می‌زند. کی روایت درستی از شیردلان ما دارد. [...]

بعد از گذشت سال‌ها از پایان جنگ، با همه‌ی تحقیقات و تبلیغات و تفحص‌هایی که انجام داده شده هنوز به بسیاری از وجوه جنگ پرداخته نشده است و حرف‌های بسیار مانده که یا شنیده نشده یا به غلط گفته شده است. همایش‌هایی نظیر همایش مقاومت سوسنگرد در دشت آزادگان قصد دارند نوعی واکاوی و بازنگری در حوادث جنگ و حاشیه‌های آن داشته باشند، به این امید که آیندگان آنچه را اتفاق افتاد بی هیچ کم و کاستی دریافت کنند. [...] ان‌شاءالله



گزارش همایش

"واکاوی نقش لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات محرم"

راشین مختاری



— سردار محمدرضا ابوشهاب

فرمانده سپاه سوم بود، این ابلاغیه را به ما انتقال داد. [...] باید شناسایی کاملی از منطقه انجام می‌شد تا مقدمات عملیات محرم، طرح‌ریزی شود. طبق روال آن روزها، فرماندهان سپاه خودشان قبل از عملیات منطقه را می‌دیدند و شناسایی می‌کردند. به اتفاق شهید حسن باقری، سردار حاج احمد کاظمی و شهید خرازی آمدیم به منطقه. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های طرح‌ریزی این عملیات آزادسازی جاده‌ی ارتباطی مرزی غرب به شرق، همین جاده‌ی دشت عباس و دهلران بود و چون دشمن روی ارتفاعات ۱۷۵ و ۱۷۸ حمرین تسلط کامل داشت، آزادسازی این ارتفاعات الزامی به نظر می‌رسید. برای شناسایی‌های بعدی از افراد بومی کمک

مقدمه

سحرگاه یک روز سرد بارانی رزمندگان لشکر امام حسین (ع) در انتظار شنیدن طنین صدای "یا زینب" در حاشیه‌ی رودخانه‌ی دویرج کمین کرده‌اند، باران کم‌کم شدید و سیل‌آسا می‌شود، حادثه‌ی در راه است که هیچ‌کس انتظارش را ندارد، رودخانه‌ی دویرج بر اثر بارش باران تند، کم‌کم آرامشش را از دست می‌دهد و تبدیل به رودی خروشان و خشمگین می‌شود.

این توضیحات مربوط به لحظات قبل از آغاز عملیاتی بزرگ به نام محرم است که در دهم آبان سال ۱۳۶۱ در منطقه‌ی عین‌خوش و زبیدات اجرا شد. این عملیات که با رمز "یا زینب (س)" آغاز شد، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین وقایع در تاریخ جنگ است که تا به امروز مطالب بسیاری در خصوص آن ناگفته باقی مانده است.

به همین دلیل، به مناسبت بیست و نهمین سالگرد این عملیات بزرگ و افتخارآفرین، در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۹ همایشی با عنوان "واکاوی نقش لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات محرم" با حضور چند تن از فرماندهان لشکر امام حسین (ع) در این عملیات، در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس برگزار شد. سردار ابوشهاب که در عملیات محرم، فرماندهی لشکر امام حسین (ع) را به عهده داشتند، درباره‌ی این عملیات چنین توضیح می‌دهد:

تقریباً یک ماه و ده روز قبل از عملیات، ابلاغی از طرف فرماندهی کل سپاه جهت شناسایی منطقه به ما داده شد. شهید خرازی که در آن زمان



سمت راست: امیر سرتیپ خلیان موسوی

گرفتیم. لباس محلی آن‌ها و آشنایی با منطقه و زبان عربی کار شناسایی را آسان‌تر می‌کرد. بنابراین، همراه آن‌ها تا ۴۰ کیلومتر پشت خط عراقی‌ها رفتیم. [...] بعد از ۱۲ ساعت از کنار رودخانه‌ی میمه و دشت‌های آن منطقه به آسانی رسیدیم به چاه‌های نفت. [...] نکته‌ی حائز اهمیت این است که آن منطقه بیش از ۳۵ چاه نفت داشت که در دست عراقی‌ها بود و در عملیات

محرم، این چاه‌ها آزاد شد و از چنگ دشمن درآمد که خود دستاورد بزرگی بود. آن روزها، هوای منطقه رو به سردی می‌رفت و وقتی برای شناسایی می‌رفتیم، همراه خودمان پتو می‌بردیم تا بتوانیم در شب‌های سرد هم، آن جا بمانیم و شناسایی را به دقت انجام بدهیم. همه‌ی جوانب را سنجیده بودیم، نقاط ضعف و قوت دشمن، روش‌های آفندی و پدافندی و استعدادهای عراقی‌ها و حتی وضعیت جوی و آب و هوایی بررسی شده بود، اما متأسفانه گاهی در کتاب‌ها می‌نویسند که بچه‌های مردم و بسیجی‌ها را "الله اکبری" می‌بردند جلو! در حالی که واقعیت چیز دیگری بود. ما همه‌ی تلاش‌مان را می‌کردیم که در طرح‌ریزی عملیات‌ها، شناسایی دقیق، کامل و جامع داشته باشیم. یکی از افتخارات بزرگ لشکر بنده این بود که اولین لشکر سپاه بودیم که در طریق‌القدس تشکیل شد. سپاه نیروی جوان و تازه‌کار بود. [...] ما ۶۰ نفر بودیم که از گُردستان به جنوب آمدیم. در گُردستان تنها تجارب جنگ پارتیزانی را کسب کرده بودیم و حالا در منطقه‌ی دارخوین، ده‌ها بار مورد

حمله قرار گرفتیم. باور نمی‌کنید که تنها امکانات ما ۵۰، ۶۰ تا ژ ۳، ۱۰، ۱۵ تا جعبه‌ی مهمات بود که با همین امکانات اندک، ۶ بار مقابل حمله‌ی عراقی‌ها ایستادیم و به اذن خدا حمله‌ی آن‌ها را خنثی کردیم. الآن هم سربلندیم که بگویم لشکر امام حسین^(ع) هم از لحاظ درس و علوم، هم از نظر استراتژیکی یکی از بهترین‌هاست. اما برگردیم به عملیات محرم؛ شناسایی انجام شد و به دهلران برگشتیم و باید تصمیم می‌گرفتیم که آیا این عملیات امکان‌پذیر هست یا نه. [...] تصمیم‌های نهایی گرفته شد. ارتش و سپاه دوش به دوش هم در این عملیات شرکت کردند. من یاد ندارم در هیچ عملیاتی دو نیروی ارتش و سپاه با این هماهنگی کنار هم کار کرده باشند و این خود یکی از برکات عملیات محرم بود. [...] دوست و همراه من امید بیدام‌وند در این عملیات فرماندهی نیروهای ارتش را به عهده داشت و من مشابهِ ایشان فقط صیاد شیرازی را به یاد دارم. طرح‌ریزی کرده بودیم که یک گروهان ارتش را در یک گردان سپاه ادغام کنیم. این عملیات شاید

جوی را پیش‌بینی کند، ولی آن موقع نه اطلاعات کافی داشتیم و نه در مهندسی قوی بودیم. [...] با همان امکاناتی که داشتیم فکر چاره‌یی برای منحرف کردن آب بودیم. برای همین سدی جهت مهار آب زده شد که متأسفانه ناگهان شکست و سیلی خروشان راه افتاد و بچه‌های من هنوز کاملاً از رودخانه رد نشده بودند که سیل به آن‌ها رسید و آب آن‌ها را برد. با وجود این سه تا گردان از رودخانه رد شدند. در ادامه‌ی عملیات ما دو مرحله به ارتفاعات ۱۷۵ رسیدیم تا بالأخره توانستیم بر ارتفاعات ۱۷۵ و ۱۷۸ مسلط شویم که این خود یکی از دستاوردهای دیگر این عملیات بود.

وقتی صحبت از عملیات محرم می‌شود باید از یگان‌های دیگر هم نام برد. [...] همه‌ی یگان‌ها هم‌زمان جلو می‌رفتیم. اگر این طور نبود، لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب و کربلا بلافاصله از جناح چپ مورد تعارض دشمن قرار می‌گرفتند. از آنجایی که لشکر امام حسین^(ع) قوی‌ترین لشکر سپاه بود، همیشه سخت‌ترین جناح‌ها مال ما بود. برای همین ما سه محور را تعبیه کرده بودیم که اگر در محور "چم هندی" مشکل پیدا کردیم از محور "ربوط" استفاده کنیم، اگر "ربوط" غیر قابل عبور می‌شد از "چم سری" استفاده کنیم. منطقه بسیار وسیع بود و ما باید همه‌ی جوانب را می‌سنجیدیم.

به همین منظور نقاط حساسی که از قبل تعیین شده بود را خیلی خوب گرفتیم و سعی کردیم عراقی‌ها را در این منطقه گیج و منگ کنیم. لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب و کربلا در شمال منطقه عراقی‌ها را حسابی اذیت کرده بودند. آن‌ها وقتی می‌آمدند طرف ما به اشتباه بچه‌های ما را نیروهای خودی تلقی می‌کردند و دچار سردرگمی می‌شدند. حتی خود من هم در تاریکی وقتی با موتور می‌رفتم جلو، عراقی‌ها را به اشتباه می‌انداختم و تصور می‌کردند من نیروی خودی هستم. من هم یک وقت‌هایی تانک‌های

تنها عملیاتی بود که هماهنگی کامل گروهان‌های ارتش با گردان‌های سپاه به وجود آمد و هیچ مشکلی ایجاد نشد.

در بحث الزامات انجام این عملیات، باید نمای جزئی از کل شرایط سیاسی کشور و وقایع جنگ بیان شود.

این‌که بیان شد، در عملیات رمضان، شکست خورده بودیم، باید موشکافانه‌تر به این قضیه نگاه کنیم. عملیات رمضان، عملاً یک عملیات کاملاً شکست‌خورده نبود. ما تا ۱۵ کیلومتری بالای بصره هم رفتیم، ولی جناح راست جبهه، از دست رفت، چراکه ارتش و سپاه با موانع فوق‌العاده شدیدی برخورد کردند و نتوانستند جناح راست را حفظ کنند و بیایند جلو. [...] این عدم موفقیت برای‌مان سخت بود، ولی تنها یگان ما نبود که در این عملیات حضور داشت.

بعد از عملیات، شرق و غرب تبلیغات وسیعی کردند تا به عراقی‌ها روحیه بدهند و ما باید این تبلیغات را بی‌اثر و خنثی می‌کردیم، لذا عملیات محرم با تمام قوا و در محور وسیعی انجام شد. عملکرد ما بسیار خوب بود و طغیان رودخانه و سیل، واقعیهی بود که متأسفانه برای ما قابل پیش‌بینی نبود. [...] قرارگاه هنوز مدرن نشده بود. ما لشکر زمینی بودیم و لشکر آبی نبودیم که بخواهیم وضعیت رودخانه را پیش‌بینی کنیم که باز این کار را کردیم. ولی سدی که زده شده بود شکست و سیل راه افتاد و [...]

در همان شب اول، بنده خودم بالای سر پلی که زده شده بود، بودم و دیدم که ماشین‌ها رد شدند، ولی چون شدت سیل کم و زیاد می‌شد در بعضی از مقاطع عبور وسیله‌های نقلیه غیر ممکن بود. در آن روزها قرارگاه چنین امکاناتی نداشت که بتواند با دقت وضعیت جوی یک ماه قبل و یک ماه بعد را پیش‌بینی کند، اما الآن وقتی اطلاعات عملیات صحبت می‌کند، می‌تواند با دقیق‌ترین ارقام وضعیت

عراقی‌ها را با تانک‌های خودمان اشتباه می‌گرفتم. چون سپاه هر تانکی داشت مال عراقی‌ها بود که به غنیمت گرفته شده بود و مثل ارتش نیروی مشخص و از پیش تعبیه شده برای خودمان نداشتیم. این خود یکی از مشخصه‌های ویژه‌ی لشکر امام حسین^(ع) [بود] که هر چه غنیمت می‌گرفت، بیش‌تر تقویت می‌شد و حتی وقتی تیپ قمر بنی‌هاشم درست شد در واقع زاینده‌ی لشکر ما بود، چراکه به آن‌ها امکانات و تجهیزات دادیم و لشکر امام حسین^(ع)، لشکر غنایم بود. مخصوصاً در همین عملیات محرم که تعداد زیادی تانک به غنیمت گرفتیم و لشکر جان تازه‌ی گرفت. [...]

باز برگردیم به عملیات محرم؛ بعد از عبور از رودخانه ما به طرف تأسیسات نفت "بزرگان" راه افتادیم. منطقه به خاطر دشت‌های وسیعی که داشت زرهی بود. برای حفظ این منطقه باید وارد خاک عراق می‌شدیم.

در پایان عملیات، ما بیش از ۶۰۰۰ نفر از دشمن را کشته بودیم. بزرگ‌ترین دستاوردمان آزادسازی ۷۰۰ کیلومتر مربع خاک کشور از دست عراقی‌ها بود و همچنین ۳۰۰ کیلومتر وارد خاک عراق شدیم تا دیگر نتوانند به ارتفاعات مسلط شوند و خطرآفرین باشند. ما در هیچ عملیاتی به این اندازه عراقی‌ها را منهدم نکردیم و غنیمت نگرفتیم. اگر جایی ضایعه دیدیم در جای دیگر سرفراز و سربلند بیرون آمدیم و شاید تنها نقطه‌ی ضعف ما عدم اطلاعات کافی از وضعیت جوی و سیل و طغیان رودخانه بود. [...]

سخنران بعدی همایش، سردار احمد موسوی بود، او در معرفی خود می‌گوید:

"در این عملیات مسئول اطلاعات عملیات آقای حسن عابدی بود و نفر دوم شهید عزیزالله بابایی و بنده به عنوان نفر سوم انجام وظیفه می‌کردم. [...] قبل از هر چیز باید یادی از رشادت‌ها و از جان‌گذشتگی‌های شهدای عزیز بکنیم. در این عملیات ۷ فرمانده گردان، ۵ معاون فرمانده گردان،

۸ فرمانده گروهان و ۱۰ طلبه شهید داشتیم. آنچه در آمار بنیاد شهید و استان ثبت شده، حدود ۱۰۴۵ شهید است. به همین علت ۲۵ آبان، روز حماسه‌ی ایثار مردم اصفهان نامیده شد. روزی که نزدیک به ۳۷۰ شهید در استان اصفهان تشییع شد. حتی حضرت امام^(ره) در بیانات خود گفتند:

"کجای دنیا جایی مثل اصفهان پیدا می‌کنید که در روز ۳۷۰ شهید تشییع کنند!"

برای انجام این عملیات، ۱۵ گردان را آماده کردیم. البته تا پایان عملیات محرم بعضی از گردان‌ها بیش از یک‌بار و بعضاً دو یا سه مرتبه عملیات داشتند. همچنین ۴ یگان نیز مسئولیت خط‌شکنی را به عهده گرفته بودند و لشکر نجف اشرف، ۲۵ کربلا، ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب همراه لشکر امام حسین^(ع) در این عملیات شرکت داشتند. محوری معادل ۱۰ کیلومتر از چم‌سری تا چم‌هندی محدوده‌ی عملیات لشکر امام حسین^(ع) بود.

قبل از عملیات، همراه فرمانده لشکر و مسئولین گروهان‌ها به منظور [شناسایی] آمدیم و در همان شناسایی، محدوده‌ی عملیات ما مشخص شد که در واقع همان چم‌سری تا چم‌هندی بود.

جا دارد یادآوری کنم که ما حتی بیش از ده شناسایی تا نزدیک توپ‌خانه‌های دشمن داشتیم، البته جدا از شناسایی‌هایی که ۲ یا ۳ کیلومتر می‌رفتیم جلو و بر می‌گشتیم. بنابراین، همه‌ی اطلاعات منطقه و محور عبور گردان‌ها در شب عملیات به خوبی بررسی شده بود.

فاصله‌ی خط ما تا لب رودخانه، حدود ۳ کیلومتر بود که تازه بعد از گذراندن این مسیر به رودخانه می‌رسیدیم و بحث عبور از رودخانه مطرح می‌شد. اوایل، خط کمین دشمن جلو رودخانه بود، ولی نزدیک عملیات که شد دشمن از کنار رودخانه‌ی چرخواب رفته بود آن طرف رودخانه و این به ما کمک می‌کرد که عملیات را راحت‌تر انجام بدهیم.



سردار موسوی

رودخانه‌ی چیخواب و دویرج با دقت کامل بررسی شده بود. ارتفاع دیواره‌ی دو طرف رودخانه بیش از ۳ متر بود و این خود یکی از مشکلات جدی عبور گردان‌ها از رودخانه به حساب می‌آمد. [...] شاید در جاهایی که شیارهایی به رودخانه می‌رسید، می‌شد راحت‌تر گردان‌ها را از آب رد کرد، ولی این امکان در همه جا نبود. [...] برای همین بعد از چند شناسایی متوجه

آخرین شناسایی یکی از شب و روزهای به یاد ماندنی من بود.

ساعت ۲ صبح حرکت کردیم، با اطلاعات قبلی که جمع‌آوری شده بود، فکر کردم یکی از جاهایی که می‌شود راحت‌تر از رودخانه عبور کرد، دهانه‌ی رود چیخواب است که به رود دویرج متصل می‌شد. برای همین آن شب حاشیه‌ی رودخانه‌ی چیخواب را ادامه دادیم تا برسیم به دهانه‌ی رود. من جلوتر از همه حرکت می‌کردم. به آخرین پیچ که رسیدم، ناگهان صدای عراقی‌ها را در فاصله‌ی نزدیک شنیدم. [...] داشتند به طرف ما می‌آمدند. بلافاصله ده قدم عقب آمدم و به پنج شش نفری که تو جنگل بودند خبر دادیم عراقی‌ها همین نزدیکی‌ها هستند. در سکوت مطلق لای پوشش گیاهی نشستیم تا عراقی‌ها از کنار ما رد شدند. تقریباً نیم ساعتی طول کشید. [...] دیگه داشت صبح می‌شد. بعد از رفتن عراقی‌ها، نماز خواندیم و به راه‌مان ادامه دادیم. [...]

در آن تاریکی پیدا کردن دوباره‌ی راه رودخانه آسان نبود. برای همین یک جوی آب که به طرف

شدیم که پوشش انبوه گیاهی اطراف رودخانه و ارتفاع دیواره‌ی رود، معضل جدی برای یافتن معبر گردان‌هاست. چراکه اگر در حالت عادی گردان‌ها به رودخانه می‌رسیدند باید ۳ متر پایین می‌رفتند، از آب رد می‌شدند، و دوباره ۳ متر بالا می‌آمدند که این خود زمان‌بر و پرخطر به نظر می‌رسید. بنابراین باید راه دیگری پیدا می‌کردیم. [...]

مسئله‌ی دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، عمق آب بود که در شرایط عادی بیش از نیم متر نبود، ولی در فصول بارندگی که حجم آب رود زیاد می‌شد و حتی گاهی از لبه‌ی سه متری رودخانه سرریز می‌شد و تا ۵۰۰ متر دو طرف رودخانه را آب می‌گرفت که عبور مشکل و غیر ممکن می‌شد. وقتی برای شناسایی به جنگل رسیدیم متوجه شدم که این پوشش گیاهی مانع از دید کافی می‌شود و نه دشمن، نه خودی در شب قابل تمییز نیستند. [...] یکی دو کیلومتر جلوتر رفتیم، [...] محدوده در دید دشمن بود. برای همین تصمیم گرفتیم شب‌ها حرکت کنیم و روز در جنگل مخفی بمانیم. [...]

گرگ و میش بود و داشت شب می‌شد که رسیدم به پشت خاکریزهای خودمان. شهید عرب تا مرا دید گفت: سه گردان از خودمان و سه گردان از لشکر علی بن ابی طالب را باید با خودت ببری. [...]

این تصمیم در قرارگاه گرفته شده بود. چند روز قبل که رفته بودم قرارگاه، گزارش کامل شناسایی منطقه را ارائه دادم و به نظر همه رسید که این معبر، مسیر آسان‌تر و راحت‌تری است و عبور از آب در آن‌جا بدون مشکل انجام خواهد شد. برای همین تصمیم گرفته بودند سه گردان از لشکر علی بن ابی طالب نیز از همین محور عبور کنند. البته باید یادآوری کنم که عبور بچه‌ها از دو محور دیگر هم به آسانی انجام شد. در محور چم سری سه گردان و در ربوط دو گردان عبور کردند، ولی تا پایان میدان مین نرفته بودند. [...]

کوتاه سخن این که ما برای انجام این عملیات همه‌ی جوانب را در نظر گرفته بودیم و شناسایی تقریباً کامل و جامع بود. حتی موضوع عبور از رودخانه که یکی از مسائل مهم تلقی می‌شد، کاملاً بررسی شده بود. [...]

غروب روز قبل از عملیات، گردان‌ها حرکت کردند. ساعت تقریباً ۱۰، ۱۱ شب بود که رسیدیم دم رودخانه [...] از ساعت ۶ غروب تا ۱۰ شب فرصت مناسبی برای تخریب‌چی‌ها بود که میدان مین را پاک‌سازی کنند. امکان این که زودتر و چند روز قبل مین‌ها را خنثی کنیم نبود، چراکه احتمال لو رفتن عملیات زیاد می‌شد و برای همین همه‌ی این کارها باید همان شب و در همان چند ساعت اولیه با سرعت و دقت انجام می‌شد.

من جلو گردان‌ها حرکت می‌کردم. همه‌ی افراد را لابه‌لای پوشش انبوه گیاهی کنار رودخانه نگه داشتم و رفتم لب آب؛ با دیدن وضعیت رودخانه یکه خوردم. آب ناگهان بالا آمده بود. به اندازه‌یی که بعضی‌ها عبور را غیر ممکن می‌دیدند. ارتفاع آب دو

رود می‌رفت را گرفتیم و رفتیم تا رسیدیم به دهانه‌ی رودخانه چرخواب.

از رودخانه که رد شدیم آب تا زیر زانوهای من بود بنابراین، عبور بسیار راحت بود. در دیدبانی دیده بودم که آن طرف رود، میدان مین عراقی‌هاست و پشت آن، خاکریزهای دشمن شروع می‌شود. با دوربین نگاهی به میدان مین انداختم و آن طرف هم خاکریزها دیده می‌شدند.

تقریباً شناسایی کامل شده بود. دو سه شب به عملیات مانده بود و باید هر چه زودتر تصمیم می‌گرفتیم. همان‌جا طرح عبور بچه‌ها در شب عملیات از رودخانه را کشیدم به هم‌راهم گفتم:

"ما یک روز قبل از عملیات بچه‌ها را می‌آوریم تو جنگل و به دور از دید عراقی‌ها آن‌جا مستقر می‌شویم تا بچه‌ها یکی‌یکی از رودخانه رد شوند. [...]

کار شناسایی که تمام شد، ماندیم تو جنگل تا شب شود و به عقب برگردیم. همان شب تصادفاً متوجه شدیم سه، چهار نفر عراقی مشغول مین‌گذاری در رودخانه‌ی چرخواب هستند. نشستیم و خوب به آن‌ها نگاه کردیم و مسیر مین‌گذاری را به دقت در حافظه‌مان نگه داشتیم و همان‌جا تصمیم گرفتیم مسیرمان را از عقب‌تر بیاوریم تو جنگل [...] به بچه‌ها گفتم: شب عملیات، بچه‌ها را از صد متر عقب‌تر وارد جنگل می‌کنیم.

و این کار را انجام دادیم. یک شب قبل از عملیات بچه‌های تخریب و اطلاعات را بردم همان منطقه [...] نزدیکی‌های صبح رسیدیم. [...] هوا سرد بود. نفرات تخریب ماندند تا هوا تاریک شود و به دور از چشم عراقی‌ها سریع خنثی کردن مین‌ها را شروع کنند. یک نفر هم دم رودخانه، درست جایی که قرار بود گردان‌ها عبور کنند، ماند. دو نفر هم همان‌جا تو جنگل منتظر ماندند. خلاصه آن شب من به تنهایی برگشتم. وظیفه‌ی بعدی من آوردن گردان‌ها به این بخش از رودخانه بود. جز من کسی مسیر را بلد نبود. هوا

لشکر ما، هرگز ادعا نکرد که سه یا چهار یا حتی ده شب قبل از عملیات خط را شکسته [...] ما همیشه یک شب قبل از عملیات یا در حین عملیات راه را باز می‌کردیم و خط شکسته می‌شد و بچه‌ها رد می‌شدند و جایی یا موردی نبود که بچه‌ها پشت میدان مین بمانند. [...]

آن شب هم وقتی عملیات شروع شد، قسمتی از مین‌ها هنوز خنثی نشده بودند. وقتی رسیدیم به کانال، تخریب‌چی‌ها گفتند: نیروها را پشت میدان مین نگه دارید. ما می‌رویم جلو که راه را باز کنیم. هر جا که دشمن متوجه حضور ما شد، سریع گردان را بفرستید جلو، حتی اگر شد حین درگیری راه را باز می‌کنیم. [...]

که همین‌طور هم شد. مدت زیادی طول نکشید که منورهای دشمن خبر از هشیاری آن‌ها داد. گردان به سمت تخریب‌چی‌ها حرکت کرد. [...] زیر بارانی از گلوله و توپ، تخریب‌چی‌ها به سرعت با رشادت و از جان‌گذشتگی مین‌ها را خنثی کردند و راه باز شد. [...]

برنامه‌ی حمله‌ی طوری تعبیه شده بود که بچه‌های لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب که در محور سمت راست ما بودند، از محور ما برای رسیدن به جاده استفاده کنند. ما همان شب اول به جاده‌ی آسفالت رسیده بودیم و دو سه کیلومتری جلوتر رفتیم تا رسیدیم به تپه‌های ماهوری و درست جایی که کاملاً به جلو مسلط بودیم خط را تشکیل دادیم. لشکر امام حسین^(ع) از ۱۱ آبان که عملیاتش را شروع کرد با شمارش خود من ۴۵ روز آن‌جا بودیم تا خط را تحویل دادیم. خود من شاهد بودم که این ۱۵ گردان گاهی ۳ بار تشکیل می‌شدند و حمله پشت حمله داشتند. اراده‌ی خستگی‌ناپذیر بچه‌ها قابل تقدیر بود.

همین تپه‌های ماهوری شاهد چنین حمله‌های پی در پی بچه‌ها بود. شب حمله می‌کردند و می‌دیدند نمی‌شود تپه‌ها را حفظ کرد، برمی‌گشتند تا شب بعد

یا سه برابر شده بود. [...] نگاهی به بچه‌ها انداختم. وقت رفتن بود، اما چه طور؟! فکر کردم کسی از من قد کوتاه‌تر در گروه نیست، پس اسلحه‌ام را برداشتم و جلو رفتم به بچه‌ها گفتم: اگر توانستم از آب رد شوم، با اطمینان خاطر شما هم بیایید و گرنه. [...]

در آن موقع شب هنوز حرکت آب شدید نشده بود. باران می‌بارید و هوا سرد بود. هنگام عبور از رودخانه حس کردم هر لحظه این رودخانه خروشان‌تر می‌شود و سرعت آب داشت زیاد می‌شد. به فرمانده‌های گردان‌ها گفتم به سرعت باید رد شوید و هیچ وقتی را تلف نکنید. [...]

گردان‌ها رد شدند. رودخانه پرخروش‌تر می‌شد، ولی خوش‌بختانه در آن شب در محور چم‌سری حتی یک نفر هم غرق نشد هر چند عبور از رودخانه بسیار سخت و پرخطر به اتمام رسید. نزدیک‌های صبح رسیدیم آن‌جا. هوا سرد و بارانی بود. تخریب‌چی‌ها ماندند تا هوا کاملاً تاریک شود و بلافاصله خنثی کردن مین‌ها را شروع کنند. یک نفر درست همان جایی از رودخانه که می‌خواستیم رد شویم ماند، دو نفر هم توی جنگل. [...] آن شب من به تنهایی برگشتم. این یک ریسک بزرگ بود ولی کار دیگری نمی‌شد کرد. چون تنها کسی که باید گردان‌ها را می‌آورد آن‌جا، من بودم و کسی به غیر از من مسیر را بلد نبود. [...]

در جاهایی خوانده‌ام که لشکر امام حسین^(ع) وقتی در مرحله‌ی اول رسید به رودخانه، نتوانست از آب رد شود و وارد مرحله‌ی دوم شد. [...] در حالی که ما شب اول سه گردان را رد کردیم. بعد از عبور از آب، به میدان مین رسیدیم. [...] بچه‌های تخریب گفتند: "هنوز یک قسمت از میدان مانده و ما منتظر ماندیم که نیروها برسند و بعد از [آن] وارد عمل شویم." چون هر لحظه ممکن بود عراقی‌ها آن‌ها را ببینند و عبور گردان سخت‌تر شود.



— سردار صبوری

دوباره حمله کنند. شاید پنج شش شبی گذشت تا رسیدیم به جایی که ارتفاعات حمزین بود. روز که شد همراه شهید رئیسی با موتورهایمان راه افتادیم که سمت راست خودمان را شناسایی کنیم. به طور اتفاقی تانک‌های عراقی را دیدیم که در یک مسیر به صف شده‌اند و روشن هستند و کمی عقب‌تر یک سری امکانات گذاشته‌اند. [...] گویا وقتی

۱۷۵ و ۱۷۸ را بگیرد، ما مجبور شدیم سه مرحله حمله کنیم. ۱۷۵ را می‌گرفتیم، عراقی‌ها از ۱۷۸ که بالاتر بود به ما حمله می‌کردند و این مسئله چند بار تکرار شد. در این جا بود که چند تا از فرمانده‌های گردان‌ها شهید شدند تا بالأخره این ارتفاعات گرفته شد. بالأخره به زبیدات رسیدیم و همان روز خبر شهادت عزیزاللهی ۱۴ ساله در رادیو این‌گونه اعلام شد: "مهرداد عزیزاللهی ۱۴ ساله، شهردار زبیدات شد."

سردار اصغر صبوری از دیگر سخن‌رانان همایش در تبیین نقش لشکر امام حسین^(ع) در عملیات محرم می‌گوید:

عملیات محرم بعد از عملیات رمضان طرح‌ریزی شد. در آن زمان جنگ وارد مرحله‌ی خاصی شده بود. دشمن تبلیغات وسیعی در باب صلح‌طلبی و پایان جنگ انجام می‌داد. از طرفی به علت عدم موفقیت ما در عملیات رمضان، اهمیت عملیات محرم دو چندان شده بود. [...] وضعیت ما در شش ماه اول سال ۱۳۶۱ به این

بچه‌ها رسیده بودند به ارتفاعات هیچ کس به طرف آن‌ها نرفته بودند و درگیر نشده بودند برای همین از ترس حمله، تصمیم به عقب‌نشینی گرفته بودند. [...] در شناسایی آن روز تا جایی رفتیم که منطقه مسطح می‌شد و یک دشت وسیع پیش روی‌مان بود. بلافاصله برگشتیم و به شهید خرازی اطلاع دادیم. [...] شهید خرازی از من پرسید: "کانال هنوز هست؟"

کانال را قبلاً تو عکس‌های هوایی دیده بودیم. گفتم، بله، کانال هست. [...] خیال‌مان راحت شد که عراقی‌ها از این منطقه سخت می‌توانند عبور کنند. برای همین بلافاصله بدون فوت وقت گردان آماده‌ی حمله شد و خط مقدم بعد از این حمله جلو تر آمد. [...] تانک‌ها غنیمت گرفته شدند و در کل این عملیات حدود ۷۰، ۸۰ تانک از عراقی‌ها گرفته شد در اختیار لشکر امام حسین^(ع) قرار گرفت و لشکر بیش از پیش مجهز شد. [...]

در این عملیات جاهایی کار سخت می‌شد. مثلاً وقتی به لشکر مأموریت داده شد که ارتفاعات

رودخانه، حادثه‌ساز شد.[...]

به علت مسئولیتی که داشتم کاملاً بر اطلاعات جمع‌آوری شده مشرف بودم. در شناسایی‌ها و جمع‌آوری اطلاعات برای طرح نهایی عملیات، مسئله‌ی کنترل آب رودخانه بررسی شده بود و سدی به این منظور زده شد، ولی آن باران تند و بی‌امان، دویرج را تبدیل به رودخانه‌ی وحشی کرد. رودی آرام و کم‌عمق ناگهان خروشان شد و پر آب.[...] هنگام سیل رزمندگان ما هنوز در رودخانه بودند و متأسفانه بیش‌ترین تلفات را در همان لحظه داشتیم. طبق آماری که من دارم حدود ۶۰۰ نفر از نیروهای ما به شهادت رسیدند. حجم تلفات بیش‌تر از هر عملیات دیگری بود. علاوه بر سیل نابه‌هنگام، دشمن هم که در عملیات رمضان توانسته بود ما را به عقب براند، با جرئت و جسارت بیش‌تری مقاومت می‌کرد و این خود کار را سخت کرده بود. البته علی‌رغم همه‌ی این‌ها در همان آغاز موضع ما تثبیت شد و خوش‌بختانه به اهداف مورد نظر دست یافتیم.

اگر بخوام در مورد بحث لجستیکی این عملیات صحبت کنم باید کمی به عقب‌تر برگردیم.[...] در دارخوین، جایی که ما اولین بندهای تدارکاتی را تجربه کردیم. ما هیچ کدامان در هیچ دانشکده‌ی نظامی آموزش ندیده بودیم و کم‌کم با تجربه‌هایی که کسب می‌کردیم یاد می‌گرفتیم چه طور از مهمات نگه‌داری کنیم، بندهای تدارکاتی را چگونه فراهم کنیم و خط و پشت خط و عقب‌تر را به چه شکلی تغذیه کنیم که بندها در تیررس دشمن نباشد.[...]

کم‌کم مهارت کامل در این کار پیدا کردیم و یادگرفتیم وقتی در محورهایی دشمن را دور می‌زنیم چه‌طور نیروها را پشتیبانی کنیم. بعضی وقت‌ها نیروها چند کیلومتر جلوتر از خط عراقی‌ها می‌رفتند و آن‌ها را دور می‌زدند و مسئله‌ی پشتیبانی از آن‌ها بسیار حائز اهمیت می‌شد.

به هر حال مسئله‌ی پشتیبانی از نیروها در

شکل بود که دو یا سه عملیات بزرگ انجام داده بودیم. در عملیات رمضان شکست خوردیم، ولی در دیگر عملیات‌ها موفق بودیم و تقریباً هر دو ماه، یک عملیات انجام داده بودیم. نکته‌ی مهم در مورد عملیات محرم که جای بحث و تحلیل دارد، جدا شدن تعدادی از کادر لشکر امام حسین^(ع) و حضور آن‌ها در قرارگاه صاحب‌الزمان بود. نبود این تعداد که تقریباً ۸۰ نفر بودند در زمان عملیات بی‌شک نقش مهمی در حوادث بعدی داشت. عملاً یک لایه‌ی کامل از فرماندهان لشکر در قرارگاه بودند.[...]

سردار اصغر صبوری معتقد است که عدم حضور فرماندهان لشکر مطمئناً تأثیر منفی در این عملیات داشته است. به همین دلیل بعد از عملیات محرم فرماندهان دوباره به لشکر امام حسین^(ع) بازگشتند- وی تحلیل و بررسی جامع و کامل حضور و عدم حضور فرماندهان را امری مهم و ضروری می‌داند، زیرا نتایج آن برای آیندگان تجربه‌ی مفیدی به شمار خواهد آمد.

سردار صبوری می‌گوید:

حضور لشکر امام حسین^(ع) در این عملیات به علت اشراف کامل ما به منطقه بود. بعد از عملیات فتح‌المبین لشکر امام حسین^(ع) هم از نظر شناسایی و هم شناخت کل منطقه، اشراف کامل داشت. من در این عملیات مسئولیت لجستیکی را به عهده داشتم و پشتیبانی ۴ یگان عملیات را انجام می‌دادم. در این عملیات بندهای تدارکاتی و مهماتی و ترابری را به طور متمرکز تعبیه کرده بودیم و من شخصاً به آن‌ها سرکشی می‌کردم و هر چیز از قبل برای پشتیبانی این عملیات کاملاً آماده بود.

مأموریت لشکر امام حسین^(ع) از منطقه‌ی چم‌هندی تا چم‌سری بود که باید از رودخانه‌ی دویرج عبور می‌کردیم و ارتفاعات منطقه تصرف می‌شد که خوش‌بختانه به این اهداف کامل رسیدیم، ولی حین انجام عملیات علی‌رغم بررسی‌های کاملی که شده بود، شب عملیات باران شدیدی بارید و عبور از

این همایش نیز در خصوص مشاهدات خود در جنگ چنین می‌گوید:

من هر چه می‌گویم تنها به این خاطر است که برای آیندگان بماند و استفاده کنند والا من رفتنم به جنگ را از خودم نمی‌دانم و ماندنم هم از خودم نبود. [...]

سی سال از جنگ گذشته و وقت آن رسیده که خوب و بد عملکردها را هم بپذیریم و هم بررسی کنیم. من خودم رفتنم را از خودم نمی‌بینم و اصلاً بحث شخصی نیست. حتی یک لحظه در جبهه ماندن را کسی که در جنگ بوده می‌داند یعنی چه! بیان همه‌ی این مطالب فقط به خاطر استفاده‌ی آیندگان می‌باشد. من یک بچه بودم که حتی یک مو توی صورتم نبود وقتی رفتنم جبهه. انگار یکی پس سرم زده بود و گفته بود باید بروی، رفتم. گفت باید بمانی، ماندم. حتی زمان‌هایی که شرایط خطرناکی بود و هیچ فکری به نظرم نمی‌رسید او بود که راهنمایی‌ام می‌کرد تا رزمندگان را در راه درستی جلو ببرم. [...] جایی که تیربار مثل جارو همه را درو می‌کرد و می‌ریخت زمین، انگار یکی می‌گفت، محمود این کار را بکن، آن کار را بکن. از این کانال برو. [...]

از روز اولی که رفتنم جبهه نیروی پیاده و تفنگ به دست بودم و روز آخر هم تو گردان پیاده‌ی خط‌شکن انجام وظیفه می‌کردم. امروز می‌خواهم برای شما از مشاهدات و آنچه را که خود دیدم بگویم.

هدف این عملیات، آزادسازی خاک ایران و انهدام دشمن برای حفظ امنیت مردم بود.

این که ما یک نیروی معمولی و غیرحرفه‌یی بودیم که وارد جنگ شدیم شکی نیست. ولی آنچه فرمانده‌ها یاد گرفتند و تجربه می‌کردند، جزء به جزء همه نوشته می‌شد. مثلاً در مورد خصوصیت عراقی‌ها، ترفندهای آن‌ها و شگردهایی که داشتند

عملیات محرم کاملاً طرح‌ریزی شده بود. از ویژگی‌های لشکر امام حسین^(ع) همیشه همین امکانات و پشتیبانی‌ها بود. ما آن‌قدر هماهنگ و منسجم بودیم که عموماً در ظهر عملیات‌ها غذای گرم به رزمندگان می‌دادیم. در این عملیات فتح‌المبین بیش از ۱۰ هزار نفر غذای گرم خوردند. تصورش را بکنید در همین تهران، شهر به این بزرگی و مجهز، انجام این کار چندان ساده نیست چه برسد به جنگ و خط اول و [...]

در عملیات محرم، دشمن ضربه‌ی شدیدی خورد. با وجود این که ما با سیلی پیش‌بینی نشده مواجه شدیم و حدود ۶۰۰ نفر به شهادت رسیدند، اما بیش از ۲۳۰۰ نفر را اسیر گرفتیم، بیش‌ترین غنیمت را به دست آوردیم و یک بار دیگر روحیه‌ی رزمندگان ما تقویت شد. خطوط عراقی‌ها را شکستیم و در عمق خاک عراق وارد شدیم. این عملیات بیش‌ترین تأثیر را روی روحیه‌ی رزمندگان داشت. از طرف دیگر محیط بین‌المللی هم تغییر کرد، چراکه ما وارد خاک عراق شده بودیم و توانسته بودیم آن منطقه را حفظ کنیم. در عملیات رمضان، توانسته بودیم وارد خاک عراق شویم ولی در حفظ و نگه‌داری آن موفق نبودیم. در کل مأموریتی که به لشکر امام حسین^(ع) محول شده بود، به نحو احسن انجام شد و از طرف دیگر ما بیش‌ترین غنائم و تجهیزات را به دست آوردیم. بیش‌ترین تانک و نفربر را بعد از عملیات بیت‌المقدس، در این عملیات گرفتیم.

برای جمع‌آوری غنائم هم برنامه داشتیم. وقتی غنائم جمع می‌شد در اولین فرصت به خط اول می‌رساندیم و به این شکل مدام نیروهای ما تغذیه می‌شدند. لشکر امام حسین^(ع) بدون حضور کادر اصلی فرماندهی‌اش توانست کادرسازی وسیعی انجام بدهد و با موفقیت عملیات را به اتمام برساند. جناب آقای محمود جان‌نثاری سخنران دیگر

این‌ها همه تجربیاتی بود که ما ریز به ریز می‌نوشتیم و به نیروهای تازه‌نفس منتقل می‌کردیم. چراکه فرصت کافی برای آموزش کامل وجود نداشت و عملاً بچه‌ها در جبهه جنگیدن را می‌آموختند.

کار روزانه‌ی نیروهای ما مشخص بود. صبح اول وقت بعد از نماز، حتماً ۷، ۸ کیلومتر پیاده‌روی داشتیم. بدون هیچ تعطیلی روزی یک بار درس اخلاق و آموزش نظامی داشتند. این‌ها همه به غیر از برنامه‌هایی بود که بعضاً انجام می‌شد و نیروها یک شب تا صبح راه می‌رفتند. به این شکل وقت نیروها پر بود و در روزهایی که عملیات هم نبود، نیروها مشغول آموزش و آماده‌سازی بودند. بنابراین نیروهای ما آن‌قدر حرفه‌یی می‌شدند که دیگر نمی‌شد به آن‌ها گفت نیروهای ساده و بی‌تجربه. [...] خود من یک شب که گردان برای انجام عملیات می‌رفت، از ۲۸ آر.پی.جی، ۲۵ تانک آن را در تاریکی شب به هدف زدیم. منظور نظرم نوع آموزش و حرفه‌یی شدن ماست که چنین قابلیت‌هایی پیدا کرده بودیم. برگردیم به عملیات محرم؛

وقتی رسیدیم خط اول، درگیری شروع شد. از چپ و راست گلوله می‌آمد و دیگر مشخص نبود خط دشمن کجاست. آتش تیربار و آتش منحنی و رودخانه و آب، همه و همه گردان‌ها را به هم ریخته بود. یک مقداری از گردان‌ها رد شده بودند، یک مقداری در حال رد شدن بودند و از آسمان تیر بود که سرازیر می‌شد. به هرکسی می‌گفتیم راه کدام طرف است، نمی‌دانست. مسیر وقتی یک ستون مستقیم است و محور اصلی از دست سرستون در برود، دیگه پیدا کردن راه کار آسانی نیست. دیگر اگر راه تو آب باشد، نگو! اگر تو جنگ باشد، نپرس! خلاصه زدیم به رودخانه و ناگهان متوجه شدیم این رودخانه حال و وضع شب‌های شناسایی را ندارد. رودخانه‌یی که بعضی از جاهای آن تا میچ پایمان آب داشت، حالا تا زیر سرمان پر شده و دارد لحظه به لحظه به سرعت آبش اضافه می‌شود. به هر

می‌نوشتیم و این نوشته برای استفاده‌ی بقیه باقی می‌ماند.

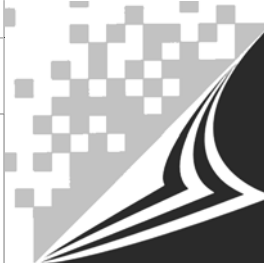
نیروهای ما، افرادی بودند که داوطلبانه وارد جنگ شده بودند و با یک آموزش بسیار مختصر در حد تیراندازی ساده، به جبهه فرستاده می‌شدند. من در گردان خود، کسی را داشتم که دست چپ و راستش را نمی‌شناخت، روحانی در حد اجتهاد داشتم. استاد دانشگاه، نماینده‌ی مجلس و اقشار مختلف کنار هم بودند. فکرش را بکنید کار کردن و آموزش دادن به این طیف گسترده چه قدر سخت بوده.

وقتی با عراقی‌ها درگیر می‌شدیم به هر چه می‌رسیدیم آتش می‌زدیم که دشمن دچار وحشت شود. در هنگام حمله اگر عراقی‌ها می‌فهمیدند ما در چه مسیری در حال جلو آمدن هستیم، دیگه شکستن خط و جلو رفتن غیر ممکن می‌شد. این‌جا بود که دیگه، الله‌اکبر، رمز، داد و فریاد، همه و همه تمام می‌شد و فقط می‌رفتیم جلو و سنگر به سنگر عراقی‌ها را می‌گرفتیم و منهدم می‌کردیم. بنابراین، شناخت عراقی‌ها و تمییز آن‌ها از نیروهای خودی در آن تاریکی کار سختی بود. چراکه وقتی ما حمله می‌کردیم، همگی در جلو و مقابل دشمن قرار نمی‌گرفتیم. یک عده عراقی‌ها را دور می‌زدند، عده‌یی دیگر از وسط به آن‌ها حمله می‌کردند و بقیه هم از روبه‌رو پیش می‌رفتند. برای همین وقتی در سکوت و تاریکی جنگ تن به تن است، دقت و سرعت عمل امری حیاتی و مهم است که البته در این زمینه ایرانی‌ها استعداد بالقوه‌یی داشتند.

اگر بخوایم بگویم چند عراقی را من با اسلحه‌ی خودشان کشتم، حداقل ۱۰ مورد را می‌توانم ذکر کنم. یک بار عراقی را گرفتم، اسلحه را به طرف او هدف گرفته بودم که ناگهان متوجه شدم فشنگ ندارم، در حالی که عراقیه هنوز اسلحه‌اش دستش بود ولی با سرعت عمل، قبل از این که عراقیه بخواند تصمیم بگیرد و عمل کند اسلحه‌اش را گرفتم و او را منهدم کردم. [...]

از آسمان مثل باران تیر می‌ریخت زمین [...]. در آن حال که می‌دیدم نیروها دارند عقب می‌روند، بدون هیچ ترسی فقط احساس خوبی داشتم چون کاری که می‌توانستم انجام بدهم، به نتیجه رسانده بودم. در همان حال توجه‌ام به جوی آبی که نزدیکم بود جلب شد. غلти زدم و خودم را انداختم توی جوی آب [...]. وقتی از آتش گلوله‌ها برای چند لحظه خلاص شدم، به فکر پانسمان زخم‌هایم افتادم. به محض حرکت دستم متوجه شدم نه، حتی توان باز کردن یک دکمه را هم ندارم. حال خاصی داشتم. به خودم گفتم، محمود وقت رفتن است، شهادتت را بگو، چشم‌هایت را ببند و...، اما انگار صدای دیگری، توی سرم می‌گفت، نه هنوز وقتش نرسیده. در همان حال از شدت لرز شدیدی که به تنم افتاده بود بی‌هوش شدم. باز نصف شب به هوش آمدم. حالم بدتر شده بود. دیدم از گوش و سر و دماغ هم دارد خون می‌آید. یک گلوله از زیر چانه‌ام رفته بود تو جمجمه‌ام [...]. باز بی‌هوش شدم و وقتی بالودر زدند زیر خاک، من همراه تلی از خاک بیرون آمدم. نیمه هوش نگاهی به اطراف انداختم و دیدم بچه‌های خودمان هستند [...]. خلاصه مرا منتقل کردند به عقب و ... و بالأخره بعد از ۲۰۰ روز توانستم روی پاهایم بایستم. بعد از دو ماه، تیری که توی سرم بود را درآوردند و به لطف خداوند سلامتی خودم را به‌دست آوردم [...].

سختی که بود نیروها را عبور دادیم. رسیدیم به خط شروع میدان مین. دیدم بچه‌های تخریب‌چی دارند مین‌ها را خنثی می‌کنند و دشمن هم منورها را روشن کرده و متوجه حضور آن‌ها شده است و بچه‌ها دارند زیر آتش دشمن یکی یکی شهید می‌شوند. به تخریب‌چی گفتم: با این وضعیت بچه‌ها همه گرفتار مین‌ها می‌شوند. گفت: تعداد مین‌ها آنقدر زیاد است که تخریب آن‌ها زمان‌بر است [...]. همین که داشتیم چاره‌ی می‌اندیشیدیم، متوجه سمت راست‌مان شدیم. مسیر مستقیمی که داشتند پاک‌سازی می‌کردند را رها کردیم و تصمیم گرفتیم اول خودمان برویم جلو و بعد گردان را در همین مسیر ببریم. رفتیم تا زیر خاکریز دشمن، برای اطمینان بیش‌تر تا آن طرف خاکریز هم رفتیم. بعد زیر باران آتش و گلوله برگشتیم که گردان را از مسیر ببریم [...]. خلاصه کنم، ما از این مسیر، هفت هشت کیلومتر رفتیم جلو تا رسیدیم به ارتفاعاتی که دشمن خطوط بعدی‌اش را در آن‌جا ایجاد کرده بود و در آن تاریکی حجم تجهیزات‌شان قابل دیدن نبود [...]. دشمن تپه‌هایی را انتخاب کرده بود که می‌توانست از بالای آن اشراف کامل به جاده داشته باشد، حالا تصور کنید، نیروهایی که از آب رد شده، تو هوای سرد و آتش دشمن همین‌طور بالای سرش است، باید فکر چاره‌ی می‌کردم. یک آر.پی.چی. دستم گرفتم. خواستم مستقیم به تیربار دشمن شلیک کنم. همین که خواستم شلیک کنم، یک لحظه متوجه شدم گلوله‌ی تانک از جلوم کمانه کرد و خورد به پایم و از پا رد شد و خورد به دنده‌هایم و من افتادم. در همان حال وقتی شهید صادقی متوجه شد که من افتادم زمین، بلند شد که ستون را جمع کند متوجه شد این‌هایی که اطراف من هستند هیچ‌کدام نمی‌توانند بلند شوند. رسید به من و دید من حتی نمی‌توانم حرف بزنم [...]. وضعیت را که این‌طور دید به هر سختی بود نیروها را عقب کشید. حالا



اسناد بهداری در عملیات دفاع مقدس

تهیه و تدوین: حسن دری*

مقدمه

در اجرای یک عملیات، عوامل و مولفه های بی شماری نقش آفرینی دارند؛ که نتیجه شکست یا پیروزی را در صحنه نبرد رقم می زنند. یکی از این عوامل مهم واحد بهداری در صحنه رزم می باشد. برنامه ریزی و سازماندهی دقیق نیروهای بهداری موجب تضمین حفظ، احیا و توانمندی سازمان رزم در حین اجرای عملیات می باشد. عملکرد پزشکان، پرستاران و سایر نیروهای این واحد که نقش بسزایی در سلامت و بازیابی توان جسمی و روحی رزمندگان ایفا می کردند؛ در کمتر سندی بازنمایی شده است. به عبارت دیگر نقش برجسته و زحمات طاقت فرسای نیروهای این واحد در زیر سایه سایر بخش ها و واحدهای دخیل در صحنه نبرد و اجرای عملیات ها مهجور مانده است. در این راستا فصلنامه نگین تعداد اندکی از اسناد مکتوب در خصوص بهداری در عملیات محرم جهت بهره برداری علاقمندان به این حوزه به چاپ رسانیده است.

* کارشناس و پژوهش گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دهم □ شماره سی و هشتم □ پاییز ۱۳۹۰

شماره: ۱/ تاریخ: ۱۳۸۸/۱۱/۳۰ بزرگ: ۱

جمهوری اسلامی ایران

وزارت دفاع

پشت

بسم الله الرحمن الرحیم

نظاره و عملکرد گردانهای بهداری میانه و گسترده ان بهداری اد فاسی تپ ۴ اند رطی چند روز گذشته این شرح می باشد .

۱- گردانهای بهداری میانه با اقدام به تهاجم به مواضع دشمن و اثار و زائس نمود مانند .

الف- گردان بهداری تن اسلام حسین (ع) (شهید محراب آیتا ۱۰ اثری اصفهانی)

ب- گردان بهداری شهید محراب آیتا ۱۰ - سید و قسسی (تسبی کس - گلا)

ج- گردان بهداری شهید محراب (تسبی نجف اشرف)

د- گردان بهداری شهید محراب (تسبی ۷ اهلی ابن ابیطالب (ع))

ه- گردان بهداری تپ ۸ خرم آباد

۲- انواع اقدامات انجام شد باز طرف بهداری میانه و مواضع دشمن را و زائس جهت پد پرنه جسر حسین

الف- تمامی کارهای ساختنی و اوزانها توسط مهندسی لشکر ۳ صاحب الزمان (عج) انجام گرفتند

ب- پرسنل و کادرداخل تمامی اوزانها از طرف بهداری میانه تامین گردیدند

ج- احداث اثار دفاعی امکانات و راههای و تاسیسات بهداری میانه از طرف برادران امداد گرو پرسنل بهداری گردانها بهداری

د- تمامی امکانات پزشکی و اخلاص اوزانها از طرف گردانهای بهداری میانه تامین گردیدند

و- توزیع کپسولهای و لیسافانهای پهن رزنده گران و آسوزن آن بهداری میانه برادران

ه- در زمان حملات عملیات جهت اوزانها و بهارستانهای پشت جبهه بهداری میانه و تهاجمی برقرار است

ت- تامین خون جهت اوزانها میسر بود و نظر گرفتن پانک خون جهت اوزانها

ث- یک نفر جهت گرفتن اوارات و تجهیزات برادران رزنده از طرف تدارکات همان تپ میسر بود و اوزانها میانه شد

ج- گرفتن آمار مجروحین اماراتش و بهداری میانه بهداری میانه اوزانها در داخل اوزانها میانه شد

خ- تمامی اوزانها زیر نظر مسئول گردانهای بهداری میانه تپ اوزانها میانه شد

ز- جهت انتظامات محوطه اوزانها و اوزانها در زمان رزنده و نظر گرفتن کسب همگی میانه میانه شد

۳۱۳۱۳۱۳

لله -



جمہوری اسلامی ایران

مجلس الشورى

اندگسرد انبهسای بهیداری صها با قسند ام بختتا بهیروا حداثا اوزانس خود بماند .

لف، گردان هم، داریت امام حسین (ع) (شهید) در آب آهتا ۱۰۰ اضرانی اصنامانی)

بہ گردان بہمداری شہید، حراب آہتا، و مہمد و قہسی (فہسی گہسی لا)

۱. گردان پیرداری شهباز و حراب (نسی نجف اشرف)

هنگردان بهمداری شهید محراب (تم ۲ اهلی ابن ابیطالب (ع))

۱. اگر دران همسرداری تپ یکم خرم آباد

۲. سقوط اعدا و ممانعت به نام شد باز طرف پهلوی سیاه و مظهر فیت سیرا و در آنس جهت پند پیرش جسر و حین

الف، تمامی کارهای ماخته‌انی امور را بندها و نوسطه‌مهند^۳ لشکر^۴ صاحب الزمان (هج) انجام لا رفتاست

ب. پرسنل و کساد را داخل تمامی اورژانسها از طرف بهداشتی سپاه تامین گردد و صحت .

جاسمحدثا تعاضد انكسارات رفاهسي وتاميمت بهنداري نهجساي ميانه از طرف برادران امداد گروه رهنمل بهنداري

گسرن انہما ہندو ذات

د. تمامی امکانات پزشکی و اخلاقی را در دسترس سایر اطراف گرداننده های بیمارستانی قرار می دهد و این امر به نفع بیمار و خانواده بیمار است.

و توزیع کمپله‌های اولی‌ها، افراد ی‌پهن رزنده گسان و آسوزش آن به‌ستماعی برادران .

هـ در زمان حملہ بر عیلات جهت اوزان و نمونہ ہا و ہمارستانہ ہا ی پشت جہم سہ شہک سوار تہا طی پور قرار است .

ت - تا مین خون جغتار و آندهای من و طعون رنظر گرفتن هائیک خون جغتار و آندهای من +

شد يك نفر جهت گرفتن او و او را نرزانده از طرف تعداد كسان نهيان مورد او را زانها ميها شد

رسوافتن آمار مجروحین اعم از ارتش و سپاه هندی بمحمد، السراحد تعاون در داخل اورژانس میباشد .

مختص این اراضی را به نظر مسئول گردانهای پهنه‌ای در همان تپه‌ها شناسد.

۱- جهت انتظامات محوطه و اراضی و دایره و اراضی در آن در نظر گرفته شد بکسر همگی شما هی با همسجی میباشند .

45-19815

2-10



جمهوری اسلامی ایران



شماره:

تاریخ:

بیت: ۲

مستطیل سردیس داران ۳ سیم و دهی فقط به سه بهاری سیاه میباشد که انسا
طریق را که گفته شد بعد از وفات الهی انجام و طیفم خدا می کرد

۲۔ دشمنانِ غیبی! بیرو ہوائی جمہوری اسلامی

عجلای معمری که فرماید: معمر را قتل کردیم و فرمودند که از ایشان که از حلیه ای را به جناب سرافقت عابدی و سرافقت وند
داشتم و غلامی معالی لازم جهت تحلیله سرور محمد علی باهاری و ادرات ساروقیه و نقاهتگاه
بهدار قتل کردیم که از طرف سیاه آنرا دکتر توانا بعنوان مسؤل ساروقیه معمر ورن
برادر دکتر سرافقتی بعنوان مسؤل نقاهتگاه معمری مسند لازم به سندها است که فرماید می
بایست همکار را با بهاری قتل کردیم و داشتیم است

۴۲۔ دہما ہفتی را امواد روز

طبق جلب این که بنسب سرکشت آفرین در راه با خلیفه محمد بن ابی طالب از جمله بیست و چهارمین و هفتمین از
هزار و سی و شش خلیفه محمد بن ابی طالب است که قبل از وفات عمید محمد بن ابی طالب
در کنار پایگاه عین خراسان سیاست ملی و اقتصاد ملی که ارتفاعات تصرف
از روی تصرف فعال «ایده امام حسین (ع)» - یک فصل و از نقشه دید در صورت نیاز است.
و در دانی شهر که هم محل نمودن کلیه کتب و هم صورت ذیلی سیاست است
۱- تجارت و شهریه و کانتونی و بنیاد باسکول و واقع در اندیشه

[illegible]

۱- خواهی با مسازبانان اهل این حزب

بسم الله الرحمن الرحيم



شماره

تاریخ

۱- مختصات و ژانسه‌های گسرد آنها به‌داری صبا و تپه‌ها و تپه‌ها به‌داری استان های تا پهنه بزرگ

الف- بیمارستان امام مهدی در شهر همدان

ب- اورژانس گسردان به‌داری شهید مدنی در کپلومتری جاد بهات و وسای

ج- اورژانس گسردان به‌داری شهید آیتا ۰۰ د متخپ در جوار قرارگاه تپه‌لی ایمن ابیطالب (ع) ۱

کپلومتری شهر و وسای نزدیکی نه برضی

د- اورژانس گسردان به‌داری شهید صدوقی در شهر و وسای

و- اورژانس گسردان به‌داری شهید اشرفی اصفهانی در آکپلومتری یادگان هین خوش پطرف د همدان

ه- آتاق همدان در جوار به‌داری شهید آیتا ۰۰ اشرفی اصفهانی

ی- اورژانس گسردان به‌داری شهید اشرفی اصفهانی در تنگابوش

۱۰- مختصات همدان همدان

الف- در جوار تپه‌ها اورژانس همدان همدان گسردید بکسیرت موقعیت همدان روز

همدان گسردید همدان از طریق هوا از به همدان جوار اورژانس همدان استفاده می‌کنند

ب- ۳ د همدان گسردید گسردید در د همدان جهت تخلیه مجروحان بیمارستان و ۲ د د گسردید

در جوار تالاقی در کسار ساحل رودخانه د همدان و د گسردید ۲ کپلومتری یادگان هین خوش پطرف -

انسان پشک قرار دارد

۱۱- تاسیسات داخل اورژانس همدان گسردید ای احداث گسردید

الف- مسجد جهت فعالیت‌های فرهنگی

ب- د متخپ و حرم امام

ج- سنگ گسردید اورژانس- پرسنل موتوری به‌داری- پرسنل تعاون- قرار گسردید ارکات

(پرسنلی غذا ائی پوشاک) به‌داری و تدا ارکات د- روی- سنگ- بانک خون- سنگ- جهت اتوبوس

ی- مپولان و مپولان به‌داری و سنگ گسردید و د همدان گسردید

۱۲- تپه‌ها و تپه‌ها و وسای به‌داری به‌داری به‌داری به‌داری

۸۷



شماره
تاریخ
پیوست

الفتدارکای بهمداری تیپ صباه (گردان بهمداری صباه)

په سندرگانه کتبه های شاه

ج۔ ہشتیانی تعداد رکاستہمداری ل ۲ امام زمان (عج)

د احتساب آمداد و د برهان مشترک مناطق او ۲و ۳

۷- هماهنگی بهداری زمهرل ۱۳ ماه زمان (هج) و بهداری ق کسلا با بهارستانهای

پشت جہلم بہتر زیر میہا شمس۔

الف ہیما رستان شہید گسٹری (بیمارستان سہاء) ہاظر نہت ۰۰ اتخت

ب سپهستان شهيد پيشتي

ج - بهارستان شهیدای ششسوس هساطریت ۱۱۰ تخت

هـ - بیمارستان الشار و زلزلہول

د۔ بیمارستان نیروی هوایی

لازم به ذکر می باشد که بهارستان های لسوq الذکره سرک سد ام دارای چندین اتاق عمل و آماد ه جهت پذیرش

مجرورین میباشند و تمامی این چهارستان هازیرنظاره ستاد امداد و درمان قی کهرلا کار می کند .

بد تخلص و جرحین از شرط مقدم بهای و انصاف و سببهای امیدوار و مستعمل بهتیمهای

تا به عمل ۳ ص: ۱۱

الف به وسیله نرسر (این نفر بر طبقاً از طرف تیمهای پایه ل ۳ تامین شد ماست)

بیتغلیه و افراد تغلیه گردند لمطلرد سته ها و گردان و گروه ها

ج- تخلیه هر وسیله مجهول الماسهای کمبند (ار) که ۴۰۰ تن آمبولاندها هم هستند ارکافی در اختیار میداری شیشهها قرار گرفته است

۹- تخلیه جگر و ریه از اورانیم های گرد آلوده های بهداشتی بیمارستان های رشت جهت رشب

الف - مسؤولانهای تصمیم‌دار

بفخلفه عجر وحید در جبهه او آتش و سوزن است

 $\wedge$



شماره
تاریخ
پرست

۱۰- مشخصات اورژانسهای گردانبای بهداری سیاه در تپهای تا به ل فتح و بیمارستانهای ل فتح

الف: بیمارستان لجام مدنی در شهر دهلران

ب: اورژانس گردان بهداری شهید مدنی در ۵ کیلومتری جاده بهات موسیان

ج: اورژانس گردان بهداری شهید مطهری ایت ۱۰۰۰ دستخیز در مجاورت راه تپ هلی این ا-

ا به طالب ج ۶ کیلومتری شهر موسیان نزدیکی نهر هنر

د: اورژانس گردان بهداری شهید محراب ایت صدوق در شهر موسیان

و: اورژانس گردان بهداری شهید محراب ایت ۱۰۰۰ اشرفی اصفهانی در ۲ کیلومتری یادگان عین خوشی

طرف دهلران

ه: ۲ اتاق عمل در مجاورت بهداری شهید محراب ایت ۱۰۰۰ اشرفی اصفهانی

ز: اورژانس گردان بهداری شهید محراب ایت ۱۰۰۰ اشرفی اصفهانی در تنگه ابو تریب

۱۱- مشخصات پدهای هلی کوپتر

الف: در مجاورت تمامی اورژانسها پدهای هلی کوپتر را اضطراری احداث کرده که در صورت موافقت، عملیات

در روز هلی کوپترها تخلیه مجروحین از طریق هوا را از پدهای مجاور اورژانس استفاده میکنند

ب: ۳ پدهای هلی کوپتر جداگانه یکی در دهلران جهت تخلیه مجروحین بیمارستان و دوید دیگری در

مجاورت پل طالقانی در کنار ساحل رودخانه دیرج و دیگری در ۲ کیلومتری یادگان عین خوشی به طرف

اتیشک قرار دارد

۱۲- تأسیسات داخل اورژانسها که توسط برادران بهای احداث گردیده

الف: مسجد جهت فعالیتها ی فرهنگی عقیدتی

به دستخیزی - حمام

ج: سنگر جهت پشتیبانی پرسنل اورژانس - پرسنل موتوری بهداری - پرسنل تعابین و امارگیر - سنگر ت

تدارکات پزشکی - غذایی بهداری - ستاد ارکات - دارویی - سنگر بانگ خون - سنگر جهت اتیوپیایی امبولانسها

- سنگر دهانی در نظر گرفته شده است

۱۳- تهیه امارگیری توسط برادران بهداری سیاه انجام میگردد



شماره: سیار
تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۱
پشت: ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- فرماندهی قرارگاه کربلا «سیاه»

۲- بهداری قرارگاه کربلا «سیاه»

۳- گزینش و درجه‌بندی ماری واحد بهداری

بیتو مسیلمه در ارتش بهداری قرارگاه کربلا را در رادار با عملیات کربلا شناسایی کرده و پیش از اعلام سیاه بهداری

اسم اینکم خداوند بزرگ توفیق غنیمت است اسلام و مسلمین را به لطف و عنایت بنویسید

در ضمن اعلام آمادگی بهداری قرارگاه کربلا را در صورت جدی بهداری اعلام بهداری

الف: اسدوری که بهداری قرارگاه کربلا بوده است

بافتی‌ها

- با ارتش جمهوری اسلامی - طبق محاسبات مکرر و مستند که با برادران بهداری ارتش و نماینده جنب سرافند

عمید شیرازی داشتیم تکرار بود که کما می‌را در رابطه با احداث اورژانس‌ها و مختصری و مسائلی و

به بهداری سیاه بنمایند به این دلیل که تقویم به لطف خدا آنها حدود بیست از ۹۰٪ امور بهداری و درونی

مهر و حسن اوضاع و احوال عملیاتی بهداری سیاه انجام می‌دهد ولی متأسفانه در همین حد هم

فکارهای تکمیل و به تدریج خودشان هر چند با وجود بهداری عملیاتی ندارند و می‌توان گفت که شکر

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره:
 تاریخ:
 صحت: ۹

۱۰۰ / شماره است

۵- اورژانس جیب استروم

دکتر جیبی	مستل اورژانس
۹۵ نفر	بزرگ
۳۲	هیپارویدیکسار
۱۵	تخت اورژانس
۲	تلفنی: بنام خدا
۲۱۷	امداد سرخط
۳۴	آمدان خط اورژانس

در بنده آمادگی کاملی و خدمت به هر یک از مراجعین میسر است

مهر ختم:
 تاریخ: ۱۰/۱/۶۱

دینعلی



شماره
آیج
پرست ۸

۲- اورژانس ابو غریب «انامین»

۲ نفر	۲۰	۱۲ نفر	۱۰ درگاه
۲۰	۱۲	۱۰	۱۰
۱۲	۱۰	۱۰	۱۰
۱۲	۱۰	۱۰	۱۰

۱- اورژانس شهید آیت الله خمینی (آیت الله کوبلا)

۱۰۰٪ آماره است	۸ نفر	۱۰	۱۰
	۸	۱۰	۱۰
	۸	۱۰	۱۰
	۸	۱۰	۱۰

۶۲

۶۴

۴۸ درگاه

۱۰۰٪

۱۰۰٪



شماره: _____
تاریخ: _____
پست: _____

اورژانس‌های بهداری سیاه

اورژانس شهید کربلای استرزی «۱۱ عین و ده»	۱۰/۷/۱۰۰
تخت اورژانس	۲۰ تخت
یونکس عمده	۵ نفر
دانشگاه سنا	۸ نفر
کلیسین باغچه	۳ نفر
دارو	۲ نفر
اورژانس	۱۰ نفر
اسپلاس خطاره	۳۵ نفر
یونکس خط	۱۰ نفر
اندر برس اسپلاس	۴ نفر
سین برس	۴ نفر

اورژانس شهید کربلای استرزی «۱۲ عین و ده»

دکتر احمدی	۲۲ نفر
یونکس عمده	۶ نفر
یونکس	۱۵ نفر
هیار	۲۰ نفر
تخت اورژانس	۳۰ تخت
اسپلاس	۴۴ دستگاه
اندر برس	۸ نفر
سین برس	۴ نفر



شماره: _____
تاریخ: _____
پرست: _____

ب۔ اور یہ کہ مربوط بہ ہمارے سپاہ سے صلح الزنا و صلواتی تحت امران انجا
سے ہے۔

۱- بیار، ل امام مهدی (عج) . واقع در طهران

۱۰ / آمادگی

مسئلہ ہمارے

اطاعتی عملی ۲ درسگاه

تحت اور اس ۳۷ تحت

۳۶. نفاذ

۳۰ اسب کامل برای

بائیں ہند کا کل

۱. اطاف عملیہ سہ السہ | مستور کیا اور اس نام حسنہ دی

$$J_2$$
$$1, 1, 3, 4 \uparrow / 10$$

۲، سماء

۳ اب

تاریخ کا دوری

تاریخ

۱۴۲۸ هجری قمری



شماره:

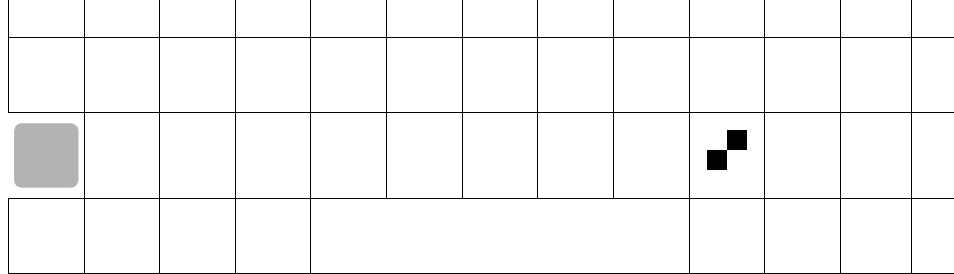
تاریخ:

پست: هجری

کارهای انجام شده توسط بیمارستان قرارگاه

۱- احداث بیمارستان شهید کاظمی سیاه پلستان واقع در اندیشه آباد ۱۰٪

مسئول بیمارستان	برادر دین رفیع	تخت بیمارستان	تخت ۳۵۰
سرور داخلی	عظاریا	اندیشه و عملیات	۱۰ نفر
تخت اورژانس	۴ تخت	سرور کلیت	۲ نفر
اطاق عمل	۴ اتاق	بانداژ	با تمام تجهیزات
آسیابان جراحی	انفر	اندیشه و عملیات	۳ دستگاه
جراح ارتوپد	۱	اندیشه و عملیات	۲
عمرق	۱	اندیشه و عملیات	۱
تستین سپهری	۱۰	آسیابان شهر	۱
اطاق عمل	۱۸		
آزمایشگاه	۸		
رادیولوژی	۴		
اورژانس	۲۰		
بیمار	۴۰		
پوشاک	۷		
تجهیزات	۳۰		



شماره: _____
تاریخ: _____
پرست: ۵


جمهوری اسلامی ایران


وزارت بهداشت و آموزش پزشکی

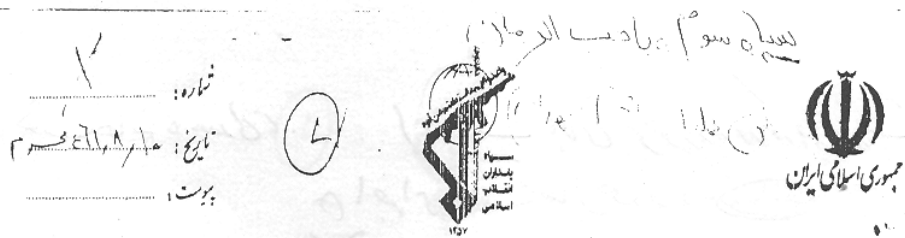
۲- ستاد تحکیم «معاشرت» مستقر در تهران، یاکا، وحدتی دزفول

۱۰۰٪ آماره است

ردیف	ردیف خدمات	ستاد تحکیم
۴ نفر	نرسه عمومی	
۱	مختص داخلی	
۲۰	هیار	
۲	پرستار	
۳۰	تکنسین اداری	
۲۰	امدادگر و تحکیم	
۱۰۰	تخت آماره	
۱۰	مدرسی سفره	

۳- مجمع نقاهتگاه های «شهرهای صنعتی» مستقر در یاکا، وحدتی دزفول

ردیف	ردیف خدمات	مجمع نقاهتگاه
۳ نفر	۷- پرسنل	تخت
۵	۹- امدادگر	نرسه عمومی
۷	۱۰- سفره	روان فاس
		پرستار
		هیار



بسم الله الرحمن الرحيم

سزاورش و هملکورد کرد انهای پیداری میانه و گسترده ان پیداری ادغامی تپ؛ اندر طی چند روز گذشته میانه

سزاورش میانه شد.

اند کرد انهای پیداری میانه با قصد ام پیکته میروا خدات اورانسن نمود مانند.

الف گسترده ان پیداری میانه اسمام حسین (ع) (شهید محراب آهتا ۱۰۰ اشری اصلهانی)

ب گسترده ان پیداری شهید محراب آهتا ۱۰۰ سید و قسسی (تسبی کسری کسری)

ج گسترده ان پیداری شهید محراب (تسبی نجف اشرف)

د گسترده ان پیداری شهید محراب (تسبی ۷ اهل این اهل طالب (ح))

ه گسترده ان پیداری تپ غده خرم آباد

۲ نوع اقدامات انجام شد باز طرف پیداری میانه موثر فیت سزاورانسن جهت پد پرتی جسر و حین

الف تمامی کارهای ساختمانی اورانسن با توسع میانه لشکر ۳ صاحب الزمان (عج) انجام گرفت

ب پرسنل و کساد رد اخلاص تمامی اورانسن با از طرف پیداری میانه تامین گردید

ج احداث تمامی امکانات رفاهی و تاسیسات پیداری میانه از طرف برادران امداد گرو پرسنل پیداری

کرد انهای پیداری

د تمامی امکانات پزشکی و اخلاص اورانسن با از طرف کرد انهای پیداری میانه تامین گردید

و توزیع کسبهای کسبهای اولیای افراد یهین رزید گسان و آموزش آن به تمامی برادران

ه در زمان حمله عظیمات جهت اورانسن با و بهارستانهای پشت جبهه کسبهای رفاهی و پروار است

ت تامین خون جهت اورانسن با می و طعم و رنظر گرفتن پانک خون جهت سزاورانسن

شبه کسب جهت گرفتن ادوات و تجهیزات برادران رزید از طرف تدار کات همسان تپ میانه را اورانسن با میانه شد

ر گرفتن آمار مجروحین امداد از ارتش و میانه همگی میانه سزاورانسن با در داخل اورانسن با میانه شد

غ سزاورانسن با اورانسن با زیر نظر مسئول کرد انهای پیداری میانه سزاورانسن با میانه شد

و جهت انتظامات محوطه اورانسن با و اورانسن با در رنظر گرفتن کسبهای میانه میانه میانه شد

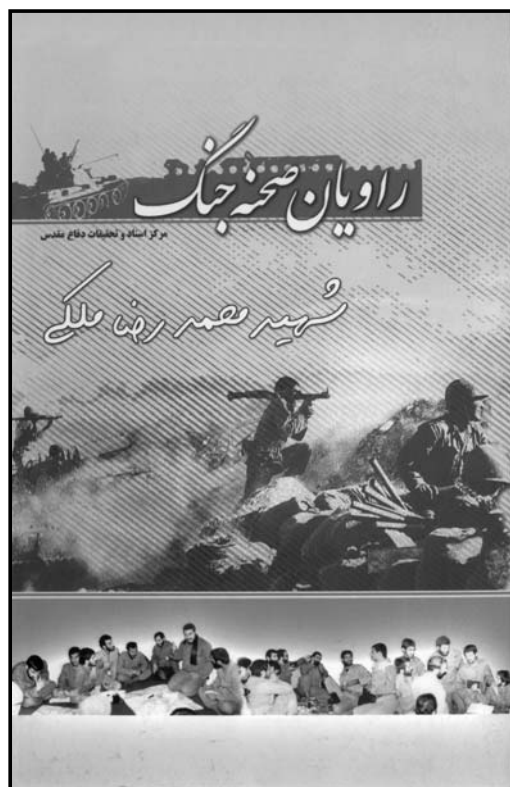
۴۴-۱۲۶۱۳

لحظه

معرفی کتاب

چمران بویه

راویان صحنه‌ی نبرد؛ شهید محمدرضا ملکی



شهید ملکی در قالب ۲ فصل آورده شده است. در این بخش جز در قسمت اشارات، هیچ جمله‌یی اضافه نشده و مؤلف فقط به انتخاب مطالب، عنوان‌بندی و چینش موضوعی آن‌ها اکتفا کرده است تا خواننده بی‌واسطه با نگاه عرفانی و احساسات و عواطف شهید آشنا شود و برداشتی آزادانه داشته باشد. برای مثال، در فصل "از دوستی تا حقیقت" به سیر تکاملی فطری و شناختی شهید ملکی پرداخته شده و به موضوعاتی همچون محبت، عقل، اخلاق و آموزش اشاره شده است؛ یا در فصل "از دل" به طور ویژه به فرازهایی زیبا از دست‌نوشته‌ها و عاشقانه‌های شهید که از لابه‌لای نگاشته‌های وی به والدین، همسر و دوستانش به دست آمده، توجه شده است تا مخاطب با واگویه‌های درونی او آشنا شود. فصول هشت‌گانه‌ی کتاب عبارت‌اند از:

فصل اول: "او یک مرد بود"؛ مجید سان‌کهن.
فصل دوم: "خواهرانه، مادرانه"؛ خدیجه ملکی خواهر شهید و سلما ایمانی مادر شهید.
فصل سوم: "بچه محل"؛ راوی مهرداد شریف کاظمی همسایه‌ی شهید.
فصل چهارم: "راویان"؛ راوی محسن رخصت‌طلب هم‌رزم شهید.
فصل پنجم: "ما دو نفر"؛ راوی حمیدرضا فراهانی دوست شهید.
فصل ششم: "همسر عزیز"؛ راوی ام‌النین (معصومه) عسگری همسر شهید.
فصل هفتم با عنوان "از دوستی تا حقیقت" و فصل هشتم با عنوان "از دل" شامل دست‌نوشته‌های عرفانی شهید ملکی است که با کوشش نویسنده گردآوری شده است.

کتاب راویان صحنه‌ی جنگ؛ شهید محمدرضا ملکی به همت مجید سان‌کهن در ۲۴۴ صفحه نگاشته و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در سال ۱۳۹۰ آن را منتشر کرده است. این کتاب اولین اثر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در خصوص معرفی راویان شهید در طول هشت‌سال دفاع مقدس است.

کتاب راویان صحنه‌ی جنگ به دو بخش کلی تقسیم شده است: بخش اول کتاب، شامل فصل‌های اول تا ششم بر اساس روایت افراد خانواده، دوستان، نزدیکان و هم‌رزمان شهید تدوین شده است. در بخش دوم، دست‌نوشته‌ها و دل‌نوشته‌های

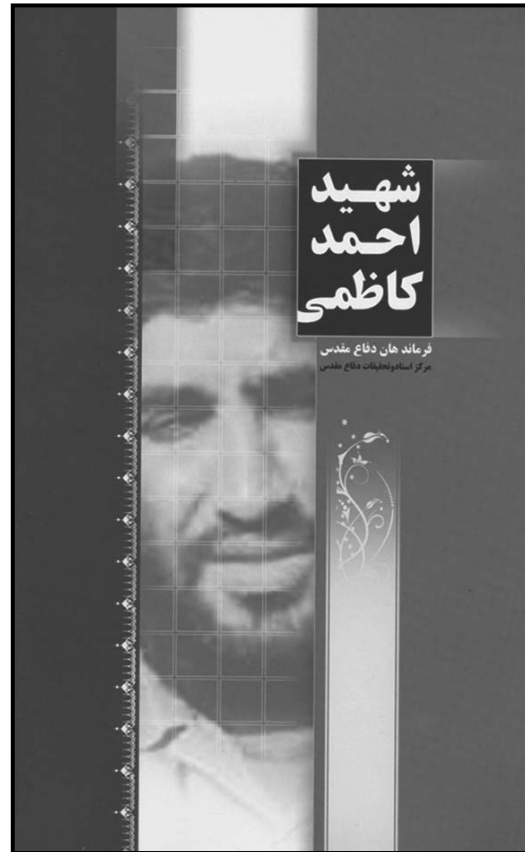
فرماندهان دفاع مقدس؛ شهید احمد کاظمی

برای کسانی که شناخت چندانی از شهید کاظمی ندارند، غریب و شگفت‌آور خواهد بود. پیروزی در عملیات‌ها با به کارگیری ابتکارات راهبردی متعدد، فرماندهی و مدیریت قوی در گُردستان و منطقه‌ی قرارگاه حمزه و از بین بردن زمینه‌های فعالیت گروهک‌ها بخشی از اقدامات این فرمانده بزرگ است که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب شهید احمد کاظمی از مجموعه کتاب‌های فرماندهان جنگ می‌باشد که به کوشش سعید سرمدی در ۳۰۰۰ نسخه و ۳۱۲ صفحه در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تدوین و منتشر شده است. در ابتدای کتاب و پس از مقدمه، متن وصیت‌نامه‌ی شهید احمد کاظمی به چاپ رسیده است؛ این وصیت‌نامه دو محور اصلی وجود دارد: نخست، عشق به شهادت و التماس به محضر الهی برای رجوع به مبدأ هستی و وصل به معبود لایزال و سپس بیان ناملايمات و سختی‌هایی که در لفافه و سربسته مطرح شده است.

کتاب حاضر ده فصل دارد: فصل اول کتاب با عنوان "شهید احمد کاظمی از نمای نزدیک و دور" به قلم دکتر محسن رضایی به رشته‌ی تحریر درآمده است. سوابق و مبارزات احمد کاظمی در دوران انقلاب اسلامی، عبور از تنگه‌ی رقابیه در عملیات فتح‌المبین، پایان آفند خارجی و شروع پدافند داخلی، سفر مقام معظم رهبری به منطقه‌ی قرارگاه حمزه، احمد و خانواده، دل‌باخته‌ی حسین و مهدی، اهل سیاست و نه سیاسی‌کاری، شوخ طبعی و فداکاری در زلزله‌ی بسم از مهم‌ترین عناوین این فصل به شمار می‌رود.

عنوان فصل دوم کتاب، "شهید کاظمی و نقش او در جنگ" است که حاصل گفت و گوی راوی جنگ، برادر محمد درودیان با سرداران غلامعلی رشید و قاسم سلیمانی می‌باشد. زیرکی و تدبیر فوق‌العاده، دوراندیشی، استفاده از فرصت در ابعاد تاکتیکی و



سازنده‌ی سقوط هواپیمای حامل فرماندهان و مسئولان سپاه در ۱۹ دی ۱۳۸۴ و شهادت سردار حاج احمد کاظمی در این حادثه، سبب شد تا یکی دیگر از فرماندهان بزرگ جنگ که سال‌ها در پس حجاب گمنامی پنهان شده بود، به جامعه معرفی شود.

عظمت شخصیت، خصائص اخلاقی برجسته، خدمات ارزشمند شهید کاظمی در دوران جنگ و تلاش‌های بی‌دریغ او برای برقراری امنیت مرزی (در گُردستان و منطقه‌ی قرارگاه حمزه)، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس را بر آن داشت تا مقالاتی را که تاکنون درباره‌ی این شهید بزرگوار در فصل‌نامه‌ی نگین ایران به چاپ رسیده است در کتابی مستقل گردآوری و منتشر کند. بسیاری از مطالب این کتاب

جنگ صدام؛

گفتگو با آخرین فرمانده گارد ریاست جمهوری



جنگ صدام ترجمه‌ی کتاب Sad dam's War, An Iraqi Military Perspective of Iran-Iraq War

است که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است. این کتاب در دو بخش به قلم کون وودز و ویلیامسون مورای نوشته شده و داود علمایی کوپایی آن را ترجمه کرده است. بخش اول، خلاصه‌ی از اطلاعات و تحلیل نویسندگان را در بر می‌گیرد که بر مبنای گفت و گو با ژنرال حمدانی به دست آمده است. بخش دوم، متن ویرایش شده‌ی این گفت و گو است که عموماً به ترتیب تاریخ وقایع منظم و مدون شده است. همان‌طور که اشاره شد این کتاب در بردارنده‌ی

راهبردی، انضباط، شجاعت، جسارت و ادب از خصوصیات بارز شهید احمد کاظمی است که در این فصل بیان شده است.

"فرمانده شهید به روایت فرمانده دیگر"، "احمد کاظمی در جنگ و پس از آن"، "مرز مدیریت آشتی‌پذیر و مدیریت آشتی‌ناپذیر"، "خنده در حلقه‌ی آتش و آب"، "پیشروی در عمق (لشکر ۸ نجف در عملیات والفجر ۸)" و "جنگ و گریز در شرق بصره (لشکر ۸ نجف اشرف در عملیات کربلای ۵)"، عناوین فصل‌ها سوم تا هشتم کتاب می‌باشند که به ترتیب به همت سردار غلامعلی رشید، دکتر حسین علایی، مجید نداف، سردار مصطفی ایزدی و مهدی انصاری نگاشته شده‌اند.

فصل نهم با عنوان "تجزیه و تحلیل عوامل و شرایط مؤثر در پایان جنگ" متن سخنرانی شهید کاظمی در جمع نیروهای لشکر ۸ نجف اشرف در پایگاه انبیا شوشتر می‌باشد.

فصل دهم، فصل پایانی کتاب است و "نقش سپاه در جنگ و تأمین امنیت" نام دارد. این فصل گزیده‌ی از سخنان دکتر حسن روحانی در آیین یادبود شهید کاظمی و هم‌زمانش در پنجم بهمن ۱۳۸۴ است که در مدرسه‌ی عالی شهید مطهری ایراد شده است. وی در این سخنرانی تهدیدهای نظامی اسلامی در سال‌های پس از انقلاب و جایگاه و سهم سپاه را در عبور از بحران‌ها برشمرد و بررسی کرده است. در پایان کتاب هم عکس‌هایی از شهید احمد کاظمی در جمع هم‌زمانش، چاپ شده است.

گفتنی است گردآوری و کنار هم قرار دادن مقالات علمی، سخنرانی‌ها، گفت‌وگوها، زندگی‌نامه و خاطرات مربوط به این شهید بزرگوار، یک دست کردن متن کتاب را دشوار کرد، اما در عین حال تنوع و جذابیت خاصی به آن بخشید.

- گفت و گوی مفصل چندتن از اساتید مؤسسه‌ی تحلیل‌های دفاعی دانشگاه دفاع ملی امریکا با آخرین فرمانده سپاه گارد عراق ژنرال حمدانی، است. حمدانی در این گفت و گوها ضمن تجزیه و تحلیل برخی مسائل مربوط به عملیات‌های ارتش عراق و نیز بعضی عملیات‌های ایران در دوران جنگ هشت‌ساله، از دیدگاه خود نقاط قوت و ضعف قوای رزمی دو طرف را مورد بررسی قرار داده است. سخنان حمدانی به این دلیل حائز اهمیت است که وی یکی از نظامیان با سابقه و قدیمی عراق بوده و مدتی را در لشکر و سپس سپاه گارد ریاست‌جمهوری در عالی‌ترین سطوح خدمت کرده است. او در طول خدمت خود، تجربه‌های فراوانی را از جنگیدن با نیروهای ایرانی به ویژه داوطلبان بسیجی کسب کرده و پیوسته به فکر فائق آمدن بر شیوه‌های جنگی رزمندگان اسلام بوده است. بنابراین، از گفته‌های وی می‌توان دریافت که در چه موقعیت‌هایی نیروهای ایرانی موفق‌تر عمل کرده‌اند و چرا در برخی عملیات‌ها ناکام بوده‌اند. از سوی دیگر او در این مصاحبه تا حدی وضعیت نیروهای رزمی عراق را تشریح و بعضی مسائل بالاتر از سطوح ارتش را نیز بیان کرده است. بعضی از مطالبی که او در این گفت و گو مطرح کرده، شاید پس از گذشت سال‌ها برای اولین بار بیان شده باشد.
- این کتاب اولین جلد از مجموعه کتاب‌هایی است که با هدف افزایش شناخت ارتش‌های خاورمیانه، ارتش جدید عراق، همسایه‌های عراق و استعدادهای منطقه‌یی و جهانی تهیه شده است که این شناخت برای حفظ منافع امریکا اهمیت فراوانی دارد. در کتاب جنگ صدام- که بر مبنای مطالعه وظایف و تاریخ نظامی که به پروژه‌ی ۱۹۴۶ معروف است- تدوین یافته این موارد مورد توجه قرار گرفته‌اند:
- تدوین مجموعه‌یی از سوابق جنگی، سازمانی و نیرویی عراق نوین.
 - بهبود و افزایش شناخت از عراق و منطقه‌ی آن.
 - تهیه‌ی سوابق تاریخی، ارائه‌ی نمایی از شخصیت و سیاست منطقه و طرح داده‌هایی برای مطالعات و تحلیل‌های بلندمدت توسط سازمان‌های امنیت ملی.
 - مشخص کردن تأثیرات و کاربرد قابلیت‌های امریکا، از منظر دشمن برای تدوین دکترین و سازمان‌دهندگان نیرویی.
 - پشتیبانی از طرح‌ریزی عملیاتی و راهبردی با بهبود شناخت امریکا از تفکر نظامی اعراب، ارتش جدید عراق، کشورهای همسایه و استعدادهای منطقه‌یی.
- همان‌گونه که ذکر شد این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول با عنوان "بررسی و تحلیل" شامل ۱۰ سرفصل بدین ترتیب است:
۱. ملاحظات کلی
 ۲. جنگ‌های اعراب و اسرائیل و ظهور حزب بعث.
 ۳. از جنگ ۱۹۷۳ تا جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰).
 ۴. جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰).
 ۵. دوره‌ی جنگ.
 ۶. جنگ فرسایشی ۱۹۸۵-۱۹۸۲ (۱۳۶۴-۱۳۶۱).
 ۷. سال ۱۹۸۲ و پس از آن.
 ۸. بازیابی وضعیت پس از شکست فاو.
 ۹. مباحثی درباره‌ی جنگ سرد ایران و عراق در دهه‌ی ۱۹۹۰.
 ۱۰. صدام: رهبری سیاسی و نظامی.
- بخش دوم که با عنوان "گفت و گو" تدوین یافته است، شامل ۱۶ مصاحبه به این شرح است:
- گفت و گوی اول: جنگ‌های اعراب و اسرائیل و انتقال قدرت به حزب بعث.
- گفت و گوی دوم: تغییر قدرت نظامی و سیاسی در عراق در دهه‌ی ۱۹۷۰، تغییر قدرت سیاسی و نظامی در ایران و مراحل اولیه‌ی جنگ ایران و عراق.

اقدامات مقابله‌یی عراق.

گفت و گوی چهاردهم: نقش مذهب در جنگ ایران و عراق، موضوع بلوچ‌ها و اکراد، حملات هوایی و موشکی و سلاح‌های هوشمند و ماهواره‌یی، بازدارندگی موشکی ایران.

گفت و گوی پانزدهم: عملیات زرهی، ذهنیت صدام از فن‌آوری نظامی، تحولات تاکتیکی و عملیات ایران.

گفت و گوی شانزدهم: توصیه‌هایی به امریکا برای اقدام در عراق پس از ماه می ۲۰۰۷.

کردستان در جنگ ضد شورش گری و دفاع مقدس

انقلاب اسلامی بلافاصله بعد از پیروزی با دو طیف از دشمنان مواجه شد: طیف اول، دشمنان داخلی بودند که تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی دو بلوک شرق و غرب قرار داشتند، همواره خود را مستحق رهبری مردم می‌دانستند و برای تحقق خواسته‌های‌شان اقدامات فراوانی انجام می‌دادند؛ طیف دوم، دشمنان خارجی بودند که با پیروزی انقلاب اسلامی، از یک سو، منافع آنان به خطر افتاده بود و از سوی دیگر، با معرفی چهره‌ی جدیدی از اسلام، ایدئولوژی آنان متزلزل شده بود و شعارهای‌شان دیگر نزد ملت‌ها جذابیت نداشت. این دو طیف نقش مؤثری در بی‌ثبات جلوه دادن نظام ایفا کردند. طیف دشمنان داخلی، با تهدید وحدت ملی و استقلال کشور، خواستار استقلال اقلیت‌های ایرانی و تجزیه‌ی سرزمین‌های آنان، از جمله تجزیه‌ی مناطق کُردنشین بودند تا با حمایت قدرت‌های بزرگ زمینه‌ی تشکیل کشور مستقل کُردستان را فراهم کنند. طیف دشمنان خارجی نیز با حضور در کشورهای عراق و ترکیه، در عمل صحنه‌گردان بحران‌های سیاسی و امنیتی داخل ایران بودند و کشورهایی مانند شوروی، امریکا،

گفت و گوی سوم: نیروی هوایی عراق، فرماندهی عراق در سال ۱۹۸۱، واکنش صدام به شکست‌ها و اعدام افراد، تلفات و توسعه‌ی ارتش عراق در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲.

گفت و گوی چهارم: ابعاد شخصیتی و روانی صدام، نبرد زرهی عراق، تاکتیک‌های موج انسانی ایران، کاریزمای امام خمینی، نبرد خرمشهر.

گفت و گوی پنجم: هرج و مرج‌های سیاسی تهران در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰، تاکتیک‌های نفوذ ایران، حملات به بصره، نفوذ ایران به هور، سلاح‌های شیمیایی و گارد ریاست‌جمهوری عراق.

گفت و گوی ششم: عملیات ایران در حاج عمران و حمایت کُردها، راهبرد و تاکتیک پیش‌بینی نشدنی ایران، تلفات لشکر ۶ زرهی عراق، توسعه‌ی اطلاعات و حمایت ماهواره‌یی از عراق.

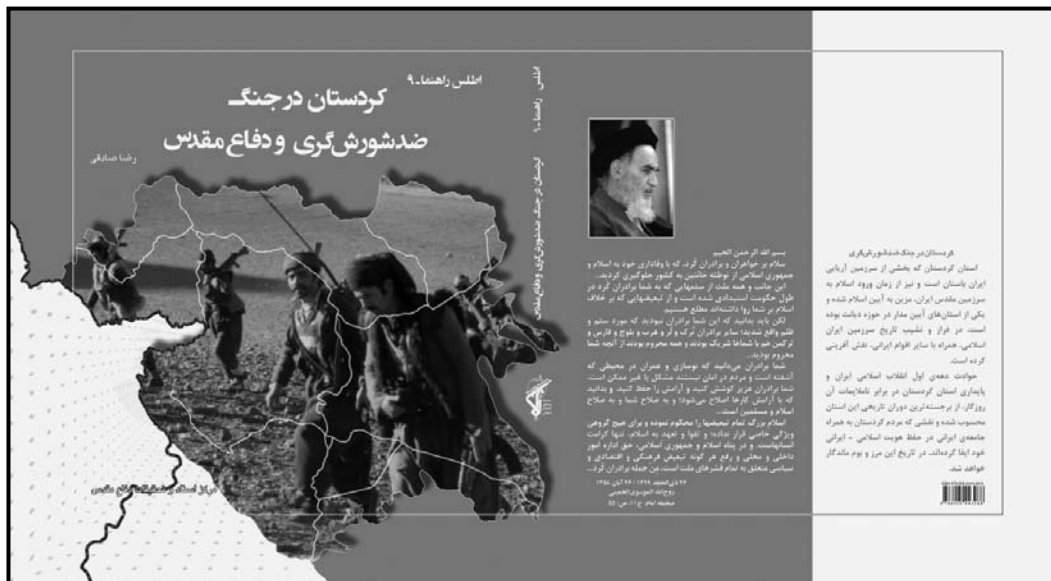
گفت و گوی هفتم: عملیات فاو، اسرای جنگی. گفت و گوی هشتم: توسعه‌ی گارد ریاست‌جمهوری و واکنش به فاو، نقش حسین کامل، حمله‌ی ایران به بصره و شلمچه.

گفت و گوی نهم: تغییرات فرماندهی گارد ریاست‌جمهوری، حملات موشکی، حلبچه، طرح‌ریزی عراق برای عملیات بازپس‌گیری فاو، مجاهدین خلق در جنگ.

گفت و گوی دهم: تأسیس ارتش عراق، فرهنگ نظامی عراق، عبرت‌های فراگرفته از جنگ ایران و عراق، تصور صدام از جنگ.

گفت و گوی یازدهم: جنگ دوم خلیج فارس. گفت و گوی دوازدهم: طرح‌ریزی نظامی علیه ایران در دهه‌ی ۱۹۹۰، توضیح تاریخی جنگ ایران و عراق، عناصر دینی و قومی، اروندرود، ایدئولوژی حزب بعث و امام خمینی.

گفت و گوی سیزدهم: جنگ ۲۰۰۳ و راهبرد ایران، توانمندی‌ها و توسعه‌ی قدرت نظامی ایران،



است تا چگونگی بروز بحران در کردستان و حوادث حاصل از آن، اقدامات شورش گرانیه گروه‌های تجزیه طلب، تسامح ناکارآمد دولت مرکزی در برابر بحران آفرینان، سرکوب شورش گران، آزادسازی مناطق مختلف استان از سلطه‌ی شورش گران، تأمین مرز بین‌المللی، دفع تجاوز ارتش بعثی عراق از مناطق مرزی ایران و آزادسازی مناطقی از استان سلیمانیه‌ی عراق بیان و به تصویر کشیده شود.

اطلس کردستان، در جنگ ضد شورش گری و دفاع مقدس در هفت فصل تدوین شده است: فصل اول کتاب با نام "وضعیت عمومی"، به تاریخ و جغرافیای استان کردستان و معرفی اجمالی گروه‌های شورش گر پرداخته است. فصل دوم بروز بحران در کردستان، تلاش دولت برای کنترل بحران توأم با تسامح و ناکارآمدی آن را بیان کرده است. فصل سوم، چهارم و پنجم به ترتیب آزادسازی شهرها، جاده‌های ارتباطی و مناطق بینابینی را به تصویر کشیده‌اند. فصل‌های ششم و هفتم به ترتیب به عملیات‌هایی که با هدف تأمین مرز انجام شده و نبردهایی که با هدف تعقیب ارتش تجاوزگر عراق به اجرا درآمده و به آزادسازی نوار غربی استان سلیمانیه‌ی عراق انجامیده است، اشاره دارند.

فرانسه و حکومت صهیونیستی با حمایت‌های خود از گروه‌های ضد انقلاب، بحران‌های داخلی را تشدید و نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی ایران را تضعیف می‌کردند. آن‌ها با راه انداختن جنگ داخلی می‌کوشیدند از قوام دولت مرکزی و استقرار ثبات سیاسی در کشور جلوگیری کنند.

بر این اساس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با استفاده از اسناد و اطلاعات موجود در این مرکز و پروژه‌ی شهید بروجردی و با هدف نمایاندن گوشه‌هایی از وقایع و حقایق دوران هشت‌ساله‌ی دفاع و مقاومت در برابر تجاوز ارتش عراق، اقدام به تدوین اطلس شماره ۹ با عنوان کردستان در جنگ کرد. این کتاب که به همت آقای رضا صادقی نگاشته شده است، به فعالیت‌های گسترده‌ی گروه‌های ضد انقلاب در استان کردستان برای تجزیه‌ی کشور؛ اقدامات تروریستی و نظامی گروه‌های تجزیه طلب؛ تلاش امام، مسئولان، فرماندهان و رزمندگان برای حفظ امنیت مردم این منطقه و جلوگیری از درگیری و جنگ در آن و عملیات‌های پاک‌سازی و کنترل بحران که به همت رزمندگان انجام شده، اختصاص یافته است. همچنین در این اطلس در قالب متن‌های فشرده، نقشه‌ها، عکس‌ها، نمودارها و جدول‌ها تلاش شده

نقد و بررسی کتاب تحلیل عملیات طریق القدس

امیر رزاقزاده*

تا کنون اقدام به برگزاری همایش‌های نقد و بررسی آثار منتشره خود کرد و در نشست‌های مذکور از جمع کثیری از فرهیختگان، اساتید، فرماندهان و پژوهش‌گران مراکز گوناگون ارتش، سپاه و جهادی و دانشگاهی دعوت به عمل آورد و توانست با الهام از تجارب آنان به ارتقای آثار خود اقدام کند. اگر چه این مجموعه در چنین کاری پیش‌گام و پیش‌قدم شد اما همواره در امید به برگزاری نشست‌های مشابهی در سایر



جنگ از دیر باز نقش اساسی در بقا و حیات جوامع بشری ایفا کرده و تجلی‌گاه اراده‌ها و در بردارنده‌ی دانش، خلاقیت و آموزه‌های فراوانی است. تحقیق و بررسی ابعاد جنگ نمایان‌گر فراز و نشیب‌های بسیار و رخدادها و تحولات آن حاوی دانش، تجربه و اطلاعات ارزشمندی است که موشکافی در آن‌ها به شناخت ابعاد گوناگون این پدیده عبرت‌آموز کمک می‌کند و تجربه‌های

ارزشمندی را در اختیار آیندگان قرار می‌دهد. پدیده دفاع مقدس که در واقع یک الگوی نسبتاً کاملی از علم، اندیشه، مدیریت و راهبری منطقی در حوزه‌ی مدیریت دفاعی امنیتی و استراتژیک می‌باشد. بی‌تردید، استفاده از آموزه‌ها و تجارب به دست آمده از جنگ‌های گذشته به ویژه دفاع مقدس در طراحی مبانی و چارچوب‌های دفاعی - نظامی آینده کشور بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. تبیین نبردها و شیوه‌های بکار گرفته نیروهای شرکت کننده در هر عملیات می‌تواند در این بستر مورد استفاده قرار گیرد. یکی از فعالیت‌های مهم پس از جنگ بررسی آثار انتشار یافته سازمان‌ها و مراکز شرکت کننده در میادین نبرد می‌باشد. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از سال ۱۳۸۵

مبادی ذیربط دفاع مقدس و انتظار دعوت در جمع نقادان آثار آنان را داشت اما این امر محقق نشد. چرا که با گذشت بیش از دو دهه از رویدادها و حوادث هشت سال دفاع مقدس وضعیت کنونی طبق فرامین امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای چنین رویکردی کاملاً آماده و مهیا و ضروری است. براین اساس این مرکز نیز در صدد برآمد تا ضمن نقد آثار انتشار یافته سایر سازمان‌ها بلکه بتواند گامی در جهت رشد اهداف و آمال ملی نیز بردارد و در این مسیر همچنان به پیشگامی خود ادامه دهد. اثری که در این شماره از فصل‌نامه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، کتاب تحلیل عملیات طریق‌القدس نام دارد که دارای مشخصات زیر

* راوی و پژوهش‌گر و نویسنده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

می باشد.

کتاب شناسی اثر:

عنوان: تحلیل عملیات طریق القدس

موضوع: تجزیه و تحلیل نبرد طریق القدس

ناشر: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع

مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران

پدیدآورندگان: امیر سرتیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری

و امیر سرتیپ ۲ ستاد نصرت اله معین وزیری

زمان نشر: چاپ اول ۱۳۹۰

شمارگان (تیراژ): ۴۰۰۰ نسخه

مشخصات ظاهری: قطع در ابعاد ۱۴/۵ سانتی متر

و دارای ۲۵۲ صفحه

اثر یاد شده چندمین کتابی است که از سوی ارتش در خصوص عملیات طریق القدس منتشر می شود و با اهتمام و بن مایه اطلاعاتی امیر سرتیپ ۲ ستاد امیر مسعود بختیاری که خامه ارزشمند قلم او بر سایر کتب منتشره دیگر قبلی مزین شده و هم چنین تلاش وافر امیر سرتیپ ۲ ستاد نصرت اله معین وزیری به رشته تحریر در آمده است.

این اثر را از چند منظر زیر مورد نقد و بررسی قرار می گیرد:

الف. کلیات، ب. شکلی، ج. محتوایی

الف کلیات

۱. بخش اول:

بی تردید تاریخ رشادت های نسلی که در مقابل دشمن قد علم کردند و در طول هشت سال دفاع مقدس جان فشانی و ایثارگری کردند همواره بر تارک تاریخ ایران خواهد درخشید. حماسه پایداری مردم و نیروهای مسلح اعم از بسیج، سپاه، ارتش، نیروهای نامنظم، ژاندارمری، کمیته، شهربانی و ... هیچ گاه فراموش نخواهد شد. در عین حال نکته مهمی که همواره باید مطمح نظر قرار گیرد این است که همواره رمز پیروزی ملت سلحشور ایران اتحاد،

وحدت کلمه و ایمان به تعالیم مکتب انسان ساز اسلام بوده و این مهم آموزه ای ارزشمندی برای همه اعصار تاریخ ایران هست و خواهد بود.

چنانچه هر یک از دست اندرکاران کشوری و لشکری ادعا داشته باشند که آنان محور اصلی و تعیین کننده جنگ بوده اند به طور قطع و یقین به خطا رفته اند. براین اساس لازم است تمامی آحاد ملت و نیروهای مسلح این نکته مهم را در نظر داشته باشند که چنانچه امام خمینی (ره) همواره می فرمودند: اگر در مقابل دشمن یک واحد و یک لشکر الهی باشید پیروزی از آن شما خواهد بود.

حال ضمن در نظر داشتن چنین بن مایه ای باید به تاریخ جنگ و هشت سال دفاع مقدس نگرست. گرایش غالب فرماندهان، پژوهش گران و نویسندگان ارتش درج وقایع جنگ با محوریت ارتش جمهوری اسلامی ایران می باشد و در صدد ارائه گزارش عملکرد صرف سازمان خود می باشند. بی تردید حمیت و تعصب صنفی ممدوح و ارزنده است اما نه به قیمت نادیده انگاشتن حضور و تلاش های بی بدیل دیگران.

در اکثر آثار و محصولات فرهنگی انتشار یافته ارتش جمهوری اسلامی ایران به ضعف و از هم پاشیدگی سازمان ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در بدو جنگ هشت ساله اشاره شده است. ضمن این که ارتش مقارن با یورش ناجوانمردانه دشمن اشغال گر متحمل خسارت فراوان از حیث نیروی انسانی، تجهیزات، امکانات (تسلیمات) و اماکنی نظیر پادگان ها و زاغه های مهمات شد و این روند در چهار عملیات گسترده ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ نیز تداوم یافت و سازمان رزم یگان های ارتش، آسیب بیشتر و جبرانناپذیری متحمل شد. اما پس از گذشت قریب ۹ ماه سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران، از چه قابلیت های در زمینه نیروی انسانی و تجهیزات و امکانات برخوردار

شده که در مقابل دشمن به عنوان عامل تعیین کننده اصلی از سوی نویسندگان و فرماندهان ارتش به شمار می‌آید؟

آیا ارتش جمهوری اسلامی ایران به رغم تحریم‌ها و حصر اقتصادی جهانی و عدم وجود منابع مالی مکفی و لازم، به تسلیحات و امکانات نوینی دست یافت؟ آیا سازمان رزم و یگان‌های آن نظیر ارتش عراق از نظر کمی و کیفی توسعه قابل ملاحظه و فوق‌العاده‌ای پیدا کرد؟ آیا نظام ارتش به مانند امروز از حیث آموزش علوم و فنون دچار تغییر و تحول اساسی شد؟

نکته مغفولی که از سه دهه قبل تاکنون بعنوان مسئله اصلی هنوز نزد برخی از دست‌اندرکاران، پژوهش‌گران و نویسندگان ارتش لاینحل باقی مانده است این موضوع است که ابتدا به ارتش ظلم شد، سپس ارتش در مرزها دفاع جانانه کرد و از آن پس در نبردهای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی ایران مناطق گسترده‌ای را با اتکاء به توان عمده قوای ارتش آزاد ساخت. اگرچه با وجود تمام کم و کاستی‌ها، نیروهای جان بر کف ارتش که از تمام وجود و جان مایه گذاشتند و شهدای بسیاری برای اعتلای کلمه‌الله و میهن اسلامی تقدیم محضر الهی و سرزمین اسلامی کرد؛ اما براساس معادلات موجود توان، آموزش، روحیه و امکانات ارتش جمهوری اسلامی ایران به تنهایی کفاف مقابله، مقاومت و پس زدن ارتش عراق را نمی‌کرد. بر همین مبنا نیز دشمن با محاسبه سود و زیان عمل خویش دست به حمله به ایران زده بود. تعبیری که در خاطرات سپهبد شهید علی صیادشیرازی از دوران دفاع مقدس در آثار انتشار یافته ارتش به یادگار مانده دقیقاً مؤید این ادعاست.

اگر چه مقاومت و رشادت‌های نیروهای سلحشور ارتش در شکل‌گیری مقاومت اولیه در برخی از مناطق هجوم عراق مؤثر بود اما اینکار بعضاً با مشارکت

فعالان نیروهای مردمی، محلی، عشایر، بسیج و سپاه تقویت شد و میزان آسیب‌رسانی را کاهش و بر مقاومت همگانی افزود. چیزی که در اذهان همواره مغفول مانده تجمیع اراده‌های اقشار، اصناف گوناگون مردم به رغم امکانات محدود بود و به جای استقبال از نیروی اشغالگر میهن اسلامی، آنان دلبرانه به مصاف قوای نظامی دشمن رفتند و اعتماد به نفس از دست رفته را احیا کردند این یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مقاومت عمومی در مقابل ارتش عراق بود که در چنین آثاری کمتر بدان اشاره شده یا می‌شود.

در عین حال حضور نیروهای فداکار و دلسوز ارتش جمهوری اسلامی در سه نیرو، ستاد مشترک و سایر بخش‌های پشتیبانی و لجستیک در میادین نبرد و یا در عقبه‌ها برای مقابله با دشمن ستودنی و بیادماندنی است و مسلماً باید در تاریخ ثبت و ضبط شود، اما درج مطالب ارتش به تنهایی کافی نیست و باید در ابعاد ملی حقایق مستند چه در زمینه پیروزی‌ها و شکست‌ها درج گردد.

۲. بخش دوم

باعنایت به موضوعات مطروحه در بخش اول مبحث کلیات این موضوع اساسی مطرح زیر همواره مطرح است که :

۱. جایگاه آثار ارتش در انتشار نبردها چیست؟
۲. آیا نویسندگان، پژوهشگران و سازمان‌های متولی نشر ارزش‌های دفاع مقدس دارای سند چشم‌انداز، راهبرد و رویکرد خاصی در انتشار محصولات فرهنگی خود به ویژه این کتاب هستند؟
۳. نسبت اثر منتشره چه ارتباطی با سایر آثار دارد؟
۴. انتشار این کتاب بر اساس چه ضرورتی انجام گرفته است و کدامیک از قطعات پازل راهبردی سیاست‌های اطلاع‌رسانی آن مجموعه را در بر می‌گیرد؟
۵. پاسخ به چه سوالاتی مغفول مانده که فرماندهان

کار به این اثر افزوده شده است و از دقت نظر لازم برخوردار نیست.

ج. از نظر ساختاری و محتوایی:

از نظر ساختاری و محتوایی نیز کتاب دارای نقائص زیر می باشد.

- بخش ساختاری:

۱. عدم وجود فصل یا بخش مستقل در خصوص جایگاه عملیات طریق القدس در استراتژی جدید جنگ و صرفاً اکتفا کردن به درج چند سطر محدود در بخش مقدمه (در صفحات ۷ و ۶) و در سه سطر آخر ص ۳۹ مبحث طرح ریزی عملیات آن هم به صورت مبهم و ناقص. هم چنین چگونگی شکل گیری استراتژی نظامی ایران در فضای جدید حاکم بر کشور نیز بیان نشده است.
۲. عدم وجود بخش یا فصلی مستقل در خصوص زمینه سازی بحران ها و شورش های داخلی ایران قبل از آغاز جنگ و تحرکات مستمر نظامی عراق و ستون پنجم در نقاط مرزی یا عمق مناطق دشت آزادگان در سال های ۱۳۵۸ و (شش ماهه اول) ۱۳۵۹.

۳. فقدان اطلاعات مناسب مربوط به مباحث آماده سازی نیروها به ویژه یگان های سپاه و مردمی در فصل یا بخشی مستقل.

۴. نبود اطلاعات لازم و کافی در خصوص وضعیت حاکم بر کشور مقارن با نبرد طریق القدس به منظور اقناع سازی مخاطبان.

۵. فقدان نمایه و فهرست موضوعی در انتهای کتاب به منظور یافتن کلید واژه های و واژگان اساسی و پر تکرار برای سادگی و سهولت کار دسترسی محققان به مباحث مورد نیاز.

۶. در بخش طراحی و اجرای عملیات، مبحثی در خصوص تک اصلی و پشتیبانی به صورت مستقل وجود ندارد.

پدید آوردگان اثر در صدد رفع آن ابهام بر اساس اطلاعات یک دهه قبل بدون هیچ کم و کاستی بر آمده اند؟*

۶. چرا با وجود انتشار آثار دیگری از سوی سپاه به ویژه مرکز اسناد و تحقیقات جنگ (نظیر اطلس دشت آزادگان)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ستاد کل نیروهای مسلح (نظیر نبردهای دشت آزادگان - کارنامه تاریخ جغرافیای مناطق عملیاتی غرب اهواز ۱۳۶۷-۱۳۵۹) دفتر ادبیات و پایداری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (نظیر نبرد چزابه)، نیروهای بسیج مردمی (نظیر کتاب دشت آزادگان در ۸ سال دفاع مقدس)، جهاد سازندگی (نظیر راه پیروزی و عمل کرد جهاد سازندگی خراسان در دفاع مقدس) و سایر رزمندگان و اسناد و آثار منتشره هیچ گونه برداشتی برای تکمیل چندمین اثر منتشره شده از این دست (در فصل اول) به عمل نیامده تا کاستی ها و زوایای مغفول را برای علاقمندان و محققان بگشاید و همواره به درج اطلاعات کهنه، تکراری و ناقص بسنده شده است.

ب. اشکالات شکلی:

کتاب از نظر شکل دارای نقیصه های است که به برخی از آنان اشاره می شود.

۱. قطع کتاب خارج از عرف استاندارد است و مشخص نیست که بر اساس چه الگوی انتشار یافته است و ابعاد آن مطابق با ابعادی موجود بازار نظیر قطع پالتویی یا رقعی نیست.
۲. صفحه بندی کتاب از چارچوب مشخصی پیروی نمی کند و فواصل حاشیه های متن در بخش های مختلف متفاوت و غیر استاندارد است.
۳. قلم متن کتاب یکسان نیست و قلم فصل ها با ضمایم کتاب ناهمگون می باشد.
۴. گویا متن بخش ضمایم با عجله و پس از اتمام

* لازم به یادآوری است که فصل دوم اثر یاد شده که حاصل مطالعات امیر سرتیپ ۲ ستاد نصراله معین وزیری است دارای مطالب و اطلاعات جدیدی است؛ متنها بر پایه اطلاعات سابق به نگارش در آمده است.

- بخش محتوایی

انتشار چنین اثری با محتوای مندرج در آن، هر چند برای چندمین بار و با ادبیات و اطلاعات یکسان نگاشته شده است و تنها در فصل دوم به مباحث آموزشی کاربرد اصول جنگ اشاره کرده؛ با این وجود کاری ارزشمند است و جای مباهات دارد که ارتش در صدد بیان تاریخ رشادت‌های خود برآمده و فارغ از عرصه‌ی سخت‌افزاری، در حوزه‌های نرم و فرهنگی نیز ظهور و بروز کرده از دل مطالب و اسناد موجود چنین کتابی را منتشر نموده است. در همین راستا باید از همه‌ی دست‌اندرکاران چنین عرصه‌ی تقدیر و تشکر کرد.

از آن جای که اطلاق نام تحلیل عملیات طریق‌القدس این ذهنیت را به اذهان افکار عمومی جامعه متبادر می‌سازد که این مجموعه تازه انتشار یافته در صدد بیان همه‌ی اطلاعات مربوط به آن نبرد افتخار آفرین ملی می‌باشد و از منظر صرف صنفی دوری گزیده و قرار نیست که به تحلیل عملکرد صرف ارتش در عملیات طریق‌القدس مبادرت ورزد، از این رو اشکالات اساسی بر محتویات کتاب وارد است که به بخش‌هایی از آن بدین ترتیب اشاره می‌شود.

۱. با وجود این که در بخش‌های ابتدای و طرح‌ریزی کتاب به موضوع شهادت فرماندهان ارتش و سپاه اشاره کرده و بحث تصدی فرمانده جدید نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مطرح شده- که مورد حمایت سپاه و فرماندهان وقت آن بوده‌اند- اما هیچ اشاره‌ای به قابلیت‌ها و توانایی‌های سپاه نشده است و تنها در صفحات ۳ و ۳۴ اشاره‌ای گذرا به موضوعات فرعی و جانبی داشته و به جای طرح مباحث اساسی، محتوایی و اصلی جلسه صرفاً به تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت دعای فرج آقا امام زمان از سوی فرمانده وقت نزاجا اشاره کرده و در بند سوم صفحه ۳۴ به درج صرف نام

افراد شرکت کننده اکتفا نموده است. در بند سوم ص ۳۳ چنین آمده است که: شور و علاقه زیادی که مسئولین سپاه برای افزایش آگاهی‌های نظامی خود نشان می‌دادند با خاطرات درج شده سپهبد شهید علی صیادشیرازی در صفحه ۳۵ کاملاً متناقض است که عنوان کرده است: «از همان روزهای اول، ارتباط مستقیم با برادران سپاه برقرار شده با فرماندهی سپاه جلسات مکرر داشتیم، دائماً در جلسات بودیم به صورت مشترک برنامه‌ریزی می‌کردیم و بعد به صورت انفرادی دنبال کار خود می‌رفتیم تا مقدمات عملیات را آماده کنیم». چنانچه از محتوای جملات بر می‌آید کار هر دو سازمان دوشادوش و هم‌پای یکدیگر و در کمال صمیمیت و بدون رجحان یکی بر دیگر از زبان آن شهید سعید بیان شده که در ادامه نیز چنین آورده است:

"جلسات مشترک ستاد تشکیل شد ما ستاد خودمان را از چهره‌های متخصص و زمینه‌دار و متعهد که در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد تدریس می‌کردند تشکیل دادیم، برادران سپاه هم از بچه‌های خوب و آماده و با استعداد استفاده کردند. در نتیجه روی این هدف که کجا تک کنیم بحث کردیم."

چنان‌چه مشخص است تعبیر بکار رفته پدید آورندگان کتاب تحلیل عملیات طریق‌القدس با فرمانده وقت نیروی زمینی کاملاً متفاوت است و هنوز با گذشت ۳۰ سال از آن دوران پر شکوه ادبیات اشاعه یافته از سوی صاحب‌نظران ارتش همان رویه و صف‌بندی‌های مرسوم آن دوران را دنبال و تأیید می‌کند.

۲. از آن جایی که عملیات طریق‌القدس در راستای استراتژی جدید دفاعی و اولین گام نبردهای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. در این کتاب اشاره واضحی به مباحث معطوف بدین موضوع به صورت مستقل و مبسوط نشده است و دلیل آن به روشنی عیان نمی‌باشد.

ترتیب به نام کربلای ۲، ۳، ۴ و... بوده به همین ترتیب تا کربلای ۱۲ یعنی ۱۲ عملیات آفندی بر علیه عراق پیش‌بینی می‌کنیم و فعلاً طرح‌های کربلای ۱، ۲ و ۳ را در تقدم طرح‌ریزی و اجرا قرار می‌دهیم که به ترتیب در منطقه غرب سوسنگرد غرب کرخه و غرب کارون خواهند بود.»

۴. مطالب کتاب به ترتیبی در مبحث طراحی عملیات شکل و قوام یافته که گویی سپاه تابعی از ارتش بود و دستور جزء به جزء لشکر ۱۶ زرهی با عنوان ولی‌اله را اجرا می‌کرد و در واقع مشارکت سپاه در طراحی صرفاً محدود به اطلاع از فعالیت‌های ارتش شده است.

۵. چرا نگارندگان کتاب به درج دیدگاه‌های گوناگونی که بین فرماندهان ارتش و سپاه در جلسات وجود داشت و اختلاف نظر عمیق آنان هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند و این که فرماندهان وقت سپاه اصرار به انجام عملیات در محدوده‌ی دشت آزادگان و غرب سوسنگرد و آزادسازی بستان داشته‌اند و در بین فرماندهان و مسئولان ارتش طیف نظرات گوناگونی وجود داشت.

۶. نقش فرماندهان سپاه صرفاً محدود به نام‌گذاری سلسه نبردها و عملیات طریق القدس شده است و از کم و کیف و دلایل آن نیز هیچ نکته‌ای به میان نیامده است، این نکته نیز در بند ۳ صفحه ۳۹ درج شده و نقش حسن باقری در مباحث دامنه‌دار عملیاتی صرفاً در حد تغییر نام طرح مانور از "ولی‌الله" به کربلا اشاره شده است، که قبلاً بدان اشاره گردید.

۷. به جزئیات سوابق عملیاتی منطقه و نقش سپاه در این نبردها اشاره‌ای مناسبی نشده است.

۸. نقش و تأثیر شناسایی‌های سپاه در تعیین طرح مانور عملیاتی به ویژه در محور شمال کرخه که اتفاقاً با موفقیت کامل نیز قرین بود بسیار ناملموس و کم رنگ در این اثر درج شده، و هم‌چنین از وجود

۳. با وجود استناد به مطالب و خاطرات سپهبد شهید علی صیادشیرازی مبنی بر این که گروه‌هایی از سپاه و ارتش مسئولیت طراحی عملیات طریق القدس را به صورت همزمان به عهده گرفتند و مقرر شد قرارگاه نیروی زمینی هماهنگی لازم را با عناصر مسئول رده بالای سپاه پاسداران در این امر به عمل آورد، نکته بارزی به صورت مشخص درج نشده است. در این خصوص در بند سوم صفحات ۳۹ بلافاصله بعد از درج خاطرات چند صفحه‌ای از شهید بزرگوار سپهبد علی صیادشیرازی و بدون اشاره به اختلاف نظرهای بین سپاه و ارتش و هم‌چنین مابین ارتش مبنی بر انجام عملیات در چند جبهه فقط به تهیه و ارائه طرح مانور لشکر ۱۶ زرهی قزوین اشاره شده و در سناریوی تنظیمی کتاب مطالب به گونه‌ای درج گردیده که نیروهای سپاه در واقع منفعل و تابع نظرات ارتش بوده‌اند و پس از این که در جریان امور قرار گرفتند تنها برای همراه بودن و هماهنگی لازم صرفاً پیشنهاد تغییر نام عملیات را به صورت مستقل داده‌اند که پس از اطلاع فرمانده نیروی زمینی این امر مورد موافقت ایشان قرار گرفته است.

به طوری که در بند سوم صفحه ۳۹ چنین درج شده است:

این طرح عملیاتی "ولی‌الله" نام‌گذاری شده بود و در شور ستاد مشترک ارتش و سپاه مطرح گردید. قبل از هر چیز پاسدار حسن باقری (شهید حسن افشردی) مسئول اطلاعات سپاه اعلام داشت که بهتر است برای طرح نام کربلا انتخاب شود. این پیشنهاد بدون درنگ مورد موافقت فرمانده نیروی زمینی ارتش قرار گرفت و در ادامه چنین مطالبی درج شده: «چون عملیات متعددی در جبهه‌های جنوب و غرب بر علیه دشمن پیش‌بینی می‌گردد، لذا یک شماره ترتیب هم به طرح اضافه می‌کنیم تا از یکدیگر مشخص شوند و لذا طرح جاری به عنوان اولین طرح عملیاتی ارتش و سپاه به نام طرح کربلا ۱ و طرح‌های عملیاتی بعدی به

از فصل دوم موضوعی در خصوص پیشنهاد سپاه درج شده مبنی بر این که «از سوی سپاه پاسداران پیشنهاد گردید که ختم عملیات کربلای ۱ اعلام شود. این پیشنهاد مورد موافقت فرمانده نیروی زمینی قرار نگرفت.» که این بخش از اطلاعات کاملاً اشتباه می‌باشد و هیچ‌گونه مستنداتی مبنی بر آن وجود ندارد. اساس چنین موضوعی روشن نیست و استناد آن در سایر کتاب‌های منتشره ارتش نیز بدون ارجاع به مدارک یا سوابقی به نگارش در آمده است. شایسته است در صورتی مستندات معتبری وجود دارد بدان اشاره شود و صرف درج حدسیات و اقوال بدون اعتبار دیگران نمی‌توان پایه معتبری برای ارائه مباحث یاد شده باشد.

بنابراین در صورت عدم وجود مستنداتی باید این جمله حذف شود و به ترتیب شایسته اصلاح گردد. بر اساس اسناد و مدارک موجود در این مرکز و دستورات فرمانده کل سپاه و سایر مسئولان ذیربط سپاه در صدد گسیل نیروهای تازه نفس برای اتمام مراحل نبرد بوده است.

این موضوع مربوط به حمله عراق به تنگه چزابه در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ می‌باشد که از سوی محسن رضایی فرمانده کل سپاه خطاب به غلامعلی رشید بیان شده که: «دشمن از منطقه عملیاتی آینده نیروهای مسلح ایرانی مطلع شده و با حيله و پیش‌دستی در صدد است تا با پاشیدن سازمان رزم از چنین اقدامی (عملیات گسترده نیروهای ایرانی) جلوگیری کند» اتفاقاً چنین پیش‌بینی نیز درست از آب در آمد و برغم صرف ۳۰ گردان از سوی سپاه با فرماندهی حسن باقری در منطقه عملیاتی دشت آزادگان سایر فرماندهانی نظیر غلامعلی رشید به منطقه عملیاتی فتح‌المبین به منظور آماده شدن برای نبرد آینده، عزیمت کردند. اگر چنین موضوعی صحت داشت چرا براساس خاطرات سپهبد شهید علی صیادشیرازی مندرج در صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶ این اثر

فرماندهانی شاخصی نظیر حسن باقری و سیدعلی حسینی که به اذعان فرماندهان وقت یگان‌های ارتش (امیر لطفی فرمانده لشکر ۱۶ زرهی، امیر بهرامی فرمانده تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی، امیر مهدی رادفر، امیر ایرج جمشیدی و ...) در همایش ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ این مرکز در خصوص عملیات طریق‌القدس منحصراً به فرد و تعیین کننده به صورت ملموس و تعیین کننده‌ای نامی به میان نیامده است.

۹. در بخش‌های گوناگون (از مرحله طراحی تا اجرا) این اثر انتشار یافته ارتش آمار نیروها، استعداد سازمان رزم سپاه در شمال و جنوب کرخه به وضوح بیان نشده است و صرفاً به درج آمار و طرح مانور کلی اکتفا شده است.

۱۰. در مبحث طرح ریزی (ص ۶۹) نام رحیم صفوی به عنوان فرمانده تیپ ۴ امام سجاد^(ع) درج شده است اشتباه است و فرد دیگری تصدی این مسئولیت را عهده‌دار بوده‌اند و در پاورقی همان صفحه وجود و هویت چنین مکانی را کان‌لم‌یکن تلقی کرده و آن را تحت امر تیپ امام حسین^(ع) قرار داده است که این موضوع نیز صحت ندارد.

۱۱. در بخش اجرای عملیات (مطالب صفحات ۹۰ الی ۱۳۴) اشاره بسیار کم رنگی به عملکرد یگان‌های سپاه دارد و در خصوص عملکرد گردان‌های زرهی ارتش که در واقع دنبال پشتیبان نیروی زمینی یگان‌های سپاه بوده‌اند تا اندازه‌ای به جزئیات کار آنان اشاره شده اما درباره‌ی عملکرد گردان‌های زمینی سپاه - که مأموریت خطیر و اصلی خط‌شکنی را به عهده داشته‌اند و حماسه‌های بسیاری را آفریده‌اند - مطالب کلی و مبهم در این کتاب درج شده است یا این که مطالب مندرج در اثر یاد شده فاقد آمار و اطلاعات دقیق و مکفی برای مخاطبان می‌باشد. در عین حال به عملکرد یگان‌های زرهی و مکانیزه سپاه نیز اشاره مشخصی نشده است.

۱۲. در صفحه ۱۱۰ بخش سوم اجرای عملیات

ستودنی است و انتظار می‌رود تا با خلق آثاری بدیع و پرهیز از صنفی‌گری به حریم‌های ملی نزدیک شوند و بتوانند به بیان حقایق برای نسل کنونی و آینده به شایستگی و درج هم‌ی زوایای نبرد اقدام فرمایند.

به تلاش مشترک نیروهای سپاه و ارتش در قرارگاه منتظران شهادت (گلف) به وضوح اشاره شده است. ۱۳. برخی اسامی افراد سپاه و ارتش و حتی درجات آن به اشتباه درج شده است. ۱۴. بخش شرح عملیات در مجموع بسیار ناقص و ابتر درج شده و حماسه‌های نیروهای شرکت‌کننده به ویژه سپاه و بسیج در آن مغفول مانده است. ۱۵. فصل دوم کتاب تا اندازه‌ای با سایر آثار منتشره ارتش در خصوص عملیات طریق القدس تفاوت دارد اما نیاز به درج مصادیق گوناگون دارد که این مهم صرفاً با ارجاع هر یک از اصول جنگ به مباحث فصل اول اکتفاء شده است. ۱۶. هر یک از موضوعات فصل دوم فاقد یک چارچوب و سناریوی مشخص است. ۱۷. در برخی از موارد فصل دوم به درج حداقل مطالب نظیر مبحث سرعت عمل و کاربرد عوامل غیرمنتظره و... اشاره شده است.

در مجموع می‌توان اذعان داشت که اثر تهیه شده فاقد گرایش ملی است و تنها به بیان عملکرد ارتش در عملیات طریق القدس اقدام کرده است که با وجود تلاش پدیدآورندگان اثر از جامعیت لازم و اطلاعات کامل برخوردار نمی‌باشد.

اما نمی‌توان به جایگاه این اثر در بین سایر آثار ارتش و نوآوری جدیدی که با عزم و اراده امیر سرتیپ ۲ ستاد نصرت‌اله معین‌وزیری به نگارش در آمده در فصل دوم به نگارش در آمده منکر شد و تلاش و اهتمام همه‌ی فرماندهان و پژوهش‌گران و اهالی قلم ارتش جمهوری اسلامی ایران برای درج وقایع مقطعی از جنگ را باید ستود اما امیدواریم از نگرش و گرایش صنفی دور و به شاخص‌های ملی نزدیک گردند. در عین حال تلاش پیشکسوتان و حماسه‌سازان صحنه‌های نبرد در قالب آثار این‌چنینی



[illegible]

weapons and intensified using these weapons after the liberation of Khorramshahr and the Iranian entrance into the Iraqi territory, in particular. In other words, after alteration the balance of powers in favor of Iran, the Iraqis attacked the operational areas and urban regions of Iran to prevent its own defeat and destruction of its combat organization. So after 1982, Iraq used the chemical weapons following each advancement of the Iranian Islamic combatants in fronts. Using these weapons lead to the serious damages such as decreasing the forces capabilities during the operation, psychological damage at the community level, slowing the advance of troops and etc. on the other hand, the Iraqi forces also did not suffered casualties due to lack of direct confrontation with the Iranian forces.



6. Right of Legitimate Defense; Nature and Its Place in the Eight Years of Sacred Defense

Leila Nemati

Abstract:

The principle of "legitimate defense" allows the nations to use the military to defend their territorial integrity according to the criteria "Necessity and Proportionality" and observing the limits therein. In this article, it has been tried to explain and analyze the legal dimensions of applying the legitimate defense principle by Iran during the imposed war with emphasize on the international certainties. In the first part, we explain the legal nature, definition and implementation of the right of legitimate defense, and also study the legal documentation and the range of legitimate defense in international law. We continue to consider the legitimate defense in Islam and in international law comparatively. In the second part, the situation of the legitimate defense in Iraq war against Iran will be studied historically and the reasons and basics for the legitimacy of Iran self-defense will be explained as well.



7. Interview with Lieutenant General Ra'ad al-Hamdani

Translated by: Abdolkarim Salmani

Abstract:

Staff Lieutenant General Ra'ad Hamdani has participated in ١٩٧٣ October War, imposed war against Iran, invasion of Kuwait by Iraq, and the U.S. war against Iraq which eventually led to the occupation of Baghdad by the Americans. Now he is one of the defeated escapees of Iraqi Ba'ath regime living in Jordan. In his ٢٦ minutes interview with the Russia Today TV Net, he has sometimes noted to his book "Before leaving us the history" which published in ٢٠٠٩ and introduced here two years ago.

[illegible]

3. Studying the Iran-Iraq Relations since the Victory of the Islamic Revolution of Iran up to Hassan Al-Bakr Resignation

Hojjatollah Karimi

Abstract:

The emergence of the Islamic Revolution and the establishment of a new regime in Iran created two different views amongst the Iraqi rulers; the first view was related the fall of Pahlavi. So, the revolution in Iran was seen as an opportunity for the Iraqi military and political decision-makers. The main reason for such point of view was the loss of political, military and economic power of Iran after the revolution which was a natural outcome of every revolution. But the second view was related to the establishment of the new system. Such attitude of the religious nature was an outcome of the Iranian Revolution and from the internal situation in Iraq. From this point of view, the new Iranian regime was considered a threat by the Iraqi leaders.



4. Imam Khomeini's remarks in the course before of the Operation Kheiber (Nov. 1983–Feb.1984)

Dr. Hossien Ardestani

Abstract:

As the leader of the Islamic Revolution, Imam Khomeini explained the general principles of the Revolution and the Islamic System in different periods and in the war era, in particular. He determined the Islamic Republic positions, mobilized the people to enhance the fronts, stabilized the community in favor of the battle-field, and encountered the enemy psychological operations. Furthermore, Imam in his other remarks sought to prepare the people psychologically to resist against the problems in the period of Holy Defense, introduce the infallible Shia Imams as the actual patterns in this connection, as well as support and gratitude of the combatants and commanders morally. In the course before the Operation Kheibar -Nov. 1983–Feb.1984- Imam emphasized on some important subjects in his remarks which covered the war itself as well as the internal politics. These subjects have been studied in this paper briefly.



5. Geopolitical Strategy of Chemical Attacks and Balance of Power in the Iran-Iraq War

Chamran Bouye

Elham Behnamzadeh

Abstract:

The war is a scene for the encountering various strategies adopted by each engaged side to overcome each other. During eight years of war between Iran and Iraq, each country adopted various strategies to reach the victory and defeat the other side. Meanwhile, one of the Iraqi strategies was to apply the chemical

Abstracts

Essays



1. Imam Khomeini's Historical Decision

Dr. Hossien Ardestani

Abstract:

This article studies Saddam's proposal to negotiate with the Iranians after his all-out invasion of Iran and when a large part of Iran's territories had been occupied by the Iraq; a proposal which was rejected by the Islamic Republic Leader, Imam Khomeini.



2. Operation Muslim Ibn Aqil

AliReza Lotfollahzadegan

Abstract:

After the cessation of Operation Ramadan in the east of Basra and with regard to the Iraqi strong fortifications in the border areas of Khuzestan as well as the lack of a confident operational procedure to realize the victory in that area, the friendly forces planned the Operation Muslim Ibn Aqil to put the Iraqi rulers under pressure and liberate parts of the occupied territories to gain a political and propagandist supremacy over Iraqis and take the operational initiative. In accordance to the plan, the operation was supposed to be implemented in Kermanshah Province, in general areas of Sumar (between two border towns of Naftshahr and Mehran) against one of the Iraqi border cities. The success in this operation could liberate 22 kilometers of the border heights between Salmankoshteh and Giskeh as well as a region including Sunwapa heights and 328-363 heights of Kohnerig, Koomesharif, Dolesharif and Miantang outpost. Furthermore, the Iraqi town of Manadli in 12 kilometers distance of the border heights would put under observation and in range of friendly forces.

Contents

Articles

Imam Khomeini's Historical Decision

5

✍ Dr. Hossien Ardestani

Operation Muslim Ibn Aqil

9

✍ AliReza Lotfollahzadegan

Studying the Iran-Iraq Relations since the Victory of the Islamic Revolution of Iran up to Hassan Al-Bakr Resignation

23

✍ Hojjatollah Karimi

Imam Khomeini's remarks in the course before of the Operation Kheiber (Nov. 1983–Feb.1984)

47

✍ Dr. Hossien Ardestani

Geopolitical Strategy of Chemical Attacks and Balance of Power in the Iran-Iraq War

57

✍ Chamran Bouye
✍ Elham Behnamzadeh

Right of Legitimate Defense; Nature and Its Place in the Eight Years of Sacred Defense

71

✍ Leila Nemati

Interview with Lieutenant General Ra'ad al-Hamdani

87

✍ Abdolkarim Salmani

Book Analysis

Review the Conference: Susangerd Resistance in Dasht-e Azadegan Regoin

95

Considering the Role of 14th Imam Hussein^(pbuh) Division in Operation Moharram

105

The Supreme Leader expectation of the Holly Defense Research

109

Documents and Reports

Medical in Operation Moharram

121

✍ Hassan Dorry

Book Review

The Ravian (Narrators) of the War Arena; Martyr Mohammad Reza Maleki

139

The Holly Defense Commanders; Martyr Ahmad Kazemi

140

Saddam's War: The Iraqi Republican Guard Commander's Perspective

141

Kurdistan in the War; counterinsurgency and Holly Defense

144

Book Analysis and Study

The Analysis and Study of the Book "The Analysis of Operation Tariq ol-Qods"

145

✍ Amir Razaqzadeh



The Quarterly on Sacred Defence

NEGIN IRAN

Vol.10 □ No.38 □ Autumn 2011

Publisher	IIRG's Sacred Defence Document Center
Executive Manager	Major General Mohammad Ali Jafari
Managing Editor	Dr. Hossein Ardestani
Editorial Board	Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hossein Alaei, Dr. Mahmood Yazdanfam, Hamid Aslani
Internal Manager	Hassan Dorri
Page Setting	Seid Hadi Khavoshi
Publishing Supervisor	Mohammad Behrozi
Address	77/ Shahid Vahid Dastgerdi (Zafar) Alley, Shariati Alley, Tehran, Iran.
Email	neginiran@gmail.com
Tel	+98 21 - 22909522
Fax	+98 21 - 22909538
Price	15000 R